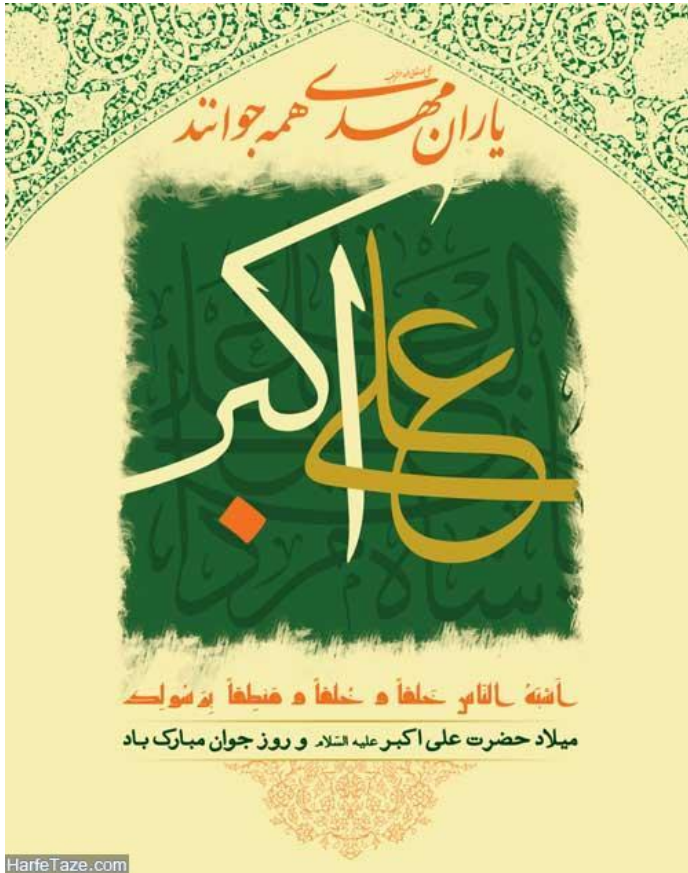


درس هایی بسیار مهم برای جوانان



محمد تقی صرفی پور



الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيد الانبياء
و المرسلين محمد(ص) و اهل بيته الطاهرين

مهم ترين قسمت از عمر هر شخصي، دوران جواني او مي
باشد. که علاوه بر اينکه در جواني نشاط و سلامت و
قدرت و انگيزه آرزو و.... دارد در اين مرحله از عمر است
که خمير مايه صفات خوب و بد و اعتقادات درست
و نادرست در او نهادينه مي گردد.

چنانچه هوشيار باشد و از اين فرصت طلايي که خداوند
در اختيار جوان قرار داده خوب استفاده کند در سنين
پيري ديگر مشكل مهمي نخواهد داشت.

در روايت است وقتي انسان به سن چهل سال رسيد اگر
صفات خوبي در او قرار داشت شيطان نگاه مايوسانه اي
به او مي کند و از گمراه کردن او نااميد مي شود! ولي اگر

در او صفات بدی قرار داشت شیطان پیشانی او را بوس
می کند و می گوید دیگر ادم بشو نیستی!

آری باید جوانان نهیت تلاش را بکار ببرند تا فضائل
اخلاقی همچون تقوا و پاکدامنی و امانت داری و ایثارگری
وراستگوئی و... در خود پرورش دهند تا اینکه این صفات
عالی در او ماندگار شود و تا زمان مرگ باقی بماند.

در این کتاب به 25 درس از درس های مهم زندگی برای
جوانان اشاره شده است امید است مورد استفاده
خوانندگان محترم قرار گیرد.

کرمانشا-بهار 1400

درس اول: نگاه!

درس دوم: زبان

درس سوم: ادب

درس چهارم: دوست و رفیق!

درس پنجم: نماز

درس ششم: اهل بیت علیهم السلام

درس هفتم: اخلاق

درس هشتم: پدر و مادر

درس نهم: ازدواج

درس دهم: خدمت به دین

درس یازدهم: عشق به خدا

درس دوازدهم: فرار از پول پرستی

درس سیزدهم: انس با قرآن

درس چهاردهم: اهل دعا و نیایش بودن

درس پانزدهم: کنترل خشم

درس شانزدهم: کنترل شهوت

درس هفدهم: دوری از شراب و مواد مخدر

درس هیجدهم: امین باشیم!

درس نوزدهم: به دیگران ظلم نکنیم

درس بیستم: علم و دانش

درس بیست و یکم: کار و تلاش

درس بیست و دوم: میانه روی در همه کارها

درس بیست و سوم: امیدواری

درس بیست و چهارم: عزت نفس

درس بیست و پنجم: نیکوکاری

درس اول: کنترل نگاه!

خداوند چشم را امانت بما داده تا با آن در حلال استفاده

نمائیم و اجازه نداریم به هر چیزی نگاه کنیم!

1- اگر چشم کنترل شود از اکثر گناهان دور می شویم

2- جایزه نگاه نکردن به حرام چند چیز است:

به فرموده امام صادق (علیه السلام)، کسی که به نامحرم

نگاه نکند، خداوند از حورالعین به او تزویج می کند.

پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم درباره نگاه

حرام فرمودند:

الَّتَطَرُّ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ فَمَنْ تَرَكَهَا خَوْفًا مِنْ
اللهِ أَعْطَاهُ اللهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حِلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ

نگاه (به نامحرم) تیر زهرآلودی از تیرهای شیطان است

و هر کس آن را از ترس خدا ترک کند، خداوند چنان

ایمانی به او عطا کند که شیرینی اش را در دل خویش
احساس کند. (بحارالانوار، ج 101، ص 38).

راحتی دل و فکر:

زدست دیده و دل هر دو فریاد...هرآنچه دیده بیند دل
کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد...زنم بر دیده تا دل
گردد آزاد

به امام زمان قول دادم...

سلام من دختری بیست سالم نمیدونم از کی کجا ایقد
ایمانم کم شد شاید از وقتی. بود ک دیپلمم گرفتم
دوستی با جنس مخالف شروع کردم اونم واسه تفریح
.پارسال تبلت خریدم انترنت پر سرعتم ک بود. نمیدونم
چی شد ک یکی از این سایتای لعنتی رسیدم شروع کردم
ب دیدن این مزخرفات هرچی تنها تر میشدم بیشتر

سمتش میرفتم بعد هر بار دیدن خودما سرزنش میکردم
 ک چرا من باید این کارو بکنم .شاید بیست باری گفتم
 نمیبینم شب قدر انقد گریه کردم از خدا اهل بیت طلب
 بخشش کردم اما فایده نداشت ماهی ی بارو سراغش
 میرفتم .تا اینکه دوماه پیش ب « امام زمان » قول دادم
 .باورتون همیشه هر بار ک میخام سراغش برم اول ب
 خودم میگم حواست باشه ب امام زمان قول دادی .همین
 الان شیطون رفته بود تو جلدم ک برم سراغ این نجسات
 اما یکی بهم گفت ب امامت قول دادی ها ادمم سرچ
 کردم بینم گنااهش چیه وقتی نظرات خوندم انگار ی اب
 سرد پاشیدن روی شعله اتیش هم پشیمون شدم هم
 خوش حال ک امام زمان هنوز منو میبینه کمکم میکنه .
 واسه ترکش بهتر ب کسی ک خیلی دوشش داری قول
 بدی سر قولت بمونی همین کافیه باور داشته باش ک
 میتونی .خدا پای تمام ارزو هات خاسته هاتو امضا کنه
 یا علی

امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام:

مَنْ غَضَّ طَرْفَهُ أَرَاخَ قَلْبِهِ؛^۱

هر کس چشم خود را [از نامحرم] فرو بندد، قلبش راحت
می شود.

نورباران تابش هفت آسمان

با شما گوید سخن پیر و جوان

گر بخواهی قلب تن راحت شود

دیده را ببرند از نا نامحرمان

و هم چنین حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: هر کس
چشم خویش را آزاد گذارد، همیشه اعصابش ناراحت
خواهد بود و به آه و حسرت دایمی گرفتار می شود.^۲

امام صادق - علیه السلام - می فرماید: چه بسا نگاه هایی
که غصه های طولانی را در پی دارد . به این معنی که

^۱ تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص 260

^۲ میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۱

چشم قوی ترین ابزار حسی است . یعنی میدان آستانه تحریک چشم از بقیه حواس بیشتر است و بیشترین تحریکات حسی را دریافت می کند و این دل است که بعد از نگاه به کار می افتد یعنی آنچه را دیده ، می بیند ، دل طلب می کند و چون امکان رسیدن به آنچه دیده شده فراهم نمی شود ؛ افسردگی و رنجوری عاید انسان می شود.

دیدن شگفتیها: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - فرمود : چشمهائتان را (از نامحرم) بپوشانید تا عجایب و شگفتیها را ببینید . **غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ تَرَوْنَ الْعَجَائِبَ**^۳ در قیامت خوشحال و مسرور است:

رسول خدا(ص) فرمود: در روز قیامت، همه چشم ها گریان اند، غیر از سه دسته: چشمی که از ترس خشیت خدا گریان

^۳ بحارالانوار، ج 101، ص 41.

باشد، چشمی که از محارم خدا و حرام ها فرو بسته شده
باشد و چشمی که در راه خدا تا صبح بیداری کشیده است.^۴

از آسیب های چشم چرانی در امان می ماند:
آسیب های چشم چرانی: چشم چرانی سبب درشتی چشم،
ضعف اعصاب و روان، بی خوابی، کم خوابی، بی
اشتهایی، خیال پردازی واهی، تشویش ذهن و اغتششات
و بیماری هایی از این دست می گردد. (مسائل درمانی و
طب درمانی، عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران، دفتر
نشر فرهنگ اسلامی، 1374 ش، ج 3، ص 258)

این رفتار ناپسند که بیشتر از مرد ها سر می زند، باعث
بروز «سادیسیم» در آنها می گردد و در زن ها که بیشتر

⁴ بحار الانوار، ج 104، ص 35 ج 18

ناشی از خودنمایی است، بیماری «ماژوشیسم» را به وجود می‌آورد. (همان)

چشم چرانی از منظر روان شناسی

روان شناسان، چشم چرانی را نوعی بیماری روانی می‌شمارند. بینایی یکی از مهم‌ترین اعضا برای تحرکات جنسی است. اگر فرد تنها از نظر - بازی برای ارضای کشش جنسی استفاده کند، دچار نوعی انحراف شده است. معمولاً شخصِ نظر باز با مشاهده و نگاه، ارضا نمی‌شود و به همین دلیل دست به استمنا می‌زند. افراد نظر باز، کنج کاوی شدیدی نسبت به دیدن اندام برهنه‌ی جنس مخالف دارند و این امر، گاهی باعث برخوردهایی بین آنان و مردم می‌شود. آنان گاهی ساعت‌ها پشت پنجره‌ها یا روی بالکن‌ها یا کنار کوچه و خیابان به نظاره گری می‌پردازند تا شاید به کام دل برسند!

چندی پیش در صفحات حوادث مطبوعات ایران خبری

:منتشر شد

مردی در تماس با پلیس در شکایت خود اعلام کرد که همراه همسر در مرکز تهران اتاقی را در یک هتل اجاره کرده بودیم. شب اول حضورمان در این اتاق متوجه سر و صدا از داخل کانال کولر شدم. وقتی به داخل کانال نگاه کردم متوجه شدم مردی در حال فیلمبرداری از من و همسر است، سریع از اتاق بیرون آمده و یکی از کارکنان هتل را دیدم که سراسیمه در حال فرار بود. پس از این شکایت، تیمی از ماموران کلانتری در محل هتل در مرکز تهران حاضر شده و کارمند هتل را دستگیر و در بررسی دوربین او چند فیلم که از زوج های جوان به صورت مخفیانه گرفته شده بود، کشف شد.

چنین ماجرای بسیار ناراحت کننده است اما واقعا این

قضیه در کجا ریشه دارد؟ چرا این فرد دست به چنین

کاری زده است؟

چشم چرانی و اعتیاد به لذت از راه نگاه عامل این کارهای
زشت بوده است.

چشمی که می خواهد جمال دلربای مهدی فاطمه را
زیارت کند نباید آلوده به گناه باشد.

چشمی که خدا به ما امانت داده اگر در گناه استفاده شود
ما در امانت خیانت کرده ایم.

ماجرای جوانی که چشم خود را از حدقه درآورد!

حضرت عیسی بن مریم (ع) و یارانش به طلب باران از
شهر خارج و وارد صحرا شدند. در آنجا، حضرت
عیسی (ع) به آنها فرمود: هرکس از شما گناهی انجام
داده است، به شهر باز گردد. پس همه مردم به غیر از
یک نفر مراجعت کردند، حضرت عیسی (ع) به او فرمود
آیا تو گناه مرتکب نشده ای؟

آن شخص عرض کرد: چیزی به خاطر ندارم؛ جر اینکه
روزی به نماز ایستاده بودم که زنی از مقابل من عبور
کرد. من به او نگاه کرده و چشمم به سوی او چرخید،
پس همین که آن زن رفت، انگشت خود را داخل چشمم
کرده و آن را بیرون آوردم و به همان طرفی که زن
رفت، پرتاب کردم
حضرت عیسی(ع) فرمود: دعا کن. من آمین می گویم
او دعا کرد و باران بارید.^۵

ازدواج هایی که با یک نگاه کردن بوجود می آید گاه با
یک نگاه کردن هم فرو می پاشد!

⁵ hawzah.net/fa/Magazine/View/4227/8149/107320

درس دوم: زبان

به لقمان گفتند بهترین عضو گوسفند را بیاور! زبان آورد.

گفتند بدترین عضو را بیاور! زبان آورد!

آری! زبان هم می تواند بهترین عضو انسان باشد اگر با

ان باعث خیر و خوبی شود و می تواند بدترین عضو

انسان باشد اگر باعث شر گردد!

زبان هم یکی از امانت های الهی است که بما داده شده تا

از ان در جهت بندگی خدا استفاده نماییم.

و اجازه نداریم هر حرفی را بزنیم. و هر سخنی را به زبان

اوریم!

چه بسا با یک سخن باعث قتل شخصی بشویم یا باعث
اختلاف بین خانواده ها گردیم یا باعث آزار واذیت
افرادی بشویم.

قرآن کریم به ما توصیه کرده که با مردم، با زبان خوش
حرف بزنیم.

قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا

به مردم خوب بگویید!

«وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ
بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا.»

بگو به بندگان من آنچه که خوبتر است بگویند که
شیطان بین آنان فساد می کند و شیطان برای انسان
دشمنی واضح و آشکار است.

(اسراء، 53)

بدترین ادم کیه؟

پیامبر فرمود بدترین ادم اون کسی است که مردم از
همنشینی با او بدشان می آید چون ادم فحاشی است!

ان من اشر عبادالله من تکره مجالسته لفحشه^۷

اری هم قران کریم و هم اهل بیت علیهم السلام به ما
سفارش کرده اند که بد زبان نباشیم بلکه خوش زبان
باشیم. همیشه حرفهایی بزنیم که باعث زیاد شدن محبت
بشود. باعث وحدت بشود. باعث دوستی بشود. عیب
دیگران را نگوییم. دیگران را سرزنش نکنیم. خوبیهای
دیگران را بگوییم و از بدیهای آنها حرف نزنیم. زبان
خود را از طعنه زدن به دیگران پاک کنیم. دیگران را با

(وسائل الشیعه، ج 2، ص 476)

زبانمان کوچک نکنیم. تحقیر نکنیم. ناسزا نگوئیم. عیب
دیگران را بر زبان نیاوریم.

در این صورت خدا از ما راضی خواهد بود چون با زبان
دیگران را اذیت نکردیم..

ولی کسی که با زبانش دیگران را اذیت می کند و مردم
از زبان او بیم دارند او ادم بدی هست.

باید زبان خود را عادت بدهیم به اینکه مطالب خوب
بگوئید. و از زشت گویی پاک باشد از حرفهای بی فایده
دور باشد. و بلکه حرفهایی بزند که خیر باشد. به نفع مردم
باشد. و این حق زبان به گردن صاحبش است.

بیایید خوش زبان باشیم

خوش زبانی یک دنیا معنی دارد. انسان با زبانش می تواند
بهترین سخنهارا بگوید و با زبانش ایجاد محبت
وصمیمیت کند . افرادی را هدایت نماید . علم بیاموزد .

نصیحت کند . با خدا راز و نیاز نماید و دهها کار مفید انجام دهد .

خوش زبانی به این است که زبانش برای دیگران خیر و خوب باشد. با زبانش واسطه ازدواج دونفر بشود. با زبانش بین افرادی که اختلاف دارند وساطت کند

خوش زبانی به این است که با فرزنداناش با لطافت و زیبایی و نرمی حرف بزند. با همسرش با خوبی حرف بزند. با والدینش با محبت حرف بزند.

پیامبر ما که الگوی حسنه هستند خوش زبان بودند و هرگز از حضرتش حرف نامناسبی نشنیدند. حتی نسبت به دشمنانشان نیز حضرت با نرمی سخن می گفتند.

شخصی که منکر خدا بود پیش یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام رفت تا با او بحث کند. اون فرد صحابه وقتی شنید که این فرد وجود خدا را انکار می کند عصبانی شد و سر او داد کشید و با تندی با او برخورد کرد. این فرد منکر خدا گفت شما اینقدر تند می شوید

ولی رئیس شما جعفر بن محمد هیچوقت به ما تند
نمیشود و با محبت با ما حرف می زند و با دلیل قانع
کننده با ما سخن می گوید

ما هم باید یاد بگیریم و اگر جوانی در مسائل اعتقادی
شبهه دارد با محبت و با دلیل قانع کننده با او حرف بزنیم
و این هم یکی از معانی خوش زبانی است

همچنین اگر خانم بدحجابی دیدیم با زبان خوش او را
نهی از منکر بکنیم

و خلاصه طبق بیان امام حسن عسکری علیه السلام حتی
با مخالفین هم با زبان خوش با آنها حرف بزنیم

بدزبانی نسبت به همه کس و همه چیز ممنوع

ناسزا گرفتن حتی به موجودات بی جان نیز بد است؛ چرا

که زندگی خودمان را تهدید می کند. پیامبر اکرم (صلی

:الله علیه و آله و سلم) می فرماید

لا تسبّوا الرياح فإنّها مأموره و لا الجبال و لا الساعات و لا

الاّيام و لا اللّیالی فتأثّموا و یرجع الیکم^۸

به بادها ناسزا نگوئید؛ چرا که آن‌ها مأموریت خود را

انجام می‌دهند. به کوه‌ها، ساعت‌ها، روزها و شب‌ها ناسزا

نگوئید که مرتکب گناه می‌شوید و ناسزا به خودتان بر

می‌گردد.

این جا، موجودات بی‌جان، هدف تیر ناسزا قرار

می‌گیرند؛ اما نتیجه منفی آن گریبانگیر جاندارانی

می‌شود که ناسزا می‌گویند.

در روایت دیگری آمده است:

لا تسبّوا الاموات فتؤذوا الاحیاء^۹

به مرده‌ها ناسزا نگوئید؛ چرا که شما با این کار خود

زنده‌ها را اذیت می‌کنید». از زندگی مسالمت‌آمیز با آنان

^۸ مجدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۷۸

^۹ مجدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۷۸

فاصله می گیرید و در نتیجه به تنش گرفتار می شوید. اگر
به زنده ها ناسزا بگویید، مستقیماً به میدان دشمنی و ستیز
قدم نهاده اید و آشکارا وارد صحنه ی کارزار شده اید.

درس سوم: ادب

جوان با ادب جواهر است و خیلی قیمت دارد و بر عکس
جوان بی ادب، از خاک هم بی ارزش تر است!

پیش ارباب خرد مایه ایمان **ادب** است

بی «**ادب**» را به سماوات بقا منزل نیست

دامن عقل و **ادب** گیر که در راه یقین

آدمیزاده اگر بی **ادب** است آدم نیست

اسلام ادب اموختن به فرزندان را به پدر واگذار کرده
است. و پدر وظیفه دارد به فرزندان ادب بیاموزد.

اگر دیدید یه جوان یا یه میانسال یه یه پیر مرد با
دیگران دعوا می کند و فحاشی می نماید بدانید در کودکی
ادب نیاموخته است!

به چند نمونه از ادب برخورد پیامبر با دیگران اشاره
می کنیم:

«رسول خدا با هر کس روبه رو می‌شد، سلام می‌داد، هم به کوچک، هم بزرگ.» [۱۰]

هیچ گاه پای خود را پیش کسی دراز نمی‌کرد. هنگام نگاه، به صورت کسی خیره نمی‌شد، با چشم و ابرو به کسی اشاره نمی‌کرد، هنگام نشستن، تکیه نمی‌داد. [۱۱]

وقتی با مردم دست می‌داد و مصافحه می‌کرد، هیچ گاه دست خود را عقب نمی‌کشید، تا طرف مقابل دست خود را بکشد. هیچ خوراکی را مذمت نمی‌کرد. [۱۲] به هیچ کس دشنام و ناسزا نمی‌گفت و سخن ناراحت کننده ای بر زبان نمی‌آورد و بدی را با بدی پاسخ نمی‌گفت. زیر انداز خود را به عنوان اکرام، زیر پای کسی که خدمتش می‌رسید پهن می‌کرد. [۱۳] از روز بعثت تا دم مرگ، هرگز در حال تکیه دادن غذا نخورد. [۱۴] هدیه افراد را

¹⁰ طباطبائی، مجد حسین، سنن النبی، ص ۱۱۸

¹¹ طباطبائی، مجد حسین، سنن النبی، ص ۱۳۳

¹² طباطبائی، مجد حسین، سنن النبی، ص ۱۲۰

¹³ طباطبائی، مجد حسین، سنن النبی، ص ۱۳۴

¹⁴ مجلسی، مجد یاق، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷

(هر چند اندک و ناچیز) قبول می کرد. بیشتر اوقات، رو به قبله می نشست. [۱۵] زانوهایش را پیش اشخاص، باز نمی کرد و بیرون نمی آورد. بر تندخویی غریبه ها در سؤال و درخواست و سخن صبر می کرد. هیچ کس را ملامت و سرزنش نمی کرد و در پی کشف اسرار دیگران نبود. [۱۶]

خنده هایش تبسم بود و هرگز قهقهه سر نمی داد. [۱۷] بسیار شرمگین و باحیا بود. سخن کسی را قطع نمی کرد. از جلوی خودش غذا می خورد. کار افراد را به هر شکلی راه می انداخت و... [۱۸]

لاجرم پیشه مردان سخندان **ادب** است

در سماوات بقا منزل مردان **ادب** است

بر سر گنج وجود تو نگهبان **ادب** است

¹⁵ مجلسی، مجد یاقر، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۷.

¹⁶ طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۱۷.

¹⁷ طباطبائی، مجد حسین، سنن النبی، ص ۱۳۴.

¹⁸ اقتباس از سایت حوزه نت.

فرق در جنس بنی آدم و حیوان **ادب** است

بعضی با زیرپوش میاند دم درخانه!...اخیرا با تقلید از

فرهنگ منحط و پست غرب! بعضی مردها با شلوارک!

تو کوچه میاند!

بعضی مردها و پسرها طوری شلوار می پوشند که وقتی

برای کاری خم میشوند نصف پشت و باسن انها پیدااست

مخصوصا تو خیابونا!

بعضی دخترها تو کوچه و خیابان در حال بستنی خوردن

میاند!

یا اقایی هیکلی در خیابان مثلا پرتقال می خورد و پوست

ان را همانجا می اندازد!

در حالی که در روایت است خوردن در حال راه رفتن از

پستی است!

جلو آدم بزرگی که در مجلس نشسته نباید بی ادبی

کرد...امام هادی علیه السلام دید جوانی در مجلس می

خنده می کند در این هنگام حضرت هادی علیه السلام رو
به او کرد و فرمود: «در خنده زیاده روی می کنی و از یاد
خدا غافل هستی، در حالی که سه روز بعد در قبرستان
خواهی بود...»^{۱۹}

جوانهای بی ادب! تو مراسم سر غذا دعوا می کنی! افراد
بی ادب در مراسمی که غذا توزیع می کنند دعوا و نزاع
درست می کنند!

تو کوچه آب دهان می اندازند!

تو محل کار پاشو رو میز اداری میذاره!

گیس و گیس کشی در خیابان!

گاهی دیده شده زنها و دخترها تو خیابون گیس و گیس
کشی راه می اندازند و کلیب و فیلم انها را گرفته در
فضای مجازی می گذارند.

¹⁹ بحار الانوار، ج ۵۰، ص ۱۸۱، ح ۵۷.

دخترها جلو برادر و پدر لباسهای تنگ و خیلی بی می
پوشند! درحالی که خیلی ها می گفتند ما تو عمرمون موی
سر مادرمون رو ندیدیم چون همیشه پوشیده بودند!

خنده در تشییع جنازه و مراسم ختم بی ادبی است!

یکی بود سر سفره فین می کرد

یه مومنی بود وقتی در مهمانی شرکت می کرد هنگامی
که غذایش را تمام می کرد سر سفره فین بلندی می کرد!

که این کار زشت و خلاف ادب است.

به خانه مردم نگاه می کند

وقتی در کوچه و خیابان می رویم اگر در خانه ای باز
است نباید به داخل آن نگاه کنیم این خلاف ادب است.

به دخترها متلک می گوید

جوانانی که به دخترها متلک می گویند جزو افراد بی
ادب هستند!

ایستاده ادرار کردن از بی ادبی است!

موقع خوردن غذا صدای بی معنی درآوردن از بی ادبی
است!

. اگر کسی هنگام عطسه، آب دهان به سفره و صورت
بپفکند، یا به طرز مشمئز کننده ای غذا بخورد، یا به جای
تقدیم دو دستی نامه و وسیله و ابزار، آن را پرت کند یا
حتی یک دستی بدهد، یا هنگام مطالعه شما، سر و صدا
کند، یا هنگام خلوت، سر زده وارد اتاقتان شود، و اجازه
ورود نگیرد، اینها نمونه هایی از مراعات نکردن ادب
اجتماعی است!

آروغ زدن

بعضی خانم ها جلو شوهر آروغ می زنند!!! این باعث تنفر
شوهر از زن میشود!

در پایان این درس:

هم نیکان الگوی نیکی اند، هم بدان سر مشق بدی برای
غافلان. اما عاقلتر کسی است که از بدیهاراه خویبها را می
آموزد. این همان حکمتِ لقمانی است که از فرزاندگی او
:سر چمشه می گیرد. به قول سعدی

«لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی ادبان،
که هر چه از ایشان در نظرم ناپسند آمد، از فعل آن
پرهیز کردم!»

درس چهارم: رفیق!

اکثر معتادها بوسیله رفیق بد معتاد شدند!

مساله داشتن دوست و رفیق در سعادت و شقاوت انسان بسیار موثر است. همانطور که در قرآن کریم آمده که عده ای در قیامت می گویند ای کاش با فلانی رفیق نمی شدیم. او ما را از راه حق و از یاد خدا دور کرد.

رفیق می تواند انسان را بهشتی کند یا انسان را جهنمی نماید!

بسیاری از افراد معتاد گفتند رفیق ما را معتاد کرد! برخی از افرادی که گناهان جنسی مانند استمناء می کنند گفتند رفیق ما را به این کار معتاد کرد!

افرادی که در باندهای فساد یا باندهای سرقت و امثال ان گرفتار شدند می گویند رفیق مارا به این کار واداشت.

افرادی که جذب منافقین شدند یا ضد انقلاب هستند .

برخی بخاطر دوستان ضد انقلاب و ضد نظام، در صف دشمنان نظام قرار گرفتند!

حتی افرادی که در جوانی کشته شدند برخی بخاطر دوست نامناسب مرده اند. یک نفر **از دوستان روحانی** می گفت پسر من یک هفته مانده به مراسم عقدش. با دوستانش برای تفریح به جنگل رفت و زنده برنگشت و مرگش مشکوک است. و مادرش خیلی بیقراری می کند. مواظب دوستان فرزندانمان باشیم!

دختر خانمی که معتاد به شیشه بود می گفت دوست آرایشگری دارم. وقتی برایش از مشکلات زندگیم گفتم من رو تشویق کرد شیشه بکشم و من معتاد شدم!

یه روز اقای با گریه پیش من امد و گفت چند روز است
خورد و خوراک بر من حرام شده است! علت را پرسیدم
گفت دوستم به من خیانت کرده و با زخم ارتباط نامشروع
داشته است! حالا من با دوتا بچه که از زخم دارم چه
کنم؟ آیا طلاقش بدهم؟ یا راه دیگری؟ گفتم الان وضعیت
زنت چه جوریه؟ گفت از پشیمانی و ناراحتی دوباره
خودکشی کرده است والان یک نفر را گذاشتیم تا
مراقبش باشد تا خودش را نکشد!

تو خیابون می رفتم یه دفعه یه اقای با عجله از اون ور
خیابون امد و خودش رو به من رسوند و گفت پنجاه
ساله. تا الان خودمو حفظ کردم ولی دیشب جایی مهمون
بودم به زور بم یه استکان عرق دادند خوردم! حالا چکار
کنم؟ گفتم توبه کن! اگرچه تا 40 روز اعمال قبول نیست.
حضرت علی علیه السلام فرمود:

با خوبان معاشرت کن تا از آنان باشی و از بدان دوری
کن تا از آنان نباشی^{۲۰}

پیامبر خدا فرمود:

آدمی بر آیین دوست خود است پس بنگرید با که
دوستی می کنید^{۲۱}!

حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

از رفاقت و دوستی با دروغگو پرهیز ، زیرا چنین ::
کسی مانند سراب است^{۲۲}

نهج البلاغه (صبحی صالح) نامه 31 ، ص 402

20

امالی (طوسی) ص 518

21

از دوستی با شخص تنگ نظر دوری کن ، زیرا او برای ::
حفظ ثروت خود تو را تنها خواهد گذاشت^{۲۳}

از دوستی با فاسق(شخص سست ایمان) بر حذر باش ::
چه او تو را به یک شکم خوراک یا کمتر از آن می
فروشد^{۲۴}

از دوستی با تهی مغز و احمق پرهیز چه او می خواهد ::
سودی به تو برساند ولی زیان می رساند^{۲۵}

تحف العقول ص 278

22

روضه بحار ص 137

23

تحف العقول ص 278

24

از دوستی با گناهکاران و کمک به ستمکاران دوری ::

کنید^{۲۶}

با افراد نامرد رفیق نشوید که باعث بدبختی شما می

شوند!

داستان رفیق نامرد و خرس

شخصی رفیقی داشت که دائم منم منم می کرد و می
گفت تا منو داری هیچ غم نخور! روزی باهم جنگل رفتند
ناگهان خرسی پیداش شد. این رفیقی که منم منم می
کرد فوراً از درختی بالا رفت و رفیق خودش رو تنها
گذاشت. این شخص هم دید الان خرس می رسه دراز

تحف العقول ص 272

25

روضه بحار ج 2 ص 151

26

کشد و خودش رو به مردن زد. خرس بالا سرش امد و
صورت و گوشش رو بوکرد و رفت! اون ادم نارفیک از
درخت پایین امد و به رفیقش به شوخی گفت خرس بالا
سرت اومد چی بت گفت؟ رفیقش گفت خرس میدونی
چی گفت؟ گفت با ادم نامرد رفیق نشو!

خاطرات دو دوست قدیمی

دو دوست قدیمی در حال عبور از بیابانی بودند . در حین
سفر این دو سر موضوع کوچکی بحث میکنند و کار به
جایی میرسد که یکی کنترل خشم خودش را از دست
. میدهد و سیلی محکمی به صورت دیگری میزند
دوست دوم که از شدت ضربه و درد سیلی شوکه شده
بود بدون اینکه حرفی بزند روی شنهای بیابان نوشت : ”
امروز بهترین دوست زندگیم سیلی محکمی به صورتم
زد . ”

آنها به راه خود ادامه دادند تا اینکه به دریاچه ای رسیدند
. تصمیم گرفتند در آب کمی شنا کنند تا هم از حرارت و
گرمای کویر خلاص شوند و هم اتفاق پیش آمده را
. فراموش کنند

همچنانکه مشغول شنا بودند ناگهان همان دوستی که
سیلی خورده بود حس کرد گرفتار باتلاق شده و گل و
لای وی را به سمت پایین میکشد . شروع به داد و فریاد
کرد و خلاصه دوستش وی را با هزار زحمت از آن
.مخمصه نجات داد

مرد که خود را از مرگ حتمی نجات یافته دید ، فوری
مشغول شد و روی سنگ کنار آب به زحمت حک کرد :
” امروز بهترین دوست زندگیم مرا از مرگ قطعی نجات
داد ”

دوستی که او را نجات داده بود وقتی حرارت و تلاش وی
را برای حک کردن این مطلب دید با شگفتی پرسید :
” وقتی به تو سیلی زدم روی شن نوشتی و حال که تو را
” نجات دادم روی سنگ حک میکنی ؟

مرد پاسخ داد: ” وقتی دوستی تو را آزار میدهد آن را
روی شن بنویس تا با وزش نسیم بخشش و عفو آرام و
آهسته از قلبت پاک شود . ولی وقتی کسی در حق تو کار
خوبی انجام داد، باید آنرا در سنگ حک کنی تا هیچ چیز
قادر به محو کردن آن نباشد و همیشه خود را مدیون
لطف وی بدانی^{۲۷}

هر کس به طریقی دل ما می شکند
بیگانه جدا دوست جدا می شکند

بیگانه اگر می شکند حرفی نیست
از دوست پرسید چرا می شکند؟

درس پنجم: نماز

اگر نماز انسان درست بشود همه کارهایش درست می شود.

نماز جلوه مهربانی خداوند

یکی از جلوه های مهربانی و رحمت خداوند رحیم آنست که اجازه داده در برابرش نماز بخوانیم و از دهها بلکه صدها برکت نماز بهره مند شویم.

در حالی که برای ملاقات با پادشاهان و روسای جمهور باید از دهها موانع بگذریم شاید موفق با دیدار با آنها بشویم ولی خداوند قادر متعال که همه قدرتها درمقابلش ذلیل و خاضعند، به همه بندگانیش بدون هیچ تمایز و تبعیضی اجازه داده تا هر ساعتی خواستند با او در نماز ملاقات کنند. با او حرف بزنند و خواسته های خود را در قنوت به هر زبانی خواستند بگویند و او را تسبیح و تقدیس نمایند .

نماز یه طاهر دارد که شامل واجباتی که بصورت قیام و رکوع و سجده و تشهد انجام می شود و یک باطنی دارد که اگر کامل و درست انجام شود انقدر زیبا و نورانی و الهی است که هیچ عملی به پای نماز در این جهت نمی رسد.

اگر نمازگزار نماز را با حضور قلب و خشوع بخواند لذتی معنوی در خود می یابد که بقول ایه الله بهجت:

مرحوم حضرت آیت الله العظمی بهجت می فرمود: آقای
میرزا حسین میرزا خلیل (رحمه الله علیه) در سن نود
سالگی می فرموده است؛

غذاخوردن برای من مانند این است که انبان و کیسه ای
را پر کنم. من از خوردن غذا هیچ لذت نمی برم، آن چه
از آن لذت می برم نماز خواندن است!

و باز ایه الله بهجت می فرمود :

اگر سلاطین عالم می دانستند در نماز چه لذتی هست،
همه سلطنت های خود را رها می کردند و نماز را یاد
می گرفتند. حیف که نمی دانند چه لذتی دارد!^{۲۸}

نماز باخشوع یعنی نمازگزار خود را در مقابل عظمت الهی
می بیند لذا از خوشحالی اینکه در مقابل خداوند مهربان
است اشکش جاری می شود

²⁸ توصیه جالب - آیت الله -
<http://www.dana.ir/news/678488.html/>
بهجت به پادشاهان

گاهی بدنش به لرزه می افتد. گاهی انقدر غرق عظمت
الهی می شود که از حوادث اطراف خود هیچ چیز
احساس نمی کند و گاه به درجه ای از خشوع می رسد
که: رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند!

در این موقع احتمال بیهوش شدن و یا جان بجان افرین
تسلیم کردن زیاد است.

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾. به راستی که مؤمنان رستگار
شدند (١). الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾. همانان
که در نمازشان خاشع و ترسانند (2)²⁹

اولین کسانی که نمازشان با خشوع کامل بوده است
چهارده معصوم بوده اند.

کسانی که به این لذت دست پیدا کردند دیگر دنیا و
انچه در آنست برایشان بی ارزش می گردد.

داستان جوان عاشق

مؤمنون آیه 1 و 2²⁹

داستان زیر بیانگر مطلب مذکور است:

ملاحسن فیض کاشانی در دیوان خود داستان جوانی را به صورت شعر ذکر کرده که من خلاصه آن را بصورت نثر می آوریم:

روزی جوانی هیزم شکن، سر راهش به دختر حاکم که با همراهان خود می گذشت بر خورد و با یک ناگاه به او عاشق دختر شد. جوان گرفتار عشق چون می دانست رسیدن به این دختر برای او ممکن نیست به نزد حکیمی رفت و از او برای حل مشکلش چاره چوئی کرد. حکیم به او پیشنهاد کرد که به خرابه ای که او شهر بود برود و شبانه روز به عبادت و نماز پردازد. جوان که چاره دیگری نداشت حرف او را قبول نمود و با سجاده نماز بطرف خرابه رفت و در آن جا سجاده اش را پهن کرد و مشغول عبادت شد. چند روزی گذشت و مردم هنگام ورود و خروج از شهر چشمشان به جوان عابد می افتاد

و توجهشان جلب می‌شد. کم‌کم صحبت درباره آن جوان در میان مردم شهر شایع شد و هم درباره عبادت‌این جوان صحبت می‌کردند. کم‌کم این صحبت‌ها به گوش حاکم رسید و او تصمیم گرفت که از این جوان عابد! دیدار کند. حاکم با همراهانش به‌خرابه رفت و مدتی نظاره گر عبادت‌های جوان شد. سپس به کاخش برگشت. چند روز بعد دوباره حاکم نزد جوان رفت و این بار به جوان پیشنهاد کرد که: چون من پسری ندارم که جانشینم شد بیا و دخترم را بگیر تا تو بعد از من جانشین من شوی! جوان قبول کرد و به دستور حاکم برای او لباس‌های زیبا آوردند و با شکوه زیاد او را به کاخ حاکم بردند. وقتی جوان وارد کاخ شد و چشمش به آن همه شکوه و جلال ظاهری افتاد ناگاه انقلابی در دلش پیدا شد و باخود گفت: تو مدتی نماز قلابی خواندی به اینجا رسیدی اگر نماز حقیقی بخوانی به

کجایم رسی؟ لذا برگشت و عشق دختر را از دلش
بیرون کرد و عاشق خدا شد.^{۳۰}

این داستان به ما می فهماند که نماز برای رسیدن به
خواسته های مادی و معنوی بسیار کارساز است.

کسانی که مشکل دارند رو به نماز بیارند

کسانی که مشکل دارند افرادی که شغل ندارند. افرادی
که بیماری دارند. افرادی که اضطراب دارند. افرادی که
دنبال همسر و ازدواجند.

افرادی که فرزند ندارند. افرادی که فتنه ای آنها را اذیت
می کند. شری دامنگیر آنها شده است. افرادی که در حال
جنگ با دشمنند. افرادی که دوران سربازی خود را می
گذرانند. افرادی که شغل پر استرس و سختی دارند.

دیوان طاق‌دیس نراقی³⁰

افرادی که مدیر قسمتی هستند. افرادی که نظامی هستند. افرادی که مسئولیت امنیتی دارند. کسانی که مسئولیتهای مهمی دارند. و...

همه اینها اگر نماز باخشوع بخوانند کارها برایشان آسان می شود. گره ها باز می گردد. خواسته هایشان برآورده می شود. و به اهداف خود می رسند. به شرطی که نمازشان با خشوع و حضور قلب باشد. عظمت الهی را احساس کنند. در نماز، گریه از ته قلبشان بکنند.

این همان نمازی است که انسان را از فحشا و منکرات باز می دارد³¹

این نماز جلو لواط و زنا و روابط نامشروع را می گیرد. این نماز جلو دزدی را می گیرد. این نماز جلو ظلم کردن را می گیرد. جلو جنایت را می گیرد.

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ³¹
(45 عنکبوت) حقیقتاً نماز انسان را از فحشا و منکر باز می دارد.

ادمی که نماز با خشوع می خواند، دنبال کارهای زشت
نمی رود و نماز مانند سدی محکم از اینکه آلودگی پیدا
کند، او را حفظ خواهد کرد.

این همان نمازی است که انسان را به خدا نزدیک می
نماید.^{۳۲}

این همان نمازی است که محبوب الهی است و خداوند ان
را می پذیرد و در عوضش گناهان او را می بخشد.^{۳۳}

این همان نمازی است که اگر ادمی بداند چقدر
رحمت الهی او را فرا گرفته هیچگاه سر از سجده بر نمی
دارد!^{۳۴}

حضرت علی (ع) فرمودند: « الصلاه قربان کل
تقی، نماز خواندن، برای هر شخصی پرهیزگار
وسيله نزديکی به خدا است. » نهج البلاغه، کلمات
قصار³² 136

قال رسول الله - صلى الله عليه و اله :-

من صلی رکعتین، ولم يحدث فیهما نفسه بشی ء
من امور الدنيا، غفر الله له ذنوبه؛
کسی که دو رکعت نماز بخواند و در آن دو
رکعت، قلب خود را به چیزی از امور دنیا
مشغول نکند، خداوند گناهانش را می آمرزد.
(بحار الانوار، ج 84، ص 249³³)

این همان نمازی است که ابلیس را سخت عصبانی می کند و او را هزاران فرسخ از ادمی دور می نماید.^{۳۵}

این همان نمازی است که انسان را عبد و بنده خدا می کند.

این همان نمازی است که باعث می شود انسان هیچوقت در ضرر و خسارت نیافتد.^{۳۶}

قال علی - علیه السلام:-
لویعلم المصلی مایغشاه من الرحمه لما رفع
راسه من السجود؛
اگر نمازگزار بداند که چقدر از رحمت (خداوند
تعالی) او را فرا گرفته است، سرش را از سجده
بر نمی دارد.
(غرر الحکم، ص 261³⁴)

عن الامام المهدی - علیه السلام:-
ما ارغم انف الشیطان بشی ء مثل الصلاه فصلها
و ارغم انف الشیطان؛
هیچ چیز مثل نماز بینی شیطان را به خاک نمی
مالد و او را خوار نمی کند، پس نماز بخوان و
بینی شیطان را به خاک بمال.
(بحارالانوار، ج 53، ص 182³⁵)

قال الصادق - علیه السلام:-
ما خسر و الله من اتی بحقیقه السجود و لو کان
فی العمر مره واحده؛
به خدا قسم کسی که حق سجود را به جای آورد و
سجده حقیقی نماید، به هیچ عنوان زیان متوجه
او نشود، گرچه در تمام مدت عمر چنین سجودی
را یک بار به جای آورد.

این همان نمازی است که زاد و توشه دنیا و آخرت مومن
است.^{۳۷}

اگر انسان می خواهد دژی محکم در مقابل شیطان داشته
باشد، باید نماز باخشوع بخواند.^{۳۸}

این همان نمازی است که وقتی فرد آن را بجا می آورد
نشاط و شادابی عجیبی در خود احساس می کند.

این همان نمازی است که وقتی هزار رکعت می خواند
هیچ احساس خستگی نمی کند همان گونه که وقتی علامه
امینی هزار رکعت نماز میخواند، از او می پرسیدند آیا شما
خسته نمی شوید؟ فرمود:

(بحارالانوار، ج 85، ص 126³⁶)
قال رسول الله - صلى الله عليه و اله:-
الصلوة زاد للمومن من الدنيا الى الآخرة؛
نماز زاد و توشه مومن در دنیا برای آخرت می
باشد.

(بحارالانوار، ج 82، ص 232³⁷)
قال علي - عليه السلام:-
الصلوة حصن من سطوات الشيطان؛
نماز دژ و قلعه مستحکمی است که نمازگزار را
از حملات شیطان نگاه می دارد.
(غرر الحکم، ص 56. میزان الحکمه، ج 5، ص 367³⁸)

مگر ماهی از شنا خسته می شود که من از نماز خواندن
خسته شوم؟^{۳۹}

این همان نمازی است که وقتی خوانده می شود همه
قفلها باز می گردد.

جوانانی هستند که ادمای خوبی هستند و آزارشان به
کسی نمی رسد و همه از آنها تعریف می کنند ولی
متأسفانه به عیب بزرگ دارند! و اون این است که نماز
نمی خوانند! و حاضر نیستند نماز بخوندند! و این باعث
شکست آنها در زندگی می شود! چون ادم بی نماز از لطف
خدا محروم می شود و شیطان قدم به قدم به او نزدیک
می گردد تا اینکه او را از خدا دور کرده و همانند خود
که اخراج شده از درگاه الهی است، بدبخت می نماید!
بعضی از این جوانان می گویند قبلا می خواندیم! ولی الان
نمی خوانیم! این به بی وفایی بر می گردد که آدمی به
مدت بندگی خدا را بکند ولی بعد بندگی خدا را به بهانه

حیات عارفانه فرزاتگان، ص 57³⁹.

های مختلف مانند اینکه هرچی دعا کردیم مستجاب
نشد! خدا مارو فراموش کرده! بی نمازها خوشبخت ترند
و...رها کند

درس ششم: اهل بیت علیهم السلام

اهل بیت کشتی نجاتند اگر محب آنها و مطیع آنها باشیم
نجات می یابیم

آنها مانند پدری مهربان دست شیعیان را می گیرند و از
انحرافات مختلف نجات می دهند.

با محبت به اهل بیت و توسل به ایشان است که خدا توبه
انسان را می پذیرد و اعمال خوب را قبول می کند.

با توسل به ایشان است که گرفتاری های مختلف برطرف
می شود.

این بزرگترین نعمت الهی به ما هست که همیشه با توسل
به اهل بیت می توانیم به خدا نزدیکتر شویم و حاجت
های خود را بگیریم و در دنیا و آخرت سعادتمند شویم.

نقل می کنند: محضر آقا سید حمزه موسوی بودیم تعریف
کردند: که یکی از بزرگان از شب اول قبر خیلی می
ترسیدند به شب در عالم خواب رسید به محضر ابی

عبدالله و گفت: آقای یه عمره برات روزه می خوانم،
 برات روزه گرفتم، ولی از شب اول قبر می ترسم، امام
 حسین (علیه السّلام) فرمود: از کجای آن می ترسی؟
 گفت از آن موقعی که دو تا ملک می آیند و سؤال و
 جواب می کنند و زبانم بند می آید، فرمودند: کدام ملک
 جرأت دارد که از نوکر من سؤال کند، سؤال و جواب
 آنها با ماست⁴⁰

رسول خدا (ص) فرمود: الا وَمَنْ مات علی 'حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ
 مات شهیداً. الا وَمَنْ مات علی 'حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مات مغفوراً له.
 الا وَمَنْ مات علی 'حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مات تائباً. الا وَمَنْ مات
 علی 'حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مات مؤمناً مستکمل الایمان. الا وَمَنْ
 مات علی 'حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مات بشّره ملک الموت بالجنّة. الا
 وَمَنْ مات علی 'حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مات فتح له مِنْ قبره بابان

⁴⁰ منبع: کتاب گلوآژه های روزه

الى الجنة.الا ومن مات على ' حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مات جعل الله
قبره مزار الملائكة الرحمة.⁴¹

آگاه باشید! هر که بر محبت اهل
بیت(ع) بمیرد، شهید مرده است.

آگاه باشید! هر که بر محبت اهل
بیت(ع) بمیرد، آمرزیده مرده است.

آگاه باشید! هر که بر محبت اهل
بیت(ع) بمیرد، توبه کننده بمیرد.

آگاه باشید! هر که بر محبت اهل
بیت(ع) بمیرد، عزرائیل به او بشارت بهشت می دهد.

آگاه باشید! هر که بر محبت اهل بیت(ع) بمیرد، از
قبرش دو در به بهشت باز می شود.

⁴¹ بحار الأنوار ؛ ج 23 ، ص 233

آگاه باشید! هر که بر محبت اهل
بیت (ع) بمیرد، خداوند قبرش را زیارتگاه ملائکه رحمت
قرار می دهد

اهل بیت انقدر نزد خدا عزیزند که همه پیامبران در
هنگام گرفتاری به آنها متوسل می شدند.

از جمله حضرت ادم برای قبول توبه، متوسل به پنج تن
(محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین) شد.^{۴۲}

حضرت نوح وقتی کشتی خواست غرق شود به پنج تن
متوسل گردید.

حضرت ابراهیم وقتی در آتش انداخته شد متوسل به پنج
تن گردید.

حضرت موسی وقتی به دریا رسید و پشت سرش لشکر
فرعون بود متوسل به پنج تن شد.

⁴² www.porseman.com/article دعای قسم به پنج تن/27678

حضرت یوسف وقتی زندان بود و بر او سخت گذشت
متوسل به پنج تن گردید.

و...

از آن حضرت درخواست «علم اکسیر» کرده بود

یکی از علمای بزرگ، در زمان قدیم در تخت فولاد
خدمت امام زمان «ارواحنافداه» رسیده بود و از آن
حضرت درخواست «علم اکسیر» کرده بود. در حالی که
یاد گرفتن علوم غریبه و گفت و شنود و تعلیم و تعلّمش
حرام است. آن حضرت به او فرموده بودند: "علوم غریبه
به تو چه ربطی دارد؟ من به جای آن ختمی به تو یاد
می‌دهم که بهتر از اکسیر است." بعد فرموده بودند: "به
پنج تن و امام زمان «ارواحنافداه» توسّل پیدا کن و در
توسّل‌هایت بگو: «یا محمد یا علی یا فاطمه یا حسن یا
حسین، یا صاحب الزمان ادرکنی و لا تهلکنی»".^{۴۳}

سعادت ما وابسته به اهل بیت است

1- قبول شدن اعمال هر انسانی بوسیله امامان علیهم السلام است. هر شب جمعه پرونده اعمال انسانها را محضر امام علیه السلام می برند و اگر امام علیه السلام امضا و تایید کند، خداوند سبحان قبول می فرماید.

نمازهایی که می خوانیم، صدقاتی که می دهیم، حج و جهاد وصله و ارحام و تلاوت قرآن و همه اینها تا مورد تایید حجت خداوند در روی زمین نباشد، پذیرفته نمی شود. لذا مسلمانانی که دشمن ولایتند هرچه عبادت کنند برایشان فایده ای ندارد. زیرا امضاء ولایت پای اعمالشان نیست.

2- محافظت از شیعیان به عهده امام علیه السلام است. باتوجه به اینکه از ابتدای بوجود آمدن شیعه، همیشه دشمنان شیعه بدنبال نابود کردن آن بودند، امامان علیهم السلام از شیعیان محافظت می کردند و توطئه های دشمنان را خنثی می نمودند. چه امامانی که ظاهر بودند و چه امام زمان علیه السلام که غایب است. لذا خود امام عصر علیه السلام فرموده اند: **إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ**،

وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ، وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاهُ، وَ
اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ، فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَظَاهِرُونَا: ۴۴

(ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از
خاطر نبرده‌ایم، که اگر جز این بود گرفتاری‌ها به شما
روی می‌آورد و دشمنان، شما را ریشه کن می‌کردند. از
خدا بترسید و ما را پشتیبانی کنید.)

3- کمک به گرفتاران و مشکل داران و متوسلین به ائمه
علیهم السلام. وقتی شیعه ای دچار مشکل می شود مثلا
بیماری های صعب العلاج یا مشکلات مالی و یا گرفتاری
های دیگر و به امام علیه السلام متوسل می گردد اگر
حکمت اهلی بر رفع آن گرفتاری بوسیله شفاعت امام
علیه السلام باشد، امام علیه السلام عنایت و توجه به آن فرد
می کند لذا تاریخ ائمه علیه السلام پر از کرامات
و معجزاتی است که شیعیان آنها را دیده اند و بر
اعتقاداتشان افزوده شده است.

⁴⁴ غیبة الطوسی، ص 292

4- نزول برکات الهی همچون باران به یمن وبرکت وجود امام علیه السلام است. و اگر امام علیه السلام نباشد، بشریت اجازه ادامه حیات پیدا نخواهد کرد. لذا امام علیه السلام بر گردن همه بشریت حق دارد. حق حیات دارد وبشریت باید امامان علیهم السلام را بشناسند واز آنها پیروی نمایند.

5- پاک شدن گناهان نیز به برکت اعتقاد به امامت است. بوسیله عرض ارادت به ساحت مقدس ائمه علیهم السلام، خداوند گناهان شیعیان ومحبان اهل بیت علیهم السلام را می آمرزد.

6- مضاعف شدن حسنات نیز بوسیله محبت اهل بیت است. در روایتی است که خداوند هر عمل خوب شیعیان را هفتصد برابر حساب می نماید.

7- نجات از ترسهای عالم بعد از مرگ نیز از برکات اعتقاد به امامان علیهم السلام است. در هنگام وفات شیعیان ودر شب اول قبر ودر عالم برزخ ودر قیامت در

همه صحنه های هولناک و ترسناک، ائمه علیهم السلام به
داد شیعیانشان می رسند و دست آنها را می گیرند.

..امام زبان همه مردم را بلد است..

..امام از احوال شیعیان با خبر است.

..امام خواب سنگین ندارد

..امام غذای لذیذ نمی خورد..

..امام شبانه روز در حال مجاهدت است..

..هیچ عملی بدون ولایت قبول نمی شود :

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هنگامیکه به معراج رفتم، خدا بمن
وحی کرد که:

ای محمد! اگر بنده ای آنقدر عبادت کند تا خسته شود
و بدنش مانند مشک پوسیده گردد ولی در حالی از دنیا

برود که منکر ولایت شما باشد، او را در بهشتم جای
نخواهم داد و در زیر عرشم سایه نخواهم بخشید.^{۴۵}

محبت اهل بیت (ع)، کفاره گناهان

امام رضا (ع) می فرماید: «محبت ما اهل بیت، کفاره
گناهان است و حسنات را چند برابر می کند».^{۴۶}

زلیخا و محبت پیامبر اسلام

زلیخا بعد از عزیز مصر پیر و شکسته شده و از شدت
فقر و گرسنگی سراغ یوسف می آید و یوسف دستور
کمک به او می دهد و بعد هم با او ازدواج می کند. علت
این ازدواج را شیخ حرعاملی در «علل الشرایع» و علامه
مجلسی در «بحار الانوار» این طور روایت کرده اند که
زلیخا وقتی پیش یوسف آمد، خواند که «منزه است
خدایی که پادشاهان را به خاطر گناهانشان ذلیل می کند و

^{۴۵} معارف قرآن و اهل بیت

^{۴۶} بحار، ج 68، ص 100

بردگان را به خاطر اطاعتشان پادشاه می‌سازد» یوسف
فهمید که او به راه راست درآمده. از او پرسید که: تو چرا
این قدر مرا دوست داری؟ زلیخا گفت: به خاطر زیبایی
رویت. یوسف گفت: در آخرالزمان پیامبری می‌آید که از
من زیباتر و نیکو خلق تر است. زلیخا گفت: راست
می‌گویی چون اسم این پیامبر را که گفתי در قلبم محبتی
احساس کردم. خداوند هم به خاطر دوستی پیامبر به
یوسف دستور داد با زلیخا ازدواج کند^{۴۷}.....

بعضی جوانان انقدر در دلشان محبت اهل بیت فراگیر
شده که وقتی روضه امام حسین و سایر اهل بیت را می
شنوند طاقت از دست می‌دهند و ناله آنها بلند می‌شود.
در دعای ندبه در فراق حضرت مهدی علیه السلام گریه
ها می‌کنند و اشک‌ها می‌ریزند.

خوشا بحال اینان که به برکت محبت اهل بیت از همه
انحرافات نجات می یابند و مورد توجه اهل بیت بویژه
قلب نازنین امام زمان علیه السلام هستند و حضرت به
انها نظر لطف می نماید و در دنیا و آخرت سعادت مند می
باشند.

آری در دنیای امروز که فساد همه جای زمین را فرا
گرفته تا توسل به اهل بیت است که می توان نجات پیدا
کرد که اهل بیت کشتی نجات هستند. وقتی برای حضرت
رقیه سه ساله اشک می ریزیم. هنگامی که در روضه علی
اصغر گریه می کنیم. وقتی برای مصیبت های زینب
کبری ناله می کنیم و... در این هنگام است که رحمت
الهی متوجه ما می شود و بلاها و مصیبت ها از ما دور می
گردد و مورد عنایت الهی قرار می گیریم. و از هلاکت
نجات می یابیم.

ارزوی دختر دانشجو

منزل یکی از دوستان که فقط یه دختر داشت اونم دانشجو بود مهمان بودیم. دختر از من خواست از پدرش بخوایم خواسته او را انجام دهد. خواسته او این بود که پدرش سالی یک بار او را در اربعین کربلا می برد. اما او با یکبار سیر نمی شد و درخواست داشت پدرش او را سالی سه بار کربلا ببرد. دختر می گفت من عاشق امام حسینم. و به مداحی های مختلف درباره امام حسین علیه السلام علاقه داشت.

ارتباط روزانه با اهل بیت داشته باشیم

برای استفاده از برکات محبت به اهل بیت علیهم السلام باید هر روز زیارت عاشورا بخوانیم. هر جمعه زیارت جامعه و دعای ندبه بخوانیم. هر شب چهارشنبه دعای توسل بخوانیم. هر روز بر چهارده معصوم صلوات بفرستیم. حد اقل هفته ای یکبار در روضه شرکت کنیم.

روزهای هفته که بنام 14 معصوم نامگذاری شده هر روز
زیارت معصوم ان روز را که در ابتدای مفاتیح آمده
بخوانیم و...

درس هفتم: اخلاق

خوش اخلاقی عامل موفقیت در زندگی

یکی از مهم ترین ارزش های انسانی ،خوش اخلاق بودن است.

خداوند همانطور که خود خوش اخلاق است و مهربان ترین مهربان عالم هستی است دوست دارد بندگان را نسبت به هم خوش اخلاق باشند.لذا همه پیامبران و همه امامان معصوم را خوش اخلاق قرار داد.و در قران کریم بارها و بارها به خوش اخلاقی توصیه کرده است.و از اخلاق عظیم پیامبرش حضرت محمد ص تعریف کرده است و فرموده است اَنَّک لعلی خلق عظیم.⁴⁸ اخلاق تو ای پیامبر عظیم است. و فرموده است اگر اخلاقت خوب نبود مردم از دورت پراکنده می شدند .اری کسی که خوش اخلاق است مردم مایلند با او معاشرت کنند. و با او رفت و امد نمایند و بین مردم محبوبیت دارد و بعد از مردنش مردم از او تعریف می کنند.ولی ادم بداخلاق تنها

آیه 4 سوره قلم⁴⁸

است و کسی مایل نیست با او رفت و آمد کند حتی در
خانه خود غریب است!

خوش اخلاقی باعث موفقیت انسان در زندگی می
شود. چه در محیط خانواده و چه در مدرسه و دانشگاه و
حوزه علمیه و چه در محیط کار و شغل و یا در بین فامیل
و دوستان و اشنایان .

علی علیه السلام می فرماید: با مردم چنان رفتار کنید که تا
زنده اید به همنشینی شما مایل باشند و اگر از دنیا رفتید
در عزای شما گریه کنند

پیامبری که کوه خورد!

خدای عزوجل به پیامبری از پیامبران وحی فرمود:

چون صبح کردی نخستین چیزی را که با آن رو به رو

شدی بخور و دومین چیز را مخفی کن و سومین را پذیرا

شو (پناه ده) و چهارمین را نومید مکن و از پنجمی بگریز

صبح که شد آن پیامبر به راه افتاد و با کوه سیاه بزرگی

رو به رو شد. ایستاد و گفت: پروردگارم عزّ و جلّ مرا

فرموده است که این را بخورم و متحیر مانده، ولی به خود

آمد و گفت: پروردگارم، جلّ جلاله، مرا به کاری که

توانش را ندارم فرمان نمی دهد. لذا به طرف کوه رفت تا

آن را بخورد. هر چه به آن نزدیک می شد، کوه کوچکتر

می گشت و وقتی به آن رسید کوه را لقمه ای یافت و آن

را خورد و دید خوشمزه ترین چیزی است که تا کنون

.خورده است

سپس به راهش ادامه داد و تشتی زرین یافت، به خود

گفت: پروردگارم فرموده است که این را پنهان کنم. پس

گودالی کند و تشت را در آن گذاشت و رویش خاک

ریخت و آن گاه به راهش ادامه داد. چند قدمی که رفت،

برگشت ناگاه دید تشت از زیر خاک در آمده است. با

خود گفت: من آن چه پروردگارم فرموده بود انجام

.دادم. لذا راهش را پی گرفت و رفت

ناگهان چشمش به پرنده ای افتاد که «بازی» او را تعقیب

می کند. پرنده دور آن پیامبر به چرخش در آمد. با خود

گفت: پروردگارم عزوجل فرموده است که این را پذیرا

شوم و پناه دهم. لذا آستین خود را باز کرد و پرنده

داخل آن شد. «باز» به او گفت: تو شکار مرا گرفتی، در

حال که من چند روز است دنبال آن هستم. آن پیامبر

گفت: پروردگارم عزوجل به من فرموده است که این را

نومید نکنم. پس، تگه ای از رانش را قطع کرد و پیش باز

انداخت و به راه خود ادامه داد.

در راه مردار گندیده ی کرم افتاده ای دید. گفت:

پروردگارم عزوجل مرا فرموده است که از این فرار کنم.

پس از آن گریخت و برگشت. در خواب دید که انگار به

او گفته شد: تو آن چه بدان مامور شدی به انجام

رساندی، حال آیا می دانی این ها چه بود؟

:گفت: نه. به او گفته شد

اما آن کوه، خشم است. بنده هر گاه عصبانی شود، از

عظمت و شدت خشم خودش را نمی بیند و قدر و ارزش

خویش را نمی شناسد. اما چون خویشتنداری کند و قدر و

ارزش خود را بشناسد و خشمش آرام گیرد فرجام آن

خشم چون لقمه ی گوارایی است که می خورد

اما آن تشت عمل صالح است که هرگاه بنده آن را

پوشیده بدارد و مخفی نگه دارد، خداوند عزوجل آن عمل

را آشکار می گرداند تا علاوه بر ثوابی که آخرت او

ذخیره می کند، در همین دنیا او را با آن آراسته گرداند

اما آن پرنده، مردی است که تو را اندرزی دهد. پس او

را پذیرا شو و اندرزش را قبول کن

اما آن «باز» مردی است که برای حاجتی پیش تو می آید،

چنین کسی را نومید مگردان

و اما آن گوشت گندیده، غیبت است؛ پس از آن

بگریز!^{۴۹}

ادم بداخلاق را به محضر امام زمان علیه السلام راه نمی

دهند!

آیة الله حسن زاده آملی فرمود: من به آقای سید محمد حسن آقای الهی برادر بزرگتر مرحوم علامه طباطبائی که در عرفان و سیر و سلوک از شاگردان مرحوم سید علی قاضی بودم عرض می کردم: وقتی خدمت آقا (علامه قاضی) می رسید. از جانب من از ایشان خواهش کنید که مرا هم در تشرّف به خدمت حضرت بقیة الله (عج)

شریک خود نمایید و برای من نیز اجازه ملاقات بگیرید
(چون می دانستم این دو بزرگوار به این سعادت عظیم
می رسند.)

روزی در شهر آمل بعد از ظهر خواستم استراحتی داشته
باشم، بچه ها داد و فریاد کردند و مانع استراحتم شدند.
من عصبانی شده، با آنها تندی نمودم و پرخاش کردم
ولی بعد، از آن حرکات خودم پشیمان شدم از این که
بچه ها را ناراحت کردم وجدانم ناراحت بود، عصر رفتم
بازار و مقدار شیرینی و میوه خریده به منزل آوردم که
شاید بدینوسیله دل بچه ها را به دست آورم، با این حال
وجدانم آرام نمی گرفت آشفته خاطر بودم .

بالاخره تصمیم گرفتم سفری به شهر تبریز کرده با
مرحوم سید محمد حسن الهی ملاقات کنم، رفتم تبریز، و
قتی به خدمت ایشان رسیدم پیش از این که علّت
مسافرتم را بگویم، گفتم: عرض مرا به خدمت استاد
(سید علی قاضی) رساندی؟

فرمود: من راجع به این موضوع نامه ای به شما نوشتم و

چون آدرس شما را نداشتم به خدمت آقای اخوی (سید محمد حسین طباطبائی) فرستادم که به شما برساند، و در آن نامه یادآور شدم که وقتی پیام شما را به آقا عرض کردم آقا تأملی کرده سپس با ناراحتی فرمودند :
«ایشان چگونه می خواهند این راه را طی نمایند با آن اخلاقی که نسبت به عائله و کودکان انجام و با آنها دعوا کردند، با آن اخلاق تند چگونه می شود به این رتبه و مقام رسید؟»^{۵۰}

آثار خوشخویی و خوش رویی

خوش خویی آثاری چون جذب و جلب مردم به سوی خود و بهره مندی از همکاری های آنان برای رشد و شدن های کمالی دارد. افزون بر این خوشخویی می تواند آثار بسیار دیگری در زندگی مادی و معنوی و نیز دنیوی و اخروی آدمی به جا گذارد. از پیامبر گرامی (ص) روایت

شده است که آن حضرت درباره آثار خوشخویی می
فرماید: خوشخویی خود عبادت است و خوشخو، پاداشی
همانند پاداش روزه دار می گیرد.^{۵۱}

اگر انسانی بخواهد برای خود از نظر اجتماعی اعتباری
کسب کند و در میان مردم محبوب گردد و از یاری و
همدلی و همکاری آنان بهره برد، بهترین ابزار دست
یابی به این اهداف، همان خوشخویی است؛ زیرا انسان
هر چه سرمایه دار هم باشد، نمی تواند دل های همگان را
با پول بخرد و آنان را به سوی خود جلب کند. پیامبر
گرامی (ص) می فرماید: انکم لن تسعوا الناس باموالکم
فاسعوهم ببسط الوجوه و حسن الخلق؛ شما هرگز نمی
توانید با اموال خود مردم را راضی نگه دارید؛ پس با
گشاده رویی و خوشخویی، آنان را از خود خشنود سازید.
(۵۲)

^{۵۱} کافی، ج ۲، ص ۱۰۰
بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۴^{۵۲}

اصولا بدخویی هم، کار آدمی را تباه می سازد و هم نامش را بد می کند. بسیاری از مردم کارهای خوب و نیک زیادی را انجام می دهند ولی به سبب آن که بداخلاق هستند شیرینی کار خوب و نیک خودشان را با بدخویی به تلخی تبدیل می کنند.

از پیامبر (ص) روایت است که بدخویی کار خوب را تباه می سازد، همان گونه که سرکه غسل را فاسد و تباه می کند: الخلق السیء یفسد العمل کما یفسد الخل الغسل.
(۵۳)

«خوشرویی»، هم در نگاه مطرح است، هم در لبخند. هم در گفتار آشکار می شود، هم در رفتار. چه بسا رابطه ها و دوستیهایی که با «ترشرویی» و «اخم کردن» و «عبوس شدن» به هم خورده است. از سوی دیگر مبدأ بسیاری از

همان، ج 73، ص 297⁵³

آشناییها هم یک «تبسم» بوده است.
وقتی با چهره شکفته و باز با کسی روبه رو می شوید، در
واقع کلید محبت و دوستی را به دست او داده اید.
برعکس، چهره اخمو و ابروهای گره خورده و صورتِ
درهم و بسته، دریچه ارتباط و صمیمیت را می بندد. اگر
این خوشرویی و خنده رویی با نیت پاک و الهی انجام
گیرد، علاوه بر تأثیر محبت آفرین، «حسنة» و «عبادت»
به حساب می آید.

امام باقر(ع) می فرمایند: (تَبَسُّمُ الرَّجُلِ فِي وَجْهِ اخِيهِ
حَسَنَةٌ. لبخند انسان به چهره برادر دینی اش «حسنة»
است!).

تبسم، مبدأ بسیاری از آشناییها و زداینده بسیاری از
غمها و کدورتهاست. شگفت از کسانی است که از این
کار بی زحمت و رنج و خرج، که برکات فراوان دارد،
طفره می روند و به سختی حاضرند «گلخنده» مسرت را
بر لبان خود و چهره دیگران بیافرینند. برخورد با چهره
باز با دیگران، آنان را آماده تر می سازد تا دل به دوستی

با شما بسپارند. خنده رویی و بشاش بودن، دیگران را دل
و جرأت می بخشد، تا بی هیچ هراس و نگرانی، با شما
باب آشنایی را باز کنند و سفره دلشان را پیشتان
بگشایند.

اگر با خوشرویی، بتوانید بار سنگین غم دوستان را سبک
کنید، کارتان عبادت است و اگر با یک تبسم، بتوانید
خاطری را شاد سازید، به خدا نزدیک تر شده اید. به قول
حافظ:

دایم گل این بستان، شاداب نمی ماند / دریاب ضعیفان
را، در وقت توانایی.

وقتی یک چهره گشاده و لبخند صمیمی، غمی را از دل
می زداید، چرا باید از این «احسان»، دریغ کرد؟ بعضیها
حضور غم آفرین دارند، برخی هم محضری غم زدا.
گروه اخیر، آیت لطف الهی اند که قدرشان ناشناخته
است.

انسانها تشنه محبت اند و این تشنگی، جز با ملاطفت و
خوشرویی برطرف نمی شود. اگر اولین برخورد ما با

کسی، به گونه ای باشد که غم او را به شادی و نگرانی
اش را به اطمینان مبدل سازد، دریاچه ای به دنیای صفا و
سرور به رویش گشوده ایم. این نیز نزد خداوند، حسنه و
عبادت است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ... به هر کس
برخورد می نمودند، از بزرگ و کوچک، ثروتمند و فقیر،
سلام می کردند و اگر به جایی حتی برای خوردن خرمایی
خشک دعوت می شدند، آن را کوچک نمی شمردند.
زندگیشان کم هزینه بود، بزرگ طبع، خوش معاشرت و
گشاده رو بودند، بی آن که بخندند، همیشه متبسم بودند،
بی آن که اخمو باشند، محزون بودند، بی آن که از خود
ذلتی نشان دهند، متواضع بودند، می بخشیدند ولی
اسراف نمی نمودند، دل نازک و نسبت به تمام مسلمانان
مهربان بودند.^{۵۴}

ارشاد القلوب (دیلمی) ج 1، ص 115⁵⁴

درس هشتم: پدر و مادر

اگر پدر و مادر از ادم راضی باشند خدا هم از انسان راضی
میشود!

شهید حمیدرضا غفوریان، فردی باهوش و مودب بود.
برای افراد پیر و ناتوان احترام خاصی قائل بود و در حد
توانش به آنان کمک می کرد و در احترام به والدینش

اسوه بود، به گونه‌ای که مادرش نقل می‌کند: «اگر پایین‌تر از او می‌نشستیم بلند می‌شد و می‌رفت جایی که پایین‌تر از ما باشد بنشیند، هر وقت که از من خداحافظی می‌کرد دست به سینه عقب می‌رفت و بعد برمی‌گشت.»^{۵۵}

بعضی فرزندان جواب پدر و مادر رو میدند....

انسان مجاز نیست پدر خود را با نامش صدا بزند و یا در راه رفتن بر او پیشی بگیرد و یا هنگامی که او ایستاده است، بنشیند و حتی در نگاه کردن هم باید حرمت او را نگاه دارد.

امام صادق علیه السلام سفارش کرده است: «حتی» هنگامی که پدر و مادران شما را می‌زنند، شما از درگاه خدا برای آن دو طلب غفران و بخشش کنید.» باز همان حضرت می‌فرماید: اگر پدر و مادر صدایشان را بلند کردند شما صدایتان را آهسته کنید و با آرامش با آنان

⁵⁵ <http://www.iqna.ir/fa/news/3715325>

سخن بگویند.» حتی نباید پدر و مادر را به نام کوچک صدا بزنند. نگریستن از روی مهربانی و عطوفت به صورت والدین، عبادت است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «هیچ گاه چشمانت را از نظر کردن به والدین پر مکن، مگر با رحمت و مهربانی.»

نقل شده وزیری با پدرش خدمت حضرت امام رسید. وزیر جلوتر از پدرش حرکت کرد و وقتی محضر امام مشرف شد به امام عرض کرد این پیرمرد پدرم می باشند. حضرت امام به وزیر گفتند چرا جلوتر از پدرت حرکت کردی؟^{۵۶}

دکتر فاطمه طباطبایی در مورد احترام کودکان به والدین در سیره حضرت امام خمینی چنین نقل می کند: یادم است که پسر کوچکم وقتی با تندى جوابم را می داد امام جدا از رفتار او با من ناراحت شدند. بعداً او را جداگانه می خواستند و می گفتند:

⁵⁶ حجت الاسلام جمی، پیام انقلاب، شماره 69

رفتارت با مادرت خیلی بد بود. به من می گفتند: نباید
رفتارش این گونه باشد).^{۵۷}

مهم ترین وظیفه فرزند در قبال پدر و مادر، حفظ حرمت
و ادب آنهاست.

امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «خداوند،
اجازه ترک رفتار نیکو با پدر و مادر را نداده است، خواه
صالح باشند و یا ناصالح.

ولی بعضی فرزندان را می بینی که:

جلوتر از پدر و مادرش راه میره!

با چشم ادب نگر پدر را* از گفته او مپیچ سر را

با مادر خویش، مهربان باش* آماده خدمتش به جان
باش^{۵۸}

^{۵۷} زن روز، ص ۱۱۷، شماره ۱۲۶۷.

^{۵۸} ایرج میرزا

اذیت رساندن و حتی نگاه با خشم به پدر و مادر نمودن باعث خشم خداوند می شود. در روایت است که اگر با عصبانیت به والدین نگاه کنید حتی اگر آنها به او ظلم کرده باشند، باعث عدم قبولی نماز می شود.

«ابامهزم گوید که: شبی از حضرت باقر (ع) خدا حافظی کردم و با مادرم به منزلمان می رفتیم. در راه با مادرم دعوا مان شد و من به او تندی کردم. وقتی فردا خدمت امام رفتم ناگاه فرمود: ای ابامهزم! دیشب بین تو و مادرت چه گذشت؟ آیا او تورا در شکمش حمل ننمود و از سینه اش تورا شیر نداد و تورا درد امنش بزرگ ننمود؟ دیگر این عمل را تکرار نکن.» [بخارج 74]

گاهی مجازات اذیت کردن والدین در همین دنیا ظاهر میشود.

جوان با نفرین پدرش شد!

روزی علی(ع) در حال طواف بود که صدای التجاء
و مناجات و التماس جوانی را شنید. امام از او دربارهٔ
گرفتاریش سؤال کرد.

او گفت: من سالم بودم ولی آنقدر پدرم را اذیت نمودم که
او مرا نفرین کرد و من فلج شدم . پدرم تصمیم داشت تا
روزی به کنار

کعبه بیاید، و برای شفایم دعا کند ولی قبل از این کار، از
دنیا رفت. حال من مانده ام این پاهای شل!

امام به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا بخواند. او این
دعارا خواند و پیامبر را در خواب دید که حضرت دستی
بر پاهای او کشید

و او شفایافت. «مفاتیح الجنان»

مرحوم کافی و پدر

مرحوم کافی می گفتند: هرگاه پدرم که یک نفر کاسب
ساده ای است، به تهران می آید یا من به مشهد می
روم، در جلو زن و بچه
و برادر و خواهر خم می شوم و مکرر دست پدرم را می
بوسم.»

جوان زبانش لال شد!

«روزی پیامبر بر بالین جوانی که در حال
احتضار بود، حاضر شد. وقتی شهادتین را به او تلقین
نمود، جوان نتوانست زبانش را به شهادتین باز کند و گویا
لال شده بود. حضرت، مادرش را خواستند. واز
مادرش پرسیدند که آیا از پسر ت راضی هستی؟ زن
گفت: یا

رسول الله! چهار سال است که باو حرف نزده ام!

پیامبر از او خواستند که از فرزندش راضی شود. او هم راضی شد و جوان زبانش باز گردید و شهادتین را جاری کرد و از دنیا رفت»^{۵۹}

عاق والدین

«پیامبر (ص): بوی بهشت از مسیر پانصد سال راه بمشام می رسد ولی بمشام عاق والدین نمی رسد.»^{۶۰}

سفر غیر ضروری فرزند با مخالفت پدر یا مادر ممنوع بوده و سفر معصیت حساب می شود.

همچنین با پدر و مادر بلند صحبت کردن بی ادبانه، جلوتر از آنان راه رفتن، به آنها اُف گفتن، آنها را تحقیر کردن و... در اسلام ممنوع است.

از نظر اسلام چنانچه والدین نیازمند و فرزندان متمکن باشند، واجب است که مخارج پدر و مادرشان را بدهند.

59

<https://library.tebyan.net/a/Viewer/Text/79688/25>

⁶⁰ خانواده نمونه

«شخصی به پیامبر (ص) گفت: نذر کرده‌ام آستانهٔ بهشت را

ببوسم. حال چه کنم؟ فرمود: پای مادر و پیشانی پدر را

ببوس تا به نذرت

عمل کرده باشی. واگر از دنیا رفته‌اند، قبر آنان را ببوس.»

درس نهم: ازدواج

تنها راه ارضای جنسی ازدواج است و غیر از ازدواج هم گناه و هم باعث سقوط است.

هر گونه نیاز جنسی فقط از طریق ازدواج (دائم یا موقت)
حلال است برطرف شود و ارضاء جنسی خارج از ازدواج
حرام است.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ * إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا
مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ * فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ^{۶۱}

ترجمه: مومنین خود را از آلودگی جنسی نگه می دارند و
فقط از طریق همسر و کنیز، نیاز جنسی خود را برطرف

مؤمنون (23)، آیات 7 - 5⁶¹

می کنند. و این بدون اشکال است و هر که غیر از این عمل
کند ستمکار بوده و از حد الهی تجاوز نموده است.

بنابر این خودارضایی. لواط. زنا و ارتباط خارج از ازدواج با
نامحرم حرام و از گناهان بزرگ است.

ز: اهل بیت علیهم السلام فرموده اند ازدواج فامیلی نکنید
که فرزندان ضعیف متولد می شوند.

س: اگر سفارشات مربوط به آمیزش رعایت شود در
مسائل مختلف همچون فرزند سالم نقش مهمی دارد

ازدواج روش اهل بیت علیهم السلام بوده و مجرد زندگی
کردن بدون علت خاصی مردود و مذموم بوده است.

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَأَمَائِكُمْ إِنَّ
يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْزِلُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»⁶²

نور/32⁶²

خداوند در آیه مذکور دستور داده که: دختران و پسران صالح را به ازدواج هم در بیاورید که اگر فقیر هم باشند خداوند آنها را از فضل و کرم خود بی نیاز می نماید زیرا خداوند زیاد کننده رزق و عالم به همه اسرار و نهان می باشد.

و پیامبرش فرمود:

مَا بُنِيَ فِي الْأِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَأَعَزَّ مِنَ
التَّزْوِيجِ^{۶۳}؛

هیچ بنایی در اسلام در نزد خداوند عز و جل همانند ازدواج محبوب و عزیز نیست.

پیامبر اسلام در 25 سالگی از دواج کردند و ازدواج را سنت و روش خود می دانستند و کسانی را که عمدا و

بحار الانوار، ج 100، ص 222، ح 40⁶³.

بدون علت خاصی، ازدواج نمی کردند جزو امت خود نمی

دانستند^{۶۴}

«رسول خدا(ص): کسیکه ازدواج کرده و خواب است در نزد

خدا از مجردیکه روزه بوده و شبها به

عبادت مشغول است، برتر است.»^{۶۵}

امام رضا علیه السلام فرمود: زنی به امام باقر علیه السلام

گفت: من متبتّله هستم! حضرت فرمود: در نزد تو تبتّل

به چه معنی است؟ گفت: یعنی تصمیم دارم که هیچگاه

ازدواج نکنم. امام فرمود: چرا؟ گفت: می خواهم به این

3. مستدرک الوسائل، ابواب مقدّمات نکاح، باب 1،

حدیث 15.

64

مکارم الاخلاق⁶⁵

وسيله دارای فضیلت بشوم . امام فرمود: از این تصمیم
برگرد ! زیرا اگر در ازدواج نکردن فضیلتی بود، حضرت
فاطمه علیهاالسلام هم قبل از تو این کار را می کرد ! زیرا
هیچکس نمی تواند در فضیلتی از فاطمه علیهاالسلام پیشی
بگیرد.^{۶۶}

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله : بدترین مردان شما،
عزبانند(مجردان) !^{۶۷}

امام محمدباقر علیه السلام : دوست ندارم که دنیا و آنچه
در دنیاست داشته باشم ولی یکشب بی همسر بخوابم .^{۶۸}

رسول خدا صلی الله علیه و آله : دورکعت نماز ازدواج کرده
برتر است از هفتاد رکعت نماز فرد مجرد !^{۶۹}

معارف قرآن و اهل بیت علیهم السلام^{۶۶}

همان^{۶۷}

همان^{۶۸}

همان^{۶۹}

رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسیکه ازدواج کرده و خواب
است در نزد خدا از مجردیکه روزه بوده و شبها به
عبادت مشغول است، برتر است .^{۷۰}

امام رضا علیه السلام : از سفره عروسی بوی بهشت
استشمام می شود.^{۷۱}

اهل بیت علیهم السلام فرموده اند از گلهای لجن زار
(دختران زیبا ولی فاسد) دوری کنید.

اهل بیت علیهم السلام ازدواج آسان را توصیه کردند و
خود به آن عمل می نمودند.

إِنَّ مِنْ يُمْنِ الْمَرْأَةِ تَيْسِيرَ خِطْبَتِهَا وَتَيْسِيرَ صِدَاقِهَا و...؛^{۷۲}

رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره ازدواج آسان می
فرماید:

^{۷۰} همان

^{۷۱} همان

^{۷۲} کنز العمال، ح 44721

میمنت [و خجستگی] زن این است که راحت خواستگاری
شود و کاینش (مهریه اش) سبک باشد.

نظر اهل بیت علیهم السلام این است که ازدواج در اول
جوانی انجام شود و هرچه زودتر باشد بهتر است.

«أَيُّمَا شَابٌ تَزَوَّجَ فِي حِدَاثَةِ سِنِّهِ عَجَّ شَيْطَانُهُ: يَا وَيْلَهُ! عَصِمَ
مِنِّي دِينَهُ»^{۷۳}

ترجمه: رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم: وقتی جوانی
در اول جوانیش ازدواج کند، شیطان فریاد می زند: وای
بر من. دینش را از من حفظ کرد!

وسواس در ازدواج آفت جوانان

یکی از موانع ازدواج، وسواس در ازدواج است. یعنی
مرتب خواستگاری می رود یا دختر برایش خواستگار می
آید ولی هر کدام را با بهانه ای رد می کند!

کنز العمال، ح 44441⁷³

پسری می گفت تا الان سی بار خواستگاری رفتم ولی
هنوز مجردم! دختری نوشته بود تا بحال پانصد نفر
خواستگاری من آمدند ولی هنوز مجردم!

عمر انسان بسیار گران و پربهاست! باید در اولین فرصت
انسان ازدواج کند و تشکیل خانواده بدهد و از عمرش
استفاده کند و ولذت ببرد.

**برخی مهم ترین مقیاس برای زندگی مشترک را پول
می دانند**

امروزه با تغییر معیارهای ازدواج در جوانان، برخی
مهم ترین مقیاس برای زندگی مشترک را پول می دانند و
اعتقاد دارند که دارایی مالی، حلال همه مشکلات است و
تمام شاخصه های اقتصادی را جایگزین ارزش اخلاقی
می کنند .

برخی از جوانان برای رهایی از مشکلات به دنبال ازدواج
با شخصی می گردند که دارای وضع مالی مناسب است.

این گروه از جوانان با این باور نادرست ازدواج می کنند
که اگر همسری ثروتمند داشته باشند می توانند چشم
روی تمام واقعیت های تلخ زندگی مثل فقر، بی سوادى
والدین و نداشتن موقعیت اجتماعى ببندند و جایگاه
خوب و قابل قبولی در جامعه و بین آشنایان کسب کنند .
ولى اشتباه می کنند و اگر هم همسر پولدارى پیدا کنند
طعم خوشبختی را هرگز احساس نخواهند کرد زیرا
ازدواج فقط باید بر پایه محبت بین زن و شوهر باشد و
اگر برای زیبایى یا پول باشد سرانجامى نخواهد داشت
در این زمینه به این روایت توجه نمایید:

رسول گرامى اسلام (صل الله علیه و آله) می فرمایند:
کسى که فقط بخاطر زیبایى با زنى ازدواج کند آن چیزى
را که دوست داشت به آن نمى رسد و کسى که فقط
بخاطر مال با زنى ازدواج کند خدا او را به همان مال
وامیگذارد پس بر شما باد ازدواج با زن دیندار.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا لِجَمَالِهَا
 لَمْ يَرَ فِيهَا مَا يُحِبُّ وَمَنْ تَزَوَّجَهَا لِمَالِهَا لَا يَتَزَوَّجُهَا إِلَّا
 وَكَلَّهُ اللَّهُ إِلَيْهِ فَعَلَيْكُمْ بِذَاتِ الدِّينِ. ^{٧٤}

بحار ج ١٠٠ ص ٢٣٥^{٧٤}

درس دهم: خدمت به دین

تمام هدف انبیا و امامان، دین بوده است. آنها از همه لذات دنیا گذشتند و همه چیز خود را برای دین فدا کردند.

هرکسی که به دین خدمت کند و با مال و جان خود برای دین فداکاری کند درجه بالایی نزد خداوند دارد.

علت محبوبیت امام حسین علیه السلام این است که همه چیزش را برای دین فدا کرد.

امام زمان علیه السلام جواب سوال بحرالعلوم را داد

سید بحرالعلوم به قصد تشرف به سامرا تنها به راه افتاد. در بین راه راجع به این مسأله، که چرا گریه بر امام حسین (علیه السلام) گناهان را می آمرزد، فکر می کرد.

همان وقت متوجه شد که شخص عربی سوار بر اسب به
او رسید و سلام کرد. بعد پرسید:

جناب سید درباره چه چیز به فکر فرو رفته ای؟

اگر مسأله ای علمی است بفرمایید شاید من هم اهل
باشم؟!!

سید بحرالعلوم عرض کرد :

در این باره فکر می کنم که چطور می شود خدای تعالی
این همه ثواب به زائرین و گریه کنندگان بر حضرت
سید الشهداء علیه السلام می دهد؛

مثلاً در هر قدمی که در راه زیارت بر می دارند، ثواب
یک حج و یک عمره در نامه عملشان نوشته می شود

و برای یک قطره اشک تمام گناهان صغیره و کبیره شان
آمرزیده می شود؟!!

آن سوار عرب فرمود: تعجب نکن !

من برای شما مثالی می آورم تا مشکل حل شود. سلطانی
به همراه درباریان خود به شکار می رفت.

در شکارگاه از لشگریانش دور شد و به سختی فوق
العاده ای افتاد و بسیار گرسنه شد .

خیمه ای را دید و وارد آن خیمه شد در آن سیاه چادر،
پیرزنی را با پسرش دید. آنان در گوشه خیمه غُیره ای
داشتند (بز شیرده) و از راه مصرف شیر این بز، زندگی
خود را می گرداندند .

وقتی سلطان وارد شد، او را نشناختند؛ ولی به خاطر
پذیرایی از مهمان، آن بز را سر بریده و کباب کردند؛
زیرا چیز دیگری برای پذیرایی نداشتند .

سلطان شب را همان جا خوابید و روز بعد، از ایشان جدا
شد و به هر طوری که بود خود را به درباریان رسانید و
جریان را برای اطرافیان نقل کرد .

در نهایت از ایشان سؤال کرد:

اگر من بخواهم پاداش میهمان نوازی پیرزن و فرزندش
را داده باشم، چه عملی باید انجام بدهم؟ یکی از حضار
گفت :

به او صد گوسفند بدهید. دیگری که از وزرا بود، گفت:
صد گوسفند و صد اشرفی بدهید. یکی دیگر گفت: فلان
مزرعه را به ایشان بدهید. سلطان گفت :

هر چه بدهم کم است؛ زیرا اگر سلطنت و تاج و تخت را
هم بدهم آن وقت، مقابله به مثل کرده ام. چون آنها هر
چه را که داشتند به من دادند.

من هم باید هر چه را که دارم به ایشان بدهم تا سر به
سر شود.

بعد سوار عرب به سید فرمود :

حالا جناب بحر العلوم، حضرت سیدالشهداء (علیه السلام)
هر چه از مال و منال و اهل و عیال و پسر و دختر و
خواهر و سر و پیکر داشت همه را در راه خدا داد

پس اگر خداوند به زائرین و گریه کنندگان آن حضرت
این همه اجر و ثواب بدهد، نباید تعجب نمود؛ چون خدا
که خداییش را نمی تواند به سید الشهداء (علیه السلام)
بدهد؛

پس هر کاری که می تواند، آن را انجام می دهد؛ یعنی با
صرف نظر از مقامات عالی خود امام حسین (علیه السلام)
به زوار و گریه کنندگان آن حضرت، درجاتی عنایت می
کند.

در عین حال اینها را جزای کامل برای فداکاری آن
حضرت نمی داند. چون شخص عرب این مطالب را
فرمود، از نظر سید بحر العلوم غایب شد.^{۷۵}

در دوران دفاع مقدس، جوانان کشورمان جانانه جنگیدند
و از نظام اسلامی و کشورمان دفاع کنند و وظیفه خود را
بخوبی ادا کردند. حال نوبت جوانان امروز است که به
دین خدمت کنند.

⁷⁵ العبقری الحسان، ج 1، ص 119.

یکی از شهداء در وصیتنامه خود نوشته است:

به میدان آزمایشی می روی که در یک طرف کفر است با تمام امکانات و در طرف دیگر جوانان سلحشور و با ایمان که برای حق مبارزه می کنند، برای هدفشان و مکتبشان و وقتی این چنین می اندیشی خود را در کنار همه آنها و جزو یارانشان احساس می کنی گویی در کنار حسین(ع) و فریاد هل من ناصر ینصرنی اش را پاسخ گفته ای و دیگر برایت مرگ مفهومی ندارد.

چه زیبا و با شکوه است اینگونه بودن، اینگونه زیستن و اینگونه مردن.

(شهید بهروز ابوحمره)

شهید دیگر می گوید:

ما از امام حسین(ع) بالاتر نیستیم، که هستی خود را در راه خدا و دین فدا کردما باید پیروان راه حسین بن علی «(ع) باشیم، او که با خون خود اسلام را زنده کرد

(شهید مهدی آقاعباسی)

در قرآن کریم آمده که کسانی که در راه خدا با مال و
جان خود مجاهدت می نمایند بالاترین درجه را دارند.^{۷۶}
پس باید در عمر خودمان خدمتی به دین بکنیم تا در
پیش خداوند متعال درجه بالایی داشته باشیم.

⁷⁶ توبه ایه 19

درس یازدهم: عشق به خدا

انسان ها می توانند عاشق شوند یعنی به چیز ی علاقه خیلی فراوان پیدا کنند . گاهی این عشق به غیر خداست. مانند عشق به جنس مخالف! مرد عاشق زنی می شود یا زن عاشق مردی میشود. مانند عشق لیلی و مجنون. شیرین و فرهاد و...

گاهی عاشق حیوانی مانند سگ یا گربه یا پرنده سخنگو و غیره می شود!

گاهی عشق به فلان هنرپیشه و فوتبالیست و.. پیدا می کند!

اما همه این عشق ها سرابی بیش نیست و نه تنها نمی تواند انسان را به کمال برساند . بلکه مانع هدایت و کمال می گردد!

عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعِشْقِ قَالَ
قُلُوبٌ خَلَتْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ.^{٧٧}

امام صادق علیه السلام - در پاسخ به سؤال از عشق -
فرمود: دلهایی از یاد خدا تهی می گردد و خداوند محبت
غیر خود را به آنها می چشاند.

تنها عشقی که شایسته است انسان ها بدنبال ان بروند و
عمر خود را صرف ان کنند **عشق به خداست.**

3 مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ^{٧٨}

خداوند در درون هیچ کسی دو قلب قرار نداده است.

قلب انسان یاباید خدا در ان باشد یا غیر خدا. خوشا بحال
کسی که قلبش فقط منحصر به محبت خدا باشد.

در دعای کمیل از خدا می خواهیم که:

واجعل قلبی بحبک متیما

بحار الأنوار ج : 70 ص : 158⁷⁷
احزاب⁷⁸ 4

خدا قلبم را به عشقت متبرک نما

در قران کریم درباره اقوامی اینگونه آمده است:

فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ^{۷۹}

خداوند بزودی مردمی را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان نیز او را دوست می دارند.

که در بعضی از تفاسیر مراد از این مردم، مردم ایران ذکر شده است.

فرق عاشقان خدا با مردم عادی

فرق اولیاء خدا مانند قاضی ها و بهجت ها و ملاحسینقلی ها و سید احمد کربلایی ها با ادم های عادی این است که اینها عاشق خدا بودند و در تمام عمر عشق انها و محبوب آنها، خداوند مهربان بوده است. عبادت انها عاشقانه بوده است

مآئده 54⁷⁹⁷⁹

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود: "با فضیلت ترین مردم کسی است که عاشق عبادت است و با عشق عبادت کند".

«أفضل الناس من عشق العبادۃ فعانقها وأحبها بقلبه، وباشرها بجسده وتفرغ لها، فهو لا يبالي على ما أصبح من الدنيا على عسر أم على يسر»^{۸۰}

ادم عادی با عشق به خدا طلا می شود! از این رو به آن رو می گردد!! انقلابی عظیم و عجیب در او ایجاد می شود و ناگاه صاحب کرامت و معجزات می گردد و..

خدا تنها معشوقی است که هیچوقت عاشق خود را اذیت نمی کند! برعکس معشوق های بشری که گاهی قهر و گاهی دعوا و گاهی خیانت و گاهی تنها گذاشتن عاشق و.. در آن فراوان است!

عشق به خدا، معشوق همیشه هستش..

۸۰ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۲۵۲، حدیث ۱۰.

در عشق به خدا هرچقدر معشوق رو ناراحت کنی باز با
تو صاف و صادق و محبت دارد

عشق به خدا انقدر لذت دارد که با هیچ یک از لذتهای
مادی برابری نمی کند!! بقول ایه الله بهجت دورکعت نماز
عاشقانه انقدر لذت دارد که اگر پادشاهان این لذت را
می دانستند دست از پادشاهی می کشیدند و به عشق
خدا روی می آوردند..

ادمی که عشق خدا در او پیدا میشود طلا می گردد . از او
کار زشت دیده نمی شود. اهل گناه و ظلم و اذیت کردن
دیگران نیست! چون می داند محبوبش بدش می آید او
این کارها را بکند! پس ادم عاشق خدا سراسر صفا و
صمیمیت میشود و برای اینکه باصطلاح دل معشوق خود
یعنی خدا را بدست آورد مرتب کارهایی که معشوقش
خوشش می آید انجام می دهد. محبت به دیگران، نیکی و
احسان و خوبی کردن به دیگران مخصوصا ضعیفان و
کودکان و زنان بی سرپرست و والدین و مساکین و ایتم و
...

پایه عشق به خدا معرفت است...هرچقدر معرفت به خدا
بیشتر گردد عشق هم بیشتر شود.

....باید معشوق رو مرتب صدا کنیم...

ای رفیق من! ای امید من! ای گنج من! ای پناه من! ای
طیب من! ای خدای من! ای محبوب من!! ای معبود من!
ای کمک و یاور من! ای دادررس من! ای برطرف کننده
غم و اندوه من! ای خالق من! ای رازق من!

در انسان عشق به خدا نهاده شده است و بصورت
فطری وجود دارد و در عمق جان ادمی ریشه دارد و اگر
موانعی سر راه رشد این عشق نباشد، به صورت شگفت
انگیزی به کمال رسیده و انسان را به بالاترین لذتها
و مهمترین مقامات معنوی و بالاترین سعادت ها می
رساند.

ملاصدرا، از جمله ی فیلسوفان و عارفانی است که عشق را
به سه قسم تقسیم کرده و می گوید: عشق یا حقیقی است

و یا مجازی، عشق حقیقی محبت الله و صفات و افعال
اوست و عشق مجازی هم یا نفسانی است و یا حیوانی

وی معتقد است: تمام موجودات عالم به عشق حقیقی
عاشق حق اند و مشتاق لقای اویند و خداوند متعال در
جبلت (فطرت) تمام موجودات عالم عشق خاصی را
مرکوز (متمرکز) کرده است^{۸۱}

هدف از خلقت انسان هم در حقیقت همین است که
انسان عاشق خدا شود و با عشق به خداوند لطیف
وجمیل، به لذت بی نظیری که در هیچیک از لذتهای مادی
نیست دست پیدا کند.

انسان عاشق خدا، انسان عجیبی است. او شبانه روزش را
به یاد معشوقش یعنی خداوند زیبا، می گذراند و هیچیک
از لذتهای دنیا برای او ارزشی ندارد.

سجادی، سید جعفر، مصطلحات فلسفی صدر الدین شیرازی، ص 153 -
155⁸¹

امیر مومنان در مناجات شعبانیه خطاب به خداوند می
فرماید:

خدایا اگر مرا به اتشم بیاندازی، به اهل جهنم اعلام می
کنم که من دوست دارم^{۸۲}.

هدف از خلقت انسان هم در حقیقت همین است که
انسان عاشق خدا شود و با عشق بازی با خداوند لطیف
و جمیل، به لذت بی نظیری که در هیچیک از لذتهای مادی
نیست دست پیدا کند.

انسان عاشق خدا، انسان عجیبی است. او شبانه روزش را
به یاد معشوقش یعنی خداوند زیبا، می گذراند و هیچیک
از لذتهای دنیا برای او ارزشی ندارد.

مَنْ طَلَبَنِي وَجَدَنِي هر کس مرا بجوید ،
خواهد یافت

و ان ادخلتني النار اعلمت اهلها اني أحبك.⁸²

وَمَنْ وَجَدَنِي عَرَفَنِي و هر کس مرا یافت ، می
شناسد

وَمَنْ عَرَفَنِي احْبَبَنِي و هر کس مرا شناخت ،
دوستدار من می شود

وَمَنْ احْبَبَنِي عَشَقَنِي و هر کس دوستدار من شد ،
عاشقم می شود

وَمَنْ عَشَقَنِي عَشَقْتُهُ و هر کس عاشقم شود ،
عاشقش می شوم

وَمَنْ عَشَقْتُهُ قَتَلْتُهُ و هر که را عاشق شدم ،
می کشمش

وَمَنْ قَتَلْتَهُ فَقَلِّبْ دَيْتَهُ وهر کس را کشتم ، دیه او
بر من است

وَمَنْ عَلَيَّ دَيْتُهُ فَأَنَا دَيْتُهُ وهر که دیه او بر من است
من خودم دیه او هستم

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند فرزند و
عیال و خانمان را چه کند

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی دیوانه تو
هر دو جهان را چه کند؟

خداوند حکیم ما انسان ها را خلق کرد تا او را عبادت
کنیم و با او با عشق و محبت ارتباط برقرار کنیم و او را از
ار هر چه نقص و بدی است ، پاک و منزّه بدانیم و او را مالک
و صاحب عالم هستی بدانیم و همه نیازهای خود را از او
بخواهیم و خلاصه در همه حال بیاد او باشیم و با او عشق

بازی کنیم. و این حالت از ابتدای تکلیف انسان باید باشد

تا زمان مردن و انتقال از دنیا به آخرت

اگر انسان به این درجه از فهم و معرفت و شناخت و
ارتباط قوی با خداوند زیبا و لطیف برسد یقیناً در طول
زندگی دنیوی همیشه با نشاط و پویا و امیدواری بسیار
بالا خواهد بود و هیچگاه ناامید و مایوس و شکست خورده
نخواهد شد.

لذت بخش ترین لذتها

همه پیامبران آمدند رابطه انسان را با خدا برقرار کنند
زیرا خوشبختی انسان در این است که با خدای خویش
ارتباط داشته باشد که هرچه این ارتباط عمیق تر و
عاشقانه تر باشد انسان کاملتر و سعادتمندتر می
گردد انسان باید خدا را معشوق خود قرار دهد و بداند که
فقط خدا لایق عشق و رزی است. و فقط او شایسته عشق
و رزی است.

حُب الله

حب الله و عشق به خدا عالیت‌رین احساسی است که دل
انسانی با آن آشنائی دارد. عشق به خدا همچون سد
فولادین جلو تسویلات شیطانی را می‌گیرد و انسان را از
دام هوی و هوسهای ناپایدار می‌رهاند.

تقی بی نماز!

نامش سید یونس و از اهالی آذرشهر آذربایجان بود به
قصد زیارت هشتمین ستاره‌های آسمان امامت حضرت
ثامن الحجج (علیه‌السلام) مشهد را در پیش گرفت و
بدانجا رفت اما پس از ورود و نسختین زیارت همه پول
او مفقود و بدون خرجی می‌ماند ناگزیر به حضرت رضا
متوسل (علیه‌السلام) می‌شود و شب در منزل در عالم رؤیا
می‌بیند که حضرت می‌فرماید: سید یونس بامداد فردا
هنگام طلوع فجر برو و در بست پایین خیابان زیر غرفه
نقاره خانه بایست اولی کسی که آمد مشکلت را به او بگو
تا او مشکل تو را حل کند. می‌گویند پیش از طلوع آفتاب

بیدار شدم وضو ساختم و به حرم مشرف شدم و پس از زیارت قبل از دمیدن فجر به همان نقطه‌ای که در خواب دیده و دستور یافته بودم آمدم و چشم به هر سو دوخته بودم تا نفر اول را بنگرم که به ناگاه دیدم آقا تقی آذرشهری که متأسفانه در شهر ما به خاطر بدگویی برخی به او تقی بی‌نماز می‌گفتند از راه رسید اما من با خود گفتم آیا مشکل خود را به او بگوییم؟ با اینکه در وطن متهم به بی‌نمازی است چرا که در صف نمازگزاران نمی‌نشیند من چیزی به او نگفتم و او هم گذشت و به حرم مشرف شد من نیز بار دیگر به حرم رفته و گرفتاری خویش را با دلی لبریز از غم و اندوه به حضرت رضا (علیه‌السلام) گفتم و آمدم بار دیگر شب در عالم خواب حضرت را دیدم و همان دستور را دادند و این جریان سه شب تکرار شد. روز سوم گفتم بی‌تردید در این خواب‌های سه‌گانه رازی است به همین جهت بامداد روز سوم جلو رفتم و به اولین نفری که قبل از فجر وارد می‌شد و جز آقا تقی نبود سلام کردم و او نیز مرا مورد

دلجویی قرار داد و پرسید اینک سه روز است که شما را در این جا می بینم کاری داری؟ من جریان را گفتم و او نیز علاوه بر خرج توقف یک ماهه ام در مشهد پول سوغات را نیز داد و گفت: پس یک ماه قرار ما در فلان روز و فلان ساعت آخر بازار سرشور در میدان سرشور باشد، تا ترتیب رفتن تو به سوی شهرت را بدهم از او تشکر کردم. آمدنم یک ماه زیارت وداع کردم و سوغات هم خریدم خورجین خویش را برداشتم در ساعت مقرر در مکان مورد توافق حاضر شدم دست سر ساعت بود که دیدم آقا تقی آمد و گفت: آماده رفت هستی؟ گفتم: آری. گفت: بسیار خود بیا! بیا نزدیک تر رفتم گفت خودت به همراه بار و خورجین و هرچه داری بر دوشم بنشین تعجب کردم و پرسیدم مگر ممکن است؟ گفت: آری نشستم به ناگاه دیدم آقا تقی گویی پرواز می کند و من هنگامی متوجه شدم که دیدم شهر روستاهای میان مشهد تا آذرشهر به سرعت از زیر پای ما می گذرد و پس از اندک زمانی خود را در صحن خانه خود در آذر

شهر دیدم دقت کردم دیدم آری خانه من است و دخترم
در حال غذا پختن است آقا تقی خواست برگردد دامانش
را گرفتم و گفتم به خدا سوگند تو را رها نمی‌کنم. در
شهر ما به تو اتهام بی‌نمازی و لامذهبی زده‌اند و اینک
قطعی شد که از دوستان خاص خدایی از کجا به این
مرحله دست یافتی و نمازهایت را کجا می‌خوانی؟ او
گفت: دوست عزیز چرا تفتیش می‌کنی؟ باز او را سوگند
دادم... تا اینکه تعهد گرفت که تا زنده‌ام به کسی نگویم
گفت: سید یونس من در پرتو ایمان و خودسازی و تقوا و
عشق به اهل بیت (علیهم‌السلام) و خدمت به خوبان و
درماندگان به ویژه با ارادت به امام عصر (علیه‌السلام)
مورد عنایت قرار گرفتم و نمازهای خود را هر کجا باشم
با طی الارض در خدمت او و به امامت آن
حضرت (علیه‌السلام) می‌خوانم.

منبع سایت تبیان

عشق فقط عشق به خدا

در احوالات یکی از علمای عارف قرن ما بنام ایه الله
نجات میگویند در اواخر عمر هر جا در مجله یا روزنامه
کلمه عشق را میدید اشک از چشمان نشان سرا زیر
میشد.^{۸۳}

سید باقر شفتی

«دربارهٔ عبادت او نوشته‌اند: از نیمه شب تا صبح مشغول
گریه وزاری و تضرع بوده و در صحن کتابخانه‌اش مانند
دیوانگان می‌گردید و دعا و مناجات می‌خواند و بر سر
وسینه‌اش می‌زد. و چنان بی اختیار ناله وزاری او بلند
می‌شد که اگر همسایگان بیدار بودند، می‌شنیدند.

<http://shiraz-83>

arfan.persianblog.ir/post/22/

در اواخر عمر، آن قدر گریه کرده بود و ناله و بی قراری نموده بود که به بادفتق مبتلا شده بود و پزشکان هرچه معالجه می نمودند، فایده‌ای نداشت. به همین جهت او را از گریه منع کرده و گفتند: گریه بر تو حرام است زیرا باعث زیادی بادفتق می شود. پس هر گاه به مسجد می رفت تا او نشسته بود، روضه خوانان بالای منبر نمی رفتند. مگر زمانی که از مسجد خارج می شد و اگر روضه خوانی بالای منبر می رفت و او حضور داشت، سید بر نمی خواست و باز گریه می کرد.

یکی از نزدیکان او می گوید: با آن مرحوم به یکی از روستاها رفتم. شب رادر راه گذرانیدیم. سید بمن فرمود: نمی خوابی؟ من رفتم تا بخوابم. سید وقتی خیال کرد که من خواب هستم، برخاست و مشغول نماز شد. به خدا قسم دیدم که بندهای شانه و اعضایش می لرزید به طوری که کلمات را از شدت حرکت فکین و اعضا، تکرار

می نمود تا آن را صحیح ادا کند.» داستانهای از زندگی
علماء ج 1 و ج 3

نماز عاشقانه

اعجوبه عبادت، حسنعلی نخودکی اصفهانی

«آقای نظام الولیه سر کشیک آستان قدس رضوی نقل کرد که شبی از شبهای زمستان که هوا خیلی سرد بود و برف می بارید، نوبت سر کشیک من بود. اول شب خدّام آستان مبارک به من مراجعه کردند و گفتند: به علت سردی هوا و بارش برف، زائری در حرم نیست. اجازه دهید حرم را ببندیم. من نیز به آنان اجازه دادم. مسئولین بیوتات درها را بستند و کلیدها را آوردند. مسئول بام حرم مطهر آمد و گفت: اج شیخ حسنعلی اصفهانی از اول شب تا کنون بالای بام و درپای گنبد مشغول نماز می باشند و مدتی است که در حال رکوع هستند و چند بار که مراجعه کردیم ایشان را به همان حال رکوع دیدیم. اگر

اجازه دهید به ایشان عرض کنیم که می‌خواهیم درها را ببندیم.

گفتم: خیر، ایشان را به حال خود بگذارید و مقداری هیزم در اطاق پشت‌بام، مخصوص مستخدمین است بگذارید که هرگاه از نماز فارغ شدند، استفاده کنند و در بام را نیز ببندید.

مسئول مربوطه مطابق دستور عمل کرد و همه به منزل رفتیم. آن شب برف بسیاری بارید. هنگام سحر که برای باز کردن درهای حرم مطهر آمدیم، به خادم با گفتم: برو ببین حاج شیخ در چه حالند.

پس از چند دقیقه خادم مزبور بازگشت و گفت: ایشان همانطور که در حال رکوع هستند و پشت ایشان با سطح برف مساوی شده است.

معلوم شد ایشان از اول شب تا سحر در حال رکوع بوده‌اند و سرمای شدید آن شب را هیچ احساس

نکرده‌اند. نماز ایشان هنگام اذان صبح به پایان رسید.» «داستانهایی از زندگی علماء ج 1»

نماز عجیب سید هندی

در کتاب ارمغان هندوپاک نوشته مرتضوی لنگرودی آمده که سیدی در هند نماز عجیبی می خواند. وقتی به سجده می رفت اعضای بدنش همانند سر و دست و پاها جدا می شدند و من رفتم و سر او را در حالی که ذکر می گفت روی دست گرفتم. بعد از نماز از او پرسیدم این چه نمازی است؟ سید هندی گفت من چون از نمازهای یومیه و نافله ان لذتی که می خواهم نمی برم از خدا خواستم بهمن نمازی بدهد که دران روحم از جسم منقطع شود. و خداوند این نماز را به من داده که دراین نماز من دیگر درعالم دنیا نیستم.

شعیب نبی همیشه از عشق به خدا اشگ می ریخت

درباره حضرت شعیب علی نبینا و آله و علیه السلام نقل شده است که سال‌هایی طولانی گریه کرد تا چشم‌هایش نابینا شد. خدای متعال دوباره چشم‌هایش را به او برگرداند. باز سال‌ها گریه کرد تا دوباره چشمش نابینا شد. باز خدای متعال چشم‌هایش را به او برگرداند. باز سالیانی گریه کرد. خداوند به او وحی کرد: اگر از ترس جهنم گریه می‌کنی، من جهنم را بر تو حرام می‌کنم. اگر آرزوی بهشت داری، من بهشت را در اختیار تو گذاشتم. دیگر چه می‌خواهی؟ عرض کرد: خدایا! تو می‌دانی گریه من، نه از ترس جهنم است و نه به خاطر رسیدن به بهشت، من تو را دوست دارم و خواستار لقای تو هستم؛ من می‌خواهم به تو نزدیک شوم. خدای متعال نیز به او وحی کرد که چون این‌گونه هستی، من کلیم خودم را خادم تو قرار خواهم داد. داستان فرار حضرت موسی به مدین و ملاقات با دختران شعیب مقدمه بود برای این که موسی هشت یا ده سال برای شعیب شبانی کند.^{۸۴}

علل الشرایع⁸⁴

رسد آدمی بجایی که بجز خدا نبیند!

الهی هب لی کمال الانقطاع الیک.^{۸۵}

خدایا کمال انقطاع از غیر خودت و اتصال به خودت را

هدیه به من بده .

عاشقان خدا شایسته است هرشب جوشن کبیر را که

هزار نام از معشوق در آن ذکر شده بخوانند.

هرکجا نام خدا باشد آنان حیران و مبهوت نام محبوب می

شوند.

ابراهیم نبی با شنیدن نام خدا همه گوسفندانش را بخشید

وقتی حضرت ابراهیم از نمرودیان جدا شد و به طرف

سرزمینی که خداوند متعال برایش مقدر فرموده بود،

می‌رفت، گله بزرگی به همراه خود داشت.[5] در شب

تاریکی جبرئیل به امر خداوند فریاد زد: «سَبَّوحٌ قُدَّوسٌ».

حضرت ابراهیم حالت جذبه‌ای پیدا کرد و گفت: ای

فرازی از مناجات شعبانیه⁸⁵⁸⁵

کسی که اسم محبوب من را بردی! نصف این گوسفندان
را به تو می‌بخشم، یک بار دیگر اسم محبوبم را تکرار
کن! جبرئیل یک بار دیگر گفت: سبوح قدوس.

باز شوق ابراهیم بیشتر شد و گفت بقیه گله‌ام را نیز به
تو بخشیدم،^{۸۶}

شب مردان خدا روز جهان افروز است

در روایت نقل شده که به حضرت موسی
علی نبینا و آله و علیه السلام وحی شد: يَا ابْنَ عِمْرَانَ! كَذَبَ
مَنْ رَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي فَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي؛ ای موسی!
کسی که می‌گوید من خدا را دوست دارم، اما شب -
هنگامی که تاریکی همه جا را فرا می‌گیرد - به خواب
می‌رود و به یاد من نیست، دروغ می‌گوید. در ادامه
خداوند می‌فرماید: أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبٍّ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ؟^{۸۷}

1. بحار الأنوار ج 67، ص 26⁸⁶

الأُمالي (للصدوق)، ص 357.⁸⁷

آیا مگر نه اینکه هر عاشقی تنهایی با معشوقش را
دوست دارد؟

تو را برای دوستی خدا دوست می دارم.

در روایتی آمده است: نوجوانی که هنوز به سن بلوغ
نرسیده بود، به پیامبر «صلی الله علیه و آله» سلام کرد و از
خوشحالی دیدن ایشان، چهره اش گشاده شد و لبخند
زد. حضرت به او فرمود: ای جوان! مرا دوست داری؟
گفت: ای رسول خدا! به خدا قسم آری. فرمود: همچون
خودت؟ گفت: ای رسول خدا! به خدا قسم بیشتر. فرمود:
همچون پروردگارت؟ گفت: خدا را، خدا را، ای رسول
خدا! این مقام نه برای تو است و نه دیگری. در حقیقت
تو را برای دوستی خدا دوست می دارم.
در این هنگام رسول خدا به همراهان خویش روی کرد و
فرمود: این گونه باشید؛ خدا را به سبب احسان و نیکی

اش به شما دوست بدارید و مرا برای دوستی خدا دوست
بدارید.^{۸۸}

اویس قرن، مرد خدا

او از مردان خدا بود که در زمان پیامبر خدا در یمن
زندگی می کرد و اسلام آورد ولی پیامبر را نتوانست
زیارت کند اما حالات خوش بندگی فراوانی داشت.

در حالات عرفانی اویس گویند: بعضی از شب ها می گفت:
امشب شب رکوع است و به یک رکوع شب را به صبح
می رساند. یک شب می گفت: امشب شب سجود است و
به یک سجده شب را سپری می کرد. به او گفتند: اویس،
چرا این قدر به خودت زحمت می دهی؟! گفت: کاش از
ازل تا ابد یک شب بود و من آن را به یک سجده سپری
می کردم...

ارشاد القلوب، دیلمی، ص ۱۶۱، ح ۸۹۸.

درس دوازدهم: فرار از پول پرستی

نباید هدف انسانی که خلیفه الله است، پول باشد. پول فقط وسیله است و هدف جلب رضایت الهی است. پس از هر راهی نباید پول بدست بیاورد. بلکه فقط از راه حلال و با عزت و سربلندی.

در قران آمده که :

ادم وقتی پولدار شد طغیان می کند! این آیه قرانی در
سوره علق هست.

در این باره داستانی است که:

امام باقر علیه السلام فرمود: در زمان رسول خدا، در آغاز
هجرت یکی از مومنین صغه به نام سعد بسیار در فقر و
ناداری به سر می برد و همیشه در نماز جماعت، ملازم
پیامبر خدا بود و هرگز نمازش ترک نمی شد رسول خدا
صلی الله علیه و واله و سلم وقتی او را می دید، دلش به حال
او می سوخت و نگاه دلسوزانه به او می کرد. غریبی و
تهیدستی او رسول خدا را سخت ناراحت می کرد، روزی
به سعد فرمود: اگر چیزی به دستم برسد تو را بی نیاز
می کنم. مدتی از این جریان گذشت، رسول خدا صلی الله
علیه و واله و سلم از این که چیزی به او نرسید تا به سعد
کمک کند، غمگین شد خداوند وقتی رسولش را این گونه
غمگین یافت، جبرئیل را به سوی او فرستاد جبرئیل که

دو درهم همراهش بود، به حضور پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم آمد و عرض کرد: ای رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم خداوند اندوه تو را به خاطر سعد دریافت، آیا دوست داری که سعد بی نیاز گردد، پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود: آری. جبرئیل گفت، این دو درهم را به سعد بده و به او دستور بده که با آن تجارت کند پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم آن دو درهم را گرفت و سپس برای نماز از منزل خارج شد؛ دید سعد کنار حجره مسجد ایستاده و منتظر رسول خداست. وقتی که سعد را دید، فرمود: ای سعد آیا تجارت و خرید و فروش می دانی؟ سعد گفت: سوگند به خدا چیزی ندارم که با آن تجارت کنم. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم آن دو درهم را به او داد و به او فرمود: با این دو درهم تجارت کن و روزی خدا را به دست بیاور. او هم آن دو درهم را گرفت و همراه رسول خدا به مسجد رفت و نماز ظهر و عصر را خواند، بعد از نماز، رسول خدا به او فرمود: برخیز به دنبال کسب رزق برو که من از وضع تو

غمگین هستم. سعد برخاست و کمر همت بست و به تجارت مشغول شد به قدری از دو درهم برکت داشت که هر کالایی با آن می خرید، سود فراوان می کرد؛ دنیا به او رو آورد و اموال و ثروتش زیاد گردید و تجارتش رونق بسیار گرفت. در کنار مسجد محلی را برای کسب و کار خود انتخاب کرد و به خرید و فروش، مشغول گردید. کم کم پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم دید که بلال حبشی وقت نماز را اعلام کرده ولی هنوز سعد سرگرم خرید و توبه فروش است، نه وضو گرفته و نه برای نماز آماده می شود. پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم وقتی او را به این وضع دید، به او فرمود: «یا سعد شغلتک الدنيا عن الصلاة ای سعد دنیا تو را از نماز بازداشت». او در پاسخ چنین توجیه می کرد و می گفت: چه کار کنم؟ ثروتم را تلف کنم؟ به این مرد متاعی فروخته ام؛ می خواهم پولش را بستانم و از این مرد متاعی خریده ام؛ می خواهم قیمتش را بپردازم. رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم در مورد سعد، آن چنان ناراحت و غمگین شد

که این بار اندوه رسول خدا شدیدتر از آن هنگام بود که
 سعد در فقر و تهیدستی به سر می برد. جبرئیل بر پیامبر
 صلی الله علیه و اله وسلم نازل شد و عرض کرد: خداوند
 اندوه تو را در باره سعد دریافت، کدام یک از این دو
 حالت را در مورد سعد دوست داری آیا حالت اولی یعنی
 فقر و تهیدستی او و توجه به نماز و عبادت را دوست
 داری یا حالت دوم را که بی نیاز است ولی توجه به
 عبادت ندارد؟ پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم فرمود:
 حالت اولی را دوست دارم، چرا که حالت دوم او باعث
 شد که دنیایش، دینش را ربود و برد، جبرئیل گفت: «ان
 الدنيا و الاموال فتنة و مشغله عن الاخره» ؛ دلبستگی به
 دنیا و ثروت، مایه آزمایش و بازدارنده آخرت است. آن
 گاه جبرئیل گفت: آن دو درهم را که به او قرض داده
 بودی از او بگیر که در این صورت وضع او به حالت اول
 برمی گردد رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم به سعد
 فرمود: آیا نمی خواهی دو درهم مرا بدهی؟ سعد گفت:
 به جای آن دویست درهم می دهم. پیغمبر صلی الله علیه

واله وسلم فرمود: همان دو درهم مرا بده. سعد دو درهم
آن حضرت را داد از آن پس دنیا به سعد پشت کرد و
تمام اموالش کم کم از دستش رفت و زندگیش به حالت
اول بازگشت. و دوباره اهل مسجد و نماز اول وقت شد!^{۸۹}

آری پول پرستی انسان را از خدا و اولیاء خدا جدا کند و
در صف ابلیس و دشمنان خدا قرار می دهد. در این زمینه
خداوند داستان قارون را آورده که خیلی پولدار شد ولی
در مقابل حضرت موسی علیه السلام قرار گرفت و
دستورات الهی مانند زکات را قبول نکرد و عاقبت دچار
عذاب الهی شد. اگر قارون پولدار نبود شاید در صف
مومنین باقی می ماند و عاقبت به خیر می گردید.
همچنین خداوند در قرآن کریم در سوره توبه ایه 75
داستان مردی را می آورد که عاقبت منافق و مرتد شد.

در روایات آمده اسمش ثعلبه بوده و با پیامبر عهد و پیمان می بندد اگر پولدار شد حقوق الهی راپردازد ولی وقتی خدا به او ثروت داد حاضر نشد زکات پردازد و عهد خود را انجام نداد.لذا خداوند او را منافق نامید.

اما برعکس پول پرستان،امامان ما اموال خود را انفاق می کردند. امام حسن مجتبی علیه السلام گاهی هرچه داشت می بخشید و امام رضا علیه السلام هم در روز عرفه هرچه داشت در راه خدا انفاق نمود و سایر ائمه علیهم السلام هم این چنین بودند.

درمان پول پرستی

درمان این بیماری خطرناک انست که انسان متوجه شود اموالی که دارد در نزد او امانت هستند که بعد از مردنش نمی تواند از ان استفاده کند و به وارثین او می رسد.پس چه بهتر که تا زنده است از این اموال برای آخرت خود استفاده نماید.و انها را در کارهای خیر و باقیات صالحات خرج کند.

شمر ملعون پول پرست بود!

گویند وقتی شمر لعین روی سینه امام حسین نشست تا
امام را شهید کند امام پرسید تو که من را می شناسی که
فرزند زهرای مرضیه و علی مرتضی هستم چرا مرا می
کشی؟ شمر جواب داد: برای پول جایزه!^{۹۰}

پول پرستی در کشورمان زیاد شده همه از پول
میگند! همانطور که در کشورهای غربی هست که ملاک
ارزشها فقط پول هست و علم و دانش و هنر و تقوا و
ایمان ارزشی ندارند ولی
ادم زرنگ از نظر اسلام ادمی است که هرچه مادیات دارد
صرف آخرت می کند و اندکی صرف خود می کند.

⁹⁰ <http://www.qudsonline.ir/news/317858>

ولی در نزد بعضی ها ادم زرنگ یعنی کسی که در مدت کوتاهی ثروت مند شود حتی اگر از راه قاچاق یا رباخواری یا کلاهبرداری باشد. مخصوصا دزدی های بی سرو صدا مانند اختلاس های چند هزار میلیاردی!

الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ^{۹۱} ..»

انان که طلا و نقره را جمع کرده و در راه خدا انفاق نمی کنند به انها بشارت عذاب دردناک بده.

اسلام میگه ادم زرنگ کسیه که اگر ثروت داره مقداری برای زندگی خودش خرج می کنه و بقیه رو در راه خدا خرج می کنه.

اما کسانی که پولدوستند هرگز سکه ای در راه خدا خرج نمی کنند. اینها افرادی هستند گاه برای بدست آوردن پول ادم می کشند حتی رفیق خودرا

⁹¹ توبه 34

رفیق پول پرست دوستش را کشت تا 100 میلیون به

جیب بزند + عکس

جوانی بعد از ناتوانی در به دست آوردن ارثیه دوستش،
او را به قتل رساند و جسدش را سوزاند

به گزارش گروه اجتماعی باشگاه خبرنگاران جوان؛

رکنا:

(ثانیه ۰,۲۹) صفحه 2 از حدود ۱۳,۹۰۰,۰۰۰ نتیجه

اگر امکان دارد آن را به فارسی ایمیل کنید

نتایج وب

قتل زن تنها به خاطر پول / میهمان، صاحب خانه را کشت

- ...

<https://www.mehrnews.com/.../> - قتل - زن - تنها -

به - خاطر - پول - میهمان - صاحب - خانه - را - کشت

میهمانی که برای قرض گرفتن پول، - دی ۱۳۹۴ ۸
صاحبخانه را با رشته پارچه‌ای خفه کرده و به قتل رسانده
بود با تلاش مأموران پلیس آگاهی به دام افتاد

قتل پسر دایی به خاطر پول نهار! - عصرایران

صفحه نخست > < <https://www.asriran.com>

اجتماعی

قتل پسر دایی به خاطر پول نهار! - آبان ۱۳۹۷ ۶
پرونده ایراد گرفته شده توسط دیوان عالی کشور به
شعبه ۲ دادگاه کیفری ۱ تهران بازگشت تا ایرادات و
... شبهات پرونده

- قتل مادر 30 ساله به خاطر یک مشت پول+عکس
YJC

اجتماعی > حوادث و انتظامی > <https://www.yjc.ir>

مرد جوانی که مادری 30 ساله را در - دی ۱۳۹۴ ۷
خانه اش به قتل رسانده بود، توسط پلیس شناسایی و
دستگیر شد.

روزنامه جام جم 14/9/95: قتل دوست به خاطر پول
Magiran - شیشه

www.magiran.com/npview.asp?ID=3475011

قتل دوست به خاطر پول شیشه مردی که دوستش را با
ضربه چاقو کشته بود، در آخرین جلسه بازپرسی مدعی
شد، به خاطر دریافت پول بر سر پول مواد مخدر،
مرتکب قتل شده است.

روزنامه ایران 24/5/96: قتل خاله به خاطر سرقت پول

و طلا

www.magiran.com/npview.asp?ID=3610443

دادگاه قتل خاله به خاطر سرقت پول و طلا گروه حوادث / مردی که در جریان سرقت، خاله اش را به قتل رسانده بود با گذشت اولیای دم از قصاص نجات یافت و با حکم ... دادگاه به 13

قتل زن جوان به خاطر پول مداوای یک سگ |
خبرگزاری فارس

<https://www.farsnews.com/news/.../قتل>

زن-جوان-به-خاطر-پول-مداوای-یک-سگ

مرد جوانی که به خاطر هزینه - فروردین ۱۳۹۶ ۱۵
درمان پای یک سگ زن جوانی را به قتل رسانده بود به
اتهام خود اعتراف کرد

قتل؛ تنها به خاطر یک میلیون پول! - افکار نیوز

<https://www.afkarnews.com/بخش...633074/5-قتل-تنها-به-خاطر-یک-میلیون-پول>

قتل؛ تنها به خاطر یک میلیون پول - تیر ۱۳۹۶ ۱۰
رئیس پلیس آگاهی سیستان و بلوچستان تصریح کرد:
فرد دستگیر شده در تحقیقات تخصصی پلیس با
... اعلام

قتل به خاطر یک مشت پول | آفتاب

<https://www.aftabir.com/news/article/view/2019/01/07/2053361>

جزئیات قتل هایی که به دلایل مالی - دی ۱۳۹۷ ۱۷
صورت گرفته بود. در هردوی این قتل ها قاتلان به
...خاطر اختلاف مالی دست به جنایت زده اند

قتل پدر ثروتمند برای پول - ایران آنلاین

قتل-پدر/483085/news/ion.ir/www

قتل پدر ثروتمند -ایران آنلاین - تیر ۱۳۹۸ ۱۰
پسر جوان آمریکایی پدرش را به : برای پول
خاطر قطع کردن کمک های مالی اش به وی
به قتل رساند

قتل فجیع پدر 62 ساله توسط پسر 44 ساله به خاطر
پول - نوداد

حوادث > جنایی > <https://nodud.com>

رتبه: ۰٪ - ۱ رأی

ساعت ۲۰ شامگاه یک شنبه ۲۹ مهرماه، قاضی دشتبان
بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس
تلفنی مأموران کلانتری ۱۰۵ سنایی از مرگ مشکوک
... مرد میانسالی در

قتل زن آرایشگر بخاطر پول - پارس ناز

www.parsnaz.com/news_detail_15183.html

یک مرد جوان که به جرم قتل زن آرایشگر بخاطر پول
کشتن زن آرایشگر و دزدیدن ۴۰ میلیارد ریال از
خانه‌اش بازداشت شده است دیروز در دادگاه کیفری
استان تهران محاکمه شد.

قتل زن و نوزاد 11 ماهه توسط شوهر بخاطر پول بیمه
عمر! - آپارات

<https://www.aparat.com/v/Nv59T/>
قتل زن و نوزاد 11 ماهه توسط شوهر بخاطر پول
ل

مرد مشهدی که از نظر مالی شرایط سختی داشت برای
گرفتن پول از بیمه عمر اقدام به کشتن همسر و فرزند
11 ماهه اش کرد. اجساد زن جوان و یک نوزاد در
... زمینی محصور واقع در

قتل فجیع مادر به خاطر پول - دوات آنلاین

<https://davatonline.ir/content/136566/> - قتل

فجیع - مادر به خاطر پول

پسر 38 ... قتل فجیع مادر به خاطر پول - دی ۱۳۹۷ ۹
ساله این زن میان سال در حالی که به شدت نگران بود
و به خاطر گم شدن مادرش اشک می ریخت در تشریح
... جزئیات این

مرد 46 ساله همسرش را بخاطر پول خفه کرد | رییس
... کلانتری 139

www.ghatreh.com/news/nn47949343/
مرد - ساله - همسرش - بخاطر - پول - خفه - کرد

رییس کلانتری 139 مرزداران از قتل یک - روز پیش ۵
زن توسط همسرش در صبح امروز خبر داد. - در ساعت
Ø 7:03 صبح امروز مردی 46 ساله در تماس

اعترافات یک قاتل / قتل همسر بخاطر پول | صبح امروز
... مردی 46

www.ghatreh.com/news/nn47946472/

اعترافات - قاتل - قتل - همسر - بخاطر - پول

قتل همسر بخاطر / اعترافات یک قاتل - روز پیش ۵
صبح امروز مردی 46 ساله در خانه خود همسر 42 . پول
ساله اش را با بند کیف خفه کرد و پس از آن با پلیس و
... نیروهای

قتل پدر دختر مورد علاقه به خاطر پول - روزنامه اعتماد

www.etemadnewspaper.ir/fa/main/detail/

قتل - پدر - دختر - مورد - علاقه - به - خاطر - پول / 17023

اعتماد | پسری جوان که پدر دختر مورد علاقه اش را
به قتل رسانده بود، انگیزه خود از این اقدام را «ازدواج با
دختر مورد علاقه» و «تصاحب اموال مقتول» اعلام کرد.
... سیام دی ماه سال

وهزاران مورد قتل و جنایت و دعوا و اختلاف همه

سرپول!

اولین سکه ای که در کره زمین ضرب شد ابلیس ان را
گرفت و روی قلبش گذاشت و گفت با وجود محبت بتو
دیگه کسی رستگار نمیشود!

اولیاء خدا و پول

پول در نزد اولیاء خدا از سایه هم بی ارزش تر است! لذا
همه عمر در حال انفاق بودند. اینکه پیامبر خدا در حالی از
دنیا رفت که پولی بر جا نگذاشت. همچنین امامان معصوم
ما این چنین بودند. گویند امام حسن مجتبی علیه السلام
دوبار هر چه داشت بخشید. یا امام رضا علیه السلام در روز
عرفه همه اموال خود را بخشید و...

ایه الله العظمی عبدالکریم حائری وقتی از دنیا رفت شب خانواده اش شام نداشتند حضرت امام برایشان شام تهیه کردند.

آیه الله بروجردی که در سال 1340 از دنیا رفت ششصد هزار تومان بدهکار بود.(بدهکاری برای حوزه علمیه نه بدهکاری شخصی)

تعجب ملائکه

ملائکه از اینکه مردم آخرت را فراموش کرده و به جمع اوری مال مشغولند تعجب می کنند! زیرا باید همه را بگذارند و با یک کفن به عالم آخرت وارد شوند. در عالم آخرت هم پول و ثروت بی ارزش است!

پول نزد افراد زرنگ

افراد زرنگ کسانی هستند که از پول برای آخرت خود استفاده می کنند. که در کشور ما از این افراد کم نیستند . در هر شهر و محله ای هستند افراد ثروتمند ولی

سخت‌تر و خیر و کمک کننده به نیازمندان. لذا می بینیم
اینهمه مسجد در کشورمان ساخته شده همه با کمک
افراد متمکن بوده است. اینهمه مدرسه و کتابخانه و
موسس خیریه و...

یکی از افرادی که در ستاد جهیزیه یکی از مراکز استانها
کار می کرد می گفت گاهی شده شخصی زنگ زده صد تا
تخته قالی فرستادم برای جهیزیه دختران نیازمند. سوال
می کردیم اسم شما چیه؟ می گفت نیازی به گفتن اسمم
نیست. و حاضر نمی شد خودش را معرفی نماید. از این
نمونه هزاران مورد هست که در کشورمان افراد گمنام
پول خود را در باقیات صالحات هزینه می نمایند.

نکته آخر

هیچوقت بخاطر پول با فامیل بخصوص پدر و مادر و برادر
و خواهر و فرزندان و همسر، قطع رابطه نکنیم. هیچوقت
بخاطر پول با کسی دعوا نکنیم. هیچوقت بخاطر پول
آبروی افراد را نبریم. حتی اگر می خواهیم به شخصی

کمک کنیم با نهایت احترام کمک کنیم که تحقیر و شرمنده نشود. در کمک به نیازمندان کمیت مهم نیست بلکه کیفیت مهم است. که در نزد خداوند نیت شخص کمک کننده مهم است نه مقدار پولی که کمک کرده است. مواظب باشیم که از ابتدای سالی که درآمد پیدا می کنیم برای خود سال خمسی قرار دهیم و هر سال خمس خود را پردازیم تا سهم امام زمان علیه السلام و سهم سادات فقیر را پردازیم و همیشه لقمه حلال استفاده کنیم.

امام خمینی در تحریر الوسیله می فرماید: هر کس درهمی از خمس را نپردازد جزء ستمگران بر اهل بیت و کسانی که حق آن بزرگواران را غصب کرده اند می شود. خمس و زکات مال را از تلف شدن و دچار خسارت شدن حفظ می نماید ولی اگر انسان خمس مالش را ندهد چند برابر آن را ضرر خواهد کرد. شخصی می گفت پسر من دوازده میلیارد تومان به من ضرر زد. گفتم خمس مالت را

نپرداختی اینگونه دچار ضرر شدی. کارخانه داری می
گفت ورشکست شده ام باز معلوم شد اهل خمس نبوده
است.

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: هیچ مالی در خشکی
و دریا تلف نمی شود مگر بخاطر ندادن زکات (و
خمس).^{۹۲}

⁹² ترجمه فروع کافی ؛ ج 2 ، ص 535

درس سیزدهم: انس با قران

قران گنج بی نظیری است که اکثر ما انسان ها ازارزش
این گنج اطلاع نداریم و بی خبریم. اگر می دانستیم قران
چقدر ارزشمند و مهم است و چقدر برای ما مفید است
شبانہ روز قران می خواندیم.

این امام سجاد علیه السلام است که می فرماید اگر همه
اهل دنیا بمیرند و من باشم و قران. احساس تنهایی نمی
کنم.^{۹۳}

چگونه این جوان ایرانی ساکن امریکا متحول می شود؟

⁹³ بحارالانوار، ج 46، ص 107.

محمد عرب» در نوجوانی به آمریکا می‌رود و با فرهنگ
آنجا بزرگ می‌شود، از ایرانی بودن و آداب و رسوم آن
تنها یک اسم و فامیل برای او باقی می‌ماند. هیچ چیز
ممنوعی برای او وجود ندارد و کاملاً یک زندگی
آمریکایی با همه استانداردهای غیر اخلاقیش را اداره
می‌کند.

این همه داستان زندگی محمد در آمریکاست: هر روز
کافه و باری جدید، لذتی جدید و گناهی جدید. ماجرا
ادامه دارد. او می‌گوید که حتی دیگر لذت‌های لاس
وگاس هم او را راضی نمی‌کرده و تصمیم می‌گیرد در
کارناوال برزیل شرکت کند. به خانه می‌رود تا خداحافظی
کند. خواهرش به رسم ایرانی‌ها قرآن را برمی‌دارد و
محمد را از زیر آن رد می‌کند تا سفر معصیتش به سلامت
بگذرد! معلوم نیست که چرا آن قرآن همراه محمد در
سفر برزیل می‌شود. یک اتفاق و یا تقدیر الهی همه چیز
را پیش می‌برد. محمد به هتل می‌رسد و تصمیم می‌گیرد
چند خطی از کتاب را بخواند تا خوابش ببرد و بعد از آن
راهی کارناوال شود. صفحه اول را می‌خواند و به صفحه

دوم می‌رسد و چهارستون بدنش می‌لرزد. هم چیز عوض می‌شود. محمد راهی جنگل‌های آمازون می‌شود و لحظه‌ای کتاب را روی زمین نمی‌گذارد... **در اتوبوس کنار یک ایرانی نشستم، با ذوق به او گفتم: «حتما این کتاب را بخوان».** چیز تازه‌ای کشف کرده بودم اما برای او عادی بود

دو سوم قرآن را در جنگل‌های آمازون خوانده بودم که برگشتم، آنموقع به خانواده ام اطلاع نداده بودم که برمی‌گردم. حمام مرتبی در جنگل‌ها نکرده بودم و به همین دلیل اوضاع ظاهری خوبی نداشتم. در مسیر بازگشت، یک ایرانی کنارم نشسته بود. از او پرسیدم که «ایرانی هستی؟». وقتی با او حرف زدم، فوراً به او گفتم: «در سفری که به جنگل‌های آمازون داشتم، این کتاب را خوانده‌ام که کتاب عجیبی است، اگر به دستت رسید حتماً آن را بخوان». اما او با تعجب به من نگاه کرد! من چیز تازه‌ای کشف کرده بودم ولی برای او عادی بود. با شوق به او گفتم که: «امیدوارم این تجربه را تو هم داشته

باشی». از ابتدا این مطلب را درک کردم که این گنج
برای همه است و هرچه زودتر باید به آن دسترسی پیدا
کنند^{۹۴}

رسول خدا ﷺ صلی الله علیه و اله و سلم فرمود:

«هر کس قرآن بخواند، گویی به مرتبه پیامبری رسیده
است، جز آن که بر او وحی نمی‌شود.»^{۹۵}
قرآن کتابی است که :

*انسان را به بهترین آئین هدایت می‌کند:

انّ هذا القرآن یهدی للّتی هی اقوم^{۹۶}

^{۹۴} <https://rahyaftaha.ir/19385>

^{۹۵} میزان الحکمه، ج ۸، ص ۷۴.

^{۹۶} اسراء ۹

*قرآن نور است و با نور خود، افراد را به راه راست هدایت می‌کند:

کتاب‌آنزلناه الیک لتخرج الناس من الظلمات الی النور.^{۹۷}

وقتی امام رضا علیه السلام یک عبا به دعبیل خزاعی هدیه داد، فرمود:

در این عبا هزار شب، شبی هزار رکعت نماز خوانده‌ام و در این عبا هزار ختم قرآن کرده‌ام.^{۹۸}

«روزی سید بحر العلوم وارد حرم امیرالمؤمنین (ع) شد، ولی این بیت را بر زبان ترنم می‌کرد:
چه خوشست صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن /// به رخت
نظاره کردن سخن خدا شنیدن

^{۹۷} ابراهیم 1

وقتی علت را پرسیدند، گفت، دیدم امام عصر (عج) در کنار قبر علی (ع) قرآن تلاوت می کرد. آن چنان زیبا و شیرین تلاوت می نمود که تاکنون اینگونه نشنیده بودم.^{۹۹}

مراقب جلسه امتحان!

«فاطمه آذرخش، دانشجو: یک بار در دوره پیش دانشگاهی، امتحان میان ترم زیست شناسی داشتیم. همه آماده امتحان بودیم. برخی بچه‌ها هم طبق معمول در فکر تقلب و رونویسی بودند و زمینه‌های این کارزشت را بررسی می‌کردند. معلم مربوطه در حالی که برگه‌های امتحان را در دست داشت وارد کلاس شد و شروع به پخش آنها نمود. سپس پای تابلو رفت و این آیه را در آن نوشت: *الم يعلم بانّ الله یری*، آن گاه رو به ما کرد و گفت: نماینده کلاس بعد از اتمام امتحان، برگه‌ها را به

دفتری راورد. سپس کلاس را ترک کرد و با کمال تعجب، ما را با این آیه تکان دهنده تنها گذاشت.

او با این آیه تلنگری به وجدان بچه ها زد که هیچ کس جرأت نکرد قلب کند، با این که هیچ مراقبی در سر جلسه امتحان نبود!»

مسخره کردن در جواب مسخره کردن!

«زمانی که در دبیرستان بودم اردویی به همدان داشتیم. تعداد بچه های محجبه خیلی کم بود و بر عکس، بیشتر بچه ها بد حجاب و بی قید بودند از این رو تعداد اقلیت (با حجاب ها) همواره از سوی اکثریت (بد حجاب ها) مورد اذیت و ازار و تمسخر قرار می گرفتند و عذاب زیادی می کشیدند. در واقع اقلیت مایه خنده و تفریح اکثریت شده بود. یکی از آنان که بیشتر از همه می خندید و مسخره می کرد، یک روز معلم دینی ما او را به گوشه ای برد و چیزی در گوشش گفت! بعدها وقتی آن دختر را دیدم 80 درجه عوض شده

بود و پس از مدتی یکی از صمیمی ترین دوستان
 باشد. وقتی از او پرسیدم که معلم دینی در گوش او چه
 گفت، پاسخ داد: او مرا به گوشه ای برد و به من گفت که
 سوره مطففین به ویژه آیات آخر آن را بخوانم. وقتی
 مراجعه کردم و این آیات را خواندم لرزه بر اندامم
 افتاد: انّ الذین اجرموا کانوا من الذین آمنوا یضحکون، و اذا
 مروا بهم یتغامزون... و اذا رأوهم قالوا انّ
 هؤلاء لضالّون... فالیوم الذین آمنوا من الکفار
 یضحکون: (همانا بدکاران بر اهل ایمان می خندیدند و چون
 از کنار آنان بگذرند به چشم طعن و استهزاء به آنان
 بنگرند... و چون مؤمنان را ببینند گویند که اینان
 مردمی گمراه هستند... پس امروز (روز قیامت) این اهل
 ایمان هستند که به کافران می خندند!»^{۱۰۰}

امام صادق علیه السلام:

^{۱۰۰} با قرآن بیشتر آشنا شویم.

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابُّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَ
 دَمِهِ وَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَكَانَ
 الْقُرْآنُ حَاجِزًا عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛

هر جوان مؤمنی که در جوانی قرآن تلاوت کند، قرآن با
 گوشت و خونس می آمیزد و خداوند عزوجل او را با
 فرشتگان بزرگوار و نیک قرار می دهد و قرآن نگهبان او
 در روز قیامت، خواهد بود¹⁰¹.

مشغول_قرآن_بودم_نفهمیدم

آیه الله العظمی حاج سیداحمد خوان ساری (قدس سره)
 به دلیل بیماری زخم معده، به دستور پزشک معالج، در
 بیمارستان بستری شدند. چون سالخورده

¹⁰¹ کافی (ط-الاسلامیه) ج 2، ص 603، ح

و ضعیف‌البنیه بودند و در وقت بستری‌شدن 98 سال از عمر شریفشان می‌گذشت، تحمل جراحی بدون بیهوشی ممکن نبود، از طرفی معظم‌له نیز اجازه بیهوش کردن را نمی‌دادند، زیرا معتقد بودند که بیهوشی، تقلید مقلّ‌دین اشکال پیدا می‌کند. دکتر معالج به ایشان گفت: طبق آزمایش‌ها و عکس‌برداری‌ها، باید حتماً عمل جراحی صورت گیرد.

آیة‌الله‌العظمی خوانساری (قدس سره) فرمودند: مانعی ندارد؛ عمل جراحی را هر وقت خواستید، شروع کنید، ولی قبل از آن به من خبر دهید که با تلاوت قرآن و توجه به آن، مشکل بیهوش کردن حل شود. دکتر جراح پذیرفت و لحظاتی بعد گفت: ما آماده هستیم که دست به کار شویم. آیة‌الله‌العظمی خوانساری فرمودند: هر وقت من شروع به خواندن کردم، شما هم شروع کنید. دکتر تعریف می‌کرد تا ایشان شروع به خواندن سوره انعام

کردند، چاقوی جراحی را روی بدنشان گذاشته و دست
به کار شدیم. چنان بی حرکت بودند که گویا در حال
بیهوشی کامل هستند. بعد از پاره کردن و دوختن و اتمام
کار، گفتم: حضرت آقا! کار ما تمام شد. ایشان قرآن را
بستند و فرمودند: صدق الله العلی العظیم. گفتم: آقا دردتان
نیامد؟ فرمودند: مشغول قرآن بودم، نفهمیدم¹⁰².

¹⁰² منبع: هزار و یک حکایت اخلاقی

درس چهاردهم: دعا و نیایش

معمولا انسان در طول زندگی با مشکلات فراوانی مواجه می شود در این مواقع اگر کسی باشد که مشکلش را به او بگوید و او مشکل انسان را حل کند انسان خیلی خوشحال می شود. و خداوند برای انسان این را پیش بینی کرده و گفته هر موقع گرفتار شدی پیش خودم بیا. اَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ^{۱۰۳} من را بخوانید تا شما را اجابت کنم.

اگر بخواهیم با خدا حرف بزنیم باید دعا بکنیم. خدا ادم بسیار دعا کننده را دوست دارد. اینکه می توانیم در هر ساعتی با خدا حرف بزنیم نعمت خیلی بزرگی است. چه چیزی از این بهتر که با خداوند قادر متعال

¹⁰³ غافر 60

حرف بزنیم و مشکلات خود را با او در میان گذاشته و از او کمک بخواهیم.

دعا سلاحی است که دشمنان را از بین می برد و روزی را زیاد می کند.

دعا باعث نزدیکی به خدا می شود.

دعا باعث صاف شدن دل انسان از بدیها می گردد.

دعا ایمان را تقویت کرده و موجب آرامش روح و روان می گردد.

باید حتما یک کتاب مفاتیح الجنان داشته باشیم و از دعا‌های آن استفاده کنیم.

مخصوصا مناجات خمسہ عشر و دعای کمیل و دعای توسل و دعای ندبه و دعای سمات و دعای مشلول و دعای یستشیر و دعای مجیر و دعای جوشن کبیر. دعا‌های روزهای هفته و دعا‌های بعد نمازهای یومیه و...

در دعای بعد از نماز عصر می خوانیم:

{اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ، وَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَ مِنْ صَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ، وَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ، وَ الْفَرَجَ بَعْدَ الْكَرْبِ، وَ الرِّخَاءَ بَعْدَ الشَّدَّةِ، اللَّهُمَّ مَا بَنَّا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ.

خدایا به تو پناه می آورم از نفسی که سیر نمی شود، و از دلی که بیم بر نمی دارد، و از دانشی که سود نمی بخشد، و از نمازی که اوج نمی گیرد، و از دعایی که مستجاب نمی شود، خدایا! آسانی پس از سختی، و گشایش پس از گرفتاری، و آسایش پس از مشقت را از تو خواستارم، خدایا هر آن نعمتی که در دست ماست از جانب توست، معبودی جز تو نیست، از تو بخشش گناهانم را می خواهم و به سوی تو باز می گردم.}}

گردنه های خیلی سختی سر راه جوانان وجود دارد که با دعا می توانند ازین گردنه ها عبور کند.

با دعا می توان قضا و قدر را تغییر داد. دعا باعث می شود
بلاها از انسان دور شود. دعا باعث می شود گرفتاری ها
برطرف گردد.

دعا در حق دیگران زودتر از دعا برای خودمان به اجابت
می رسد.

پیش دعا نویس نروید

اینکه افرادی دکان باز کرده اند و برای مردم دعا می
نویسند و پول می گیرند مورد تایید اسلام نیست. خود
انسان باید دعا بکند و اهل دعا باشد. حتی با زبان ساده
خود دعا کند بهتر است تا پیش دعا نویس برود. اکثر
دعانویس ها بی سواد هستند. اکثرا ایمان درستی ندارند.
از احکام شرعی اسلام خبر ندارند. لذا دعای انها مستجاب
نمیشود. مگر اینکه پیش عالم ربانی بروند و اوهم قربتا
الی برای انسان دعا نماید.

بعضی دعاها را خدا مستجاب نمی کند!

موانع استجابت دعا(در روایات):

1- گناه

2- مال حرام

3- ظلم کردن

4- نافرمانی پدر و مادر

5- قطع رحم

6- ترک امر به معروف و نهی از منکر

7- سبک شمردن نماز

7- کسی که تو خانه نشسته و می گوید خدایا به من

روزی بده!

8- کسی که خدا بش پول میدهد وانهارا خرج چیزهای

بیهوده می کند و زیاده روی می نماید. وقتی پولش تمام

میشود می گوید خدایا پول بده!

و...

مردی که با دعای امام صادق (علیه السلام) 50 بار به حج

رفت

حماد بن عیسی از امام صادق (علیه السلام) خواست که حضرت برای او دعا کند تا خداوند حجّ بسیار و ملک و املاک نیکو و خانه‌ای خوب و همسری از خاندان نیکوکار، صالح و فرزندان نیکو به او عنایت کند.

امام نیز دعا کرد که: خدایا! حمّاد بن عیسی را مالی عطا کن که ۵۰ حج برود و ملک و خانه‌ای خوب و همسری صالح و درستکار از خاندانی بزرگ و با کرامت و فرزندان نیکو به او عطا کن! شخصی که در آن مجلس حضور داشت، می‌گوید: بعد از چند سال، نزد حمّاد بن عیسی به خانه‌اش در بصره رفتم، حماد به من گفت: آیا به یاد داری دعایی را که امام صادق (علیه السلام) در حق من کرد؟ گفتم: آری

گفت: این (که می‌بینی) خانه من است که مثل آن در این شهر نیست و باغ و املاکم بهترین‌هاست و همسرم نیز از بزرگان و فرزندانم از نیکانند که می‌شناسی و ۴۸ بار حجّ

کرده‌ام. راوی می‌گوید: بعد از آن، حماد دو حج دیگر به
جا آورد^{۱۰۴}

از داستان فوق می‌فهمیم که ادم باید زرنگ باشد و همه
چیزهای خوب را از خدا درخواست کند!

خداوند مهربان دوست دارد بندگانش از او بخواهند و
او هم اجابت کند. اگر هم حاجتهایی است که اجابت نمی
شود حکمت الهی است و این دعای اجابت نشده ذخیره
میشود و در قیامت بابت آن پاداش می‌دهند.

سدیر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: کدام
عبادت بهتر است؟ فرمود: چیزی نزد خدای عز و جل
بهتر از این نیست که از او درخواست شود و از آنچه نزد
او است خواسته شود، و کسی نزد خدای عز و جل

بحار: ۶۱۱/۴۷، حدیث ۱۵۳

مبغوض تر نیست از آن کس که از عبادت او تکبر ورزد
(و سرپیچی کند) و آنچه نزد او است درخواست نکند^{۱۰۵}.

حضرت رضا علیه السّلام همیشه باصحاب خود میفرمود:
بر شما باد باسلحه پیمبران به او عرض شد: اسلحه
پیمبران چیست؟ فرمود: دعاء است.^{۱۰۶}

حضرت امام صادق (ع) می فرماید: همانا دعا مفتاح درِ رحمت
و نجات هر حاجت است و به دست نیاید آنچه نزد خداوند
است مگر با دعا و هیچ دری نیست که بسیار زده شود مگر
امید است به روی کوبنده باز شود. (بحارالانوار ج 73)

به ما توصیه شده همه چیز را از خدا بخواهیم حتی نمک
غذا و بند کفش

¹⁰⁵ أصول الكافي / ترجمه مصطفوی ؛ ج 4 ؛
ص 210)

¹⁰⁶ (أصول الكافي / ترجمه مصطفوی ؛ ج 4 ؛ ص 214

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «برای هر حاجتی که دارید حتی اگر بند کفش باشد، دست خواهش به سوی خدای عزوجل دراز کنید زیرا تا او، آن را آسان نگرداند، آسان نشود»^{۱۰۷} باز می فرماید: خداوند به موسی، وحی فرمود: «ای موسی! هر چه نیاز داری از من بخواه حتی علوفه گوسفند و نمک خمیرت را.»^{۱۰۸}

برای شفای بیماری دعا کنیم

امام صادق (ع) می فرماید: «دعا کنید که دعا شفا دهنده دردهاست.»^{۱۰۹} امام کاظم (ع) نیز به این حقیقت اشاره نموده می فرماید: «هر دردی دعایی دارد پس اگر دعا به بیمار الهام شد، اجازه شفایش داده شده است.»^{۱۱۰}

¹⁰⁷ بحار الانوار. 295.90

¹⁰⁸ بحار الانوار. 303.90

¹⁰⁹ الکافی. 2.470

¹¹⁰ مستدرک الوسائل. 84.2

اگر دعا نکنیم خدا به ما اعتنا نخواهد کرد!

در سوره فرقان آیه 77 خداوند به رسولش میفرماید قُلْ مَا يَعْبَوُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ . بگو که اگر دعای شما نبود خدا به شما چه توجه و اعتنایی داشت؟

دعا در زیر ناودان طلا و کنار حجر الاسود و داخل کعبه و روی صفا و مروه و در مشعر الحرام و هنگام دیدن خانه خدا، توصیه شده است در وقتها و مکانها و ساعت‌های مخصوص توصیه شده است!¹¹¹

حضرت امام خیلی اهل دعا بودند

پیش از پنجاه 50 سال است که شاید کمتر اتفاق افتاده باشد که فجر طالع شود و چشم امام در خواب باشد. به سحر خیزی فراوان اهمیت می‌دهد در کتاب نهضت امام خمینی (ره) نوشته شده است که ایشان در نجف اشرف هیچ‌گاه عبادات و توسل و دعایش ترک نمی‌شد در

¹¹¹ بحار ج 90 ص 349.

زمستان و تابستان و در شبهای بارانی و سرد و ... مرتب
دو 2 ساعت قبل از صبح در حرم مطهر حضرت
امیرالمومنین (ع) بودن: در نشریه سابق الذکر: نوشته که
فرزند امام خمینی (ره) می گوید شبی در عراق کودتا شد
و عبور و مرور را قدغن کردند موقع زیارت امام خمینی
نبودند من دلواپس شدم هر اتاقها را گشتم ایشان را
نیافتم رفتم پشت بام دیدم امام رو به حرم حضرت
امیرالمومنین (ع) مشغول زیارت و دعا هستند.

سه تا حاجت مهمش برآورده شد!

در خاطرات مرحوم ایت الله اقا نجفی قوچانی (ره) نوشته
است از دوران طلبگی خود در اصفهان که چهار 4 سال
طول کشیده از 1314 تا 1318 هـ ق چنین می نویسد...
بعد از آمدن در شهر شبی خواب دیدم صورت مرگ را
که روی دیوار ما در قوچان توقف کرده است بیدار شدم
به پدرم نامه نوشتم و جویای احوال شدم بعد از مدتی
جواب نامه از پدرم برای من رسید نوشته بود که عیالش

مرحومه شد و نوشته بود که قرض دوازده تومان که برای
خرچی و سفر عتبات قرض نموده بودم به واسطه نزول
دربار رسیده به هشتاد تومان که تمام دارایی پدرم هشتاد
تومان نمی‌شد البته قضیه مربوط به حدود 90 سال پیش
است که در آن عصر 80 تومان مبلغ هنگفتی بوده است
ایشان می‌فرماید من بنا گذاشتم که چهل 40 روز زیارت
عاشورا روی بام مسجد شاه اصفهان بخوانم و سه 3
حاجت در نظر داشتم یکی قرض پدرم ادا شود یکی
دیگر مغفرت سوم زیادی علم و رسیدن به درجه اجتهاد
قبل از ظهر شروع می‌کردم تا ظهر تمام می‌شد و دو
ساعت طول می‌کشید چهل 40 روز تمام شد و یک ماه
نگذشت که پدرم نامه نوشته کردن که قرض را موسی
بن جعفر ادا کرده من به او گفتم سیدالشهداء ادا کرده و
کَلِّهْم نُوْرٌ وَاَحَدٌ.^{۱۱۲}

دعا امام صادق (ع) در برابر منصور:

امام برای مصون ماندن از شر منصور دوانیقی که تصمیم بر قتل امام داشت این دعا را خواند: اللهم انک تکفی من کل شیء و لا یلفی منک شیء فاکفنی بما شئت و من حیث شئت و ائی شئت!

امام صادق (ع) این دعا را خواند و نجات پیدا کردن بلاء دفع شد.^{۱۱۳}

خداوند به حضرت عیسی (ع) فرمود: به ستمگران بنی اسرائیل بگو لاتدعونی مرا نخوانید در حالی که بت‌ها در خانه‌های شما است!^{۱۱۴}

بنابراین کسانی که در خانه‌های‌شان آلات فساد چون آلات موسیقی ورق قمار شیشه شراب ماهواره زن‌های لاابالی افراد بی‌نماز و بی‌روزه وجود دارد دعای‌شان به اجابت نمی‌رسد!

^{۱۱۳} کافی ج ۲ ص ۵۵۹
^{۱۱۴} الخصال: ۳۳۷/۴۰

سه سال دعا کرد تا خداوند به او پسری دهد اما دعایش

مستجاب نشد

امام صادق (ع) فرمودن: شخصی از بنی اسرائیل سه سال دعا کرد تا خداوند به او پسری دهد اما دعایش مستجاب نشد گفت خدایا آیا حرف مرا نمی‌شنوی؟ چرا با وجود این که به من نزدیکی دعایم را اجابت نمی‌کنی؟! در جواب به او گفتند: سه سال با زبان بذله‌گو و قلب ناپاک و نیت ناخالص، خدا را می‌خوانی خود را اصلاح کن، او چنین کرد، سپس دعا کرد، به اجابت رسید! گر گدا کاهل بود تقصیر صاحب خانه چیست؟! کسی که به عهدش در برابر خداوند وفا نکند نباید انتظار داشته باشد که مشمول وعده اجابت دعا باشد. علت دیگری عدم اجابت دعا ریاکاری است: رسول خدا می‌فرماید: به زودی بر امت من زمانی می‌آید که درون‌شان فاسد و ظاهرشان خوب باشد به عنوان دست‌یابی به دنیا و برای خدا کاری انجام نمی‌دهند. بلکه کارشان فقط به منظور ریا و خودنمایی

است و هیچ باکی ندارند خداوند آنان را به مجازاتی
گرفتار می‌نماید آن‌گاه دعا می‌کنند مانند دعا شخصی که
در حال غرق شدن است اما دعایشان مستجاب
نمی‌گردد.^{۱۱۵}

امام باقر (ع) فرمود: بنده‌ای که دستش را به سوی خدا
بلند کند و بگشاید، خدا را شرم آید که آن را خالی و نا
امید برگرداند هرچه بخواهد از فضل و رحمتش در آن
می‌گذارد پس هنگامی که دعا می‌کنید، پیش از آن که
دست را پایین آورید بر سر و روی خود بکشید!^{۱۱۶}

دعا برای اموات

^{۱۱۵} کافی ج ۲ ص ۲۹۶!

^{۱۱۶} المیزان ج ۲ ص ۳۸!
المُحْجَّةُ الْبَيضاء ج ۳ ص ۳۴۱.

پیامبر اسلام می‌فرماید: لِيَدْخُلَ عَلَى قُبُورِ الْأَمْوَاتِ مِنْ

دَعَاءِ الْأَحْيَاءِ مِنَ الْأَنْوَارِ مِثْلَ الْجِبَالِ،^{۱۱۷}

پیامبر (ص) می‌فرماید: دعای زندگان به صورت کوه‌های

نور به قبرهای مردگان داخل می‌گردد!

هشام می‌گوید: از امام کاظم (ع) پرسیدم آیا دعا و صدقه

و نماز و مانند آن به میت می‌رسد؟! حضرت فرمود: آری

گفتم آیا میت می‌داند چه کسی این اعمال را انجام داده

است؟ حضرت فرمود: آری چه بسا میت از او ناراضی

است ولی به واسطه این اعمال خشنود می‌شود!^{۱۱۸}

پیامبر اکرم (ص) : دعا و صدقه برای میت را هدیه به وی

دانسته است!^{۱۱۹}

^{۱۱۷}

^{۱۱۸} بحار انوار ج ۸۵ ص ۳۱۰

^{۱۱۹} جامع الاخبار ص ۱۶۹

از نفرین مظلوم بترسیم

بارها ما را از آه و نفرین مظلوم ترسانده و گفته‌اند که آه مظلوم خانمانسوز است. پیامبر(ص) هشدار داده و می‌فرماید: اتقوا دعوة المظلوم فإنها تصعد الى السماء كأنها شرارة؛ از نفرین مظلوم بترسید که چون شعله آتش بر آسمان می‌رود.^{۱۲۰}

شعله‌های سرکش آه و نفرین مظلوم هر کسی را بگیرد نابود و خانه خراب می‌کند؛ زیرا خداوند خود مدافع مظلوم است.

مظلوم حتی اگر مومن و مسلمان نباشد تنها به صرف مظلوم بودن و به شرط اضطرار و خلوصی که به سبب ناتوانی به او دست می‌دهد دست به دعا بردارد و نفرین کند، نفرین او همانند شعله‌های سرکش به آسمان بالا

120 نهج الفصاحه ص 163 ، ح 47

می رود و بر سر ظالم فرود می آید و او را می سوزاند. پس
از نفرین مظلوم باید ترسید.

درس پانزدهم: کنترل خشم

خداوند حکیم خشم و غضب را در انسان امانت گذاشته
تا در مقابل دشمن و در مقابل کفار و ظالمین و متجاوزان
از آن استفاده کند. اما در مقابل مومنین و برادران و
خواهران و فامیل و دوستان باید آن را کنترل کند.
انسان باید در مقابل خودی ها خشم خود را کنترل نماید
تا دچار مشکل نشود. ادمی که نتواند عصبانیت خود را

کنترل کند گاه تصمیمات خطرناک می گیرد و گاهی
کارهای خطرناکی می کند. که منجر به بدبختی او در دنیا
و آخرت می شود.

مادری از فرط عصبانیت بچه خود را کشت...

در اخبار آمده بود که مادری بچه خود را بخاطر پاره
کردن پارچه نو چادر او کتک زده بود و بعد دید پسر او
حرکتی نمی کند و متوجه شد پسرش بر اثر ضربات
کتک مرده است!

....

مرد عصبانی پسر خود را کشت و دختر خود را به کما
فرستاد!

۱۳۹۶/۱۲/۱۹ 364135 :کدخبر

حوادث رکنا: مرد عصبانی پس از اینکه متوجه شد
پسرش ترقه خریده در یک سناریوی هولناک فرزندش

را به قتل رساند و دختر خود را در شهریار به کما
فرستاد!

در تحقیقات از مادر خانواده معلوم شد که شوهر
خشمگین وی عامل مرگ پسرش و سوء قصد به جان او
و دختر 17 ساله شان بوده است.

مادر خانواده در مقابل بازپرس پرونده قرار گرفت و
گفت: نیمه شب شده بود اما پدرشان موضوع را رها
نمی کرد. با شال و دستبند یکبار مصرف دست و پای
پسر و دخترمان، هردو را بست. جفت شان را زیر کتک
گرفت. او حالا دیگر با میله بارفیکس و تبر به جان
بچه ها افتاده بود. کتک زدن هایش تمامی نداشت.
ساعت ها بچه ها ناله می کردند و او می زدشان. پسرمان با
بدنی خونین کنج اتاق زیر ضربات وحشیانه پدرش از
درد پنجه به دیوار می کشید. هربار که به میان شان
می دویدم تا مانع اش شوم با مشت و لگد دورم می کرد.
داشت سپیده می زد که به خانه مان در اسلامشهر زنگ
زد. شاید پدری برادری بدادمان برسد.

وی ادامه داد: وقتی خانواده‌ام از اسلامشهر به خانه ما رسیدند، دیگر صدایی از بچه‌ها در نمی‌آمد. شوهرم فهمید که آنها آمده‌اند تبر و میله خونین را گوشه اتاق انداخت و از خانه گریخت!^{۱۲۱}

...

مادر خشمگین دخترش را خفه کرد

زن جوان بر اثر عصبانیت روی صورت دخترش بالشت گذاشت و روی آن نشست. او وقتی به خودش آمد که دخترک دیگر نفس نمی‌کشید.

به گزارش **جام‌جم**، ساعت ۱۹ سه‌شنبه، زن جوانی با مراجعه به ماموران پلیس در مشهد مدعی شد دختر شش ساله‌اش را کشته است. او عنوان کرد، امشب عصبانی بودم و دخترم را خفه کردم، حالا هم از کارم پشیمانم و آمدم به کلانتری تا دستگیرم کنید.

ماموران پس از ادعای این زن، راهی خانه او در خیابان جهان‌آرا شده و متوجه شدند که حرف‌های او صحت

¹²¹ <https://www.rokna.net>

دارد و خواهر شوهرش پس از اطلاع از ماجرا، دختر شش ساله را به بیمارستان انتقال داده بود، اما تلاش پزشکان برای نجات جان او موثر واقع نشد.

با گزارش موضوع به قاضی علی اکبر احمدی نژاد، بازپرس جنایی مشهد، او همراه تیمی از ماموران پلیس آگاهی با حضور در محل قتل به تحقیق از زن 26 ساله پرداختند.

زن جوان با اعتراف به قتل دختر شش ساله اش گفت: من فرزند طلاق هستم و این باعث شد در زندگی مشکلاتی داشته باشم. البته ارتباط خوبی با نامادری خود داشتم. بعد از ازدواج همراه همسرم به خانه پدر شوهرم آمدم و در طبقه پایین خانه آنها زندگی می کردیم. در این مدت سرکوفت هایی می شنیدم که باعث شد، از نظر روحی با مشکلاتی روبه رو شوم. شوهرم هم به من بی توجه بود و همین باعث شد به من بگویند، نمی توانی شوهرت را کنترل کنی. در وضعیت روحی بدی قرار داشتم.

وی ادامه داد: عصر امروز دخترم در حال بازی با پسرعمه‌اش بود. از او خواستم به خانه بیاید و دیگر بازی نکند. بهانه‌گیری کرد که عصبانی شدم و او را ابتدا کتک زده و بعد بالشت را روی صورتش گذاشته و روی آن نشستم. بعد از لحظاتی با صدای جیغ دختر دو ساله‌ام، به خودم آمدم و از روی صورت دخترم بلند شدم. او نفس نمی‌کشید. نمی‌دانستم چه کار کنم. به همین خاطر به

۱۲۲

کلانتری آمدم و خودم را معرفی کردم.

قتل دوست صمیمی بخاطر عصبانیت

به من گفت تو هنوز بچه‌ای و فقط قد کشیده‌ای. من هم عصبانی شدم و با چاقو به او ضربه زدم.»
این اظهارات پسر جوانی است که در جریان درگیری با یکی از صمیمی‌ترین دوستانش او را به قتل رساند.

¹²² <http://jamejamonline.ir/online/2769281706640284945>

او می گوید یک لحظه عصبانیت باعث شد که دست به
این کار بزنم و حالا از کاری که کرده‌ام پشیمانم^{۱۲۳}

...

اولیاء خدا و کنترل خشم

اما اولیاء خدا خشم خود را کنترل می کردند و در هنگام
عصبانیت کار خلاف عقل نمی کردند.

کاشف الغطا و کسی که به او تف کرد..

سید فقیری بین دو نماز خدمت مرحوم کاشف الغطاء آمد
و ازو خواست که محل خمس به او کمکی بکند ولی
کاشف الغطا گفت که متأسفانه چیزی الان در اختیار ندارد
او هم به محاسن مرحوم کاشف الغطا تف کرد. مرحوم

123

[http://www.hamshahrionline.ir/details/372117/Society/social news](http://www.hamshahrionline.ir/details/372117/Society/social%20news)

کاشف الغطا بین دو نماز دامان لباس خود را گرفت و در جمعیت طلب کمک کرد و گفت: هر کس محاسن شیخ را دوست دارد به این سید کمک کند. پول زیادی برای سید جمع شد و به او داد.^{۱۲۴}

جوان به مالک اشتر اهانت کرد....

روزی مالک اشتر از بازار کوفه می گذشت . در حالیکه عمامه و پیراهنی از کرباس بر تن داشت . مردی بازاری بر در دکانش نشسته بود و به عنوان اهانت، زباله ای (کلوخ) به طرف او پرتاب کرد. مالک اشتر بدون این که به کردار زشت بازاری توجهی بکند و از خود واکنش نشان دهد، راه خود را پیش گرفت و رفت.

مالک مقداری دور شده بود. یکی از رفقای مرد بازاری که مالک را می شناخت به او گفت:

-آیا این مرد را که به او توهین کردی شناختی؟

¹²⁴ <http://poyeh.parsiblog.com/Category>

مرد بازاری گفت : نه ! نشناختم . مگر این شخص که
بود؟

دوست بازاری پاسخ داد :

- او مالک اشتر از صحابه معروف امیرالمؤمنین بود.
همین که بازاری فهمید شخص اهانت شده فرمانده و
وزیر جنگ سپاه علی علیه السلام است ، از ترس و
وحشت لرزه بر اندامش افتاد. با سرعت به دنبال مالک
اشتر دوید تا از او عذرخواهی کند. مالک را دید که وارد
مسجد شد و به نماز ایستاد. پس از آن که نماز تمام شد
خود را به پای مالک انداخت و مرتب پای آن بزرگوار را
می بوسید.

مالک اشتر گفت : چرا چنین می کنی ؟

بازاری گفت : از کار زشتی که نسبت به تو انجام دادم ،
معذرت می خواهم و پوزش می طلبم . امیدوارم مرا مورد
لطف و مرحمت خود قرار داده از تقصیرم بگذری.
مالک اشتر گفت : هرگز ترس و وحشت به خود راه مده
! به خدا سوگند من وارد مسجد نشدم مگر این که درباره

رفتار زشت تو از خداوند طلب رحمت و آمرزش نموده و
از خداوند بخواهم که تو را به راه راست هدایت
نماید¹²⁵.

خیلی از زن‌ها از دست شوهران عصبانی خود همیشه در
زجر و ناراحتی هستند!
فشار قبر سعد بن معاذ...

آیت الله جاودان گفت: سعد بن معاذ مرد بسیار خوبی
بود که در جنگ خیبر زخمی و سپس شهید شد و پیامبر
(ص) شخصا او را دفن نمود و در مراسم تشیع به
احترامش با پای پیاده آمد و احترام زیادی به وی نمود تا
جایی که مادر سعد بن معاذ گفت: گوارا باد بر تو بهشت.
که پیامبر (ص) در پاسخ وی گفت: چه حرفی بود که

¹²⁵ بحارالانوار جلد 42 صفحه 157

زدی همین الان قبر او را فشار داد چون در منزل با زن و بچه اش بد اخلاق بوده است.

وی ادامه داد: با اینکه سعد بن معاذ شهید بود و در تشیع جنازه اش فرشتگان هم آمده بودند و پیامبر (ص) هم چنین احترامی به وی نمود اما چون یک اخلاق ناپسند داشت و با زن و بچه اش بد اخلاق بود دچار فشار قبر شد. این یک قانون است که اگر کسی با زن و بچه اش بد اخلاق باشد ، فشار قبر می کشد و اگر توبه کند و خوش اخلاق شود این قانون عوض می شود و فشار قبر نمی کشد.^{۱۲۶}

...

قرآن می فرماید:

¹²⁶ /http://iqna.ir/fa/news/3652005

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا
وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا^{۱۲۷}

بندگان خداوند رحمان کسانی هستند که با تواضع راه
می روند و هر گاه افراد جاهل آنان را مخاطب قرار
دهند، سلام کرده (و اعتنایی نمی نمایند).

این ایه شریفه بهترین راه برای کنترل خشم را بی
اعتنایی به سخنان افراد جاهل می داند. وقتی افراد نادان
انسان را عصبانی می کنند باید به آنها سلام گفته و از آنها
دور شد. در این صورت است که دعوایی رخ نمی دهد و
کسی آسیب نمی بیند.

از علی (ع) پرسیدند: قویترین و داناترین شخص
کیست؟ فرمود: هر که حلیم تر است. پرسیدند: حلیم
ترین مردم کیست؟ فرمود: آنکه هر گز به غضب نیاید.

128

¹²⁷ فرقان 63

¹²⁸ خویبها و بدیها

حلم خواجه نصیر طوسی:

درباره خواجه نصیر طوسی می نویسند که یکنفر جاهل
نامه ای به او نوشته و او را سگ خطاب کرده بود. شیخ
طوسی در جواب نوشت شما مرا سگ دانسته اید ولی من
هر چه فکر کردم که چه چیزم به سگ می برد نفهمیدم
من دو پا دارم ولی سگ چهار پا دارد او دندانهای تیزی
دارد که استخوان را خرد و نرم می کند اما دندانهای من
از کار هم افتاده ایت سگ پشم دارد من ندارم. و با این
جواب آن شخص را شرمنده و پشیمان نمود.¹²⁹

¹²⁹ خوبیها و بدیها

درس شانزدهم: کنترل شهوت

جوانان باید از شهوت ها مخصوصا شهوت جنسی دوری کنند و تن به گناه ندهند. زیرا اگر انسان گناه کند از چشم خدا می افتد و خدا به او دیگر لطف نمی کند. لذا باید اول جوانی با خداوند مهربان عهد ببندیم که تا آخر عمر گناه نکنیم در عوض خداوند به انسان جایزه های فراوان می دهد. اگر رجب علی خیاط صاحب کرامات شد چون بش پیشنهاد گناه داده شد ولی او قبول نکرد. اگر یوسف نبی به پادشاهی و درجات بالای معنوی و مادی رسید چون وقتی زلیخا بش گفت آماده ام، یوسف قبول نکرد و گناه نکرد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که قدرت پیدا کند بر زنی اما از ترس خداوند سبحان او را ترک کند، خداوند سبحان آتش را بر او حرام می کند و او را از قیامت ایمن کرده وارد بهشت می نماید و اگر حرام

مرتکب شود خداوند سبحان بهشت را برای او حرام کرده و او را وارد جهنم می‌نماید و در جای دیگر حضرت فرمود: بیشترین چیزی که باعث جهنمی شدن امت من می‌گردد دو چیز است شکم پرستی و شهوترانی.^{۱۳۰}

علی علیه‌السلام می‌فرماید: چه بسا ساعتی شهوت باعث غم و اندوه روزگاری طولانی بشود.^{۱۳۱}

امام پنجم علیه‌السلام فرمود: هیچ نکبتی به انسان نمی‌رسد مگر بواسطه گناهی که مرتکب می‌شود علی علیه‌السلام درباره دوری از محرمات می‌فرماید: بهترین عبادت چشم پوشی از گناه است.^{۱۳۲}

^{۱۳۰} الکافی 79/2

^{۱۳۱} میزان الحکمه 3480/4

^{۱۳۲} غررالحکم 260/

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره زنا می فرماید: بعد از
شرک به خداوند سبحان ، عظیم ترین گناه ریختن نطفه
در رحم زن نامحرم است .^{۱۳۳}

ابن سیرین در جوانی شاگرد بزاز بود روزی زن جوانی به
مغازه او آمد و چون ابن سیرین را دید دوست و عاشق او
شد لذا مقداری پارچه خرید و از ابن سیرین خواهش
کرد کخ آنها را به منزل او بیاورد پس زمانیکه ابن
سیرین آنها را بدرب منزل او آورد آن زن خواهش کرد
کخ پارچه ها را در داهل منزل بگذارد و لی همینکه ابن
سیرین وارد منزل شد آن زن درب منزل را بروی او
بست و گفت باید مراد مرا حاصل نمایی ابن سیرین
بسیار او را نصیحت نمود ولی فایده ای نبخشید پس به
فکر راه نجاتی افتاد لذا به زن گفت من حاضر هستم تو
را به مراد برسانم ولی اول باید به مستراح بروم پس وارد
مستراح شد و مقداری از کثافات و نجاسات آنجا را به

¹³³ مستدرک الوسائل 335/14

سر و روی خود مالید و بیرون نمود و خداوند بواسطه این مبارزه با نفس به او علم تغییر خواب عطا فرمود.^{۱۳۴}

دیدند یه ادم خیلی ساده دارای کرامت است

از آخوند همدانی نقل شده که با چشمان خود دیدم که در کربلا صحن ابوالفضل (علیه السلام) بچه ای از بالای منار و یا بام پرت شد و پدرش با دست اشاره کرد و گفت بمان ، بچه در هوا معلق ماند پس نردبان گذاشت و او را از هوا گرفتند پس از این جریان فهمیدم که پدرش آدم فوق العاده ای است به سراغ او رفتم پرسیدم شما چه کاره اید گفت من حمالم و بار می برم از اول جوانی تصمیم گرفتم هیچ گناهی نکنم و نکردم. یک عمر خدا فرمود اطاعت کردم حالا یک دفعه من از خدا خواهش کردم و او محبت کرد.^{۱۳۵}

¹³⁴ خوابها و بیدها

¹³⁵ خوابها و بیدها

عذاب ادم گناهکار

آورده اند که حضرت عیسی (علیه السلام) به گورستانی بگذشت قبری دید که آتش از وی بر می آید عصا بر آن قبر زده بشکافت شخصی را دید در میان آتش فرمود چه کرده ای که بدین عذاب معذب شده ای گفت یا روح الله مردی بودم که از پی زنان مردم رفتمی و ناشایستها کردمی و بر زنان اقدام نمودمی چون بمردم آوازی شنیده که وی را بسوزانید از آن روز مرا می سوزانند. عیسی (علیه السلام) نگاه کرد ماری سیاه عظیم در گور او دید پرسید که ای مار با این مسکین چه می کنی گفت از آن زمان که وی را دفن کرده اند یک دم از وی غایب نبوده ام با زهری که اگر یک قطره از آن را در رود نیل ریزند همه آبهای او زهر قاتل گردد. ۱۳۶

انواع شهوات جنسی که حرام و گناه بوده و انسان را از انسانیت خارج کرده تبدیل به حیوان می کند:

¹³⁶ خوینها و بیدیها

دست دادن با نامحرم

بوسیدن نامحرم

لمس نامحرم

زنا با نامحرم

همجنس بازی مرد با مرد و زن با زن

استمناء واستثشاء

پیامهای جنسی به نامحرم دادن

عریان شدن

نگاه به فیلمهای جنسی

و...

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به امیر مؤمنان علی

علیه السلام فرمود:

«زنا دارای سه اثر بد دنیوی و سه اثر بد اخروی است. اثرات دنیوی زنا: رسواشدن، کوتاهی عمر و قطع روزی (روزی حلال) و اثرات اخروی: سختی حساب، خشم خداوند و ابدی بودن در جهنم است»^{۱۳۷}

«امام صادق علیه السلام فرمود: روز قیامت، زن زیبائی را که با زیبائی خود فتنه می کرده است، می آورند و به او خطاب می شود که چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد که: خدایا! تو مرا زیبا آفریدی! به او خطاب می شود که: حضرت مریم (س) از تو زیبا تر بود ولی او فتنه نکرد! سپس مرد زیبائی را که با زیبائی خود فتنه می نموده است، رامی آورند و به او خطاب می شود که چرا فتنه کردی؟ جواب می دهد که: تو مرا زیبا آفریدی! به او خطاب می شود که: حضرت یوسف از تو زیبا تر بود. ولی به فتنه

¹³⁷ سفینه البحار ج 2 ص 44.

نیافتاد . بعد شخصی را که بخاطر بلاها وسختیها به فتنه افتاده بود را می آورند . به او خطاب می شود که: چرا تحمل سختیها ننمودی و به فتنه افتادی؟ جواب می دهد که: تو سختیها و بلاها را بر من نازل کردی و من به فتنه افتادم ! به او خطاب می شود که: بلاهای حضرت ایوب علیه السلام از تو بیشتر بود ولی او به فتنه نیافتاد .^{۱۳۸}

احکام انواع زنا

«الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»^(۳)

¹³⁸ بحار، ج 341/12

زن و مرد زناکار را صدضربه شلاق بزیند و اگر ایمان به خدا و قیامت دارید، در مورد آنها دلرحمی ننمائید و عده‌ای موقع اجرای حکم شاهد باشند .

1- زنای مرد مجرد با زن مجرد

حد شرعی آن در صورت ثبوت در نزد حاکم شرع، صدضربه شلاق در دفعه اول تا سوم و در دفعه چهارم کشتن است .

2- زنای مرد زن دار «محسن» با زن شوهر دار «محسنه»

زن و مرد سنگسار می‌شوند .

3- زنای مرد زن دار «محسن» با زنی مجرد

مرد سنگسار و زن صدضربه شلاق می‌خورد .

4- زنای مرد مجرد با زن شوهر دار «محسنه»

مرد صدضربه شلاق می‌خورد و زن سنگسار می‌گردد .

5- موارد چهارگانه فوق با اجبار و تجاوز مرد

مرد در هر صورت کشته می‌شود. وزن در صورت ناراضی بودن حدی ندارد.

«حضرت رسول (ص) فرمود: هرگاه جنس مذکر با مذکر آمیزش نماید، عرش خداوند از این عمل به لرزه می‌افتد.»^{۱۳۹}

«امام صادق (ع) فرمود: آنها که تن به لواط می‌دهند، بازماندگان سدوم (قوم لوط) می‌باشند. من نمی‌گویم فرزندان آنها هستند ولی از طینت و سرشت آنها می‌باشند.

سؤال شد: همان شهر سدوم که زیر و رو شد؟ فرمود: آری چهار شهر بودند: سدوم، صریم، لدنا و غمیرا»^{۱۴۰}

¹³⁹ تفسیر نمونه ج 9 ص 194

«امام صادق علیه السلام : مردی را همراه پسر نوجوانی که با او لواط کرده بود، نزد امیرمؤمنان علیه السلام آوردند و بینّه نیز علیه آنها به این عمل زشت شهادت داد . امام فرمودند: ای قنبر ! نطع و شمشیری بیاور ! آن گاه مرد و نوجوان با صورت روی آن فرش پوستی قرار داده شدند . سپس امر فرمود آن دو را با شمشیر به دو نیم کردند . ۱۴۱»

«رسول خدا صلی الله علیه و آله : کسی که با نوجوانی لواط کند، روز قیامت جُنُب محشور می شود و همه آبهای دنیا هم نمی تواند او را پاک کند !» ۱۴۲

¹⁴⁰ تفسیر نمونه ج 9 ص 194

¹⁴¹ . وسائل الشیعه 156/28

¹⁴² اصول کافی ج 5/544

اگر با پسری لواط شود...

مادر و خواهر و دختر مفعول در لواط، بر فاعل در لواط
، حرام ابدی می شوند و فاعل نمی تواند با آنها ازدواج کند.

استمناء و استشهاء

استمناء عمل جنسی است که شخص بمنظور آمدن
منی و به لذت رسیدن جنسی انجام می دهد.

برای این عمل در پسران اصطلاح استمناء و در دختران
استشهاء بکار می رود.

«رسول خدا(ص): مساحقه کردن زنها باهم زنا محسوب
می شود.»^{۱۴۳}

¹⁴³ مستدرک الوسائل ج 2 ص 570

«علی(ع):مساحقه در بین زنان همانند لواط در بین

مردان است.»^{۱۴۴}

«مجازات استمناء واستشهاء تعزیر است ومقدار آن

بستگی به نظر قاضی دارد»

ضررهای جسمی وروحی استمناء واستشهاء

پزشکان ودانشمندان این آثار رابرای کسانیکه استمناء

می نمایند، ذکر کرده اند:

1-زردرنگی و یا پریدگی رنگ

2-اختلال جهاز هاضمه وابتلا به یبوست وبی اشتھایی

3-کم شدن قوه هوش وحافظه وقوای مغزی

4-کم خونی

5-لاغری وتوقف رشد

6-ر عشه وضعف اعصاب

7-ضعف وبی فروغی چشمها

8-سرگیجه

9-مرضهای سل،نقرس وروماتیسم

10-تنفر از ازدواج

«امام صادق(ع):سه دسته هستند که خدا در قیامت با
آنان سخن نگوید وآنان را مورد رحمت قرار نمی دهداز
جمله کسیکه با دست خود استمناء کند وکسیکه در عمل
لواط،مفعول واقع شود.»^{۱۴۵}

«رسول خدا(ص):کسیکه بازنی نامحرم،ازدبر نزدیکی نماید
یا بامردی یا نوجوانی لواط کند،روز قیامت،بدبوتر از

¹⁴⁵الحکم الظاهره ص 30

مردار، محشور می شود، و اهل محشر از بوی او ناراحتند و از او معذرتی قبول نمی گردد، سپس به جهنم می رود و همه اعمالش باطل می شود. در جهنم او را در تابوتی که میخ های آن از آهن است، گذاشته می شود و بر تابوت فرو می کنند، تا میخها در بدنش فرو می رود و اگر عرق او را بر چهار صد امت قرار دهند، همه می میرند و او از کسانی است که عذابش از همه بیشتر است!

کسیکه با زن نامحرمی دست بدهد، با غُل و زنجیر محشور شده و به جهنم برده می شود!

کسیکه با زن نامحرمی، شوخی کند، با هر کلمه ای که با او سخن

بگوید، هزار سال زندانی می شود و زن اگر راضی باشد و مرد را وادار به

بوسیدن یا مباشرت حرام یا شوخی با او کند، و مرد به این
سبب، دچار فحشاء شود، همین عذاب برای زن هم می
باشد!

کسیکه چشمش را خیره بر زن نامحرم نماید، در قیامت
در حالیکه میخهای آتشین بر چشمش فرو شده، محشور
می شود و تا پایان حساب، به همین حالت است تا به دوزخ
برده شود! ^{۱۴۶}

«امام صادق (ع): در روز قیامت، زنانی را که باهم مساحقه
کرده اند،

در حالیکه لباسهایی از آتش در بر و مقنعه ای از آتش بر
سر و عمودی از آتش در فرج آنهاست، آورده و وارد دوزخ
می کنند! ^{۱۴۷}

¹⁴⁶ بحارج 7

¹⁴⁷ مجمع المعارف و مخزن العوارف

«علی(ع): هر که لواط کند، روز قیامت، جُنُب محشور شده
و آبهای دنیا او را پاک نکند و خدا بر او غضب و لعنت کند
و جهنم را برای او آماده کند!»^{۱۴۸}

درمان لواط

باید ازدواج کند و از راه حلال شهوت خود را ارضا نماید.

«رسول خدا(ص): در معراج از جهنم دیدار کردم و
گروهی از زنهارا دیدم که به پستانشان آویزان کرده
بودند! جبرئیل گفت: اینها زناکار بوده اند. عده ای را دیدم
که با نخ و سوزن آتشین، بدنهایشان را می دوختند! جبرئیل
گفت: اینهانیز زناکار بوده اند... زنی را دیدم که بموی
سرش آویزان کرده بودند! و مغز سرش را می
جوید! جبرئیل گفت: این زن موی خود را از نامحرم نمی
پوشانده است!... زنی را به پاهایش آویخته بودند! جبرئیل
گفت: این زن بدون اجازه شوهر از خانه بیرون می رفته
است. زنی را دیدم که گوشت بدن خود را می

خورد! جبرئیل گفت: این زن بدن خود را برای دیگران
آرایش می کرده است! زنی را دیدم که پاهایش را
بدستهایش بسته بودند و مار و عقرب بر او مسلط
بودند! جبرئیل گفت: این زن غسلهای خود را نمی کرده
است! زنی را دیدم که گوشت بدنش را مقراض می
کردند! جبرئیل گفت: این زن خود را به مردان عرضه می
کرده است! شخصی را دیدم که صورت و بدنش را می
سوزانیدند و روده های خود را می خورد! جبرئیل
گفت: این شخص واسطه زنا بوده است!...»^{۱۴۹}

درس هفدهم: دوری از شراب و مواد مخدر

چرا عاقل کند کاری؟ که باز ارد پشیمانی؟

وقتی قران میگوید شراب پلید است از ان دوری کنید!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَ
الْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ (90 مائده)

چرا عده ای شراب می خورند هم گناه می کنند هم دچار
مشکلات و گاهی از دست دادن جان یا بینایی و سلامتی
خود می شوند؟

چند روز قبل مجلس ختم جوانی 39 ساله بود که بر اثر
شراب خواری مرده بود!

در یکی از سالهایی که برای تبلیغ کرمان رفته بودم جوان
خوش سیمایی دیدم که متوجه شدم نایینا است. علت را
پرسیدم گفت بر اثر خوردن شراب نایینا شدم و برای

درمان به هر دری زدم فایده نداشت حتی اسپانیا رفتم
ولی گفتند دیگر بیناییم بر نمی گردد!

تو خیابان صیاد می رفتم مردی میانسال از اونور خیابان
دنبال من امد و گفت بعد از پنجاه سال دیشب در مهمانی
به من یه استکان شراب دادند! حالا چکار کنم؟

اگر اخبار درباره افرادی که بر اثر شرابخواری مردند یا
کلیه های خود را از دست دادند یا نابینا شدند
و... خبرهای زیادی را می بینی!

۱۴ مهر ۱۳۹۷ - بچه های ۱۲ ساله در بین مسمومان
الکلی اخیر؛ ۷۶۸ نفر در یک ماه اخیر مسموم شدند. !

۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۸ « - سونامی مرگبار مشروب
مسموم «این بار اصفهان. از روز پنجشنبه گذشته ۲۶
اردیبهشت تاکنون دستکم ۵ تن در استان اصفهان به
دلیل مصرف مشروبات...

مسموم شدن ۹۵۹ نفر بر اثر مصرف مشروبات تقلبی در

... ایران طی

تبریز - ایرنا - معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی تبریز

اعلام کرد: 28 نفر به دلیل مصرف مشروبات الکلی در

شهرستان اهر دچار مسمومیت شدند!

حجت پورفتحی عصر یکشنبه در گفت و گو با خبرنگار
ایرنا اظهار داشت: از این تعداد 14 نفر به بیمارستان
سینای تبریز منتقل شدند که یک نفر از آنان به کما رفته
است.

رئیس بیمارستان باقرالعلوم اهر نیز در این خصوص
گفت: متأسفانه بر اثر مصرف مشروبات الکلی دست ساز
و تقلبی در این شهرستان تعدادی دچار مسمومیت
شدند.

محمدجواد حیدری با اشاره به اینکه تعدادی به علت

مسمومیت با الکل به بیمارستان باقرالعلوم اهر مراجعه کردند، افزود: مراجعه کنندگان دچار مسمومیت متیلیک شده بودند و حال مساعدی نداشتند .

وی با بیان اینکه علت مسمومیت‌ها استفاده از مشروبات الکلی دست ساز و تقلبی است، گفت: استفاده از این الکل‌ها عوارض بسیار خطرناکی مانند کوری چشم و از بین رفتن کلیه‌ها را به همراه دارد و میزان آسیب بستگی به مقدار مصرف و ورود سم به داخل بدن دارد .

رئیس بیمارستان باقرالعلوم اهر با ذکر اینکه استفاده از مشروبات الکلی تقلبی حتی منجر به مرگ افراد نیز می‌شود، عنوان کرد: تعدادی از مراجعه کنندگان وضع مناسبی نداشتند و پس از انجام مراحل اولیه درمان، اکنون تحت مراقبت‌های ثانویه درمانی قرار دارند .

حیدری با بیان اینکه برای مشخص شدن نوع سم، نمونه‌ها به مرکز آذربایجان شرقی ارسال شده‌اند، افزود: اگر استفاده کنندگان از این مشروبات الکلی دست ساز و تقلبی به هر دلیلی دچار عوارضی مانند تاری دید، سردرد، سرگیجه و کاهش سطح هوشیاری شدند، باید

سریع به بیمارستان اهر مراجعه و تحت درمان قرار بگیرند.

یک منبع آگاه نیز گفت: مسموم شدگان بین 19 تا 50 سال سن دارند و بیشتر آنها از روستای ورگهان اهر بوده و تعدادی از آنها به علت وخامت وضع شان به بیمارستان سینای تبریز منتقل شدند.

شرابخواری

شراب مایعی است مست کننده که نه تنها دردین اسلام بلکه در همه‌ادیان و بلکه از دید همهٔ اطباء مضر و ضرر آور تشخیص داده شده است.

بزرگترین ضرر شراب مختل کردن عقل آدمی است. عقلی که شرافت انسان و برتری او بر سایر موجودات وابسته به آن است.

یکی از دانشمندان گفته است که حتی مصرف کم الکل می‌تواند ضایعات مغزی بسیاری را سبب شود. و وقتی انسان از نوشیدن مقدار کمی الکل، احساس لذت و شادمانی می‌کند نمی‌داند که به نابودی سلولهای مغزی خود کمک کرده است.

اما در تاریخ می‌توان به مواردی اشاره کرد که شرابخواری باعث نابودی و جنایات و قتل شده است.

وقتی مغولها به ایران حمله کردند، پادشاه ایران جلال الدین خوارزمشاه بدلیل مستی نتوانست تصمیم درستی برای دفاع از کشورمان بگیرد.

در زمان امیرکبیر که می‌رفت کشور ما از تاریکی و گمراهی بدرآید و از عقب ماندگی نجات یابد، بدخواهان حکم قتل امیرکبیر را از ناصرالدین شاه در حال مستی گرفتند و اجرا نمودند. و باعث شدند که این شخصیت خدمتگزار به شهادت برسد. و کشورمان از خدمات این مرد بزرگ محروم گردد.

در تاریخ ذکر شده که افرادی بوده اند که بر اثر مستی با
محارم خود مثل خواهر خود زنا کرده اند.

دانشمندان تنها آثار زیانبار شرابخواری را گریبانگیر
شرابخوار نمی دانند بلکه به نسلهای بعدی هم این آثار
سرایت می کند.

دیرکل سازمان بین المللی مبارزه با الکل گفت که هشتاد
درصد دیوانگان و چهل درصد بیماران آمیزشی در نتیجه
اعتیاد به الکل

بوده است. و دکتري در آلمان گفته است که درب میکده
هارا ببندید تا من درب نیمی از بیمارستانها و دیوانه خانه
هارا ببندم.

۱۵۰

می چنانت کند به نادانی که بز ماده را پری خوانی

جایگاه شرابخوار در روایت:

رسول خدا (ص) ده کس را درباره شراب لعنت

نمودند^{۱۵۱}

1. کسی که درختش را به نیت درست کردن شراب
 - کاشته 2. آن که نگهبانش بوده 3. آن کس که انگورش را
 - فشرده 4. آن که جعبه آن را حمل نموده 5. آنکس که پول
 - آنها دریافت کرده 6. آنکه از باربر تحویل گرفته 7. آنکه
 - فروخته 8. آنکه خریده 9. آن کس که آنها در جام
 - ریخته 10. و آن که نوشیده است.^{۱۵۲}
- برخورد خشن امام صادق (ع):

منصور دوانیقی هر چندی یکبار به بهانه های مختلف امام صادق را از مدینه به عراق می طلبید و تحت نظر قرار می داد و گاهی مدت زیادی امام را از بازگشت به حجاز مانع می شد. در یکی از اوقات که امام در عراق بود یکی از

¹⁵¹ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَعَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ عَاصِرَهَا وَ غَارِسَهَا وَ شَارِبَهَا وَ سَاقِيَهَا وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِيَهَا وَ أَكَلَ ثَمَرَهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةَ إِلَيْهِ

وسائل الشيعة¹⁵²

سران سپاه منصور پسر خود را ختنه کرده عده زیادی را دعوت نمود و ولیمه مفصلی داد اعیان و اشراف و رجال همه حاضر بودند از جمله کسانی که در آن ولیمه دعوت شده بودند امام صادق (علیه السلام) بود. سفره حاضر شد و مدعوین سر سفره نشستند و مشغول غذا خوردن شدند در این بین یکی از مدوین آب خواست به بهانه آب قدحی از شراب به دستش دادند قدح که به دست او داده شد فوراً امام صادق (علیه السلام) نیمه کاره از سر سفره حرکت کرد و بیرون رفت. خواستند امام را مجدداً برگردانند برنگشت فرمود: رسول خدا فرموده است هر کس بر سر سفره ای بنشیند که در آنجا شراب است لعنت خدا بر او است.^{۱۵۳}

رسول خدا (ص):

¹⁵³ خویبها و بدیها

هنگامی که شرابخوار سخن گفت او را تصدیق نکنید و وقتی **خواستگاری کرد به او زن ندهید** و هنگامی که مریض شد از او عیادت نکنید و هنگامی که مرد به تشییع جنازه اش نروید و او را بر امانتی امین قرار ندهید پس کسی که او را امین حساب کرد بر امانتی و از بین برد بر خداوند نیست که آن امانت را حفظ کند و او را نباید برای کاری اجیری کرد زیرا خداوند در قرآن سوره (نساء آیه 5) میفرماید : اموال خود را به دست سفیهان ندهید . و چه کسی سفیہتر از شرابخوار است؟^{۱۵۴}

حضرت باقر (ع) : از امام (ع) پرسیده شد بزرگترین گناه کبیره کدام است فرمود شرابخواری زیرا شراب مادر تمام گناهان است و کسی که شراب خورد باک ندارد که با مادر و خواهر و دختر خود زنا کند و نماز واجب خود را ترک می کند و در هر معصیتی بی باک است زیرا مست و لایعقل گشته است.^{۱۵۵}

^{۱۵۴} بحارالانوار جلد 79 صفحه 127
^{۱۵۵} وسائل الشیعه جلد 17 صفحه 250

امام صادق (ع) : مردی از امام (ع) سوال نمود چرا خداوند گوشت خوک و شراب را حرام نموده است ؟ امام (ع) در پاسخ فرمودند : خداوند تبارک و تعالی چیزی را حلال ننموده و چیزی را حرام نکرده مگر برای حفظ مصالح خود مردم. نه آنکه بنا بر میل خود نسبت به چیزی آن را حلال نموده و به خاطر بی میلی خود نسبت به امری آنرا حرام کند. زیرا خداوند که خالق بندگانش میباشد ، می داند چه چیزهائی سبب قوام جسم و روح ایشان میشود. پس آنها را حلال نموده و میداند چه چیزهائی برای روح و جسم انسان ضرر دارد ، آنها را حرام فرموده. برای مثال گوشت خوک را حرام نموده ، زیرا سبب بی غیرتی و بی تعصبی و فساد اخلاق میشود. و شراب را حرام نمود ، زیرا شرابخواری موجب ارتعاش و لرزش بدن است و مروت و جوانمردی را از شخص زائل می کند و شخص مشروبخوار را به تمام امور زشت و قبیح از قبیل زنا با محارم و آدم کشی و هر فتنه ای می کشاند.^{۱۵۶}

¹⁵⁶ تفسیر جامع جلد 2 صفحه 156

حضرت صادق (ع) : شخصی به امام صادق (ع) گفت مبتلا به مرضی هستم که هر وقت شدت می کند قدری شراب می نوشم دردم ساکن می شود؟ پس حضرت فرمودند: این کار را نکن و شراب نیاشام زیرا در حرام خدا شفا نیست پس جز این نیست که این مرض و درد تو القائی از ناحیه شیطان است و می خواهد تو را به حرام بیندازد پس اگر شیطان از شراب خوردنت نا امید شود دردت بر طرف می شود.^{۱۵۷}

مردی از امام صادق (ع) پرسید آیا نوشیدن شراب بدتر است یا نماز نخواندن ؟ امام (ع) فرمود : شرابخواری از بی نمازی بدتر است می دانی چرا ؟ آن مرد گفت : نه فرمود : او حالتی پیدا می کند که نه خدای بزرگ و عزیز را می شناسد نه آفریننده خود را می شناسد.^{۱۵۸}

¹⁵⁷ وسائل الشیعه جلد 17 صفحه 300

بحار الانوار جلد 79 صفحه 133¹⁵⁸

خداوند شراب را حرام کرده برای آنکه : امام رضا (ع)
منشاء فساد اجتماعی است و عقل انسان را از درک
حقایق باز می دارد حیاء را از روی شرابخوار برمی دارد و
در مواجهه با مردم از هیچ عمل زشتی شرم نمی کند و
علاوه بر این شرابخواری باعث بیماریهای نهانی در
اعضای داخلی بدن می شود.^{۱۵۹}

حضرت محمد (ص):

با شرابخوار همنشینی نکنید و از بیماران آنان عیادت
نکنید و جنازه هایشان را تشییع نکنید و بر اموات آنها
نماز نخوانید زیرا آنها سگهای جهنمیان هستند چنانچه
خداوند در قرآن فرمود : ای سگها به دوزخ روید و با من
سخن مگوئید.^{۱۶۰}

. الحدیث جلد 2 صفحه 159¹⁵⁹

بحارالانوار جلد 79 صفحه 148¹⁶⁰

امام صادق (ع) : با شرابخواران همنشین نشوید زیرا
هنگامی که لعنت خدا فرود آید همه کسانی را که در
مجلس هستند فرا می گیرد.^{۱۶۱}

حضرت محمد (ص) در حدیثی میفرماید : شراب ریشه
تمام زشتیها و بزرگترین گناهان است . هر کس که
بنوشد (ممکن است) به مادر و عمه و خاله اش هم
تجاوز کند .^{۱۶۲}

مولا علی (ع):
به امیرالمومنین علی (ع) گفته شد که آیا شرابخواری از
زنا و سرقت بدتر است ؟ امام (ع) فرمودند : بله زیرا
شرابخوار هم زنا و دزدی می کند هم آدم می کشد و
نماز را هم رها می کند.^{۱۶۳}

¹⁶¹ الحکم الزاهره صفحه 301

¹⁶² کنز العمال جلد 5 حدیث 13181

¹⁶³ کنز العمال جلد 5

حضرت محمد (ص) : ای ابن مسعود قسم به کسی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت زمانی می رسد که مردم شراب را حلال می شمارند و آن را نبیذ می نامند لعنت خدا و ملائکه و مردم بر آنان باد و من هم از آنان بیزارم و آنها هم از من دورند. ^{۱۶۴}

حضرت محمد (ص) : کسی که شراب بخورد خداوند چهل شب نمازش را قبول نمی کند پس اگر توبه کند خداوند توبه اش را تا سه بار می پذیرد پس اگر برای چهارمین بار نوشید حق خداست که او را از نهر خبال سیراب کند گفته شد نهر خبال چیست ؟ فرمود : فاضلاب جهنمی هاست. (در صورتیکه که توبه نکرده باشد) ^{۱۶۵}

حضرت محمد (ص) : **چهارچیز است چنانچه یکی از آنها وارد خانه ای شود آن خانه را طوری خراب کند که حتی**

¹⁶⁴ بحارالانوار جلد 79 صفحه 151

¹⁶⁵ کنزالعمال جلد 5 حدیث 13704

با برکت نیز آباد نگردد. آنها عبارتند از : خیانت . دزدی
. شرابخواری و زنا. ^{۱۶۶}

حضرت محمد (ص) : **کسی که در حال مستی بخوابد آن**
شب عروس شیطان خواهد بود. ^{۱۶۷}

امام باقر (ع) : کسی که شراب بخورد خداوند چهل روز
نمازش را نمی پذیرد چنانچه در این چهل روز نماز را هم
ترک کند عذاب او بخاطر ترک نماز دو چندان میشود ^{۱۶۸}
حضرت محمد (ص):

خداوند شرابخوار را سیصد و شصت نوع عذاب
میکند. ^{۱۶۹}

زنی نزد پیامبر آمد در حالی که کودک فلجی همراه
داشت. به پیامبر گفت اگر خدا عادل است پس چرا به

^{۱۶۶} بحارالانوار جلد 79 صفحه 125

^{۱۶۷} بحارالانوار جلد 79 صفحه 148

^{۱۶۸}

بحارالانوار جلد 79 صفحه 134

بحارالانوار جلد 79 صفحه 152 ^{۱۶۹}

من فرزند فلج داده است؟ پیامبر بعد از مدتی سکوت
فرمود ایا شوهرت شراب می خورد؟ زن گفت اری.
پیامبر فرمود پس خودتان را سرزنش کنید!
امام صادق (ع):

هر زنی به آمیختن با شوهر شرابخوار خود تن دهد به
عدد ستارگان آسمان برایش گناه ثبت می شود و
فرزندى که از آن آمیزش تولید شود پلید و ناپاک
است.^{۱۷۰}

حضرت محمد (ص) : با شرابخوار همنشینی نکنید و از
بیماران آنان عیادت نکنید و جنازه هایشان را تشییع
نکنید و بر اموات آنها نماز نخوانید زیرا آنها سگهای
جهنمیان هستند چنانچه خداوند در قرآن فرمود : ای
سگها به دوزخ روید و با من سخن مگوئید.^{۱۷۱}

. الحدیث جلد 2 صفحه 163¹⁷⁰

¹⁷¹ بحارالانوار جلد 79 صفحه 148

حضرت محمد (ص): هنگامی که مرد شراب نوشید او را شلاق بزنید و اگر دوباره خورد باز هم او را شلاق بزنید اگر بار چهارم باز نوشید او را بکشید.^{۱۷۲}

حضرت محمد (ص): هرکس که به خدا و رستاخیز ایمان داشته باشد در کنار سفره ای که در آن شراب خورده میشود نمی نشیند.^{۱۷۳}

روزی جمعیتی با نام «مبارزه جهانی با مشروبات الکلی» به محضر مرحوم آیه الله بروجردی رسیدند و از علت حرمت شراب در اسلام پرسیدند. ایشان فرمودند: چون اسلام جای گاه رفیعی برای عقل انسان قرار داده، بنابراین هر چیزی را که به عقل او ضربه وارد کند حرام می داند و از آن جا که مشروبات، جسم و جان و عقل و هوش آدمی را تباه می کند، حرام شده است. سپس پرسیدند: پس چرا یک جرعه از آن نیز حرام شده

¹⁷² . کنز العمال جلد 5 حدیث 13707

¹⁷³ بحار الانوار جلد 79 صفحه 129

است؟ فرمودند: طبیعت بشر چنان حریص است که اگر
مجوّز یک قطره از شراب داده شود، جرعه جرعه خواهد
نوشید تا به حد نصاب برساند^{۱۷۴}

¹⁷⁴ <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/5387/5406/50625>

درس هیجدهم: امین باشیم!

اگر بخواهیم رستگار شویم چاره ای نیست جز اینکه ما
باید امین باشیم و هیچوقت در زندگی خیانت نکنیم چه
خیانت در مال مردم چه خیانت در ناموس مردم و چه
خیانت در اسرار و رازهای مردم.

همه اولیاء خدا امین بودند. همه ادمای خوب امین بودند.

ادمی که امین است محبوب مردم است. روزیش فراوان
می شود.^{۱۷۵}

ادم امین در دنیا و آخرت در سلامت است و از فقر نجات
می یابد.^{۱۷۶}

^{۱۷۵} از پیامبر (ص) روایت داریم که :
«امانت رزق و روزی می آورد، و خیانت
مایه فقر است» وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۲۷
^{۱۷۶} از لقمان حکیم نقل شده فرمود: «پسرم!
امانت را ادا کن

1- وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ. (مؤمنون - 8،
معارج - 32)

2- إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا
حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ
بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً. (نساء - 58)

3- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا
أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ
تَعْلَمُونَ. (انفال - 27)

4- ... فَإِنْ آمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَ
لْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ... (بقره - 283)

5- إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ
فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ
ظَلُومًا جَهُولًا. (احزاب - 72)

تا دنیا و آخرت تو سالم باشد، و امین باش
تا غنی شوی (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۴۷).

ترجمه:

1- و آنها که امانتها و عهد خود را رعایت می کنند.

2- خداوند به شما فرمان می دهد که امانتها را به صاحبانش بدهید! و هنگامی که میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید! خداوند، اندرزهای خوبی به شما می دهد خداوند شنوا و بیناست.

3- ای کسانی که ایمان آورده اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید در حالی که می دانید.

4- ... و باید کسی که امین شمرده شده (و بدون گروگان چیزی از دیگری گرفته) امانت (و بدهی خود را به موقع) بپردازد و از خدائی که پروردگار او است پرهیزد....

5- ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم آنها از حمل آن سر

برتافتند و از آن هراسیدند، اما انسان آن را بر دوش کشید او بسیار ظالم و جاهل بود (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد!).

1- در حدیثی از رسول خدا(صلی الله علیه و آله) خطاب به علی(علیه السلام) می خوانیم که فرمود:

«يَا أَبَا حَسَنٍ أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ فِي مَا قَلَّ وَ جَلَّ حَتَّى فِي الْخَيْطِ وَ الْمَخِيطِ؛

ای ابوالحسن! امانت را چه مربوط به شخص نیکوکار باشد یا بدکار، چه کم باشد چه زیاد به صاحبش برسان، حتی در نخ و سوزن».

۱۷۷

¹⁷⁷ بحارالانوار، جلد 74، صفحه 273.

علی (علیه السلام) می گوید این سخن را پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) ساعتی پیش از وفاتش به من فرمود و سه بار آن را تکرار کرد.

خیانت در امانت عامل بدبختی!

در میان بنی اسرائیل عابدی بود بنام برصیصا که زمانی طولانی عبادت کرده بود، و به آن حد از مقام قرب رسیده بود که بیماران روانی را نزد او می آوردند و با دعای او سلامت خود را باز می یافتند، روزی زن جوانی را از یک خانواده با شخصیت به وسیله برادرانش نزد او آوردند، و بنا شد مدتی بماند تا شفا یابد، شیطان در اینجا به وسوسه گری مشغول شد، و آن قدر صحنه را در نظر او زینت داد تا آن مرد عابد به او تجاوز کرد! چیزی نگذشت که معلوم شد آن زن باردار شده (و از آنجا که گناه همیشه سرچشمه گناهان عظیمتر است) لذا برای رسوانشدن، زن را به قتل رسانید، و در گوشه ای از بیابان دفن کرد! برادرانش از این ماجرا با خبر شدند که مرد عابد دست به چنین جنایت هولناکی زده، این خبر در تمام شهر پیچید، و به گوش امیر رسید، او با گروهی از

مردم حرکت کرد تا از ماجرا با خبر شود، هنگامی که
 جنایات عابد مسلم شد او را از عبادتگاهش فرو کشیدند،
 پس از اقرار به گناه دستور داد او را به دار بیاویزند،
 هنگامی که بر بالای چوبه دار قرار گرفت شیطان در
 نظرش مجسم شد، گفت: من بودم که تو را به این روز
 افکندم! و اگر آنچه را می گویم اطاعت کنی موجبات
 نجات تو را فراهم کردم! عابد گفت چه کنم؟
 گفت: تنها یک سجده برای من کن کافی است! عابد
 گفت: در این حالتی که می بینی توانایی ندارم، شیطان
 گفت: اشاره ای کفایت می کند، عابد با گوشه چشم، یا با
 دست خود، اشاره ای کرد و سجده به شیطان آورد و در
 دم جان سپرد و کافر از دنیا رفت! آری چنین است
 سرانجام وسوسه های شیاطین، و منافقانی که در خط آنها
 هستند.^{۱۷۸}

خیانت به همسر!

^{۱۷۸} تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص: ۵۴۵

از بزرگترین خیانت ها، خیانت زن به شوهرش هست که زن بخاطر لذات جنسی با مرد نامحرمی ارتباط نامشروع برقرار می کند. این راهی است که آخرش بی آبرویی و خشم الهی است. راهی بسوی عذابهای دردناک جهنم است.

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل میکند که آن حضرت فرمودند :

خداوند روز قیامت با سه دسته سخن نمیگوید و ایشان را پاک نمیکند و بر ایشان عذاب دردناکی است ... و آن زنی که فراش و رختخواب شوهرش را در اختیار مرد دیگری قرار میدهد .^{۱۷۹}

و از حضرت رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - مروی است که فرمود: کسی که با زن شوهردار زنا کند پس در جهنم از عورت هر دو چرک خارج می شود به مقدار

¹⁷⁹ وسائل الشیعه، کتاب نکاح ۱۴، باب ۱۶، ص ۲۴۷

پانصد سال راه، و اهل جهنم از بوی گند آن دو در اذیت خواهند بود و عذاب‌شان از همه شدیدتر است.^{۱۸۰}

یه روز اقایی با گریه پیش من آمد و گفت چند روز است خورد و خوراک بر من حرام شده است! علت را پرسیدم گفت دوستم به من خیانت کرده و با زنم ارتباط نامشروع داشته است! حالا من با دوتا بچه که از زنم دارم چه کنم؟ آیا طلاقش بدهم؟ یا راه دیگری؟ گفتم الان وضعیت زنت چه جوریه؟ گفت از پشیمانی و ناراحتی دوباره خودکشی کرده است والان یک نفر را گذاشتیم تا مراقبش باشد تا خودش را نکشد!

قتلی که بخاطر خیانت یک زن به همسرش صورت گرفت

بر طبق گزارش هایی که به کلانتری حصارک رسیده مردی که از رابطه پنهانی زن خود با دوست خودش آگاه شده بود او را به قتل رساند

آبان ۲۰، ۱۳۹۷

کمتر از یک دقیقه 01,214

هنگامیکه ماموران کلانتری حصارک از پرونده ای با عنوان خیانت زن به همسرش مطلع شدند به آپارتمان آنها ورود کردند پیکر نیمه جان پسری به نام سیروس را دیدند و در جا آن را به بیمارستان رجایی رساندند ولی پزشکان نتوانستند نجاتش دهند و در نهایت فوت کرد.

مأموران پلیس آگاهی طی تحقیقاتی که برای این پرونده انجام دادند دریافتند فرهاد از مدتی قبل روابط پنهانی همسرش با دوست خود را فهمیده بود و روزی سراغ همسر دوستش رفت و موضوع خیانت شوهر وی را برای او تعریف کرد و از زن جوان درخواست کرد تا برای اثبات این ادعا همراهش به خانه‌اش برود. وقتی این دو به خانه فرهاد رفتند هانیه و سیروس را که با هم خلوت کرده بودند غافلگیر کرده و طی نزاعی که بین آنها در گرفت فرهاد با حمله به دوستش سیروس، او را بشدت مجروح کرد و باعث قتل او شد.

در طی این اختلافات فرهاد دستگیر شد و در بازجویی
هایی که از او صورت گرفت به قتل که مرتکب شده بود
اعتراف کرد و گفت: چند ماهی بود که به ارتباط پنهانی
همسرم با یک مرد غریبه ظنین شده بودم، فهمیدم زنم با
یکی از دوستان نزدیک ارتباط دارد.

**قتل و جنایت یکی از عواقب احتمالی خیانت زن به
شوهرش می باشد. که اگر اخبار را در این مورد جستجو
کنید به اخبار زیادی درباره قتل های بر اثر خیانت دست
پیدا می نمایید.**

خیانت در بیت المال

از جمله خیانت ها، خیانت در اموال بیت المال است که
اخیرا فراوان دیده شده مخصوصا خیانت های چند هزار
میلیاردی افراد به اموال این ملت مظلوم.

اختلاس میلیاردی یک کارمند زن در شیراز - آفتاب نیوز

<https://aftabnews.ir/fa/news/555936/>

اختلاس-میلیاردی-یک-کارمند-زن-در-شیراز

رئیس پلیس آگاهی استان فارس - آبان ۱۳۹۷ ۲۰
گفت: یک کارمند زن متخلف شاغل در یکی از اداره های
شیراز که با سوء استفاده از موقعیت شغلی خود، 22
... میلیارد ریال

اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی - ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ
آزاد

<https://fa.wikipedia.org/wiki/>

اختلاس_۳_هزار_میلیارد_تومانی

بانک دخیل بوده‌اند و رقم اختلاس در این اختلاس ۷
سال ۸۸ کمتر از ۸۰ میلیارد تومان، معاون اجرایی

قوه قضاییه در دوره شاهرودی، وکیل مدافع

هزار میلیاردی؟ متهم اختلاس ۳

۵. واکنش‌ها ۴. سیر قضایی ۳. جزئیات اختلاس ۱

... نقش بانک ملی ایران در

کشف اختلاس 6 میلیاردی و دستگیری 3 متهم در

هرمزگان - ایسنا

<https://www.isna.ir/news/.../> - کشف - اختلاس

6-میلیاردی - و - دستگیری - 3-متهم - در - هرمزگان

این مسئول انتظامی اظهار کرد: بررسی - آذر ۱۳۹۷ ۲۵

های کارآگاهان حکایت از انجام اختلاس میلیاردی در

این اداره داشت که برای کسب نتیجه مطلق و محکم،

... تحقیقات دقیق

اختلاس میلیاردی | تی نیوز

<https://tnews.ir/tags/اختلاس-میلیاردی>

فصل تجارت - نماینده مجلس با اشاره به بدهی 30 هزار میلیاردی یک نفر به بانک ها ، قیمت واقعی دلار را بین 7 تا 9 هزار تومان اعلام کرد... عدد اختلاس این دو ... در مفاسد

خبر فوری | اخبار اختلاس میلیاردي

<https://www.khabarfoori.com/tags/30356>

اختلاس ۱۴ میلیاردی از بانکی در استان البرز. رئیس پلیس آگاهی استان البرز از کشف یک اختلاس ۱۴ میلیارد تومانی از بانکی در استان البرز خبر داد. 2 دی 1397: ... 16

دستگیری ۵ متهم در رابطه با اختلاس میلیاردی آموزش
... - و پرورش

<https://www.mashreghnews.ir/.../> - دستگیری
... ۵-متهم-در-رابطه-با-اختلاس-میلیاردی-آموز

دادستان عمومی و انقلاب مرکز - اردیبهشت ۱۳۹۸ ۷
استان سیستان و بلوچستان گفت: تاکنون پنج متهم در
ارتباط با اختلاس میلیاردی در آموزش و پرورش
... شهرستان سرباز

متهم در رابطه با اختلاس میلیاردی آموزش و پرورش 5
... سرباز

<https://www.tasnimnews.com> > استانها >
سیستان و بلوچستان

گروه استان‌ها دادستان عمومی و - اردیبهشت ۱۳۹۸ ۷
انقلاب مرکز استان سیستان و بلوچستان گفت: تاکنون
پنج متهم در ارتباط با اختلاس میلیاردی در آموزش و
... پرورش

متهم اختلاس ۱۰۰ میلیاردی 'سه ساعت بعد احضار از
ایران فرار

www.bbc.com/persian/business-42766506

به گفته یکی از نمایندگان مجلس، یکی - بهمن ۱۳۹۶ ۱
از مدیران بخش مالی وزارت نفت که متهم به ۱۰۰
میلیارد تومان اختلاس است "سه ساعت پس از احضار از
... ایران

دستگیری ۵ متهم در رابطه با اختلاس میلیاردی آموزش
... و پرورش

حوادث > jamejamonline.ir

دادستان عمومی و انقلاب مرکز - اردیبهشت ۱۳۹۸
استان سیستان و بلوچستان گفت: تاکنون پنج متهم در
ارتباط با اختلاس میلیاردی در آموزش و پرورش
... شهرستان سرباز

روزنامه اعتماد 13/7/90: اختلاس میلیاردی در
... خوزستان این بار

www.magiran.com/npview.asp?ID=2371501

اختلاس میلیاردی در خوزستان این بار بانک تجارت
دادستان عمومی و انقلاب ماهشهر از وقوع یک
میلیارد ریالی در یکی از شعب بانک 13 فقره اختلاس
... تجارت در این شهرستان

اختلاس میلیاردي مدیرعامل و معاون یک شرکت
... خدمات رسان در

اجتماعی > حوادث و انتظامی > <https://www.yjc.ir>

رئیس دادگستري شهرستان - اردیبهشت ۱۳۹۸ ۳
اسلام شهر از دستگیری مدیرعامل و معاون یک شرکت
خدمات رسان در جنوب غرب استان تهران
به اتهام اختلاس میلیاردي خبر داد

اختلاس میلیاردي در آموزش و پرورش شهرستان سرباز
- آخرین خبر

akharinkhabar.ir/social/5208102

مهر / دادستان عمومی و انقلاب - اردیبهشت ۱۳۹۸ ۶
مرکز استان سیستان و بلوچستان از اختلاس در آموزش
و پرورش شهرستان سرباز خبر داد. موحدی در حاشیه
... نشست رئیس

ترفند زنی که عامل اختلاس میلیاردی در شیراز بود!
+عکس

جامعه < انتظامی > <https://www.fardanews.com>

ترفند زنی که عامل اختلاس میلیاردی در شیراز بود!
+عکس. ۲۰ آبان ۱۳۹۷ - ۱۱:۰۷. رئیس پلیس آگاهی
استان فارس از دستگیری کارمند زن متخلف یکی از
... ادارات در شیراز که

دستگیری ۵ متهم در رابطه با اختلاس میلیاردی آموزش
... - و پرورش

<https://www.afkarnews.com/.../862934-...دستگیری-متهم-در-رابطه-با-اختلاس-میلیاردی>

دادستان عمومی و انقلاب مرکز - اردیبهشت ۱۳۹۸ ۷
استان سیستان و بلوچستان گفت: تاکنون پنج متهم در
ارتباط با اختلاس میلیاردی در آموزش و پرورش
... شهرستان سرباز

اختلاس ۶ میلیاردی در پتروشیمی کذب است - ایران
آنلاین

www.ion.ir/news/455940/-اختلاس-میلیاردی
در-پتروشیمی

اختلاس ۶ میلیاردی در -ایران آنلاین - اسفند ۱۳۹۷ ۲۱
پتروشیمی کذب است : دادستان تهران خبر داد:

دادستان تهران گفت: اختلاسی در این پرونده در کار
... نیست و اینکه

بازداشت 2 مسئول پیشین به اتهام اختلاس میلیاردی -
... ایران

بازداشت 2-مسئول - www.ion.ir/news/436456/
ساوه

ایران آنلاین-بازداشت 2 مسئول پیشین - دی ۱۳۹۷
دهیار و عضو شورای : به اتهام اختلاس میلیاردی
اسلامی دوره گذشته در دو روستای شهرستان ساوه به
... اتهام اختلاس

اختلاس میلیاردی در یکی از شرکت - JamNews
... های وزارت نفت

www.jamnews.com/detail/News/950006

طی بازرسی انجام شده از یکی از - خرداد ۱۳۹۸ ۱۵
شرکت های وابسته به وزارت نفت، مشخص شد ۱۲
میلیارد تومان تخلف مالی صورت گرفته است و از یکی
... از متهمان ۶۳ هزار

و.....

از جمله مهم ترین خیانت ها، خیانت به خدا و رسول
است.

قران به

دو زن خائن اشاره کرده است:

خداوند برای کسانی که کافر شده اند به همسر نوح و
همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو
بنده از بندگان صالح ما بودند ولی به آن دو خیانت
کردند و ارتباط با این دو (پیامبر) سودی به حالشان (در
برابر عذاب الهی) نداشت و به آنها گفته شد: «وارد آتش
شوید همراه کسانی که وارد می شوند»^{۱۸۱}

¹⁸¹ سوره تحریم (10)

خیانت به ملت ایران اسلامی

کسی که به مسلمانان خیانت می کند مانند افرادی که ایرانی هستند ولی علیه نظام اسلامی خیانت می کنند گناهشان بسیار عظیم است.

فتنه گران سال 1388 به نظام اسلامی و کشور خیانت کردند.

کسانی که به نفع دشمنان نظام اسلامی جاسوسی کردند خیانت بزرگی را مرتکب شدند.

مجاهدین خلق که همان منافقین هستند به اسلام و به کشورشان و ملت ایران بزرگترین خیانتها را روا داشتند.

درس نوزدهم: به دیگران ظلم نکنیم

اذیت کردن دیگران و ناراحت کردن دیگران مانع

استجاب دعا و مانع موفقیت می شود.

در روایت است اگر مومنی را ناراحت کنی بعد همه

دنیا رو بش بدی تا جبران کنی ولی جبران نخواهی کرد

ناراحت کردن نمازخوان ها و مسخره کردن آنها که خدا

در سوره مطففین فرمود آنها در قیامت عذاب میشوند

و همانطور که مومنین را مسخره کردند مسخره خواهند

شد..

ناراحت کردن شوهر...

پیامبر فرمود: خانمی که شوهرش را آزار می دهد خدا

نماز او را قبول نمی کند.....

ناراحت کردن پدر و مادر که احتمال عذاب فوری می

رود

ناراحت کردن سادات و ذریه پیامبر خدا که باعث میشود

از شفاعت پیامبر خدا محروم شود

ناراحت کردن ایتام. واما الیتیم فلا تقهر

ناراحت کردن فقیر و تحقیر او که خطرناک است....

مرنج و مرنجان

آقای آخوند از آقای نخودکی خواست که او را موعظه

کند. آقای نخودکی گفت:

مرنج و مرنجان .

آقای آخوند گفت: مرنجان را فهمیدم؛ یعنی کسی را

#اذیت نکنم. ولی مرنج یعنی چی؟ چطور می توانم

ناراحت نشوم؟ مثلا وقتی بفهمم کسی مرا غیبت کرده یا

فحش داده چطور می توانم نرنجم؟! *آقای نخودکی

گفت: *

علاج آن است که خودت را #کسی ندانی. اگر خودت را
کسی ندانستی دیگر نمی رنجی!

داستان ابراهیم ساربان و علی بن یقطین...

اگر ما مومنی رو ناراحت کنیم امام علیه السلام از ما
ناراحت میشود. همانطور که وقتی علی بن یقطین با
تکبرش ابراهیم ساربان را ناراحت کرد امام علی بن
یقطین را ره نداد و فرمود تا حلالیت از ابراهیم نطلبی
راحت نمی دهم. و اوهم رفت و حلالیت گرفت انوقت
امام او را پذیرفت.

- پیامبر اعظم فرمود: پیامبر قسم خورد که فقط افراد
رحیم و مهربان وارد بهشت می شوند. وقتی اصحاب ادعا
کردند همه ما مهربان هستیم! فرمود تا نسبت به عموم
مردم مهربان نباشید، رحیم نیستید.

درس بیستم: تحصیل علوم اسلامی تا آخر عمر

خداوند حکیم انسان ها را برای معرفت افریده است. و این معرفت الهی بی نهایت است. و حد خاصی ندارد. لذا باید همیشه در حال کسب معرفت باشیم.

گویند بعضی از علما که از دنیا می رفتند تا لحظه قبل از مرگ در حال مطالعه یا تدریس بودند.

امیرمومنان می فرماید همه گرفتاری های بشر نتیجه جهل و نادانی است. اگر بشر علم و آگاهی و معرفت داشت دچار اینهمه آسیب ها نمی شد. اینکه دنیا را فساد و تباهی فرا گرفته است نتیجه جهل و نادانی بشریت است.

ما اگر معرفت الهی پیدا کنیم هیچگاه گناه نمی کنیم.
 هیچگاه ظلم نمی کنیم. هیچگاه به دیگران بدی نمی کنیم.
 اهل بیت علیهم السلام و پیامبران که از بدی پاک بودند
 زیرا معرفت داشتند.

خداوند در سوره زمر از ما یک سوال کرده است:

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟^{۱۸۲}

آیا آنان که علم دارند با آنان که علم ندارند برابرند؟

و در سوره فاطر مطلب بسیار مهمی را اعلام می نماید:
 می فرماید: **"إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ"**؛^{۱۸۳} "از
 بین بندگان خدا تنها آنها که عالم و دانایند خداترسند."
 فقط علمای ربانی خداترسند. زیرا ترس از خدا نتیجه
 معرفت الهی است.

بهترین اقشار مردم چه کسانی هستند؟

^{۱۸۲} زمر ۹

^{۱۸۳} (فاطر / ۲۸).

قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَنْ خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ بَعْدَ
 أُمَّةِ الْهُدَى وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى؟! قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الْعُلَمَاءُ
 إِذَا صَلَحُوا»^{۱۸۴}

به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض شد: بهترین خلائق
 بعد از ائمه هدی و چراغهای تابان ظلمات و تاریکی چه
 کسانی هستند؟! حضرت فرمود: علماء هستند زمانی که
 صالح باشند.

آری علمای ربانی از همه اقشار بهترند زیرا معرفت الهی
 دارند در نتیجه خداترسند. با تقواترین مردم هستند. و
 خداوند در قرآن کریم گرامی ترین مردم نزد خود را
 باتقواترین مردم معرفی کرده است.

کدام علم ارزشمند است؟

با بررسی این موضوع در قرآن کریم و سخنان معصومین
 علیهم السلام درمی یابیم که اولویت اول علم که کسب

¹⁸⁴ احتجاج شیخ طوسی

آن واجب است، کسب علوم دینی می باشد . علمی که دارای ویژگیهای زیر باشد:

اعتقادات انسان را درست کند . خدا را به انسان تا حدودی معرفی نماید . هدف از خلقت و سیر در این دنیای فانی را برای انسان ترسیم کند . او را با وظایف مهمی که خداوند سبحان برای انسان قرار داده آشنا کند .

معاد و جهان آخرت را به بشناساند . خلاصه راه درست زندگی کردن را به آدمی بیاموزد .

این خصوصیات را به اسم معرفت می شناسند . و می گویند باید معرفت پیدا کرد .

مفسرین عبادت را در آیه «من انس وجن را جز برای عبادت خلق نکردم»^{۱۸۵} را بمعنای معرفت تفسیر نموده‌اند . یعنی خدا، انسانها را برای رسیدن به معرفت، خلق نموده است.

پیامبر اسلام اعلام کرده است که **تحصیل علم بر هر مرد زن مسلمان واجب است.**^{۱۸۶}

«امام صادق علیه‌السلام : مراد از علمی که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود که طلب آن علم بر هر مرد و زنی واجب است، علم تقوی و یقین است.»^{۱۸۷}

¹⁸⁵ ذاریات، آیه 56

¹⁸⁶ أعلام الدین ؛ ج 1 ، ص 81

¹⁸⁷ بحار، ج 2، ص 32.

علامه مجلسی در توضیح علم تقوی و یقین می نویسد:
مراد از علم تقوی، علم به واجبات و محرمات و تکالیف
است و مراد از علم یقین، علم به اصول دین و اعتقادات
می باشد.⁽²⁾

«امام علی (ع) خطاب به پسرش: علم را با تعلیم قرآن
و تأویل آن و تعلیم شرایع اسلام و احکام قرآن و حلال
و حرام آن شروع کن و سراغ علم دیگری نرو.»^{۱۸۸}

امام صادق علیه السلام: علم دین بیاموزید و جاهل به
احکام دینتان نباشید! که هر که دین الهی را نیاموزد، روز
قیامت، خداوند سبحان به او نظر نمی کند و عملش را
تزکیه نمی نماید!

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که اُف باد بر
مسلمانی که در هفته روز جمعه را صرف آموختن مسائل

¹⁸⁸ بحار ج 1 ص 219

دین خود نگرداند و برای این امر خود را از کارهای
دیگر فارغ نسازد.^{۱۸۹}

قال المسيح ع: من علم وعمل و علّم عُدّ فی الملکوت
الاعظم، عظیما^{۱۹۰}

حضرت عیسی علیه السلام فرمود کسی که بداند و عمل
کند و بیاموزاند در ملکوت، عظیم شمرده می شود.

برای کسب دانش اگر لازم شد بهای سنگینی داده شود،
باید داد . که پیامبر فرمود: اگر می دانستید در دانش چه
فوائدی است بدنبالش می رفتید اگرچه با ریختن خون
خود و یافرو رفتن در دریاها همراه بود .^{۱۹۱}

یکساعت تعلیم افضل از عبادت هزار شب

«یکروز ابوذر از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید که
تشییع جنازه عابد بهتر است یا نشستن در مجلس علم؟

¹⁸⁹ مفاتیح الجنان

¹⁹⁰ معارف قرآن و اهل بیت

¹⁹¹ همان

آن حضرت فرمود: ای اباذر! یکساعت نشستن در
مجلس علم در نزد خدا بهتر از تشییع هزار شهید است.
وساعتی نشستن برای مذاکره علمی از عبادت هزار شب
که در هر شبی هزار رکعت نماز بخوانی، افضل است.^{۱۹۲}

فرق علم و دانش با پول و ثروت
امیرمومنان فرمود: علم هفت امتیاز بر ثروت دارد:

- 1 - علم میراث پیامبران و ثروت میراث فرعونهاست.
- 2 - با استفاده از علم، علم کم نمی شود ولی با استفاده از
ثروت، مال کم می گردد.
- 3 - ثروت نیاز به نگهبان دارد ولی علم از صاحبش
محافظت می کند

4 - علم حتی بعد از مردن هم همراه انسان است ولی ثروت در هنگام مردن از صاحبش جدا می‌شود .

5 - ثروت هم برای مؤمن و هم کافر حاصل می‌شود ولی علم (حقیقی و الهی) فقط برای مؤمن حاصل می‌شود .

6 - همه مردم در امور دینشان به عالم نیازمندند ولی همه به ثروتمندان نیازمند نیستند .

7 - علم کمک کار انسان در گذشتن از پل صراط است ولی ثروت مانع از گذشتن از پل صراط می‌شود . « علم بیاموزید که آموختن علم، ثواب و زحمت برای علم، تسبیح و بحث علمی جهاد و آموختن علم به جاهل صدقه است».^{۱۹۳}

رسول خدا صلی الله علیه و آله : «از جبرئیل پرسیدم که کدام جهاد برای امتم بهتر است؟ گفت: رفتن به دنبال علم . گفتم: و بعد از آن؟ گفت: نگاه کردن به عالم ! گفتم: بعد از آن؟ گفت: دیدار عالم .» «دو رکعت نماز عالم برتر از

¹⁹³ معارف قرآن و اهل بیت

هزار رکعت نماز جاهل است» «روز قیامت به عابد گفته
می شود: داخل بهشت شو . ولی به عالم گفته می شود:
بایست و از هر که می خواهی شفاعت نما .» «قسم به
خدایی که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست اوست !
وجود یکنفر عالم از هزار عابد برای شیطان سخت
تراست . زیرا عابد خودش را نجات می دهد ولی عالم
دیگران را هم نجات می دهد .» «خواب عالم از عبادت
جاهل برتر است. ۱۹۴

درس بیست و یکم: کار و تلاش

عمرانسان بزرگترین سرمایه انسان است که باید از آن
بهترین استفاده بنماید و در قیامت از مهمترین سوالاتی که
از هر انسانی می کنند این سوال است که عمرت
و جوانیت را در چه کاری گذراندی؟. گفته اند انسانهای
عادی فقط از بیست درصد استعدادهای خود استفاده می
کنند و اگر از سی درصد آن استفاده نمایند با بقیه خواهند
شد!

باید کار و تلاش کرد تا به اهداف مادی و معنوی
رسید. کسانی که بی کار و تنبل باشند به جایی نمی رسند
و پیامبر و اهل بیت از افراد بیکار و تنبل متنفر هستند.

کار و تلاش برای هر مسلمانی واجب و لازم است و در این
رابطه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ

195

کار کردن برای کسب مال حلال، بر هر مرد و زن
مسلمان واجب است.

چرا پیامبر سلام نکرد!

روزی رسول خدا از جایی عبور می کردند به جوانی
برخورد کردند که بیکار نشسته بود. با اینکه رسول خدا
به همه حتی به ها سلام می کردند ولی به این جوان سلام
نکردند.

جامع الاخبار، ص 389، حدیث 1079¹⁹⁵

پیامبر خدا بعد از اتمام کار خود بر می گشتند مجدداً با این جوان روبرو شدند ولی این بار پیامبر خدا به او سلام کردند.

اصحاب علت اینکه اول سلام نکردند ولی حالا سلام کردند را پرسیدند. پیامبر خدا فرمود دفعه اول دیدم که این جوان بیکار نشسته و خداوند ادم بیکار را دشمن دارد لذا به او سلام نکردم. اما دفعه دوم دیدم که سنگی در دست گرفته و روی زمین خطوطی می نویسد پس به او سلام کردم.

پیامبر خدا دست کارگر زحمت کش را بوسید

انس بن مالک گفت : موقعی که رسول اکرم از جنگ تبوک مراجعت می کرد، سعد انصاری به استقبال آمد حضرت با او مصافحه کرد و دست سعد را زبر و خشن دید.

فرمود: چه صدمه ای و آسیبی به دستت رسیده است ؟

عرض کرد: یا رسول الله ، من با طناب و بیل کار میکنم و درآمد را خرج معاش خانواده ام می نمایم .رسول اکرم دست او را بوسید و فرمود: این دستی است که آتش با آن تماس پیدا نمی کند.^{۱۹۶}

از چشم من افتاد!

رسم پیغمبر اکرم این بود که وقتی با مردی برخورد می کرد که نیرو و قوتش مایه شگفتی آن حضرت می شد، سؤال می کرد آیا حرفه ای دارد و به کاری مشغول است اگر جواب منفی بود، می فرمود از چشم من افتاد.^{۱۹۷}

(باقر شریف القرشی ، العمل و حقوق العامل فی الاسلام ، ص 305¹⁹⁶).
(بحار الانوار، ج 103، ص 109¹⁹⁷).

از تنبلی و بی‌حوصلگی پرهیز

امام محمد باقر(ع) می‌فرمایند

إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنْ

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، از تنبلی و بی‌حوصلگی پرهیز زیرا که

این دو خصلت تو را از بهره دنیا و آخرت باز می‌دارند.»

۱۹۸

از خودت کار بکش

نفس انسان میل به تنبلی و بی‌کاری و استراحت دارد و

از کار و تلاش و فعالیت خوشش نمی‌آید. ولی انسان

برای رسیدن به موفقیت باید از خودش کار بکشد و از

همه ساعات و دقائق عمرش استفاده کند. که خداوند در

قران کریم قسم خورده است که انسان در زیان است

مگر آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام می‌دهند.

کافی ج ۵، ص ۸۵، ح ۱۹۸

امامان ما اینگونه بودند و حتی یک لحظه از عمرشان بی
فایده نمی گذشت. به عنوان نمونه:

امام باقر علیه السلام زبانش به ذکر لاله الا الله همیشه
مشغول بود حتی موقع حرف زدن با دیگران یا حتی موقع
غذا خوردن.

امام رضا علیه السلام هر سه روز یک قران ختم می کرد
و شبها هزار رکعت نماز می خواند و...

اولیاء خدا هم این چنین بودند. ایه الله بهجت انچنان از
عمرش استفاده می کرد حتی بلند می شد کتابی از قفسه
کتاب بردارد مشغول گفتن ذکر بود.

درباره بعضی از علما گفته اند حتی دستشویی می رفتند
در آن چند دقیقه شعر می گفتند و کتاب طاقدیس نراقی
به این صورت تهیه شده است! یک کتابی است همه ی
طلبه ها می خوانند به نام «لمعه». این کتاب در زندان
نوشته شد. بوعلی سینا کتاب قانون را در زندان

نوشت. حضرت امام یک دوره فقه را بنام تحریرالوسیله
در زمان تبعید در ترکیه نوشتند.

ایه الله بروجردی گفته بودند حتی یک لحظه عمرم بدون
فایده سپری نشده است.

حضرت امام گاهی در آن واحد چند کار انجام می دادند.

پیامبر می فرماید:

«یا اباذر کن علی عمرک اشحّ منک علی درهمک و
دینارک»^{۱۹۹}

ای اباذر، بخل تو بر مصرف عمرت باید بیشتر باشد تا
بخل بر درهم و دینار.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«انّ العبد لا تزول قدماه حتّی یسئل عن عمره فیما افناه و
عن شبابه فیما ابلاه»^{۲۰۰}

¹⁹⁹. بحارالانوار، ج 74، ص 78.

در قیامت بنده حق قدم برداشتن ندارد، مگر این که از عمرش سوال شود که آن را در چه راهی نابود ساخته و از جوانی اش که آن را در چه زمینه ای به اتمام رسانده؟

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لیس فی الدّٰتِیا شیء اعزّ من قلبک و وقتک»^{۲۰۱}

در جهان هستی، چیزی با ارزش تر از قلب و وقت تو نیست.

نیز حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«بقیة عمر المرء لا قیمة له یدکر با ما فات و یحیی بها ما امات»^{۲۰۲}

²⁰⁰. تحف العقول، ج 6، ص 15.

²⁰¹. بحارالانوار، ج 74، ص 78.

²⁰² بحار، ج 6، ص 138.

نمی توان برای باقی مانده عمر انسان بهایی معین نمود، زیرا می توان با آن باقی مانده، گذشته را جبران کرد و کوتاهی ها را به ثمر رساند.

نیز می فرماید:

«المؤمن مشغول وقته»^{۲۰۳}

مومن تمام اوقاتش مشغول است.

امام حسن فرمود: «فالمؤمن يتزود و الكافر ي تمتع»^{۲۰۴}

مؤمن برای قیامتش ذخیره می کند. کافر فقط کام می گیرد.

امیرالمؤمنین می فرماید: «إنما أنت عدد أيام فكل يوم يمضى عليك يمضى ببعضك» (غررالحکم/ص 159)

²⁰³ غررالحکم، ص 91.

²⁰⁴ (بحار الانوار/ج 63/ص 333)

« انسان عدد ایام است. انسان یعنی روزها! هر یک روزی که می‌رود، یک تکه از عمرت می‌رود.

باز می‌فرماید: الدُّنْيَا سَاعَةٌ فَأَجْعَلْهَا طَاعَةً²⁰⁵

دنیا ساعت است پس تو آن را در اطاعت الهی استفاده کن.

گفتاری از مؤسس حوزه علمیه قم

رضاشاه عمامه‌ها را برمی‌داشت، چادر را برمی‌داشت، مسجدها را تعطیل کرد، عزاداری را تعطیل کرد، عاشورا. همان زمان حاج شیخ عبدالکریم مؤسس حوزه‌ی علمیه قم، استاد امام و آیت الله العظمی گلپایگانی و آیت الله العظمی اراکی و همه‌ی مراجع تقریباً شاگرد ایشان بودند. همان زمان در همان فرصت آمد حوزه‌ی علمیه‌ی قم را درست کرد. یکی گفت: آقا دین از دست رفت! عمامه

²⁰⁵ (بحار الانوار/ج 67/ص 68)

رفت، حجاب رفت، امام حسین و عاشورا رفت، مسجد رفت، چه می گویی؟ حوزه‌ی علمیه درست کردی؟ دلت خوش است! خوابی! می دانید شیخ عبدالکریم چه گفت؟ گفت: امام حسین اگر یار نمی داشت چه زمانی کشته می شد؟ گفتند: روز عاشورا! گفت: نه صبح کشته می شد. اگر امام حسین تنهایی بود همان ساعات اول صبح کشته می شد. این یاران امام حسین دست و پا زدند، امام حسین را تا ظهر نگه داشتند. ما اگر بتوانیم نصف روز، اگر بتوانیم نصف روز دین را نگه داریم وظیفه مان است.^{۲۰۶}

خدا دشمن ادم پر خواب و بیکار است!

از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: ان الله تعالى ليبيغض العبد النوام ، ان الله ليبيغض العبد الفارغ : (خداوند بنده پر خواب را مبعوض می شمرد، خداوند انسان بیکار را دشمن می دارد

إِنِّي لأبغضُ الرجلَ أنْ يَكُونُ كسلاناً عَن أمرِ دُنْيَاهُ، وَ مَنْ
كَسَلَ عَن أمرِ دُنْيَاهُ فَهُوَ عَن أمرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ^{۲۰۷}

من مردی را که در کار دنیایش تنبل باشد، مبعوض
می دارم و کسی که در کار دنیا تنبل باشد، در کار
آخرتش تنبل تر است.^{۲۰۸}

عمل صالح

و در بسیاری از آیات ، بعد از ذکر ایمان ، روی عمل
صالح تکیه می کند.الذین آمنوا و عملوا الصالحات... تا
همگان این خیال خام را از سر بدر کنند که بی سعی و
تلاش به جائی نمی توان رسید و وقتی مواهب دنیای مادی
را بی سعی و تلاش نمی توان بدست آورد، چگونه می
توان انتظار داشت که سعادت جاودانی بدون آن بدست
آید.

همان 207

(وسائل الشیعه ، ج 12 ، صفحه 37 208)

تنبلی اجتماعی!

یکی از بیماری های جامعه ما، بیماری تنبلی اجتماعی است. یعنی اکثرا میل دارند که شغل راحت و کم زحمت داشته باشند. اکثر فارغ التحصیل های کشور بدنبال استخدام دولتی هستند و بعضی از آنها حاضرند نگهبان یا سرایدار اداره باشند زیرا کارشان کم زحمت و درآمدشان تضمین شده است.

آیا در کشورهای پیشرفته هم این چنین است و افراد تحصیل کرده فقط جذب دولت می شوند؟ یا اینکه خودکار آفرین می شوند و با تاسیس شرکت ها و کارخانجات عده ای را سرکار می برند.

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى (النجم - 39)

یکی از مسائل مهمی که قرآن در زمینه راهکار رسیدن به اهداف بیان کرده مساله سعی و تلاش و پشتکار است. قرآن اعلام کرده که بدون تلاش و پشتکار انسان به

اهدافش نخواهد رسید. و اگر انسان تلاش نکند نمی تواند
به مقصد برسد. از منظر آیات و روایات سستی و
بی حوصلگی سبب بی بهره ماندن انسان از دنیا و آخرت
عنوان شده است. از همین رو ضرورت و اهمیت تلاش و
پشتکار انسان در تأمین سعادت دنیا و آخرت نمایان
می شود!

امام علی (ع) می فرماید:
«قَدَّرُ الرَّجُلُ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ، جَايْغَاهُ هَر شَخْصِي بَه اَنْدَازَه
هَمَتِ اَوْسْت.»^{۲۰۹}

هر چه قدر همت و اراده انسان بالاتر و قوی تر باشد
ارزشش و جایگاهش بالاتر است و افراد بی همت ارزشی
ندارند.

همچنین امام محمد باقر (ع)، بلند همتی را شرافتی والا
بر می شمارند:

209. «تمنیف غرالحکم و دررالکلم ص 93، ح 1627

لَا شَرَفَ كَبُعْدِ الْهَمِّ، هَيْجَ شِرَافَتِي چُون بلند همتی
نیست.» ۲۱۰

بلند همت بودن یعنی که به چیزهای کوچک قانع نباشد و
اهداف بزرگ و والا در نظر داشته باشد .

کار کردن امیرالمومنین علیه السلام در مزرعه

پیامبر خدا و امامان معصوم همگی اهل جهاد و تلاش
بودند. آنها پرکارترین و کم خواب ترین و کم خوراک
ترین و کم استراحت ترین افراد بودند.

به عنوان نمونه به یک مورد کارکردن امیرمومنان **علیه**
السلام در مزرعه اشاره می نماییم:

روزی ابونیزر که در اطراف مدینه مزرعه داشت، هنگام
ظهر امیر مؤمنان(ع) را دید که به سوی مزرعه او می
آید.

امام(ع) نزدیک آمد و به او سلام کرد. ابونیزر با خوشحالی به استقبال حضرت شتافت. امام(ع) از او پرسید: «آیا غذایی برای خوردن داری؟» ابونیزر به شدت شرمنده شد؛ چرا که غذایی در شأن امام (ع) نداشت. فقط مقداری از کدوی مزرعه خود را که پیش تر در پیه شتر سرخ کرده و مقداری از آن را خورده بود، باقیمانده آن را در ظرف گذاشت او با شرمساری گفت: «مولای من! چیزی که در خور شما باشد، ندارم!» امام(ع) لبخندی زد و فرمود: «هر چه هست بیاور!» ابونیزر برخاست و ته مانده غذای خود را که سرد هم شده بود، آورد و جلوی امام(ع) گذاشت. امام(ع) ابتدا دست های خود را در آب روان نهر شست و بر سر سفره نشست. امام و پیشوای قانعان(ع) سه لقمه بیشتر نخورد و حمد خدا را گفت و کنار رفت سپس از جایش برخاست و کلنگ و بیل را برداشت و تصمیم گرفت به جهت غذایی که ابونیزر به ایشان داده، برای او کار کند.

ابونیزر چاهی در کنار مزرعه خود کنده بود و چون از جوشیدن آن ناامید شده بود، آن را نیمه کاره رها نموده بود. امام (ع) داخل چاه رفت و شروع به کندن آن کرد. پس از ساعتی با سر و روی خاک آلود بالا آمد و آبی نوشید و باز هم شروع به کندن چاه کرد. تا آن که پس از ساعتی دیگر، آب از چاه به پهنای گردن شتر فوران کرد.^{۲۱۱}

بیهقی، ابی‌بکر، احمد بن حسین بن علی، السنن الکبری، لبنان، بیروت، دارالمعرفه، ج 6، ص 160. تاریخ المدینه، همان، ص 220. الشیبانی، کتاب احکام الاوقاف، ص 10²¹¹.

ضررهای بیکاری و بیهاری و تنبلی!

- 1- میزان بالای تماشای تلویزیون به جای کتاب خوانی
- 2- تمایل زیاد به استخدام در دستگاه دولتی (پشت میزنشینی)،
- 3- عدم تمایل برای کسب تخصص و مهارت
- 4- تقدیر گرایی (هجوم به فالگیران ، رمالان و...)
- 5- تمایل به کارهای زودبازده و یک شبه،
- 6- استقبال نکردن از تحصیل به دلیل کسب درآمد بیشتر و الگو قرار دادن دلالی به جای فعالیت مولد و کارآفرین
- 7- خطر گرفتار شدن در اعتیاد و دوستان ناباب و خودارضایی و...
- 8- گرفتار شدن در مشکلات روحی و روانی

9- با توجه به اهمیت ارتباط مرگ و میر با کم تحرکی، خطرات بیماری ها نیز ادم بیکار و تنبل رو تهدید می کند!

10- هم اکنون چاقی از سوی سازمان جهانی بهداشت در گروه بیماری ها قرار گرفته است و یک بیماری تلقی می شود، اما خود چاقی در واقع تا حدی نتیجه یک عامل ریشه ای تر است که آن انجام ندادن ورزش و تحرک بدنی کافی است.^{۲۱۲}

نوشته شده توسط نا شناس

سلام خدمت دوستان عزیز(از طف یک ناشناس)

من متاسفانه مدت 20 سال دچار این سوء رفتار(دیدن فیلم مستهجن) بودم یعنی دقیقاً و قتی که به سن بلوغ رسیدم خدا را گواه میگیرم این مطالب را فقط و فقط برای این دارم ابراز میکنم که دوستان جوانتر من نا آگاهانه خودشون را دچار این مرض نکنن و اگه وارد شدن

<https://article.tebyan.net>

زودتر رهایی پیداکنن.

در سنین بلوغ بدلیل دیدن این عکسها و نداشتن راهی
برای ارضاء دچار خود ارضایی شدم. به مرور قوه حافظه
ام تحلیل رفت و الان بعضی وقتها فکر میکنم آلزایمر
گرفتم. بعد از ازدواج دچار انزال زودرس بودم و نمی
تونستم لذت کافی از عمل زناشویی با همسرم ببرم.
پاهام بسیار سست و ضعیف شده که کاملاً حس میکنم به
این رفتار مربوطه. به مرور تعداد دفعات خودارضایی
افزایش پیدا میکنه . در مجموع توصیه من اینه که با
توکل به خدا و استغفار خودتون را از شر این کار راحت
کنید ضمناً لازمه اش هم پر کار بودن شما و نداشتن وقت
بیکاریه چون زود برمیگرده وقتتون را با ورزش پر کنید!

درس بیست و دوم: میانه روی در همه کارها

خدا در قران کریم میفرماید. «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً
وَسَطًا» (بقره، 143)

ما شما را امت میانه قرار دادیم.

از پیامبر(ص) روایت شده است، بهترین هر چیز و هر
کار، حدّ میانه آن است: «خیر الأمور أوسطها»^{۲۱۳}.

اسلام دین اعتدال و میانه روی است و با افراط و تفریط
مخالف است زیرا افراط و تفریط آثار زیانباری برای فرد
و جامعه در بر دارد اما میانه روی بدون ضرر بوده و
باعث پیشرفت و موفقیت می باشد.

صافی، محمود بن عبد الرحیم، الجدول فی اعراب القرآن، ج 15،
ص 49، دمشق، بیروت، دار الرشید، مؤسسة الإیمان، چاپ
چهارم، 1418 ق²¹³

حضرت علی (ع) در مورد انسان جاهل میفرماید: «لَا تَرَى
الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطاً أَوْ مُقَرِّطاً»؛ جاهل را نمیبینی، مگر اینکه
یا افراط میکند و یا تفريط. (نهج البلاغه، حکمت 70)
بنابراین اعتدال نشانه خردمندی است و افراط و تفريط
نشاندهنده جهل و نادانی است و ریشه در ناآگاهی و
جهل انسانها دارد .

به تعبیر زیبایی شاعر:

رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

پیامبر خدا صلی الله علیه و اله و اهل بیت گرامیش در
زندگی میانه رو بودند و از هرگونه افراط و تفريط به دور
بودند. و مرتب مردم را به میانه روی توصیه می کردند
که پیامبر خدا فرمودند ایها الناس علیکم بالقصد و سه بار
تکرار فرمودند. ای مردم بر شما باد به میانه روی.

دایره و محدوده میانه روی بسیار گسترده می باشد. و می توان گفت دایره میانه روی همه ابعاد زندگی را فرا می گیرد.

مهمترین معیار برای اینکه بدانیم اسراف کرده ایم یا نه؟ این سخن امیر مومنان است که فرمود:

قال علی (ع) «کَلَّ مَازَادَ عَلَی الْاِقْتِصَادِ اسْرَافٌ».^{۲۱۴}

قال علی (ع) «ما فَوْقَ الْکِفَافِ اسْرَافٌ».^{۲۱۵}

علی (ع) می فرماید: آنچه بیش از حد کفاف باشد اسراف است.

هرچه که بیشتر از نیاز باشد اسراف محسوب می شود.

میانه روی در خورد و خوراک

23- غرر ج 2 ص 547.

24- مستدرک ج 2 ص 645.

اسلام در زمینه خوردن، توصیه به کم خوری کرده و از پر خوری نهی نموده است. البته مراد از کم خوری یعنی باندازه ای که بدن نیاز به غذا دارد، انسان غذا بخورد ولی بیش از آن ممنوع می باشد چون هم باعث هزینه بیشتری می شود و هم باعث زحمت برای معده و اندامهای هضم کننده و جذب کننده غذا می گردد و هم باعث نیاز بیشتر جامعه به تولید و واردات و تهیه مواد غذایی می شود و هم به اقتصاد جامعه اسلامی ضرر وارد می گردد.

قرآن کریم در باره خوردن و آشامیدن، ضمن امر به آن، نهی از اسراف میکند که جمع بین خوردن و آشامیدن از یک سو و نهی از اسراف، همان اعتدال و میانه .

خداوند میفرماید: «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (الأعراف، 31)

بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، به تحقیق که او اسرافکاران را دوست نمیدارد.

نه چندان بخور کز دهانت بر آید نه چندان که از
ضعف جانت در آید

«امام صادق(ع): خوردن و آشامیدن و پوشیدن و ازدواج
و سوار مرکب شدن اگر با میانه روی باشد، حلال و الا حرام
است چون خدادر سوره انعام آیه 141 فرموده
است: اسراف نکنید که خدا مسرفین را دوست ندارد.»²¹⁶

بر درب سوم بهشت نوشته است: لا اله الا الله محمد رسول
الله وعلى ولي الله ان لكل شيء حيلة وحيلة الصحة
في الدنيا اربع خصال. **قله الكلام** **قله المنام** **قله المشي**
قله الطعام.

هر که در دنیا سلامتی می خواهد چهار مطلب را رعایت
کند. کم حرفی. کم خوابی. کم راه رفتن. کم خوری²¹⁷
غذای عالمی که صد سال عمر کرد

²¹⁶ معارف قرآن و اهل بیت

²¹⁷ همان

غذای ایه الله محمدتقی بهلول فقط نان و ماست بود و
مهمان هم که میشد و انواع غذاهای رنگین سر سفره می
آوردند ایشان فقط نان و ماست می خورد و خیلی اصرار
می کردند یک دانه سیب هم می خورد! و نزدیک به صد
سال عمر کردند و چند مرتبه پیاده از مشهد به قم آمدند!

در حدیث دیگری امام کاظم علیه السلام فرمودند.:

اگر مردم در خوراک خویش میانه روی و اقتصاد را
رعایت می کردند، بدن های آنان سالم و معتدل می
گشت^{۲۱۸}

. مقایسه ناهار امام و ناهار پاپ

ناهار امام یک غذای ایرانی به اسم آبگوشت بود و این
همان غذایی بود که در آن روز ظهر، دیگران هم از آن

، وسائل الشیعه، ج 16، باب 1، از ابواب مائده.

استفاده می کردند. آیت الله خمینی بر سر سفره‌ای که به غیر از ایشان همسر، پسر، عروس و نوه هایشان بودند، نشسته و بعد از به زبان آوردن نام خدا مقدار کمی غذا خوردند. مدت ناهار خوردن ایشان دقیقاً هفت دقیقه و چهل ثانیه بود و بعد بلافاصله به اتاق کارشان رفتند. من دو سال پیش یک بار موفق شدم ناهار خوردن «پاپ» را هم به چشم ببینم. مجموعه غذاهایی که برای ایشان تدارک دیده بودند، بر روی میزی به طول دوازده متر و به عرض دو و نیم متر چیده شده بود. هیچ نوع غذای ایتالیایی نبود که بر روی این میز نباشد و آن وقت حضرت پاپ بر سر این میز به تنهایی ناهار خود را میل - کردند. مدت ناهار خوردن ایشان یک ساعت و پنجاه دقیقه بود و بعد باقی غذای ایشان، آن طور که من فهمیدم، به کلی معدوم می شد^{۲۱۹}

219 برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 2، ص 98 -

99؛ به نقل از: خبرنگار یک روزنامه فرانسوی

میانه روی در خواب و استراحت

خداوند عمر ما را به عنوان مهمترین سرمایه در اختیار ما گذاشته است. هر فردی با مقداری خواب و استراحت می تواند نشاط خود را بازیابد. و خواب بیش از اندازه هم بیماری می آورد. هم عمر را هدر می دهد. هم ارزش کارایی را پایین می آورد هم باعث غضب خالق یکتا می گردد.

خطرات پر خوابی عبارتند از:

ابتلا به بیماری های قلبی: خواب بیش از ۹ ساعت در شبانه روزی شانس ابتلا به بیماری های قلبی و عروقی را تا ۳۴ درصد افزایش می دهد. در این میان شانس ابتلای زنان به بیماری های قلبی ناشی از خواب زیاد، نسبت به مردان بیشتر است.

افزایش وزن: کم خوابی شما را چاق می کند و آنهایی که بیش از ۹ ساعت در شبانه روز می خوابند، ۲۷ درصد بیشتر در معرض چاقی هستند. خواب زیاد متابولیسم شما را کند می کند و با کم تر شدن تحرکات بدن شما

مستعد چاقی خواهد شد.

ابتلا به دیابت: اضافه وزن و کندی متابولیسم موجب افزایش مقاومت به انسولین شده و خطر ابتلا به دیابت نوع دو در شما بیشتر می‌شود.

افسردگی: خواب زیاد و افسردگی می‌توانند علت و معلول یکدیگر باشند؛ یعنی هم افسردگی منجر به خواب طولانی مدت می‌شود و هم خواب بیش از حد، خطر ابتلا به افسردگی را افزایش می‌دهد. افراد مبتلا به پر خوابی دو برابر بیش از سایرین در معرض خطر افسردگی هستند.

پیری زودتر مغز: محققان دانشگاه **UCLA** در تحقیقات اخیر خود دریافته‌اند افرادی که در شبانه روز بیش از ۱۰ ساعت می‌خوابند، در مقایسه با افرادی که هفت تا هشت ساعت خواب دارند، سلامت ذهنی کمتری دارند. خوابیدن طولانی مدت، سن مغز را بیش از دو سال افزایش می‌دهد و انجام وظایف روزانه را برای مغز دشوار می‌سازد²²⁰.

²²⁰ www.irna.ir/news/82233057/

عواقب پر خوابی

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:
«خداوند مخالف پر خوابی و بیکاری زیاد است و فرمود:
خواب بسیار، دنیا و آخرت انسان را تباه می‌کند»²²¹

شهید مطهری چهار ساعت خواب داشتند و بقیه به
فعالیت های مفید پرداخته می شد.

اثر زیانبار خواب زیاد

خواب زیاد مانع خواندن نماز صبح، شرکت در نماز
جماعت، شرکت در احیاء ماه رمضان، شرکت در دعای
ندبه، شرکت در مجالس معنوی شده و انسان را از سحر
خیزی که برکات زیادی دارد محروم می نماید.

اسلام توصیه کرده که انسان شبها زود بخوابد و سحر
بیدار شود. که این کار هم باعث سلامتی جسم و روح می

²²¹ مکارم الأخلاق، ص ۲۸۷

گردد هم باعث استفاده از جوايز الهی که در سحرها
توزیع می شود می گردد.

علامه طباطبائی می گوید در ابتدای ورود به نجف با مروم
سید علی قاضی برخورد کردم ایشان فرمود فرزندم! اگر
دنیا می خواهی نماز شب بخوان. اگر آخرت می خواهی
نماز شب بخوان

خیلی از مشکلات انسان ها با نماز شب حل می شود.

خانمی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت شوهرم مرا
دوست نمی دارد! امام فرمود نماز شب بخون. زن رفت و
بعد مدتی آمد و گفت نماز شب می خوانم و شوهرم به
من علاقه مند شده است.

ولی خواب نمی گذارد انسان نماز شب که اینهمه فایده
دارد بخواند!

میانه روی در محبت به فرزندان

اگرچه اسلام به محبت به فرزندان توصیه کرده ولی از زیاده روی در محبت منع نموده است. زیرا زیاده روی در محبت آثار بدی دارد.

زیاده روی در محبت در دوران کودکی به صورت خودخواهی، کم طاقتی اتکای به غیر، بی ادبی و جسارت به دیگران و از همه مهم تر ضعف نفس و شکوفا نشدن استعدادهای پنهان کودک نمایان می گردد!

امام باقر(ع) در این رابطه میفرماید: «شَرُّ الْاَبَاءِ مَنْ دَعَا الْبِرَّ اِلَى الْاَفْرَاطِ؛ بدترین مردم کسی است که در محبت به فرزند خود، زیاده روی میکند.»^{۲۲۲}

عواقب ناگوار زیاده روی در محبت به فرزند

«این نامه‌ای است که یک پسر بزهکار از زندان برای مادرش نوشته است:

مادر! امروز هنگامی که با دونفر از دوستانم در یکی از خانه‌های نارمک تهران سرگرم دزدی ااث

²²² تاریخ یعقوبی، ج 7، ص 53.

خانه‌ای بودیم، توسط پلیس دستگیر شدیم و چون
برای بار دوم می‌خواهند مرا به جرم دزدی به
زندان ببرند، می‌خواهم امشب از این گوشه
بازداشتگاه با تو درد دل کنم و بگویم:

تو گناهکاری! تو باعث تمام بدبختی‌های من هستی! تو
خیلی مرا دوست داشتی و همین محبت کورکورانه
مرا به روز سیاه نشانده. آن روز که پدرم به این خاطر
که دست در جیبش کرده بودم، می‌خواست مرا
تنبیه کند ولی تو جلو دوییدی و نگذاشتی که او مرا
تنبیه کند و گفتی: این پسر کوچولوی من است! و هر
دفعه این صحنه تکرار شد!

مادر! من شبها دیر به خانه می‌آمدم، اما تو چیزی از
من نمی‌پرسیدی، حتی این موضوع را از پدرم پنهان
می‌کردی! تو مرا از معاشرت با جوانان هرزه منع
نکردی و حتی وقتی فهمیدی که من

دزدی می‌کنم، مانع من نشدی فقط گفتی: کاری نکن
که پدرت بفهمد!

مادر! من تو را می‌بخشم، اما آنچه در حق من کردی، در
بارهٔ برادر کوچکم نکن!»

اعتدال در عزاداری

اهل بیت علیهم السلام به ما گفتند که در اندوه ما
شما هم اندوهناک باشید و در خوشحالی ما شما هم
خوشحال باشید...

همانطور که برای اهل بیت علیهم السلام عزاداری
می‌کنیم باید در تولد آنها جشن بگیریم.

مردم ما را مردم همیشه گریان معرفی می‌کنند!

مساجد شده محل مجلس ختم و همین باعث مسجد
گریزی جوانان شده است

ما سیزده شهادت و چهارده تولد معصوم داریم.
باید بیشتر جشن بگیریم

اسلام دین نشاط و شادابی است.

پیامبر اسلام همیشه متبسم بودند و گاهی با افراد شوخی
و مزاح می نمودند. امیر مومنان انجنان همیشه متبسم
بودند که یکی از دلایل عدم انتخاب ایشان در شورای
انتخاب خلیفه که به دستور عمر برپا شده بود این بود که
خلیفه باید ادم جدی و خشکی باشد در حالی که علی بن
ابی طالب علیه السلام همیشه متبسم هستند!

بعضی مداح ها روز میلاد اهل بیت هم روضه می خوانند
بعضی مداح ها اصلاً هرچی می خوانند حتی موالید هم
صدایشان حزن اور هست!

بعضی افراد مرتب سی دی عزاداری گوش می دهند که
گاهی باعث افسردگی آنها می گردد.

عزاداری امام حسین (ع) امری مستحب است و برای
انجام آن واجباتی همچون نماز نباید مورد غفلت قرار
گیرد

مراسمات عزاداری نباید تا نیمه شب ادامه داشته باشد و
موجب اذیت و آزاد مردم شود و باید از هر گونه افراط و
زیاده روی جداً خودداری شود.

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۰ در دیدار برخی

اعضای صدا و سیما چنین گفته است:

«این را بدانید که روضه خواندن و گریه کردن - آن

سنت سنّیه - مربوط به همه ی ائمه نیست؛ متعلق به

بعضی از ائمه است. حالا یک وقت در جمع و مجلسی

کسی روضه ای می خواند، عده ای دلشان نرم می شود و

گریه می کنند؛ این عیبی ندارد. اصلاً عزاداری کردن یک

حرف است، روضه خوانی و سینه زنی راه انداختن یک

حرف دیگر است. روضه خوانی و سینه زنی راه انداختن،

مخصوص امام حسین است؛ حد اکثر مربوط به بعضی از

ائمه است؛ آن هم نه به این وسعت. مثلاً در شب و روز
 تاسوعا و عاشورا بخصوص، در شب و روز بیست و یکم
 ماه رمضان، سینه زنی و عزاداری و برپایی جلسات خوب
 است؛ ولی مثلاً در مورد حضرت موسی بن جعفر (ع)
 باینکه وفات آن بزرگوار از وفات های دارای روضه
 خوانی است من لزومی نمی بینم که سینه زنی بشود؛ یا
 مثلاً در سالگرد شهادت حضرت زهرا (س) مناسبتی
 ندارد که ما بیاییم نوحه خوانی و سینه زنی کنیم؛ بهتر این
 است که در آن موارد، شرح مصایبشان گفته بشود. شرح
 مصایب، گریه آور است.

... مثلاً یک نفر با بیان خوب و لحن محزونی، وضع زندان
 رفتن حضرت موسی بن جعفر را بیان کند؛ حوادث تلخ
 زندان را بیان کند؛ بعد شهادت حضرت را بیان کند؛ بعد
 مراسم تشییع را بیان کند؛ در این صورت هر کس که
 آنجا نشسته باشد، دلش نرم می شود²²³».

²²³ نرم افزار «حدیث ولایت» (متن

هشدار یک مرجع تقلید درباره عزاداری ها

ایت الله شبیری زنجانی مرجع تقلید شیعه در قم نسبت به ترویج دهه های پیایی عزاداری هشدار داد و گفت: افراط در عزاداری ها به تفریط می انجامد. جامعه عرفا نمی تواند نسبت به این همه عزاداری پیایی مراقبت داشته باشد و سرانجام به انکار مجموع عزاداری روی می آورد.

پایگاه اطلاع رسانی آیت الله شبیری زنجانی نوشت: این مرجع شیعیان در جمع تعدادی از روحانیون و طلبه های حوزه علمیه قم که در دفتر ایشان حضور داشتند، ترویج دهه های پیایی عزاداری را زمینه ساز رویگردانی جامعه از عزای اهل بیت علیهم السلام دانست و گفت: همین طور پشت سر هم دهه درست کردن، توسط جامعه قابل پذیرش نیست و به مرور زمان زمینه انکار مجموعه

کامل بیانات، سخنرانی ها، خطبه ها، مصاحبه ها و دیدارهای مقام معظم رهبری از شهریور ۱۳۶۶ تا آذر ۱۳۹۰)

عزاداری‌ها به وجود می‌آید. افراط در عزاداری‌ها به
تفریط می‌انجامد.

آیت الله شییری با غیر شرعی خواندن هتک حرمت
عزاداری‌ها، خاطر نشان کرد: حدیث خاصی راجع به
مدت زمان عزاداری‌ها نیست. اگر برپایی مجلسهای
شادی در زمانی باشد که در عرف آن را هتک حرمت
عزای اهل بیت - علیهم السلام - می‌دانند خلاف شرع
است. البته این که چه کاری هتک حرمت است را خود
افراد باید تشخیص بدهند²²⁴.

این مرجع تقلید افزود: قول ما درباره اینکه آیا شادی در
ایامی غیر از روز شهادت هتک حرمت هست یا نه، حجت
نیست و جامعه مشخص می‌کند تا چه زمانی باید عزا نگه
داشته شود. اما متأسفانه عده‌ای امروزه با افراط در
عزاداری‌ها زمینه هتک حرمت را فراهم می‌کنند و این
افراد در این زمینه مسوولند. آیا واقعا کسی که مدعی

²²⁴ <https://www.mashregnews.ir/news/295649>

محب اهل بیت - علیهم السلام - بودن است موظف به
این کارهاست؟!

آیت الله شییری زنجانی ادامه داد: امروزه برخی از
منبری ها و مداح های بی تقوا حرفهای بی سند و
مجلسهای بی سندی را ترویج می کنند و پس از ترویج
آن در جامعه، عرف هرگونه مجلس شادی را در این ایام
هتک حرمت می نامند. افراد هم شرعا موظفند هتک
حرمت نکنند اما حتما ما باید موضوع را درست کنیم و
بعد آن را تبلیغ کنیم تا باعث هتک شود؟

میانه روی در مسائل سیاسی

در دفاع از نظام اسلامی و در فعالیتهای سیاسی سالم باید
میانه رو باشیم. پشت سر رهبری حرکت نماییم و از
ایشان جلو نزنیم. آبرو و احترام شخصیت ها را رعایت
کنیم. هم ادم بی تفاوتی نباشیم هم اگر اهل مبارزه
هستیم بقول معروف حزب اللهی هستیم شان همه افراد

خوب را رعایت کنیم. اگر به شخصیتی انتقاد داریم ان را درست مطرح کنیم.

در بعضی شهرها گروهها تندرو انقدر تندروی دارند که به علمای شهر بی احترامی می کنند و انها را متهم بی بی تفاوتی می نمایند درحالی که اگر خود جای ان عالم بودند این چنین تندروی نمی کردند.

افراد تندرو گاهی دچار گناهان بزرگ می شوند مانند حمله کردن به علمای بزرگ یا غیبت کردن و تهمت زدن به مسئولین خدمتگزار و

دراین رابطه داستانی واقعی است که نشان می دهد افراد افراطی چگونه به حاج شیخ حمله کردند، اهانت های بدی کردند و...

داستان ایه الله عبدالکریم حائری و رضاخان قلدر

رضا شاه در شش دی 1307 ش. قانون متحدالشکل شدن لباس را از تصویب مجلس گذراند و در دستور کار قرار داد. به موجب این قانون در سراسر کشور مردم باید یک نوع لباس و کلاه استفاده می کردند و روحانیون برای ملبس شدن به لباس روحانیت باید از شهربانی اجازه نامه می گرفتند که آن هم منوط به قبولی در امتحان وزارت معارف بود که برای اجازه ندادن هرگونه فشار و بهانه گیری را انجام می دادند. مردم و علمای قم به آیت الله حائری اصرار می کردند که در قضیه مداخله کند و تلگرافی به تهران بفرستد، ولی حاج شیخ نمی پذیرفت. فشار و اصرار هر روز بیشتر می شد، تا جایی که آیت الله میرزا مهدی بروجردی گفت: اگر چیزی به شاه ننویسی، خودمان به اسم شما می نویسیم. آیت الله حائری عمامه اش را به زمین زد و فرمود: والله تکذیب می کنم؛ 59 آیت الله سیدمحمدتقی خوانساری گفت: می دانید که پهلوی می خواهد ایران را نصرانی کند؟! آیت الله مؤسس فرمود: می دانم، ولی شما می خواهید که من کاری کنم که او زودتر چنین بکند. 60

رضا شاه به قم آمد و به منزل آیت الله حائری رفت و گفت: رفتار تان را عوض کنید وگرنه حوزه قم را با خاک یکسان می کنم

با این همه مردم دست از اصرار و فشار بر نمی داشتند تا جایی که کار را به ضرب و شتم آیت الله مؤسس کشاندند. میرزا محمد تقی اشراقی می گوید: قبل از ظهر روز یازده تیر 1314 به منزل آقا شیخ رفتم، دیدم که آقا شیخ روی زمین نشسته و تکیه بر دیوار داده، عمامه اش روی زمین افتاده و وضع بدی بود. از یکی پرسیدم چه شد؟ گفت: عده ای آمدند به حاج شیخ حمله کردند، اهانت های بدی کردند و... که چرا برای رضا شاه تلگراف نمی فرستد، رفتم کنار حاج شیخ نشستم، دلداریش دادم، کمی بهتر شد. از ایشان برای خلاصی از آن محیط و احتمال ایجاد مزاحمت عده دیگر و... دعوت به منزل نمودم. ایشان پذیرفت. با هم به منزل رفتیم. بعد از نماز و استراحت که حالش بهتر شد گفتم: آقا شما عالم هستید، آیت الله و مرجع تقلید مسلمین هستید، وضع طوری است که باید تلگراف کنید و الا حیثیت شما آلوده

به تهمت می شود. آقا شیخ فرمود: تلگراف برای این کار مثل این است که کسی خود را در چاه بیندازد، می دانم که ضرر دارد؛ گفتم: با این حال تلگراف کنید، آقا شیخ چند دقیقه ای ساکت شد و تأملی نمود و بعد فرمود: خیلی خوب کاغذ و قلم بیاورید؛ آوردم، فرمود بنویسید: «حضور مبارک اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله ملکه، بعد از تقدیم ادعیه خالصانه مشهود خاطر همایونی بود که احقر همیشه تعالی و ترقی دولت علیّه را منظور داشته و اهم مقاصد می دانسته، فعلاً هم به همین نظر عرضه می دارد؛ اوضاع حاضره که برخلاف قوانین شرع مقدس اسلام و مذهب جعفری علیه السلام است موجب نگرانی داعی و عمومی مسلمین است؛ البته بر ذات ملوکانه که امروزه حامی و عهده دار نوامیس اسلامیّه هستید حتم و لازم است که جلوگیری فرمایید، عموم اهالی ایران بلکه مسلمین دنیا را قرین تشکر فرموده امید است رفع اضطراب این ضعیف و عموم ملت شیعه بشود»؛ در آخر آقا شیخ مطلب را خواند و امضاء نمود و فرمود: تلگراف را به تهران بفرستید.

شهر قم متوجه ارسال تلگراف شد، مردم غروب در منزل آقا شیخ جمع شدند تا جواب را دریافت کنند، ولی جوابی نیامد؛ شاه جواب تلگراف را نداد. از نخست وزیری جواب تلگراف، عصر دوازده تیر 1314، که سراسر تهدید و تحقیر بود رسید.

«به آقا شیخ عبدالکریم، به قم مخابره شود:

تلگراف حضرت مستطاب عالی به حضور مقدس اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ارواحنا فداه مشعر بر اینکه اوضاع حاضره خلاف قوانین شرع مطهر و مذهب جعفری است، با وجود سوابق معلومه فوق العاده باعث تعجب و تغییر خاطر مهر ظاهر گردید و کسانی که در این قسم افتراها می زنند، امر صادر فرمودند، قانوناً تعقیب در آورید، اگر نظر حضرت مستطاب عالی به اراجیف و اکاذیب شایعه است (کشف حجاب) عجب است که بدون تحقیق ترتیب اثر داده، عنواناتی که به هیچوجه شایسته مقام مقدس ملوکانه نیست فرموده اید، و اگر راجع به لباس و کلاه است، باز از آراء صائبه که در

وجود محترم سراغ داشتند، مایهٔ تعجب است که این قبیل امور موافقت و مخالفت به احکام شرع مقدس را عنوان می فرمایید. بنده در عالم ارادت کیش خالصانه معتقدم که شیوه مرضیه را که موجب حسن عقیدهٔ بندگان اعلیحضرت همایونی نسبت به وجود محترم بوده از دست نداده، در مطالبی که عوام و مردمان بی اطلاع یا مغرض به عرض عالی می رسانند تحقیق و تأمل کرده قسمی نفرمایید که مساعی جمیله که ذات خسروانه برای ترقی و تعالی دولت و ملت که یگانه وسیلهٔ اعلای کلمهٔ حق است و جلوه نموده، سبب آزردهی و تغییر خاطر مقدس شاهانه گردد، در خاتمه باز خاطر محترم را مستحضر می سازد، به این نکته که کسانی که این عنوانات را تعقیب و اذهان عامه را با مفتریات و جعلیات مشوب داشته و مشتبه می سازند دچار عقوبت خواهند شد.²²⁵

علماء و رژیم رضا شاه، ص 259 و 258²²⁵

اعتدال در زهد و بی رغبتی به دنیا

در زمان پیامبر عده ای بر اثر معنویات فوق العاده رسول خدا و زهد و سادگی ایشان، تصمیم گرفتند دیگر سراغ همسرانشان نروند! عطر نزنند! گوشت نخورند! و خلاصه از مردم کناره گیری کرده به عبادت مشغول شوند! و همین کار راهم کردند!

مدتی گذشت تا چند نفر از همسرانشان نزد پیامبر رفتند و از این رفتار شوهرانشان شکایت کردند.

پیامبر(ص) از روی غضب رداکشان بیرون رفت و بر منبر شد و حمد و ثنای الهی به جای آورد و سپس فرمود: «عده ای از یاران مرا چه شده است که گوشت نمی خورند و عطر نمی بویند و به زنان نزدیک نمی شوند؟ بدانید که من خود گوشت می خورم و عطر می بویم و پیش زنان می روم پس هر که از سنت من روی گرداند از من نیست»^{۲۲۶}

²²⁶ وسائل الشیعه، پیشین، ج 2، ص 107.

آری در زهد و پارسائی نیز اعتدال و میانه روی مدنظر دین مقدس اسلام است، همانگونه که عشق و علاقه شدید به امور مادی و لذت‌های نفسانی ناپسند و زیانبار است زهد و پارسائی تفریطی به این معنی که انسان از تمام امور دنیا و لوازم زندگی، کار و کوشش دست کشیده، خود و خانواده و افراد تحت تکفل خویش را از نظر خوراک، پوشاک، مسکن، درمان و... محتاج دیگران نموده را نکوهش کرده و آن را رهبانیت و از عادات جاهلیت دانسته است.

وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ (حدید، 27)»
رهبانیت (و ترک دنیا) را از پیش خود پدید آوردند ما بر آنها آن را ننوشته بودیم.

رسول خدا (ص) نیز اندیشه ترک دنیا و گوشه گیری مطلق را نمیپسندد و هر گاه در میان یارانش آثاری از گرایش به چنین رفتاری را ملاحظه میکرد هرچه زودتر اینگونه کج فکریها را اصلاح و به روشی صحیح و درست آنان را هدایت و راهنمایی مینمود و برای همیشه اعلام

فرمودند: «**لا رهبانیه فی الإسلام**» رهبانیت در اسلام وجود ندارد.^{۲۲۷}

اعتدال در انفاق و صدقه دادن

قرآن کریم درباره انفاق که از جمله پسندیده ترین صفات و رفتارها و عبادات است، اسراف و زیاده روی را جایز نمیداند و راه میانه و اعتدال را پسندیده و آن را از صفات نیک بندگان خویش برشمرده است. خداوند در توصیف «عباد الرحمن» میفرماید

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (الفرقان، ۶۷)

مؤمنین و بندگان صالح خدا کسانی هستند که در انفاق کردن، نه زیاده روی میکنند و نه سختگیری، بلکه راه اعتدال و میانه‌ای را انتخاب میکنند.

همچنین در آیه دیگری از سوره «اسراء» قاعده دیگری را برای میانه روی در انفاق بیان میدارد، آنجا که میفرماید

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ «

^{۲۲۷} ماوردی؛ ۱۴۰۹، ص ۲۲۹

فَتَقَعْدَ مَلُومًا مَحْسُورًا» (الإِسْرَاءُ، 29)

هرگز دستت را بر گردنت زنجیر مکن، (و ترک انفاق و بخشش منما چنان که بسیار خست ورزی و چیزی به دیگران ندهی) و بیش از حد (نیز) دست خود را مگشای که هر چیز داری به دیگران ببخشی تا مورد سرزنش قرار گیری و خود درمانده شوی و از کار فرومان

اعتدال در عبادت

پیامبر (ص) چنین میفرماید

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْنِي مَعْتَبًا وَلَا مَتَعْنَتًا وَلَكِنْ بَعَثْنِي مُعَلِّمًا «
میسراً»، (مسلم، ج 2، ص 1104)

یعنی: خداوند من را نفرستاده که بر خود سختگیری نمایم و یا دیگران را در تنگنا قرار دهم، بلکه من را به عنوان یک معلم (آسانگیر) فرستاده است.

همچنین از انس نقل شده است که گفت: پیامبر اکرم (ص) وارد مسجد شد و ناگهان دید که ریسمانی بین دو ستون مسجد بسته شده است و فرمود: این ریسمان چیست؟ عرض کردند: این ریسمان مال فلانی است،

چون ناتوان میشود، خود را به آن آویزان میکند. آنگاه پیامبر اکرم (ص) فرمود: آن را باز کنید! هر یک از شما باید تا زمانی نماز گزارد که با نشاط است، چون خسته شد، باید بخوابد.

هرگاه فشار و سختگیری از حالت احساس و سلیقه شخصی تجاوز میکرد و به صورت یک طرز تفکر، عدهای را به دور خود جمع و مشغول مینمود، پیامبر (ص) به شدت با آن مخالفت میورزید. ما این موضوع را در برخورد آن حضرت (ص) با سه گروهی که خط مشی غیر از خط مشی او در عبادت را در پیش گرفته بودند، به خوبی مشاهده میکنیم هر چند که این گروهها جز نیکی و خیرخواهی هدف دیگری نداشتند.

چند نفر از اصحاب رسول الله (ص) از اعمال پیامبر در نهانی سؤال کردند و بعد از اطلاع از آن مثل اینکه آن را ناچیز دانستند و گفتند که پیامبر (ص) گناهان اول و آخرش بخشیده شده است ولی ما برای اینکه مشمول بخشش خداوند قرار گیریم احتیاج به عمل بیشتری داریم. یکی از آنان گفت: من روزه میگیرم و هیچ وقت

آن را ترک نمیکنم. دومی گفت: من شب زنده داری میکنم و خواب را بر خود حرام مینمایم؛ و سومی گفت: من ازدواج را بر خود حرام میکنم. سخنان آنان را به پیامبر رساندند. و پیامبر (ص) درباره خودش میفرماید: «أَنَا فَأَصَلِّي وَأَتَامُ وَأُصُومُ وَأُفْطِرُ وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ فَمَنْ رَغِبَ عَنِ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي»^{۲۲۸}

اما من روزه میگیرم و افطار میکنم، پاسی از شب را عبادت میکنم و بقیه آن را میخوابم و ازدواج را ترک نکرده ام، هرکس از سنت من روی بگرداند از من نیست!

میانہ روی در کار کردن

همانطور که کار کردن فرد مسلمان در حکم جهاد بوده و خیلی مورد مدح و تعریف قرار گرفته است اما زیاده روی در کار کردن آثار زیانباری برای انسان دارد. چه از نظر مورد خطر قرار گرفتن سلامتی انسان. و چه از جهت اینکه از عبادت های واجب و مستحب جا می ماند

228 بخاری، ج 7، ص 2؛ مسلم، ج 4، ص 129

قَالَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ - فَسَاعَةٌ يُتَاجَىٰ فِيهَا رَبَّهُ - وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ - وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَائِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ.

حضرت علی علیه السلام فرمود: مؤمن باید وقت خود را به سه قسمت کند؛ یک قسمت به مناجات خدا پردازد و قسمتی را به محاسبه خویش اشتغال ورزد و قسمتی را اختصاص به لذت های حلال و شایسته می دهد.
بحار الأنوار، ج 75، ص: 40

حضرت امام رضا علیه السلام فرمود: اوقات شبانه روز خود را به چهار بخش تقسیم و از آن به خوبی استفاده کنید.

- 1 (ساعتی از آن را برای مناجات با پروردگار؛
- 2 (ساعتی دیگر از آن را برای امرار معاش و کسب حلال؛
- 3 (ساعتی از آن را دیدار با برادران دینی؛
- 4 (ساعتی از آن را برای استفاده از لذّات مشروع^{۲۲۹}

مستدرک الوسائل، ج 13²²⁹

بعضی افراد حتی روزهای تعطیل هم کار می کنند و در نتیجه بعد از مدتی بیمار می شوند و کُلا از کار کردن می افتند!

میانۀ روی در مخارج زندگی

امامان ما ضمانت کرده اند که اگر شخصی در خرج کردن میانۀ روی را رعایت نماید فقیر نشود.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «ضَمِنْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ؛ تضمین می کنم که آن کس میانۀ روی کند، فقیر نگردد!»

یه بنده خدایی بود مرتب طلبکارها شکایتش رو می کردند. من از ایشان سوال کردم چرا اینقدر طلبکار داری. خب باندازه درآمدت خرج کن! می گفت من از در هر مغازه ای رد میشم و سوسه میشم قرضی بخرم . بعد تو پرداختش می مانم!

اگر انسان باندازه نیازش خرج کند دچار مشکلات طلبکارها و زندان و بی آبرویی و ورشکستگی نمی شود!

باید در خرید لوازم خانه و وسایلی مانند موبایل و کامپیوتر و ماشین و هزینه اینترنت و امثال ان زیاده روی نکنیم. اگر با یک گوش متوسط کار ما انجام می شود گوشی گرانتر نخریم. اگر با یک ماشین متوسط می توانیم سر کنیم دنبال ماشین گرانقیمت نباشیم بنده خدایی ماشین گرانقیمت خریده بود که با ان میشد حداقل پنج تا پراید خرید. از او پرسیدم این ماشین چه ویژگی دارد که اینقدر گران است؟ گفت کف ماشین بخاری دارد! و....

دیدم ماشین ایشان با یک ماشین معمولی فرق ان چنانی ندارد! و این اسراف حساب می شود.

میانه روی در مخارج زندگی و در مصرف

خدا فرموده مومنین کسانی هستند وقتی خرج می کنند نه اسراف می کنند نه بخل می ورزند بلکه حد وسط را رعایت می نمایند^{۲۳۰}.

^{۲۳۰} فرقان ۶۷

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا.

امام صادق(ع): خوردن و آشامیدن و پوشیدن و ازدواج «
و سوار مرکب شدن اگر با میانه روی باشد، حلال و الا حرام
است چون خدادار سوره انعام آیه 141 فرموده
است: اسراف نکنید که خدا مسرفین را دوست ندارد

اگر بتوانیم با یک لیوان آب وضو بگیریم چنانچه دو
لیوان مصرف کنیم اسراف کرده ایم.

یکی از مشکلات کشور ما این است که اکثر مردم در
مصرف آب و برق و دارو و شکر و ... زیاده روی می کنند
و کشور ما جزو رتبه های بالای زیاده روی در مصرف در
دنیاست

روش امام خمینی در زندگی

مصرف به اندازه نیاز

یک بار که خدمت امام بودیم، از من خواستند پاکت دارویشان را به ایشان بدهم. داخل پاکت دارویی بود که باید به پایشان می مالیدند. شاید کسی باور نکند، بعد از مصرف دارو امام یک دستمال کاغذی را به چهار تکه تقسیم کردند و با یک قسمت از آن، چربی پایشان را پاک کردند و سه قسمت دیگر را داخل پاکت گذاشتند تا برای دفعات بعد بتوانند از آن استفاده کنند. به امام گفتم: اگر برنامه زندگی این گونه است، پس ما همه جهنمی هستیم! چون ما واقعاً این رعایت ها را به خصوص در مورد دستمال کاغذی نمی کنیم. آقا فرمودند:

«شما این طور نباشید؛ ولی باید رعایت کنید».²³¹

امام همیشه می فرمودند که تلفن برای کارهای ضروری است و از تلفن کردن برای کارهای غیر ضروری خود-داری کنید. همیشه به حدّ احتیاج چراغ منزل را روشن نگه دارید. امام خودشان در تاریکی به نماز می ایستادند.

231 برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 2، ص 810

اگر چراغی اضافی روشن بود، به شدت ناراحت می شدند؛ گویی عذاب گناهان را به چشم خویش می دیدند..^{۲۳۲}

در پاریس من بارها ناظر وضو گرفتن امام بوده ام و دیده ام که ایشان در فاصله به جا آوردن اعمال وضو شیر آب را می بندند و در موقع لزوم دوباره باز می کنند تا مبادا آب اضافی از شیر خارج شود. گاهی می دیدم که اگر آقا آب می خوردند، باقیمانده آب لیوان را خالی نمی کردند؛ بلکه کاغذی روی آن می گذاشتند تا بعداً از آن استفاده کنند. برای امام ماندن و گرم شدن آب مسأله ای نبود^{۲۳۳}

روزی امام فرمودند: «عینک مرا بدهید؛ می خواهم مطالعه کنم». وقتی عینک ایشان را از روی میز برداشتم، دیدم مقداری گرد و غبار روی شیشه های آن نشسته است. یک دستمال از جعبه دستمال کاغذی روی میز برداشته و عینک را تمیز کردم و به امام دادم. ایشان عینک را به چشمشان زدند. من بی توجه قصد داشتم آن

^{۲۳۲} همان ص ۸۳

^{۲۳۳} همان ص ۹۶

دستمال را مچاله کرده و دور بیندازم که امام متوجه شدند و فرمودند: «آقای انصاری اگر شما برای آن دستمال مورد مصرف ندارید، به من بدهید. این دستمال هنوز جای مصرف دارد و نباید دور انداخته شود». به نظر من ایشان دایم المراقبه بودند که مبدا مسئولیتی که داشتند سبب بسط و توسعه در زندگی شان شود و اقدامی انجام دهند که تشریفات تلقی شود^{۲۳۴}

امام همیشه مقید بودند که نمازها را به جماعت بخوانند و لذا، ظهرها و شب ها در جماعت فیضیه شرکت می کردند. یکی از روزها که برای نماز تشریف آورده بودند چون وقت نماز نرسیده بود، در یکی از حجره ها جلوس فرمودند. یکی از طلاب در حالی که چراغ اتاق را روشن گذاشته بود، از اتاق بیرون آمد که در خدمت امام باشد. امام به او فرمودند: «چرا چراغ برق را روشن گذاشتید؟» یکی از آقایان گفت: می گویند در روشنی اسراف نیست. امام پاسخ دادند: «بی خود می گویند»^{۲۳۵}

^{۲۳۴} همان ص ۱۱۴

^{۲۳۵} همان ص ۱۱۲

اگر بتوانیم با یک ماشین پژو نیاز خود را برطرف کنیم
چنانچه ماشین گرانتری بخریم اسراف کرده ایم

اگر بتوانیم با یک خانه صدمتری نیاز خود را برطرف
کنیم چنانچه منزل بزرگتری تهیه کنیم اسراف کرده ایم.

اگر بتوانیم با یک گوشی مثلا دو میلیونی نیاز خود را
برطرف کنیم ولی گوشی گرانتر بخریم اسراف کرده ایم
و همچنین سایر هزینه ها مخصوصا هزینه های ازدواج.

اگر با نصف نان سیر می شویم ولی بیشتر بخوریم
اسراف کرده ایم!!!

نصف نان اضافه

روزی جناب شیخ رجبعلی خیاط، جایی میهمان بودند که
ضعفی به ایشان دست داد و از صاحب خانه مقداری نان
خواست. صاحب خانه مقداری نان آورد و شیخ همه را میل
کردند. بعد متوجه می شوند که حجابی برای قلبشان

ایجاد شده که وقتی به اهل بیت (علیهم السلام) سلام می دهند، فقط صدایشان را می شنود و خودش را نمی بینند.

متوسل می شوند که دلیلش چه بود؟ در عالم شهود به ایشان گفتند: «برای آن نصف نان اضافه ای که خورده بودی. با نصف آن مقدار، ضعف از تو بر طرف شده بود، ولی تو آن نصف دیگر را هم خوردی»²³⁶!

عن ابی عبدالله (ع): «ادنی الاسراف هراقه فضل الاناء و ابتذال ثوب الصون والقاء النوی».^{۲۳۷}

امام صادق (ع) می فرماید: «کمترین اسراف ریختن اضافی آب، پوشیدن لباس آبرو در منزل و انداختن هسته خرما است.

²³⁶ منبع: tavalaei.ir

قال الصادق (ع): «ان لله ملكاً يكتب سرف الوضوء كما

يكتب عدوانه».^{۲۳۸}

امام صادق (ع) می‌فرماید: همانا خدا فرشته‌ای دارد که

اسراف در وضو را می‌نویسد چنانکه اسم دشمنانش را

می‌نویسد

عن عبدالله بن عمر مرّ رسول الله (ص) بسعد و هو يتوضأ

فقال لا يسرف يا سعد قال افى الوضوء سرف قال نعم و

ان كنت على نهر جار»^{۲۳۹}

رسول اکرم (ص) در مسیر با سعد برخورد کردند که

داشت وضو می‌گرفت حضرت به او فرمودند: ای سعد

اسراف نکن. سعد گفت: یا رسول الله آیا در وضوء هم

اسراف است. حضرت فرمودند: آری اگر چه در کنار نهر

جاری باشی.

19- وسایل ج 1 ص 340.

20- تفسیر صافی ج 3 ص 187.

– قال علی (ع) «ان السرف امر یبغضه الله.... حتی صب

فضل شرابک». ۲۴۰

علی (ع) در ضمن حدیثی می فرماید: «اسراف چیزی است

که خدا مبعوض می دارد حتی دور ریختن اضافه آب».

درس بیست و سوم: امیدواری

انسان مومن همیشه با امیدواری زندگی می کند. زیرا او پشتوانه ای بی نظیر یعنی خداوند قادر را همیشه در کنار خویش احساس می کند. و همین باعث میشود که هیچگاه شکست نخورد و تا آخر عمر بانشاط باشد و به دیگران هم امیدواری می دهد و باعث تقویت روحیه دیگران می شود.

امیرالمومنین علی(ع)، ناامیدی را بزرگترین بلا و آسیب معرفی می نمایند

«اعظم البلاء انقطاع الرجاء»

غررالحکم) و در حدیثی دیگر می فرمایند (

: «ناامیدی قاتل صاحب خویش است» :

زیرا ادمی که امید ندارد یه فرد شکست خورده و سرخورده است و نمی تواند یک عنصر مفید برای خانواده و جامعه خود باشد بلکه گاهی همین ناامیدی باعث می شود که دست به کارهای زشت و خطرناک بزند. بنابراین اسلام با ادم ناامید مخالف است و پیروان خود را به داشتن امید تا آخرین لحظه حیات عمر خویش دعوت می نماید.

امام صادق فرمودند: «امیدواریت به آنچه امید نداری بیش از چیزی باشد که امید داری، موسی بن عمران به امید قبسی از آتش از پیش زن و فرزند خود رفت، به مقام کلیم الهی رسید و با منصب پیامبری بازگشت. ملکه سبا برای دیدن سلیمان و کشورش رفت ولی بدست سلیمان مسلمان شد، ساحران فرعونى برای عزت گرفتن از فرعون رفتند، اما مومنین واقعی بازگشتند.» (بحار ج

(71: 134)

وقتی می خوانیم که هر کی شب یکبار ایه الکرسی بگه
فرشته ها از او محافظت می کنند واگر سه بار بگه خدا
می فرماید فرشته ها کنار برند خودم از این بنده
محافظت می کنم، امید ما خیلی بیشتر می شود.

اسلام دین مثبت نگری و خوش گمانی و دین امیدواری
به آینده است. ادمهایی که مثبت اندیش هستند اثرات
خوبی نصیبشان میشود ولی افراد ی که نگاهشان همیشه
منفی است مانند اینکه : افکار منفی ؛ مواردی چون:

1 - خیلی تنبلم؛ 2 - کم شانس هستم؛ 3 - نمی توانم؛ 4
- می ترسم؛ 5 - در این آسمان به این بزرگی یک ستاره
هم ندارم؛ 6 - بدبختم؛ 7 - .دچار شکستهای گوناگون
میشوند.

در مورد اینکه باید نگاهمان مثبت باشد

مثلا بگوییم: من می توانم. من چیزی از دیگران کم تر ندارم. من نسبت به خیلی ها خوشبخت ترم. من موفق میشوم. من همه موانع را با کمک خدا پشت سر می گذارم.

خدا به من لطف داره.....

در روایات اهل بیت علیهم السلام در مورد برکات خوش گمانی و نگاه مثبت اثری ذکر شده که در اینجا به چند مورد اشاره می نمایم.

1 - امنیت فکری: یکی از عوامل اضطراب و ناآرامی، بدبینی است، اما با خوش بینی و اعتماددوری، ترس درونی زایل می گردد و آرامش جای گزین آن می شود. امام علی (ع) می فرماید: «حَسَنُ الظَّنِّ رَاحَةُ الْقَلْبِ وَ سَلَامَةٌ

الدین؛^(۲۴۱) خوش بینی، مایه آرامش قلب و سلامت دین است.»

2 - غم زدایی: یکی از آثار سازنده مثبت اندیشی، زدودن غبار غم و اندوه از صفحه دل است. امام علی (ع) می فرماید: «**حَسَنَ الظَّنِّ يَخَفِّفُ الْهَمَّ؛**^(۲۴۲) خوش بینی، اندوه را سبک می کند.»

3 - جلب محبت دیگران: مثبت نگری، در ایجاد محبت نقش اساسی دارد. امام علی (ع) می فرماید: «**مَنْ حَسَّنَ ظَنَّهُ بِالنَّاسِ حَازَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ؛**^(۲۴۳) کسی که به مردم خوش گمان باشد، محبت آنها را به سوی خود جلب خواهد کرد.»

غُررُ الْحُكْمِ وَ دُرَرُ الْكَلَمِ، ج 5، ص 442 241241
همان، ج 3، ص 385. 242242
243243

4 - پیش گیری از گناه: بدبینی، هم خود گناه است و هم عامل بعضی از گناهان مانند: غیبت، تهمت، تجسس و... می باشد، اما خوش بینی مصونیت از گناه ایجاد می کند. امام علی (ع) می فرماید: «**حَسَنُ الظَّنِّ يَنْجِي مِنَ تَقَلُّدِ الْأَثَمِ؛**»^(۲۴۴) خوش گمانی، از پیروی از گناه نجات می دهد.

5 - سلامت روان: اگر افراد در برخوردهای خود خوش بین باشند، گفتار و رفتار دیگران را خوب تفسیر می کنند و کمتر دچار سوء تفاهم هایی می گردند که زمینه را برای بروز درگیری و تنش فراهم می نمایند. ولی در فضای بدگمانی، رفتارها و گفتارها به گونه ای خاص تفسیر می شوند؛ مثلاً احترام گزاردن به دیگران به **چاپلوسی و تملق**، سکوت به **مخفی کاری**، حرف زدن

²⁴⁴ همان، ج 3، ص 390.

ملايم به **بی اعتنایی و سردی**، قاطعیت به **استبداد**،
صراحت به **پر رویی**، صداقت به **ساده لوحی** و صمیمیت
به **خود شیرینی** تفسیر می شود.

6 - شادی و نشاط: اگر بپذیریم آن چه مایه خوش بختی
و شادی انسان می شود درون اوست، نه عوامل
بیرونی،^(۲۴۵) ارتباط بین نگرش خوش بینانه و شادکامی،
روشن می گردد. روان شناسان، شادی را احساس مثبتی
می دانند که از حس ارضا و پیروزی به دست آمده
است.^(۲۴۶)

7 - شکیبایی: به نظر روان شناسان، هر اندازه والانس
های مثبت قوی باشد تحمل شدايد و ناکامی آسان تر می
گردد. اشیا و امور یا موقعیت هایی که جنبه داعیه دارند،

²⁴⁵ اندرو مئیوس، آخرین راز شاد زیستن، ترجمه وحید افضلی راد، ص

96.

²⁴⁶ ابو الفضل طریقه دار، شرع و شادی، ص 24.

دارای والانس مثبت و اشیا و اموری که دفع کننده هستند، دارای والانس منفی هستند.^(۲۴۷)

افکار منفی ؛ مواردی چون:

1 - خیلی تنبلم؛ 2 - کم شانس هستم؛ 3 - نمی توانم؛ 4 - می ترسم؛ 5 - در این آسمان به این بزرگی یک ستاره هم ندارم؛ 6 - بدبختم؛ 7 - ... اگر چند دقیقه آرام بنشینید و ببینید کدام یک از موارد مذکور حقیقت دارند، خواهید فهمید که بسیاری از آنها وهم و خیالات شمایند. آن گاه عبارت های تأکیدی مثبت و سازنده را جانشین باورهای بسته و محدود کننده خود سازید؛ با این عبارات: اکنون هرگونه اعتقاد منفی را درباره خود رد می کنم، همه را می بخشم، می توانم شاد باشم، دنیا بسیار زیبا و دوست داشتنی است، من خدا را به روشنی ستارگان در

²⁴⁷ مان، اصول روان شناسی، ترجمه ساعتچی، ج 1، ص 459.

دل زیبای شبانه آسمان احساس می کنم، من با خدا
هستم و خدا با من است.

می گویند: خوش بین کسی است که در چهارراه ها فقط
رنگ سبز را می بیند و بدبین همیشه متوجه چراغ قرمز
می شود، اما برای شخص عاقل، هر دو رنگ یک سان
است. یک نویسنده فرانسوی می گوید: عده ای همواره
غرغر می کنند که گل سرخ، خار دارد، ما باید شاد باشیم
که خارها گل دارند.(41)

نکته دیگر، تفاوت قائل شدن میان حادثه و تفسیر حادثه
است. انسان ها از یک حادثه مشابه، تعبیرها و تفسیرهای
متفاوتی دارند؛ خوش بینان، برداشتی مثبت و بدبینان،
تلقی ناگواری از آن واقعه ارائه می دهند.

نویسنده ای حالات دو نفر زندانی را این گونه شرح می دهد که هر دو در یک زندان به سر می بردند و مدت محکومیتشان نیز یک سان بود: یکی از پنجره زندان به بیرون و آسمان پر ستاره در دل شب می نگریست و امید و حرکت را با خود زمزمه می کرد و دیگری از پنجره به جوی آب و کوچه ای پر گل و لای می نگریست و به خویشتن یأس و ناامیدی تلقین می نمود.^(۲۴۸)

وقتی می خواهیم کسی را دوست داشته باشیم می توانیم بسیار صبور باشیم و وقتی تصمیم می گیریم که از آدم ها برنجیم بر اشتباهات آنان دقیق می شویم؛ به عبارت دیگر نوع احساسی که درباره دیگران داریم به رفتارهای آنها بستگی ندارد، بلکه به نگرش خود ما مربوط است.^(۲۴۹)

²⁴⁸²⁴⁸ محمدرضا شرفی، جوان و نیروی چهارم زندگی، ص 80. محمدرضا

شرفی، جوان و نیروی چهارم زندگی، ص 80.

²⁴⁹ اندرو متیوس، آخرین راز شاد زیستن، ترجمه وحید افضلی راد، ص 96.

شانس ندارم من بدبختم

یکی از افکار منفی ای است که جوانانی هستند همش
وررد زبانشون این است که ما اصلا شانس نداریم. ما
بدبخت هستیم.. ولی اسلام این را رد می کند. از نظر
اسلام چیزی بنام شانس وجود ندارد بلکه اسلام می گوید:

لیس للانسان الا ماسعی. چیزی نصیب انسان
نمیشود مگر آنچه که سعی و تلاش بکنی

به هر اندازه که انسان تلاش کند موفقیت کسب می
نماید.

همچنین از نظر اسلام خوشبخت کسی است که ایمان
دارد چه پولدار باشد چه فقیر. چه ازدواج کرده باشد چه
مجرد باشد. و بدبخت کسی است که دین نداشته باشد
حتی اگر ثروتمندترین فرد باشد.

راه های از بین بردن افکار منفی

1 - تلقین: یکی از بهترین شیوه هایی که در مرحله پالایش فکر می تواند مفید باشد، تلقین است. دکتر «امیل گوئه» معروف ترین فردی است که کاربرد این تکنیک را مطرح کرده است. به کمک تلقین، افکار مثبت و سازنده به جای افکار منفی و مخرب می نشیند، اما تلقین منفی که مبتنی بر توهم و خیالات واهی و کوتاه نظری است، آثار ویران گری بر روح و روان آدمی دارد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: کذب را تلقین نکنید، چرا که شما را گرفتار خود می کند و در ادامه فرمود: پسران یعقوب نمی دانستند که گرگ انسان را می خورد تا این که پدرشان فال بد زد و این مطلب را ناخواسته به آنان تلقین نمود و همین امر سبب شد که انگیزه های بد در آنها بیدار شود.

در مقابل تلقین منفی، تلقین مثبت است که می تواند کارایی مفیدی داشته باشد؛ مثلاً اگر کسی به خود بقبولاند که برای هر شکستی، فرصت جبرانی است و همه راه ها بسته و همه کوچه ها بن بست نیست و پایان شب سیه سپید است، با این تفکر مثبت، تولید انرژی می کند و امیدوارانه به زندگی ادامه می دهد و در هر سختی و تنگنایی زمزمه می کند: برای خوش بختی آفریده شده ام.

سوی نومییدی مرو، امیدهاست

سوی تاریکی مرو، خورشیدهاست

ناامیدی ها به پیش او نهید

تا زردرد بی دوا بیرون جهید

2 - توجه به نقاط مثبت: یکی دیگر از راه کارهای پالایش افکار، پافشاری بر نقاط قوّت و خاطرات خوش گذشته و حال است. اگر کسی در وضعیت ناخوش آیندی قرار گرفت نباید گذشته روشن خود را نادیده بگیرد و احساس کند همیشه در سختی و گرفتاری به سر برده است، بلکه دیروزی داشته که با مرور خاطرات آن، می تواند از دام منفی نگری رهایی یابد.

ابراهیم بن مسعود می گوید: وضعیت یکی از تجار مدینه دگرگون شد، به همین دلیل خدمت امام صادق (ع) رسید و لب به شکایت گشود. حضرت با شیوه بیان خاطرات گذشته، او را امیدوار ساخت و فرمود: بی تابی مکن که اگر روزی دچار تنگ دستی شده ای، روزهای بسیاری را

در خوشی گذرانده ای. ناامید مباش که کفر است.
خداوند به زودی تو را غنی خواهد ساخت. (۲۵۰)

3 - برقراری مناسبات دوستانه: روابط سازنده، پاسخ
گوی نیازهای روحی و روانی جوانان است و دریچه های
مطمئنی را بر خوش بینی و مثبت نگری آنان خواهد
گشود. بنابر این لازم است از دوستی با منفی گرایان
اجتناب کنند و مصاحبت با دوستان خوش بین و مثبت
نگر را در اولویت قرار دهند.

استاد مطهری (ره) می گوید: «این، یک حقیقتی است؛
انسان اگر همیشه با آدم های بد بنشیند همه انسان ها را
بد می بیند؛ یعنی خوبی ها را هم نمی تواند تصور کند که
خوب اند. کما این که عکسش هم صادق است؛ کسی که

²⁵⁰ بحارالانوار، ج 78، ص 203. بحارالانوار، ج 78، ص 203.

همیشه با خوبان نشسته باشد همه مردم را خوب می بیند
و دیگر بدها را هم نمی تواند بد ببیند.»^(۲۵۱)

4 - توجیه عمل دیگران: یکی از راه های مثبت نگری،
تصحیح رفتار مردم است. بنابر فرموده امام علی (ع) تا
زمانی که می توانیم برای سخنان دیگران توجیه صحیحی
بیابیم نباید به آنها گمان بد ببریم؛^(۲۵۲) مثلاً اگر به
دوستان سلام کردیم و پاسخی نشنیدیم، نباید او را متکبر
بخوانیم؛ بهتر است بگوییم شاید سلام ما را نشنیده است.

هیچ کافر را به خواری منگريد

که مسلمان مردنش باشد اميد

²⁵¹ فلسفه تاریخ، ج 1، ص 197.

²⁵² نهج البلاغه، قصار 360.

5 - خردگرایی و علم مداری: بدبینی و منفی نگری چه بسا حاصل تکیه بر حدس و گمان و پیش داوری باشد، در حالی که اگر ملاک قضاوت، علم و یقین باشد، نگرش انسان تغییر خواهد کرد. از این رو قرآن کریم مخاطبان خود را از پیروی حدس و گمان بر حذر داشته و فرموده است: «و لا تقف ما لیس لک به علم انّ السّمعَ و البصرَ و الفؤاد، کلّ اولئک کان عنه مسؤلاً»^(۲۵۳) و چیزی را که بدان علم نداری، دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد.»

تا زمانی که انسان از کسی کردار و رفتار بدی ندیده نباید به او بدبین شود، زیرا شنیدن یا حدس و گمان، معیار خوبی و بدی اشخاص نیست. از امام علی (ع) سؤال شد: فاصله میان حق و باطل چه اندازه است؟ فرمود:

²⁵³²⁵³ اسراء (17) آیه 36.

چهار انگشت. آن گاه دست خود را بر گوش و دو چشم خویش گذاشت و فرمود: آن چه چشم هایت دیده، حق و آن چه گوش هایت شنیده، بیشترش نادرست است. (۲۵۴)

6 - ورزش و تفریح: آن چه در تعادل روحی انسان مؤثر است، در تقویت روحیه مثبت نگری نیز تأثیر دارد. تنوع در زندگی، ورزش و تفریحات سالم، علاوه بر این که فشار روانی را کاهش می دهد، روحیه خوش بینی را در افراد قوّت می بخشد.

منفی نگری و نشانه های آن

در مقابل صفت پسندیده مثبت نگری، خصلت نکوهیده منفی نگری است که از آن به سوء ظن و بدبینی نیز یاد می شود.

²⁵⁴²⁵⁴ بحار الانوار، ج 72، ص 196. بحار الانوار، ج 72، ص 196.

بدینی و منفی گرایی، همه چیز را تیره و تاریک جلوه می دهد و برای صاحبش دنیایی آکنده از غربت و انزوا فراهم می کند. به طور کلی مهم ترین شاخصه منفی گرایان عبارت اند از:

- 1 - بزرگ جلوه دادن کمبودها و کاستی ها؛ 2 - ناامیدی از آینده؛ 3 - عدم اعتماد به نفس و خود کم بینی؛ 4 - بی نظمی و پراکنده کاری؛ 5 - احساس نارضایتی از خود و اطرافیان؛ 6 - ریزسازی موقعیت های خوش آیند؛ 7 - شخصی سازی (فرد منفی گرا رویدادهای خارجی را به خودش مربوط می داند، در حالی که هیچ مبنایی برای این ارتباط وجود ندارد)؛ 8 - برچسب زدن به دیگران؛ 9 - تفکر به شیوه همه یا هیچ (مثلاً یا رشته پزشکی و یا هیچ رشته دیگر)؛ 10 - پیش داوری و قضاوت ناصحیح؛ 11 - احساس گناه زاییده تصور و تخیل؛ 12 - عدم

تحرک و نشاط در زندگی؛ 13 - گوشه گیری ؛ 14 -
ناتوانی در دوست یابی؛ 15 - ایجاد محدودیت برای خود
و دیگران.

با توجه به نشانه های مذکور می توان گفت: افراد منفی
نگر همه حوادث را به ضرر خویش تفسیر می کنند، اهل
مبارزه با مشکلات نیستند، به امید شانس زندگی می
کنند، با دیگران ارتباط صمیمانه ندارند؛ بی تحرک و بی
انگیزه اند، انرژی کافی برای شروع مجدد ندارند و از
بودن خویش لذت نمی برند.

افراد منفی نگر، غالباً ناراحت اند، زیرا کلمات و کارهای
دیگران را نیش و زخم زبان به حساب می آورند. هم
چنین از درد دل کردن می ترسند، زیرا فکر می کنند
ممکن است اسرارشان افشا گردد.

اگر این حالت منفی نگری در فرد تشدید شود از همه چیز و همه کس می ترسد، همه حوادث را به زیان خود می بیند و کارهای عادی افراد را نقشه هایی بد علیه خود می پندارد. از نظر قرآن، این نگرش منفی همراه با احساس ترس، ویژگی منافقان است؛ آن جا که می فرماید: «يَحْسِبُونَ كُلَّ صِيحَةٍ عَلَيْهِمْ»^(۲۵۵) هر فریادی را از هر جا که بلند شود بر ضد خود می پندارند.

عوامل منفی نگری

منفی گرایی می تواند از عوامل مختلفی ناشی شود؛ از جمله:

1- آلودگی باطنی: افرادی که آلوده اند، دیگران را نیز آلوده می بینند. امیر مؤمنان (ع) می فرماید: «آدم بد به

²⁵⁵ منافقون (63) آیه 4

هیچ کس گمان خوب نمی برد، زیرا دیگران را همچون
(²⁵⁶) «خود می پندارد

2- کینه توزی: معمولاً افراد حسود و کینه توز از راه
بدبینی نفرت خود را بروز می دهند.

3- عقده حقارت: کسی که گرفتار عقده حقارت و خودکم
بینی است، سعی می کند دیگران را در محیط فکر خود
حقیر و پست به حساب آورد تا از عقده خود بکاهد.

4- پیش داوری: گاهی عدم تحقیق و عجله در قضاوت،
انسان را وادار به متهم کردن دیگران و صدور حکم
ناصواب می کند؛ مثلاً شخصی می بیند دوستش بی تفاوت
با او برخورد کرد، بدون این که احتمال دهد شاید توجه
نداشته است، قضاوت می کند که دوستش با وی خوب
نیست.

5- خودخواهی: خوی خودبرتربینی باعث می شود انسان
خود را برتر از دیگران بداند و چون نمی تواند برتری را
نسبت به همه کس و در همه جا برای خود احرار کند، می

²⁵⁶ غرر الحکم و درر الکلم، ج 2، ص 76.

کوشد از راه تحقیر دیگران، بزرگی خود را ثابت نماید و تمایل بی جای خویش را ارضا کند. از این رو همواره برای دیگران نقاط ضعف می تراشد و برای آنان حکم صادر می کند.

6- محیط تربیتی: یکی از علل منفی نگری، برخورد های خشن یا تبعیض آمیز و سخت گیری های والدین نسبت به فرزندان است. اگر مناسبات پیشین و کنونی پدر و مادر با فرزندان بر محور تخاصم و ناسازگاری باشد و یا مناسبات والدین با یک دیگر مبتنی بر روحیه رفاقت نباشد، منفی گرایی در نوجوانان و جوانان بروز می کند.

7- هم نشینی با ناهلان: اگر افراد نادرست معاشران انسان باشند طبعاً به همه مردم بدبین خواهد شد، چون آدمی، خوپذیر است و به صفت هم نشین خود در می آید. امام علی (ع) می فرماید: «هم نشینی با بدان، بد (257)». گمانی به نیکان را در پی دارد

²⁵⁷ بحارالانوار، ج 74، ص 197.

8-وراثت: بسیاری از صفات مثبت و منفی ممکن است از طریق وراثت منتقل شود. پدران و مادران بدبین غالباً فرزندان بدبین دارند.

9 - عدم شناخت نظام آفرینش: به حکم عبارت معروف - «الناس اعداء ما جهلوا؛ مردم دشمن چیزی هستند که به آن نادانند» می توان گفت: به هر میزان که شناخت آدمی، کامل تر و عمیق تر شود، نگرش او به مسائل، واقع بینانه تر و شفاف تر می گردد. در مواردی، عدم اطلاع از علت وقوع حوادث و تحلیل ناصحیح از وقایع و جریان ها، باعث گرایش انسان به مقولاتی خرافی مانند: شانس، اقبال و... می شود. انتقاد از زمانه و اعتراض و دشنام به چرخ و فلک در قالب نثر و یا شعر اگر جنبه هزل نداشته باشد، حاکی از همین امر است.

بدینی فلسفی نیز بر این اساس قابل تبیین است. معمولاً افرادی که با خدا رابطه ندارند - مانند ماتریالیست ها - به این نوع منفی گرایی بسیار تمایل دارند، زیرا از نظام آفرینش، شناخت درستی ندارند و بر طبق بینش مادی

خود، جهان را هدف دار نمی‌پندارند و به تبع آن برای انسان نیز هدفی ترسیم نمی‌کنند. از این رو احساس پوچی و خودکشی در بین این افراد، بسیار مشاهده می‌شود.

شوپنهاور که از فلاسفه بدبین است، درباره نحوه تفکر و طرز زندگی می‌گوید: اصل در زندگی، رنج و گزند است و لذت و خوشی همان دفع الم (رنج) است. لذت، امری وجودی نیست بلکه امر عدمی است... زندگی، سراسر جان‌کندن است و بلکه مرگی است که دم به دم به تأخیر می‌افتد و سرانجام اجل می‌رسد، در صورتی که از حیات هیچ سودی برده نشده و نتیجه مفیدی به دست نیامده⁽²⁵⁸⁾ است.

استاد مطهری می‌گوید: «لازمه مکتب‌های مادی که به جاودانگی معتقد نیستند و انسان را همچون حبابی می‌دانند که پس از ترکیدن، هیچ و فانی می‌گردد، پوچی⁽²⁵⁹⁾». گرای و بدبینی به هستی است

²⁵⁸ شهید مطهری عدل الهی، ص 89.
²⁵⁹ آشنایی با قرآن، ج 1 و 2، ص 140.

ایشان در جایی دیگر می گوید: «وقتی که کسی در اطراف خود هر چه ببیند ظلم ببیند و علت اصلی را تشخیص ندهد یا تشخیص دهد و نتواند بگوید، عقده دلش را روی چرخ کج مدار و فلک کج رفتار خالی می کند. در نتیجه این اوضاع و احوال، یک نوع بدبینی و سوء⁽²⁶⁰⁾ ظن نسبت به دستگاه خلقت پیدا می شود

:میرزاده عشقی می نویسد

خلقت من در جهان یک وصله ناجور بود
من که خود راضی به این خلقت نبودم زور بود
خلق از من در عذاب و من خود از اخلاق خویش
از عذاب خلق و من، یا رب چه ات منظور بود
ای طبیعت، گر نبودم من جهانت نقص داشت
ای فلک، گر من نمی زادی اجاقت کور بود
آن که نتواند به نیکی پاس هر مخلوق داد

²⁶⁰ بیست گفتار، ص 101.

(²⁶¹) از چه کرد این آفرینش را مگر مجبور بود

احساس غربت در دنیا، حاصلی جز بدبینی به دیگران و
نظام هستی ندارد. اما ارتباط با خدا، اتخاذ جهان بینی
الهی و اصلاح نگرش، موجب می شود انسان به مرحله
یقین برسد و به همه آفرینش عشق بورزد. به قول
سعدی:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

به حلاوت نخورم زهر که شاهد ساقی است

به اردات بکشم درد که درمان هم از اوست

بر اساس جهان بینی اسلامی، جهان هستی بیهوده آفریده
نشده است. هیچ چیزی نا به جا و خالی از حکمت و فایده
خلق نگردیده و نظام موجود، نظام احسن و اکمل است.

²⁶¹ کلیات مصور میرزاده عشقی، ص 328. کلیات مصور میرزاده
عشقی، ص 328.

«جان استوارت میل» می نویسد: یک انسان با ایمان،

(²⁶²) معادل 99 فرد علاقه مند است

آثار منفی نگری و بدبینی

1- عقوبت اخروی: بدبینی به دیگران، از گناهان کبیره است. اگر این گناه با توبه همراه نباشد، عقوبت اخروی را در پی خواهد داشت. قرآن مجید به صراحت آن را گناه شمرده (^{۲۶۳} و پیامبر اسلام (ص) نیز فرموده اند: «خداوند، تجاوز به جان، مال، آبروی مسلمان و بدگمانی» (²⁶⁴) «به او را حرام فرموده است

2- ناراحتی روحی: افراد منفی نگر بر اساس توهّمات و افکار منفی، همواره در رنج و غم به سر می برند و از همه کس و از همه چیز می ترسند. امام علی (ع) می فرماید: کسی که (من لم یحسن ظنه استوحش من کل احد؛ ^{۲۶۵} «بدگمان باشد از همه وحشت دارد»

262262

حجرات (49) آیه 12.

263263 محبة البیضا، ج 3، ص 155.

264 غرر الحکم و درر الکلم، ج 2، ص 717

3- عدم ارتباط صمیمانه: منفی نگری، بزرگ ترین مانع همکاری های اجتماعی و به هم پیوستگی دل هاست. بدبینی، شعله محبت و دوستی را خاموش و به جای آن، بذر نفاق و جدایی را در دل ها می افشاند. امام علی (ع) می فرماید: «بر هر کس بدگمانی چیره شود، صلح و صفا»⁽²⁶⁶⁾ «بین او و دوستش به هم می خورد

4- فساد عبادت: بدبینی، آفت بزرگ عبادت و تباه کننده آن است. امام علی (ع) می فرماید: «از بدگمانی پرهیز»⁽²⁶⁷⁾ «که عبادت را فاسد و گناه را بزرگ می کند

5- اعتماد زدایی: افراد منفی نگر در بین مردم قابل اعتماد نیستند و نزد آنان جای گاهی ندارند. امام علی (ع) می فرماید: «بدترین مردم کسی است که به دلیل بدبینی به کسی اعتماد نمی نماید و به علت اعمال بدش، کسی»⁽²⁶⁸⁾ «هم به او اعتماد نمی کند

²⁶⁶ همان، ج 5، ص 406.

²⁶⁷ همان، ج 2، ص 308.

²⁶⁸ غررالحکم و درر الکلم، ج 4، ص 132.

8- تجسس در کار دیگران: بدبینی، منشأ جست و جو و دخالت بی جا در کار دیگران است. غالباً افراد بدبین دیگران را در ذهن خود مجرم تلقی می کنند و از این رو به تجسس روی می آورند. البته تجسس نیز سرچشمه غیبت و بدگویی از دیگران خواهد بود؛ چنان که قرآن مجید، بدبینی و تجسس و غیبت را با هم در یک آیه⁽²⁶⁹⁾ مطرح کرده است

7- جنگ و خون ریزی: بدگمانی و منفی گرایی، سرچشمه خشم ها، جنگ ها و نزاع های خونین است. چه بسیار خانواده هایی که بر اثر بدبینی از هم پاشیده و زن ها و شوهرها از یک دیگر جدا شده اند^{۲۷۰}

269269269 حجرات (49) آیه 12.

درس بیست و چهارم: عزت نفس

همه انسان ها دوست دارند عزیز باشند. احترام داشته باشند. کسی اونهارو تحقیر نکنه. ولی گاهی با کارهامون باعث تحقیر خودمون می شویم.

ادم مومن کاری نمی کنه که ذلیل و خوار بشه و احترامشو از دست بده. خداوند اختیار هرکاری رو به ما داده. مثلاً نماز بخونیم یا نخونیم! ولی اختیار اینکه ذلیل بشیم به ما نداده است. باید تا آخر عمر با عزت زندگی کنیم.

حضرت امام حسین(علیه السلام) که الگوی عزت و شرافت در جهان است، در این باره می فرماید:

موت فی عزّ خیر من حیاء فی ذل^{۲۷۱}. مرگ با عزت و

شرف از زندگی همراه با خواری، بهتر است.

²⁷¹ المناقب، محمدابن شهر آشوب، قم، انتشارات علامه، ج 4، ص 68

همچنین ایشان فرموده است: هیئات منا الذلۃ^{۲۷۲}.

هرگز زیر بار ذلت نخواهم رفت.

عزت و کرامت انسان از مهم ترین مسائلی است که انسان در طول زندگی خود با آن همواره برخورد می کند و برای او بسیار اهمیت دارد بطوری که گاهی همه فعالیتها و تلاش های یک فرد در طول زندگی برای رسیدن به عزت و کرامت و حفظ آبروی خود و خانواده اش بوده است. و بارها اتفاق افتاده که فردی بخاطر از دست رفتن عزت و آبروی خود، دست به خودکشی زده است. و یا جنگ بین دو کشور بخاطر اهانتی بوده که به مردم و دولت یک کشور صورت گرفته است.

گناه عامل ذلت. تقوا عامل عزت

²⁷² لهوف، سیدبن طاووس، تهران، انتشارات جهان، ص 97

گناه کردن

از عوامل ذلت انسان می توان به یکی آلوده بودن به
اعمال خلاف شرف و فضیلت اشاره کرد که کسیکه بر
هوی نفس خود مسلط نیست و گناه می نماید در خود
احساس حقارت و زبونی می کند و بر عکس کسیکه از
گناه دوری می کند از عزت نفس و آرامش روانی خاصی
برخوردار است. علی (علیه السلام) در این باره می
فرماید:

((من کرمت علیه نفسه لم يهنها بالمعصيه))^{۲۷۳}

کسیکه نفشش در نظر گرامی است آن را با معصیت
پست نمی نماید.

²⁷³ مستدرک الوسائل، 339/11

کسی که گناه می کند احتمال افشا شدن گناه او است اگر
افشا شد آبروی او می رود. و نزد مردم ذلیل می گردد.
پس باید در خود تقوا ایجاد کرد تا عزتش حفظ گردد
پیامبر خدا ص فرموده است :

من اراد ان يكون ان اعز الناس فليتق الله^{۲۷۴}

هر که می خواهد که با عزت ترین مردمان باشد ، پس
تقوای الهی پیشه کند .

تقوای الهی در ارجمندی آدمی چنان نقش آفرین است
که از امیر مومنان علیه السلام وارد شده است که فرمود
:

لا عز اعز من التقوى^{۲۷۵}

هیچ عزتی عزت بخش تر از تقوا نیست .
تقوا سرافرازی می آورد و پرده دری سرافکندگی ، تقوا
راه می نماید و خودخواهی به گمراهی می کشاند تقوا
ارجمند می کند و گناه خوار می سازد ، تقوا آزاد می کند

^{۲۷۴} بحار الانوار، ج 70، ص 285

^{۲۷۵} نهج البلاغه ، حکمت 371

و نافرمانی به اسارت در می آورد ، تقوا استوار می سازد و
نفسانیت فرو می پاشد ، و چه نیکو فرموده است امام
علی علیه السلام :

التقوى تعز ، الفجور تذل ^{۲۷۶}

تقوا عزت می بخشد و تبهکاری ذلیل می سازد .

. تقوای الهی از چنان جایگاهی در عزت بخشی برخوردار
است که پیشوای پرهیزگاران ، علی علیه السلام درباره
اش فرمود :

لاکرم اعز من التقوى ^{۲۷۷}

هیچ کرامتی چون تقوا ، انسان را عزیزترین نمی سازد

قال الصادق علیه السلام : «من اراد عزا بلا عشیره، و غنی
بلا مال و هیبه بلا سلطان فلینقل من ذل معصیه الله الی عز
طاعته؛ ^{۲۷۸}

²⁷⁶ شرح غرر الحکم ، ج 1، ص 39

²⁷⁷ تحف العقول ، ص 59

²⁷⁸ شیخ صدوق، الخصال، ج ۶، ص ۱۶۹

هر که می‌خواهد بدون ایل و تبار عزتمند باشد و بدون
مال و ثروت بی‌نیاز باشد و بدون قدرتی هیبت و شکوه
داشته باشد، باید از خودداری معصیت خدا به عزت
طاعت او درآید.

گاهی فرد گنهکار را در مقابل دیگران عقوبت و مجازات می کنند و این نهایت ذلت است که او را بخوابانند تا شلاق بزنند یا اینکه خدای نکرده او را اعدام کنند . پس انسان عاقل گناه نمی کند و جرمی مرتکب نمی شود تا اینکه دچار مصیبت های مختلف بگردد و در نهایت بدبخت و ذلیل بشود.

خوش اخلاقی

کسانی که خوش اخلاق هستند بین مردم محبوبیت دارند و مردم مایل به همنشینی با آنها هستند ولی افراد بد اخلاق تنها هستند و کسی نمی خواهد با آنها رفت و آمد داشته باشد حتی در میان خانواده خود غریب است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

علیکم بمکارم الاخلاق فانها رفعه و ایاکم و الاخلاق الدنیه فانها تضع الشریف و تهدم المجد^{۲۷۹}

بر شما باد به اخلاق نیکو چرا که موجب رفعت و بلندی

²⁷⁹ میزان الحکمه ، ج 3 ، ص 164.

است و پیرهیزید از اخلاق پست . زیرا شخصی بزرگ را
پست می کند و مجد و عزت را نابود می سازد.

صف اهل سنت برای دست بوسی عالم شیعه

حکایت؛ یکی از بزرگان نقل می کند

مرحوم سید محسن امین عاملی را در تشییع جنازه یکی از
بزرگان علماء سنی دیدم با سرعت به سویش شتافتم
سلام کرده و دستش را بوسیدم و دنبال او حرکت کردم
تا آنکه به مسجد اموی دمشق رسیدیم، مسجد مملو از
جمعیت شد، سید بر آن جنازه نماز خواند. پس از نماز
مردم می خواستند دست سید را ببوسند تا آنجائی که
گاهی یک نفر دست سید را می بوسید و می رفت و جهت
بوسیدن دست سید دوباره برمی گشت، از این مقام سید
بسیار تعجب کردم و با خود گفتم، چرا این همه سنی به
صف می شوند تا دست یک عالم شیعی را می بوسند؟!

از سید به خاطر این همه احترام که نسبت به او می شد سؤال کردم، فرمودند: این نتیجه ده سال خوش رفتاری و معاشرت و سلوک با مردم است بعداً فرمودند: من وقتی به شام آمدم، بعضی از نادان ها سخت ترین دشمنان را بر من شوراندند و هر وقت در خیابان راه می رفتم فرزندان خود را دستور می دادند که به من سنگ بزنند و بعضی اوقات عمامه ام را از عقب می کشیدند ولی من بر همه آزارها صبر می کردم و طبق فرامین الهی با آنها خوش رفتاری کرده و آنها را احترام نمودم و در تشییع جنازه آنها شرکت می کردم و به عیادت مریض های آنان می رفتم، جویای احوال آنها می شدم و با آنها با خوش رفتاری و مهربانی صحبت می کردم تا آنکه دشمنی آنها مبدل به دوستی شد.^{۲۸۰}

داستانهایی از اخلاق اسلامی²⁸⁰

2- عفو و گذشت

کسانی که دارای صفت عفو و گذشت هستند محبوب
دل‌های مردم قرار می‌گیرند و عموماً مردم افراد بزرگوار
و صاحب فضیلت مانند افراد دارای عفو و گذشت را
دوست دارند لذا این افراد در بین مردم عزت و آبرو
دارند ولی برعکس افرادی که اهل گذشت از خطاها
نیستند و کینه‌ای می‌باشند، مورد احترام مردم نیستند.
عليکم بالعفو، فان العفو لا يزيد العبد الا عزا، فتعافوا²⁸¹
يعزكم الله

بر شما باد به گذشت که گذشت کردن جز بر عزت
بنده نمی‌افزاید، پس از یکدیگر در گذرید تا خدا شما را
عزیز کند.

همچنین شیخ طوسی (ره) به اسناد خود روایت کرده
است که آن حضرت فرمود

²⁸¹ لکافی، ج 2، ص 108.

من عفا عن مظلّمه ابدله الله بها عزا في الدنيا و
الآخره^{۲۸۲}

آن که از ستمی گذشت کند، خداوند در عوض آن به او
عزت دنیا و آخرت بخشد.

²⁸² امالی الطوسی ، ج 11، ص 185-186.

3- نماز شب

نماز شب از عوامل عزت است. زیرا کس که نیمه های شب بلند می شود و در مقابل خدا بندگی می نماید خدا به او عزت و آبرو می دهد.

در روایت آمده است که خدا به موسی خطاب کرد: یا موسی! «إِنِّي وَضَعْتُ الْعِزَّةَ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ وَالنَّاسُ يَطْلُبُونَهُ فِي أَبْوَابِ السَّلَاطِينِ»

ای موسی! من عزت را در نماز شب قرار دادم. ولی مردم ان را در دربار سلاطین می جویند ..

4- علم و دانش

هر ملتی که علم بران ملت حاکم باشد و دانشمندان فراوان داشته باشد عزیز خواهد بود. نمونه ان کشورهای صنعتی هستند که در میان ملتها دارای ارزش و مقام می باشند و در روایت هم آمده است که:

مولای متقیان علی(ع) فرمودند: «العلم سلطان من وجده
صال و من لم یجده یصال»^{۲۸۳} یعنی علم اقتدار است،
هر کس آن را به دست آورد، می تواند غلبه داشته باشد و
هر که از آن بی بهره ماند، بر او غلبه می کنند.

مقام معظم رهبری فرمودند: غرب و آمریکا به برکت
علم توانستند بر کشورهای دنیا مسلط شوند؛ یکی از
ابزارهاشان علم بود؛ ثروت را هم با علم به دست
آوردند. البته مقداری از ثروت را هم با فریبگری و
خباثت و سیاست به دست آوردند، اما علم هم مؤثر بود.
باید علم پیدا کرد....^{۲۸۴}

اولویت دوم جهش علمی است. ما جهش علمی را نباید
بگذاریم متوقف بشود. کشور اگر به علم پردازد و علم
را پیش ببرد، آقا خواهد شد؛ به معنای واقعی کلمه: اَلْعِلْمُ
سُلْطَانُ (۱). اگر قدرت می خواهیم، اگر عزّت می خواهیم،

283 شرح نهج البلاغة، ابن ابی الحدید، ج ۳۰، ص ۳۱۹.

284 بیانات در دیدار شرکت کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه های جهان اسلام و بیداری اسلامی

اگر این را می‌خواهیم که ما مرجع مراجعات کشورها و دولتها باشیم، نه اینکه آنها مرجع مراجعات ما باشند، باید علم را تقویت کنیم؛ و این ممکن است و این عملی است.^{۲۸۵}

و علما در بین مردم محبوبیت و عزت دارند مخصوصاً در ایران که مردم احترام خاصی برای روحانیت می‌گذارند. و بهترین جایگاه در بین مردم مخصوص روحانیت است. و این بخاطر علم و دانشی است که دارند اگرچه نقش تقوا و اخلاق هم در این احترام گذاشتن بی‌تاثیر نیست.

5- حلم و بردباری

هر مومنی که بتواند عصبانیت خود را کنترل کند عزیز است. چون خدا به او در دوسرا عزت می‌دهد. لاشرف کالعلم و لا عز کالحلم ...^{۲۸۶}

²⁸⁵ ۱۳۹۴/۱۲/۲۰ بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری

²⁸⁶ نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، حکمت 113

هیچ شرف چون دانایی و هیچ عزت چون بردبار بودن
نیست ...

آن که بر وجود خود قاهر است و خشم خود را فرو می
خورد به عزت الهی نایل می شود. از امام صادق علیه
السلام روایت شده است که فرمود:

ما من عبد كظم غيظا الا زاده الله عزوجل عزا في الدنيا و
الآخرة : و قد قال الله عزوجل : (و الكاظمين الغيظ و
العافين عن الناس و الله يحب المحسنين) و اثابه الله
مكان غيظه ذلك²⁸⁷

هیچ بنده ای خشمی را فرو نخورد، مگر آنکه خدای
عزوجل عزت او را در دنیا و آخرت بیفزاید؛ و همانا
خدای عزوجل فرموده است : و آنان که فروخورندگان
خشم و در گذرندگان از مردمند، و خدا نیکوکاران را
دوست دارد . و خدا به جای فرو خوردن خشمش او را

²⁸⁷ الکافی ، ج 2، ص 110

چنین پاداش می دهد.

6- صبر و استقامت

صبر و استقامت از مهمترین علل به وجود آورنده و پایدارنده عزت است . صبر در برابر گناه ، صبر در طاعت خدا، صبر در مصیبتها و صبر در برابر مال و مقام و خود را حفظ کردن آدمی را محکم و استوار می کند.

: امام صادق علیه السلام فرموده است

²⁸⁸ من صبر علی مصیبه زاده الله عزوجل عزا علی عزه هر که به مصیبتی شکیبایی ورزد، خدای عزوجل عزت بر عزتش بیفزاید.

7- شجاعت

شجاعت از کمالاتی است که آدمی را استوار می سازد و عزتش را نگه می دارد چنانکه در سخنان علی علیه السلام وارد شده است

²⁸⁸ میزان الحکمه، ج 8، ص 282

²⁸⁹ الشجاعه احد العزین

. شجاعت یکی از دو عزت است

شجاعت چنان عزت آفرین است که خود برابر با تمام
و نمی گذارد آدمی تن به خواری و عزتهای دیگر است ؛
پستی دهد

8-قناعت

قناعت و طمع نداشتن و دنبال حرص و آرز نبودن ، آدمی
را عزت می بخشد زیرا زیاده خواهی و هوس بی حاصل
است که آدمی را در دامن حسرت و خواری فرو می برد
و چون ریشه این درخت زده شود، سربلندی و عزت به
بار آید. در سخنان نورانی امیرمومنان علیه السلام وارد
شده است.

²⁹⁰ القناعه تودی الی العز

قناعت به سوی عزت می کشاند.

²⁸⁹ غررالحکم ، ج 1، ص 82

²⁹⁰ شرح غررالحکم ، ج 1، ص 291

ثمره القناعه العز²⁹¹

میوه قناعت عزت است.

اقنع تعز²⁹²

قناعت کن ، عزیز باش.

خردمند هرگز از قناعت دست نمی کشد و تن به خواری
نمی سپارد.

عزت ز قناعت است و خواری ز طمع
با عزت خود بساز و خواری مطلب

9-دوری از بدی و شر

انسان به میزانی که از بدی و شر پاک می شود و از آن
دوری و بیزاری می جوید به بزرگی و ارجمندی می رسد؛
وارهیدن از آن ، پیوستن به این را می آورد.

²⁹¹ همان ، ج 3، ص 333

²⁹² تحف العقول ، ص 233

امام صادق علیه السلام فرمود:

من بری من الشر نال العز^{۲۹۳}

هر که از شر و بدی برائت جوید به عزت دست یابد.

10- صدق

مومنی که زبانش راست است و کردارش راست، عزیز

می شود. ولی ادم دروغگو ذلیل و خوار می گردد.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«الصِّدْقُ عِزٌّ وَالْجَهْلُ ذُلٌّ»^{۲۹۴}

«آراستگی به راستی و درستی، عزّت و آزادگی است و

جهالت و نادروستی، ذلّت و خفت است.»

الصادق علی شفا منجاه و کرامه ...^{۲۹۵}

راستگو بر کنگره های رستگاری و بزرگواری است ...

²⁹³ تحف العقول ، ص 233

²⁹⁴ میزان الحکمة، ج 6، 290

²⁹⁵ نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، خطبه 86

11- وحدت و همبستگی

هر ملت مسلمانی که متحد بودند عزیز می شوند همانند ملت بزرگ ایران که با اتحاد و همبستگی به عزت بالایی دست پیدا کردند. همچنین در یک خانواده یا در یک محله و در یک روستا و شهر اگر مومنینش باهم باشند انجا جای عزت و احترام و بزرگی است. ولی هر کجا اختلاف و دودستگی بود انجا خواری و حقارت و نزاع و ناسزا و غیره حاکم خواهد بود.

علی (ع)، حالات مومنین عزتمند را در حالت حفظ وحدت و اتحاد و حالات ذلت و خواری آنان را در هنگام تفرقه و اختلاف این گونه توصیف و مقایسه می کند :

«بنگرید آنها چگونه بودند : هنگامی که جمعیت هاشان متحد ، خواسته ها متفق ، قلب ها و اندیشه ها معتدل ، دست ها پشتیبان هم ، شمشیرها یاری کننده ی یکدیگر ، دیده ها نافذ و عزم ها و مقصودشان همه یکی بود ، آیا

آنها مالک و سرپرست اقطار زمین نگردیدند ؟ و آیا
 زمامدار و رئیس همه ی جهانیان نشدند ؟ از آن طرف ،
 پایان کار آنان را نیز نگاه کنید : آن هنگام که پراکندگی
 در میان آنها واقع شد ، الفتشان به تشتت گرایید ، اهداف
 و دل ها اختلاف پیدا کرد ، به گروه های متعددی تقسیم
 شدند و در عین پراکندگی با هم به نبرد پرداختند ، [در
 این هنگام بود که] خداوند لباس کرامت و عزت از
 تنشان بیرون کرد ، و وسعت نعمت را از آنان سلب نمود
 ، تنها آنچه از آنها باقی مانده سرگذشت آنان است که
 در بین شما به گونه ی درس عبرتی برای آنها که
 بخوانند عبرت گیرند ، دیده می شود » ^{۲۹۶}

12- جهاد با دشمنان

جهاد در راه خدا باعث سرکوبی دشمنان انسانیت و
 موجب سرافرازی اسلام و عزت آیین است . تنها وسیله

²⁹⁶ اشتیانی و امامی ، ترجمه ی نهج البلاغه ، صص 116 - 117

ای که پیروان حق برای نزدیکی به خداوند بدان دست می یازند ، ایمان به خداوند و فرستاده او و جهاد در راه او :

که بالاترین مرتبه عزت در اسلام است

و الجهاد فی سبيله فانه ذروه الاسلام^{۲۹۷}

: و خداوند متعال جهاد را برای عزت^{۲۹۸} قرار داده است

و (افرض الله) الجهاد عزا للاسلام^{۲۹۹}

و در حدیث دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است :

ذروه الاسلام الجهاد فی سبیل الله لایناله الا افضلهم^{۳۰۰}

رفیعترین چشم انداز اسلام ، جهاد در راه خداست که جز

بهترین مسلمانها به آن دست نیابند .

: و در سخنی دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله

ان الله تبارک و تعالی اعز امتی بسنابک خیلها و . . .

²⁹⁷ نهج البلاغه صبحی صالح ، خطبه 110

²⁹⁸ نهج البلاغه صبحی صالح ، خطبه 110

²⁹⁹ همان ، حکمت 252

³⁰⁰ آثار الصادقین ، صادق احسانبخش ، ج 2، ص 402

مراکز رماحها^{۳۰۱}

همانا خداوند تبارک و تعالی اتم را به سم ستوران و
نوک نیزه ها و سنان ها عزیز و گرامی داشته است
جهاد و پیکار در راه خدا نه تنها عزت برای کسانی است
که در آن شرکت می کنند بلکه برای نسلهای آینده نیز
. موجب عزت و شرافت است

: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود

اغزوا تورثوا ابنائکم مجدا^{۳۰۲}

پیکار کنید تا برای فرزندانان مجد و بزرگواری میراث
. گذارید

امیر مومنان و سرور مجاهدان در وصف جهاد می فرماید
:

بعد از اعتقاد به اسلام ، اشرف اعمال جهاد است که
موجب قوام و استواری دین است و اجر عظیم دارد و در

³⁰¹ همان ، ص 396

³⁰² آثار الصادقین ، صادق احسانبخش ، ج 2، ص 397

عین حال با عزت و مناعت همراه است ... ۳۰۳

13- پیروی از قران و عترت

هرکسی که از قران و عترت پیروی کند عزیز است و هرکسی با این دو مخالفت کند ذلیل است. زیرا اولاً پیروی از قران و عترت همانند پیروی از خداوند تبارک و تعالی است و همانطور که پیروی از خدا عزت می آورد پیروی از قران و عترت هم این چنین است. و ثانیاً عمل به دستورات قران و عترت عزت می آورد. عمل به ایاتی مانند ایه نفی سییل و مانند ایه نهی از دوستی با کفار و امثال آن که در فصل مربوط به عزت مندی سیاسی از آن بحث می شود، خود باعث حفظ عزت مسلمانان می گردد.

: امیرالمؤمنین علیه السلام درباره قرآن می فرماید
ثم انزل علیه الكتاب نورا ... و عزالا تهزم انصاره و حقاً لا
تخذل اعوانه ... ۳۰۴

³⁰³ میزان الحکمه ، ج 3، ص 125

³⁰⁴ نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، خطبه 198

پس قرآن را بر او فرستاد ، نوری که چراغ آن فرو نمیرد
... و عزتی است که یارنش را شکست و ناپایداری نباشد
. و حقی که یاورانش را زیان و خواری نباشد

امام صادق علیه السلام نیز در مورد اهل بیت و تبعیت از
: ایشان می فرماید

معنا رایه الحق ، من تبعها لحق و من تاخر عنها غرق ،
الاوبنا یدرک تره کل مومن و بنا تخلع ربقه الذل عن
اعناقکم و ... ۳۰۵

پرچم حق با ماست ، هر کس از آن پیروی کند به او می
رسد و هر کسی عقب بماند غرق می شود ، همانا به
وسیله ما خونبهای هر مومنی (که به ناحق کشته شد)
گرفته می شود و به وسیله ما ، طوق ذلت از گردنهای شما
برداشته می شود

14- انصاف

³⁰⁵ میزان الحکمه ، ج 1، ص 193

پاس داشتن عدل و داد و رعایت حق مردمان و با آنان به راستی رفتار کردن ، ^{۳۰۶} از جمله اموری است که عزت آدمی را پایدار می کند و افزون می سازد . از امام محمد باقر علیه السلام روایت شده است که گفت : امیر مومنان :

عليه السلام در ضمن سختی فرمود

الا انه من ينصف الناس من نفسه لم يزه الله الا عزا ^{۳۰۷}

بدانید هر که از خود به مردم انصاف دهد ، خداوند جز عزتش نیفزاید

15- قیام به حق و گرفتن حق

آدمی باید برای گرفتن حقش قیام نماید حال چه ان حق یک حق شخصی باشد و یا اینکه حق مربوط به همه مسلمانان در یک کشور اسلامی باشد.

همانطور که حضرت امام قیام کردند و با همراهی ملت به حق خود رسیدند و به عزت دست پیدا نمودند.

³⁰⁶ المفردات ، ص 530

³⁰⁷ الکافی ، ج 2، ص 144

مادام که انسان برای حق برخیزد و در برپایی حق بکوشد
در عزت خداست و خداوند از هر که اقامه حق و داد کند
خواری ببرد و لباس ارجمندی و بزرگی بر تنش کند . از
امام عسکری علیه السلام چنین نقل شده است :
ما ترک الحق عزیز الا ذل ، و لا اخذ به ذلیل الا عز^{۳۰۸}
هیچ عزیزی حق وانهاد مگر آنکه خوار شد ، و هیچ
خواری اقامه حق نکرد مگر آنکه عزیز شد

16- کار و تلاش و دوری از سربار دیگران بودن

انسانی که برای رفع نیازهای خود و خانواده اش می
کوشد، نزد خدای متعال بسیار با ارزش است و پاداش
بزرگ دارد. پس نباید پنداشت که پوشیدن لباس کار،

³⁰⁸ شرح غرر الحکم ، ج 6، ص 393

ذلت است. آدمی با کار کردن نه تنها مجبور نیست دست خود را به سوی دیگران دراز کند، بلکه دست افتادگان را نیز می تواند بگیرد.

اما کسانی که بخاطر تنبلی و راحت طلبی از کار و تلاش گریزانند عاقبت به دریوزگی و ذلت می رسند. و از چشم مردم می افتند و برای امر از معاش یا باید سربار دیگران باشند و سر سفره دیگران بنشینند که این خود ذلتی است که همه روزه تکرار می شود یا باید از این وان گدایی کنند و یا به دزدی و قاچاق و کلاهبرداری و امثال آن روی بیاورند. که همه اینها باعث از بین رفت عزت می گرد و دیگر قابل جبران نیست.

عوامل ذلت آفرین

در قران و روایات عواملی به عنوان عامل ذلت آدمی معرفی شده است که توضیح اجمالی درباره آنها می اوریم ولی همه ان عوامل اینها نیستند و محققین می توانند عوامل دیگری را هم در این رابطه بدست بیاورند. اما تعدادی از عوامل ذلت انسان بشرح زیر می باشد:

1- گناه کردن

2- درخواست کردن از دیگران

3- مطرح نمودن مشکلات خود نزد دیگران

4- تملق دیگران را گفتن

5- در کار دیگران دخالت کردن

6- جدال و بحث های بدون فایده

7- فقر و مسکنت

8- عذرخواهی

9- ترک جهاد

10- سستی در جهاد

11- اختلاف و تفرقه

12- زیر سلطه بودن

13- تجمل گرایی

14- بداخلاقی

15- دنیاطلبی

16- عدم کنترل زبان

17- مخالفت با حق

اما تبیین هر کدام از عوامل پنجگانه فوق:

1- گناه کردن

از عوامل ذلت انسان می توان به یکی آلوده بودن به

اعمال خلاف شرف و فضیلت اشاره کرد که کسیکه بر

هوئ نفء خود مسلط نلست و گناه مئ نمائء در خود
احساس حقارت و زبونی مئ كند و بر عكس كسلكه از
گناه دورئ مئ كند از عزت نفء و آرامش روانئ خاصئ
برخوردار است. علئ (علله السلام) در ائن باره مئ
فرمائء:

((من كرمء علله نفءه لم يهنها بالمعصله))³⁰⁹

كسلكه نفءش در نظر گرامئ است آن را با معصئت
پست نمئ نمائء.

كسئ كه گناه مئ كند احتمال افشا شدن گناه او است اگر
افشا شد آبروء او مئ روء. و نزد مردم ذلل مئ گردد.
پس بائء در خود تقوا ائءاء كراء تا عزت انسان حفظ
گردد
: پئامبر خدا ص فرموءه است

من اراد ان يكون ان اعز الناس فليتق الله³¹⁰

³⁰⁹ مستءرك الوسائل، 11/339

هر که می خواهد که با عزت ترین مردمان باشد ، پس
. تقوای الهی پیشه کند

تقوای الهی در ارجمندی آدمی چنان نقش آفرین است
که از امیر مومنان علیه السلام وارد شده است که فرمود
:

لا عز اعز من التقوی^{۳۱۱}

. هیچ عزتی عزت بخش تر از تقوا نیست
تقوا سرافرازی می آورد و پرده دری سرافکنندگی ، تقوا
راه می نماید و خودخواهی به گمراهی می کشاند تقوا
ارجمند می کند و گناه خوار می سازد ، تقوا آزاد می کند
و نافرمانی به اسارت در می آورد ، تقوا استوار می سازد و
نفسانیت فرو می پاشد ، و چه نیکو فرموده است امام
: علی علیه السلام

³¹⁰ بحارالانوار، ج 70، ص 285

³¹¹ نهج البلاغه ، حکمت 371

التقوى تعز ، الفجور تذل ^{۳۱۲}

. تقوا عزت می بخشد و تبهکاری ذلیل می سازد

. تقوای الهی از چنان جایگاهی در عزت بخشی برخوردار

است که پیشوای پرهیزگاران ، علی علیه السلام درباره

: اش فرمود

لاکرم اعز من التقوى ^{۳۱۳}

هیچ کرامتی چون تقوا ، انسان را عزیزترین نمی سازد

قال الصادق علیه السلام : «من اراد بلا عشیره، و غنی

بلا مال و هیبه بلا سلطان فلینقل من ذل معصیه الله الی عز

طاعته؛ ^{۳۱۴}

هر که می خواهد بدون ایل و تبار عزتمند باشد و بدون

بی نیاز باشد و بدون قدرتی هیبت و شکوه ثروت مال و

³¹² شرح غرر الحکم ، ج 1، ص 39

³¹³ تحف العقول ، ص 59

³¹⁴ شیخ صدوق، الخصال، ج ۶، ص ۱۶۹

داشته باشد، باید از خودداری معصیت خدا به عزت
طاعت او درآید.

گاهی فرد گنهکار را در مقابل دیگران عقوبت و مجازات می کنند و این نهایت ذلت است که او را بخوابانند تا شلاق بزنند یا اینکه خدای نکرده او را اعدام کنند. پس انسان عاقل گناه نمی کند و جرمی مرتکب نمی شود تا اینکه دچار مصیبت‌های مختلف بگردد و در نهایت بدبخت و ذلیل بشود.

2- درخواست کردن از دیگران و طمع به مال دیگران

داشتن و قانع نبودن به داشته های خود یکی از فضائل اخلاقی این است که انسان به هیچ وجه از دیگران چیزی نخواهد و به آنچه دارد قانع باشد و باصطلاح طمع در مال دیگران نداشته باشد. که معروف است: عزّ من قنع، ذلّ من طمع. هر که قناعت داشت عزیز بود و هر که طمع کرد ذلیل شد.

جبرئیل امین خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسید و چنین گفت:

یا محمد! عش ما شئت فانک میت و احبب من شئت

فانک مفارقه ، و اعمل ما شئت فانک مجزی به ، و اعلم ان
شرک الرجل قیامه باللیل ، و عزه استغناوه عن الناس³¹⁵
ای محمد! هر چه می خواهی زندگی کن ، اما مردم است ،
هر که را می خواهی دوست بدار، اما جدایی است ، هر
چه می خواهی بکن ، اما جزای آن را خواهی دید، و بدان
که شرافت انسان در شب زنده داری است و عزت او در
بی نیازی از مردم.

لقمان حکیم فرزند خود را به انقطاع و قطع طمع می
خواند و در این جهت تربیت می کند:
پسرم ... اگر خواهان آنی که همه عزت این جهانی را
داشته باشی ، از آنچه در دست مردم است قطع طمع کن
که پیامبران و راستکرداران به آنچه دست یافتند،
منحصرا به سبب قطع طمعشان بود.
از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

³¹⁵ امالی الصدوق ، ص 194

اطلب بقاء العز باماته الطمع³¹⁶

ماندگاری عزت را با میراندن طمع بخواه

علی علیه السلام فرموده است:

من اراد ان یعیش حرا ایام حیاته فلا یسکن الطمع

قلبه³¹⁷

هر کس خواهان آن اس که در دوران زندگی خویش

آزادانه زیست کند، هرگز طمع را در دل خویش

جایگزین نسازد.

سخن پیامبر(ص) درباره عزت نفس:

عده ای از انصار خدمت رسول خدا(صلی الله علیه و آله)

آمدند و عرض کردند یا رسول الله آیا بهشت را برای ما

ضمانت می کنید حضرت فرمود:

³¹⁶ تحف العقول ، ص 207-208

³¹⁷ ربیع الابرار، ج 3، ص 432

شما قول می دهید که از کسی چیزی طلب نکنید.

گفتند: بله یار سول الله. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بهشت را برای آنها تضمین کرد بعد از این جریان اگر مردی تازیانه اش می افتاد و او سواره بود پیاده می شد و آنرا برمی داشت و خوش نداشت که سؤال کند از کس.^{۳۱۸}

امام پنجم (علیه السلام) می فرماید: به خدا قسم هیچکس در سؤال را بر روی خود باز نمی کند مگر اینکه خداوند در فقر و فلاکت را بروی او باز کند.^{۳۱۹}

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: شیعیان ما مردمانی هستند که اگر از گرسنگی بمیرند دست نیاز به این و آن دراز نمی کنند.^{۳۲۰}

³¹⁸ الکافی، 21/4

³¹⁹ عده الداعی و نجاح الساعی، 99/1

³²⁰ همان

و از آن حضرت است که در زمان رسولخدا(صلی الله علیه و آله) شخصی وضع مالیش سخت شد و همسرش به او گفت ای کاش نزد رسولخدا(صلی الله علیه و آله) می رفتی و از او چیزی طلب می کردی آن مرد نزد رسولخدا(صلی الله علیه و آله) آمد وقتی که حضرت او را دیدند قبل از اینکه او صحبتی کند حضرت فرمود: هر کس از ما سؤال کند به او عطا می کنیم و هر کس از ما نخواهد خدا او را بی نیاز می کند.

آن مرد با خود گفت رسولخدا(صلی الله علیه و آله) غیر مرا قصد نکرده پس بهانه برگشت و جریان را به زنش گفت. زنش گفت: رسولخدا(صلی الله علیه و آله) هم بشر است او از کجا خبر دارد ما گرسنه هستیم. برو و او را از وضع زندگی ما آگاه کن آن مرد پیش رسولخدا(صلی الله علیه و آله) رفت و پیامبر همان جمله را فرمودند و تا سه بار این رفت و برگشت پیش آمد تا

اینکه آن مرد عزم خود را جزم کرد تا سخن پیامبر را
بکار ببندد پس رفت و یک تبری عاریه کرد و بالای
کوهی رفت و هیزم تهیه کرد و فروخت و به جای آن
آرد گرفت و آن شب غذا تهیه کردند و فردا هیزم
بیشتری تهیه کرد و فروخت و روز به روز وضعیتش بهتر
شده پس تبری خرید و بعد دو شتر بارکش و سپس غلام
خرید و توانگر شد آنگاه نزد پیامبر آمد و شرح حالش را
گفت رسول خدا فرمود من که به تو گفتم هر کس از ما
بخواهد می دهیم و هر کس نخواهد خدا او را بی نیاز می
کند. ۳۲۱

آیست آبرو که نباید بجوی باز
از تشنگی بمیر و نبر آبروی خویش
دست طمع که پیش کسان می کنی دراز

³²¹ خویها و بدیها

پل بسته ای که بگذری از آبروی خویش

این حدیث نبوی معروف است که : من سئل ذلل. هر که
درخواست کرد ذلیل شد.
امام سجاد علیه السلام فرموده است : درخواست نیازها از
مردمان مایه ی خوار زیستن و از بین بردن حیا و کاسته
شدن وقار است ، و این همان فقر نقد است ، و کم
درخواست کردن از مردمان همان بی نیازی (و توان
گری) نقد است .^{۳۲۲}

امام صادق علیه السلام به یکی از خدمتگذاران خود که به
محل کسب و کارش حاضر نشده بود و به سبب بیکاری
آبرو و عزت او در خطر قرار گرفته بود فرمود : " ای

³²² سیره نبوی "منطق عملی" ، ج 2 ، مصطفی دلشاد

تهرانی ، ص 179

بنده خدا عزت خود را نگهدار " آن خدمتگذار گفت :
"فدایت شوم عزت من در چیست ؟" فرمودند : " به
بازار و محل کسب و کار خویش رفتن و کرامت خود را
نگه داشتن " ۳۲۳

امام علی (علیه السلام) : آبروی تو یخی جامد است که
درخواست آن را قطره قطره آب می کند ، پس بنگر که
آن را نزد چه کسی فرو می ریزی ؟ ۳۲۴

3- مطرح نمودن مشکلات خود نزد دیگران
و از جمله عوامل ذلت و خوار شدن انسان مطرح
کردن مشکلات و دشواریهای خود نزد دیگران است که

³²³ سیره نبوی "منطق عملی" ، ج 2 ، مصطفی دلشاد

تهرانی ، ص 180

³²⁴ نهج البلاغه ، حکمت 346

عزت نفس را لکه دار می کند. به داستان زیر در این
مورد توجه نمائید:

مفضل بن قیس در اثر گرفتاری مالی نزد امام
صادق (علیه السلام) آمد و از وضع زندگی خود لب به
شکایت گشود و به امام عرض کرد مبلغی بدهکارم. نمی
دانم چگونه بدهی خود را ادا کنم و برای هزینه زندگی
درآمدی ندارم و ... امام دستور دادند کیسه حاوی
چهارصد دینار طلا برای او آوردند و بعد فرمود: هرگز
برای مردم گرفتاری خود را بازگو مکن زیرا نخستین
اثرش این است که وانمود می شود تو در صحنه زندگی
شکست خورده ای. ^{۳۲۵}

علی (علیه السلام) می فرماید:

((رضی بالذل من كشف ضره لغيره)) ^{۳۲۶}

³²⁵ الکافی، 4/21

³²⁶ غررالحکم، 263

راضی شده به ذلت کسی که گرفتارش را برای غیر
ظاهر کند.

شاعر گوید:

پیش همه گر کنی غم خویش بیان

ای بس که بجای سود بینی تو زیان

آنکس که کند فقیری خویش عیان

بیهوده برد عزت خود را ز میان

4- تملق دیگران را گفتن

و همچنین از عوامل ذلت انسان، چاپلوسی و تملق

دیگران است زیرا این اعمال منافی با شرف و آزادگی

است و هیچ مسلمان نباید خویشتن را به آن آلود کند.

علی (علیه السلام) می فرماید:

تحسین های تملق آمیز دو نتیجه ضرر آور دارند از
یک سو عزت نفس متملق بر باد می رود و از سوی دیگر
طرف مقابل به غور مبتلا خواهد شد.

معصوم (علیه السلام) می فرماید: ((کثر الثناء ملق
یحدث الزهو و یدنی من العزه))^{۳۲۷}

زیاد تملق گفتن باعث ایجاد نخوت شده و عزیز را
پست می نماید.

در روایت است که خاک به دهان افراد متملق بپاشید!

اگر پادشاهان و وزیرانی داشتند که اهل تملق نبودند و
حقایق را می گفتند شاید وضع مردمان آن کشورها بسیار
بهتر می شد.

در زمان ما هم اگر مسئولین افراد متملق در کنار خود
داشته باشند نمی توانند خدمت نمایند .

³²⁷ غررالحکم، 466

امام علی(ع) در نظام سیاسی خود، به شدت با این خصیصه مبارزه می کردند و همواره به استانداران و فرمانداران خود سفارش می فرمودند که: «اطرافیان خود را چنان پیروید که شما را نستایند و بی جهت خاطرتان را شاد نکنند»^{۳۲۸}

روزی امام(ع) در صفین سخنرانی می فرمودند، مردی از یاران او بلند شد و حضرت را ستود. از ادامه ی خطبه چنین برمی آید که حضرت برآشفتمند و به طور ضمنی آن مرد را نکوهش کردند. امام ضمن یادآوری این نکته که از زشت ترین خوی حاکمان این است که بخواهند مردم: آنان را دوستدار بزرگمنشی شمارند، فرمود

و خوش ندارم که در خاطر شما بگذرد که من دوستدار ستودنم و خواهان ستایش شنودن. سپاس خدا را که بر چنین صفت نزام و اگر ستایش دوست بودم، آن را و می نهادم... و بسا مردم که ستایش را دوست دارند، از آن

³²⁸ نامه ی 53، ص ص 328 و 340

پس که در کاری کوششی آرند. لیکن مرا به نیکی
مستایید تا از عهده ی حقوقی که مانده است، بر آیم و
واجب ها که بر گردنم باقی است، ادا نمایم. پس با من
چنان که با سرکشان گویند، سخن مگویید و چونان که با
تیزخویان کنند، از من کناره مجوید و با ظاهر آرای
آمیزش مدارید و شنیدن حق را بر من سنگین مپندارید؛ و
نخواهم مرا بزرگ انگارید.

گذشته از تملق و ستایش که حضرت(ع) بارها آن را منع
و نهی فرمودند، هر مسئله یی که به نحوی موجب می شد
عزت نفس انسانی خدشه دار شود، امام(ع) آن را بر نمی
تافت و با آن مخالفت می نمود.

حضرت علی(ع) هنگام عزیمت به صفین، در حال عبور از
شهر «انبار» بودند. کشاورزان این شهر طبق رسوم و
تشریفات ایرانیان، به استقبال امام(ع) آمدند و ابتدا
پیشاپیش آن حضرت دویدند. حضرت(ع) دلیل این کار را
پرسیدند، آنان پاسخ دادند: بدین کار، امیران خود را

(بزرگ می شماریم)^{۳۲۹}

حضرت ضمن نهی این عمل، خطاب به آنان فرمودند

به خدا که امیران شما از این کار سودی نبردند؛ و شما در
دنیايتان خود را بدان به رنج می افکنید و در آخرتتان
بدبخت می شوید، و... 9³³⁰

اگر یکی از هدف های مهم امام علی(ع) را تجلی و تحقق
کرامت انسانی در جامعه و تلاش برای حفظ عزت نفس
انسانی بدانیم، این کار و کارهای مشابه، اقداماتی برخلاف
جهت هدف اصلی به شمار می روند.

در بازگشت از صفین نیز امام(ع) به تیره یی از قبیله
ی «همدان» برخورد کردند. «حرب بن شرحبیل شبامی»-

³²⁹ ابن ابی الحدید 1387 ه ق: ج 3، ص ص 203-

³³⁰ و الله ما ینتفع بهذا امرؤکم. و انکم لتشقون به علی انفسکم فی دنیاکم
و تشقون به لفی آخرتکم. (همان. قصار 37، ص 366)

که بزرگ قبیله بود-پیاده در رکاب حضرت(ع) به راه افتاد در حالی که امام(ع) سوار بود. حضرت(ع) خطاب به وی فرمود: برگرد که این گونه راه رفتن تو موجب می شود والی فریفته و مؤمن خوار شود)^{۳۳۱}

5- در کار دیگران دخالت کردن

در روایت است که چند دسته اگر تحقیر شدند خود را سرزنش کنند از جمله کسی که وارد صحبت دونفری می شود که دارند خصوصی صحبت می کنند. البته دخالت نکردن با امر بمعروف تفاوت دارد.

6- جدل و نزاع

کسانی که اهل مجادله و بحث های بی فایده و داد و فریاد در جدال هستند کوچک و خوار میشوند.

³³¹ نصر بن مزاحم المنتصری 1403 ه ق: ص 532

حُسْنُ خُلُقِ الْمُؤْمِنِ مِنَ التَّوَاضُّعِ، وَ عِزُّهُ تَرْكُ الْقِيلِ وَ

الْقَالَ. ۳۳۲

«منش شایسته انسان با ایمان از تواضع و فروتنی اوست و عزّت و آزادگی او، در وانهادن جنجال و هیاهو و زبان و سیاست خشونت بار است.»

امام علی (علیه السلام) می فرمایند : " مَنْ ضَنَّ بِعِرْضِهِ

فَلْيَدْعِ الْمِرَاءَ " هر کس از آبروی خود بیمناک است از

جدال پرهیزد . ۳۳۳

7- فقر

فقر، مهم ترین مانع تحقق کرامت انسانی

شاید در دنیا هیچ پدیده یی را سراغ نداشته باشیم که به اندازه ی فقر و نیاز، مناعت طبع و عزت نفس انسان ها را

³³² میزان الحکمة، ج 6، 290

³³³ نهج البلاغه ، حکمت 362

لگدمال کرده و از بین برده باشد. البته فقر برای بزرگان و اولیای خدا فخر است و موجب تکامل و تعالی آنها؛ اما در هر زمان، چند درصد مردم جامعه این گونه اند؟ بنا بر این، فقر موجب فساد اخلاق عامه ی مردم می شود.^{۳۳۴}

«فقر بزرگ ترین مرگ است.»^{۳۳۵} و برای انسان نیازمند، «قبر بهتر از فقر است.»^{۳۳۶} امام (ع) بر این نکته تصریح دارند که فقر، نفس انسان را ذلیل و عقل او را سرگردان می کند و موجب غم و غصه می شود.^{۳۳۷} بدیهی است که نفس ذلیل و عقل سرگردان، هیچ سازگاری و تناسبی با کرامت انسانی ندارند و انسان اندوهناک و غمگین به تنها چیزی که نمی اندیشد، کرامت انسانی است. امام (ع) در باره ی فقر، به فرزندش محمد حنفیه هشدار می دهد و به او سفارش می کند که: «از فقر به خدا پناه ببر! زیرا فقر موجب نقصان دین می شود، عقل را سرگردان می کند و

³³⁴ العسر یفسد الاخلاق. (عبد الواحد آلآمدي التمیمی 1407 هـ ق: ج 1، ص 41)

³³⁵ الفقر الموت الاکبر، (نهج البلاغه، صبحی صالح. قصار 163، ص 500)

³³⁶ و القبر خیر من الفقر. (ثقة الاسلام کلینی 1413 هـ ق: ص 18)

³³⁷ إن الفقر مذلة للنفس مدهشة للعقل جالب للهوم. (عبد الواحد آلآمدي التمیمی 1407 هـ ق: ج 1،

دشمنی پدید می آورد.^{۳۳۸} حضرت (ع)، خود نیز با آن همت والا و عزت نفس بی مانند که نمونه ی انسان کامل است، به درگاه الهی دست دعا برمی دارد که:

خدایا! به توانگری آبرویم را نگه دار و به تنگدستی حرمتم را ضایع مگذار تا روزی خواهم از بندگان روزی خوارت و مهربانی جویم از آفریدگان بدكرارت، و به ستودن کسی مبتلا شوم که به من عطایی ارزانی داشته است و به نکوهیدن آن کس فریفته شوم که بخشش خود را از من باز داشته است.

فرمایش حضرت علی (ع)، با صراحت بر این نکته دلالت دارد که فقر و تنگدستی، آبروی انسان را از بین می برد و باعث می شود حرمت او ضایع شود. انسان فقیر مجبور است گوهر عزت و مناعت خود را زیرپا نهد و به بندگان خدا چشم امید بدوزد

³³⁸ یا بنی، اِنِّیْ اَخافُ عَلَیْكَ الْفَقْرَ، فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنْهُ، فَاِنَّ الْفَقْرَ مَنْقُصَةٌ لِلْدِّیْنِ، مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ، دَاعِیَةٌ لِلْمَقْتِ. (نهج البلاغه. صبحی صالح. قصار 319، ص 531)

8-عذرخواهی از دیگران

ادمی باید مواظبت کند تا اشتباهی انجام ندهد تا مجبور به عذرخواهی شود. مخصوصا با زبانش. این زبان اگر کنترل نشود باعث ایجاد مشکل برای انسان می شود لذا در روایت ها سفارش شده که اول فکر کنید بعد حرف بزنید.

امام حسین (ع):

حذر کن از مواردی که باید عذرخواهی کنی زیرا مؤمن نه کارزشتی انجام میدهد و نه به عذرخواهی میپردازد اما منافق همه روزه بدی میکند و به عذرخواهی میپردازد.^{۳۳۹}

³³⁹ بحار الانوار، ج 78، ص 120

9- ترک جهاد

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

للجنة باب يقال له باب المجاهدين ... قال : فمن ترک

الجهاد البسه الله ذلا و فقرا في معيشته و محقا في

دينه . ۳۴۰

بهشت دری دارد که به آن باب مجاهدان گفته می شود...

و فرمود: پس هر کس جهاد را ترک کند خداوند لباس

مذلت را به او می پوشاند...

چنانکه جهاد تنها موجب عزت برای نسل جهادگر در هر

عصر نیست ، بلکه موجب سرافرازی نسلهای آینده نیز

می باشد، در مقابل ترک جهاد هم موجب ذلت و

سرافکندگی برای نسل حاضر و آینده می شود. امیرالمؤ

منین علیه السلام می فرماید:

فاعودوا الکر، و استحيوا من الفر، فانه عار في الاعقاب ، و

³⁴⁰ آثار الصادقین ، ج 2، ص 396

نار یوم الحساب^{۳۴۱}

پس پشت سر هم حمله آورید و از فرار شرم کنید که
موجب سرافکندگی و عار در نسلهای بعد و نیز سبب
آتش در روز حساب است .

10- سستی در جهاد و فرصت دادن به دشمن

باید به موقع و در اولین فرصت ممکن به جهاد اقدام کرد
و فرصت را از دست دشمن خارج نمود و با ابتکار عمل و
سرعت عمل و هوشیاری نظامی ، دشمن را سرکوب کرد.
و گر نه اهمال در جهاد و فرصت دادن به دشمن ، موجب
ذلت خواهد شد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

... و قلت لكم اغزوه من قبل ان يغزوكم فوالله ما غزی قوم

قط فی عقر دارهم الا ذلوا...^{۳۴۲}

... و گفتم با آنان بستیزید پیش از آنکه بر شما حمله

³⁴¹ نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، خطبه 66

³⁴² نهج البلاغه ، ترجمه شهیدی ، خطبه 27

برند و به خدا سوگند با مردمی در آستانه خانه شان
نجنگیدند جز که جامه خواری بر آن مردم پوشاندند.

11- اختلاف و تشتت

اختلاف و تشتت هر ملتی موجب ذلت ، هلاکت و اسارت
آنان در بند دشمنان خواهد بود.

قرآن کریم می فرماید:

و لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم^{۳۴۳}

راه نزاع و اختلاف نپیمایید که سست شوید و شوکت و
قدرت شما از بین برود.

در سخن معجزه آسای علی علیه السلام نیز درباره
امتهای گذشته و موجبات ذلت ایشان چنین آمده است :

... پس بنگرید که پایان کارشان به کجا کشید. چون

میانشان جدایی افتاد و الفت به پراکندگی انجامید و

سخنهای و دلهایشان گونه گون گردید. از هم جدا شدند و

³⁴³ انفال ، آیه 46

به حزبها گراییدند و خدا لباس کرامت خود را از تنشان
برون آورد و نعمت فراخ خویش از دستشان به دور کرد
و داستان آنان میان شما ماند و آن را برای پند گیرند،
عبرت گردانند...

12- زیر سلطه بودن

انسانی که خداوند او را آزاد آفریده اگر به اختیار خود،
طوق بندگی قلدران حاکم را به گردن افکند، شرافت
انسانی خود را نابود کرده است .

امیرمومنان علیه السلام می فرماید

... و لاتکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً^{۳۴۴}

... بنده دیگران مباش در حالی که خداوند ترا آزاد
آفریده است .

و در بیانی دیگر می فرماید:

کل عزیز داخل تحت القدره فذلیل^{۳۴۵}

³⁴⁴ میزان الحکمه ، ج 3، ص 441.

³⁴⁵ میزان الحکمه، ج 66، ص 286

هر ارجمندی که تحت سیطره قدرتی باشد ذلیل است .

13-تجمل پرستی

تجمل پرستی و تشریفات گرایی موجب نیازمندی و وابستگی است ؛ زیرا زندگی تشریفاتی حد و مرزی ندارد تا با رسیدن به آن نیاز مرتفع شود و از جهت همین نیاز، وابستگی پیش می آید. وابستگی به افراد یا منابعی که این نیازمندی را بتوانند بر طرف کنند، موجب ذلت و خواری برای انسان می شود؛ زیرا تامین کنندگان این گونه نیازها به شرط تامین منافع خود و بهره بری از شخص وابسته ، اقدام به این کار می کنند.

اصولا وابسته شدن به زندگی و تشریفات آن برای همه به ویژه نیروهای مسلح خطرناک است حتی اگر وابستگی به اشخاص زر اندوز و زورمند هم پیش نیاید، نفس دل بستن به جلوه های رنگارنگ زندگی مادی و پیوسته دنبال تجملات بودن انسان را از رسیدن به اهداف عالی باز می دارد و باعث تحقیر شخصیت انسان و در نتیجه

ذلت خواهد و اگر فرهنگ اسراف و تجمل پرستی بر
نیروهای مسلح حاکم گردد و نظامیان به آنها خو کنند،
دیگر انتظار شجاعت، استواری مقاومت و دشمن ستیزی
از چنین نیرویی بیهوده خواهد بود. چنانکه تجربه نشان
داده است.

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:
ای پیامبر بگو - امت را - اگر شما پدران، فرزندان،
برادران، زنان، خویشاوندان و اموالی که جمع آورده اید
و تجارتی که از کسادی آن بیمناکید و منازلی را که به آن
دل خوش داشته اید، بیش از خدا و رسولش و جهاد در
راه او دوست می دارید، پس منتظر باشید تا امر خدا
برسد - و دنیا طلبان بدکار از کار خویش پشتیبان شوند
- و خداوند بدکاران را - به راه بهشت و سعادت -
هدایت نخواهد کرد.^{۳۴۶}

^{۳۴۶} توبه، آیه ۲۴

14- اخلاق ناپسند

رفتارهای ناپسند و مذموم ، موجبات ذلت انسان را فراهم می کند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

... و ایاکم و الاخلاق الدنیه فانها تضع الشریف و تهدم
المجد^{۳۴۷}

بر حذر باشید از اخلاق پست چرا که انسان بزرگوار را
پست می کند و مجد و کرامت را نابود می سازد.
و از جمله اخلاق های زشت که انسان را به خواری دچار
می کند تکبر و دروغگویی است .

علی علیه السلام می فرماید:

من تکبر علی الناس ذل^{۳۴۸}

هر کس با مردم با تکبر برخورد کند ذلیل می شود.

³⁴⁷ میزان الحکمه ، ج 3، ص 146

³⁴⁸ میزان الحکمه ، ج 8، ص 316

و در روایت دیگری آمده که کسی که متکبر است در
قیامت بصورت ذره محشور شده، زیر دست و پای مردم
خواهند بود..

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

و ان الكاذب لمهان ذلیل^{۳۴۹}

همانا دروغگو پست و خوار است .

15- دنیا طلبی

کسانی که دنیا طلب هستند برای رسیدن به دنیا باید
عزت خود را از دست بدهند و خود را خوار و خفیف
نمایند تا به ریاست و قدرت و شوکت ظاهری و فریبنده
دنیا برسند .

بارها دیده شده که برای رسیدن به قدرت دست افراد را
بوسیده است. در مقابل آنها تا کمر خم شده است. ساعتها
در گاه آنها معطل مانده است و ساعتها سرپا نگه داشته

³⁴⁹ همان ، ج 5، ص 287.

شده است بارها بازبانش التماس ها نموده است تا بتواند مدتی ریاست کند.

ملت ایران فراموش نکرده که وزرای طاغوت چگونه در صف دست بوسی شاه خائن می ایستادند و وقتی مقابل شاه می رسیدند تا کمر خم می شدند و دست او را می بوسیدند. حتی شنیده شده بعضی برای رسیدن به ریاست پای افراد را بوسیده اند و به ذلیل ترین کارها دست زده اند.

در حالی که پیشوای آزادگان جهان امام علی ع فرموده اند:

الْحُرِّيَّةُ مُنْزَهَةٌ مِنَ الْغِلِّ وَالْمَكْرِ؛^{۳۵۰}

آزادگی از کینه توزی و مکر منزه است.

و فرموده اند:

³⁵⁰ غررالحکم، ج 1، ص 385، ح 1485

لَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛^{۳۵۱}

بنده دیگری مباش که خدا تو را آزاد آفرید

همچنین مردانی دیده شده اند که برای رسیدن به یک زن، خود را خیلی کوچک و خواری می کنند اینها هم در مسیر نادرستی حرکت می کنند زیرا خدا اجازه ذلت در این مورد را نداده است.

در سال 94 دوربین یکی از خیابان های انگلیس تصویر زنی را ضبط کرد که قلاده ای به گردن مردی انداخته بود و مرد مانند سگ چهار دست و پا دنبال او حرکت می کرد! و این نهایت خواری و ذلت است.

³⁵¹ نهج البلاغه، نامه 31

و یا افرادی که برای رسیدن به غذای خوشمزه حاضرند
ذلیل شوند که در این رابطه این حکایت ذکر شده است:

حکایتی در خصوص قناعت از قابوس نامه

شیخ الشیوخ شبلی رحمه الله به مسجدی رفت که دو
رکت نماز کند و زمانی بیاساید. اندر آن مسجد کودکان
تحت تعلیم بودند و وقت نان خوردن کودکان بود. نان
همی خوردند.

به اتفاق دو کودک نزدیک شبلی رحمه الله نشسته
بودند: یکی پسر منعمی و ثروتمندی بود و دیگری پسر
درویشی و در زنبیل این پسر منعم پاره ای حلوا بود و
در زنبیل این پسر درویش نان خشک بود.

پاره ای این پسر منعم حلوا همی خورد و این پسرک
درویش از او همی خواست. آن کودک این را همی
گفت: اگر خواهی پاره ای حلوا به تو دهم، تو سگ من
باش. و او گفتی: من سگ توام. پسر منعم گفت: پس بانگ

سگ کن. آن بی چاره بانگ سگ بکردی. وی پاره ای
حلوا بدو دادی. باز دیگر ب

باز دیگر باره بانگ دیگر بکردی و پاره ای دیگر بستدی.
هم چنین بانگ همی کرد و حلوا همی ستد.

شبلی در ایشان همی نگریست و می گریست. مریدان
پرسیدند که : ای شیخ، چه رسیدت که گریان شدی ؟
گفت : نگه کنید که قانعی و طامعی به مردم چه رساند
.اگر چنان بودی که آن کودک بدان نان تهی قناعت
کردی و طمع از حلوای او برداشتی، وی را سگ همچون
خویشتنی نبایستی بود .

16-عدم کنترل زبان

گاهی انسان بدون تفکر حرفی را می زند که باعث می
شود سرزنش شود یا تحقیر گردد. مخصوصا در جلسات
و در اجتماعات باید زبان خود را مواظبت کند. بوده است

که شخصیتی حرفی را زده که عکس العمل بدی به همراه داشته و مردم به او ناسزا گفته اند و نسبت به او ابراز تنفر نموده اند و این باعث بی احترامی به ان فرد شده است.

لذا افرادی که می خواهند احترام داشته باشند باید بیشتر به سکوت بگذرانند و کمتر سخن بگویند.

17- مخالفت با حق

کسانی که با حق مخالفت می کنند باید انتظار توهین و تحقیر را داشته باشند. به عنوان نمونه در نظام اسلامی مردمی که معتقد به نظام هستند و ان را حق می دانند که این چنین است و نظام اسلامی مورد تایید امام زمان عج می باشد، وقتی می شنوند شخصی با نظام یا با ولی فقیه مخالفت کرده است تحمل نمی کنند و با انواع راهها به او اهانت می کنند. با کاریکاتور. با مقاله. با تجمع. با بحث

های خانگی و غیره. واگر او را در جایی ببینند به او حمله
می کنند یا علیه او شعار می دهند و...

من عمل صالحا من ذکر او انشی و هم مومن فلنحیینه حیاتا
طیبه (نحل 97)

قناعت و تاثیر مطلوب این صفت بر آرامش خانواده

یکی از صفاتی که تضمین کننده آرامش و سازگاری در
زندگی اجتماعی است و فقدان آن آرامش را از زندگی
می رباید، قناعت در افراد خانواده است که در ایه
97 سوره نحل مراد از حیات طیبه یکی زندگی با قناعت
است.

. قناعت از عوامل مهم برای همزیستی مسالمت آمیز و
آرامش در زندگی، به حساب می آید.

قناعت به معنای:

خشنودی به آن چه از روزی و معاش قسمت
رضا دادن به سهم خویش 2 می‌شود،

در روایتی پیامبر(ص) اکرم، از جبرئیل سؤال کرد: تفسیر
قناعت چیست؟ جبرئیل پاسخ داد: قناعت راضی بودن به
همان مقداری است که از دنیا نصیب شخص می‌شود، به
کم قانع است و از نعمت کم نیز سپاسگزاری می‌کند

آنچه از مجموعه تعاریف به دست می‌آید این است که
فرد قانع در بعد شناختی، معتقد است هر چه از سوی
خدا به او برسد، فضل اوست. در بُعد عاطفی به همه
محدودیت‌ها و مقدرات رضایت می‌دهد و در بُعد
رفتاری، بر وفق محدودیت‌ها عمل می‌کند و با آن کنار
می‌آید. گستره قناعت وسیع است و شامل لباس، مسکن،
خوردن، آشامیدن، خواب و... می‌شود

اهمیت قناعت در زندگی به حدی است که امام زین
العابدین(ع) در پاسخ به فردی که از ایشان جویای

برترین اعمال شده بود، فرمودند: «هو ان یقنع
آنچه در دست او است، قانع باشد»... بالقوت

در روایتی مراد از حیات طیبه را قناعت گفته اند می باشد

در روایتی چنین آمده است

یک روز صبح علی (ع) به فاطمه (س) فرمود: آیا غذایی
نزد تو هست تا از آن تناول کنیم؟ حضرت فاطمه (س)
گفت: قسم به آن کسی که پدرم را به نبوت و تو را به
وصایت و خلافت گرامی داشت، چیزی نزد من نیست تا
آن را در اختیار تو بگذارم. دو روز است که آنچه
داشته ایم، به رغم نیاز خود و حسن و حسینم به دیگران
داده ایم. پس علی (ع) فرمود: ای فاطمه، چرا مرا از این
قضیه آگاه نکردی تا غذایی برایتان تهیه کنم؟ حضرت
فاطمه (س) گفت: ای ابا الحسن، من از خدای خود حیا
دارم که تو را بر کاری تکلیف کنم که بر آن قادر نیستی.

از این حدیث ارزشمند، به دست می آید که کتمان نیازها
و بازگو نکردن آن در نزد همسر، به ویژه هنگامی که

تأمین آن برای او ممکن نیست، از مصادیق بارز قناعت و موجب آرامش هر چه بیشتر زندگی مشترک خواهد بود.

علاوه بر این، گاهی مناسب است که فرد با درک شریک زندگی خویش، نه تنها از او درخواستی نکند، بلکه سعی کند او را در اوج مشکلات معیشتی به صبر سفارشی و به توجه به عنایات خداوند متعال و توکل بر او ترغیب کند.

مردی به حضور رسول خدا(ص) شرفیاب شد و عرض کرد: همسری دارم هر گاه وارد منزل می‌شوم به استقبال من می‌آید و چون خارج می‌شوم، بدرقه‌ام می‌کند. هر گاه مرا غمگین می‌بیند، می‌گوید: چرا ناراحتی؟ اگر برای روزی خود نگرانی، دیگری (خداوند) عهده‌دار آن است و اگر برای آخرت خود بیمناکی، خداوند دل مشغولی تو را . :بیشتر سازد. پس رسول خدا(ص) فرمودند

به درستی که برای خدا کار گزارانی است و این زن از کار گزاران خدا است که برای او نیمی از پاداش

شهید است ؛

این همسر قانع نه تنها خود با مشکلات کنار آمده است و توقعی از همسر خویش ندارد، بلکه زمینه بروز هر گونه ناراحتی در زمینه معیشت را نیز از همسر خود دور می‌کند

برخی افراد از خود تهی با دیدن وضع زندگی دیگران زود برانگیخته می‌شوند و به چشم و هم چشمی رو می‌آورند.

رسول اکرم(ص) در باره این پیامد فرموده‌اند: «من اتباع بصره ما فی ایدی الناس کثر همه و لم یشف غیظه؛ هر کس چشم به دنبال آنچه در دست مردم است بدوزد، اندوهش فراوان گردد و سوز دلش درمان‌پذیرد

نقش زن در قناعت خانواده

زن با استفاده از جایگاه ویژه‌ای که از لحاظ احساسات و عواطف در خانواده دارد نیز می‌تواند بر روی الگوی

مصرف و نظام اقتصادی خانواده تأثیر مستقیم داشته
باشد.

اگر در خانواده‌ای مصرف و استفاده از کالاهای مصرفی
توسط مادر خانواده مدیریت نشود اقتصاد خانواده دچار
مشکل می‌شود.

یکی از آثار تهاجم فرهنگ غرب و سرمایه داری این
است که خانواده ها را به مصرف بیشتر سوق دهند زیرا
برخی نظام‌های سرمایه داری برای وابسته کردن اقتصاد
کشورهای دیگر به خودشان با واردات بیشتر کالاهای
مصرفی به کشورهای پرجمعیت به دنبال وابسته کردن
این کشورها به خود هستند لذا از تبلیغات در این زمینه
خیلی استفاده می کنند و روحیه قناعت را از خانواده ها
می گیرند و آنها را به خرید بیشتر تشویق می نمایند لذا
کسانی که کم درآمد هستند دچار مشکل می شوند و

خرجشان به برجشان نمی رسد لذا دچار مشکلات روحی و اختلافات خانوادگی می شوند.

اسلام با فرهنگ مصرف گرایی مخالف است زیرا به اقتصاد کشور اسلامی و به اقتصاد خانواده اسلامی آسیب وارد می کند.

در این فرهنگ، با اینکه لوازم خانه سالم هستند ولی انسان را تشویق می کنند که آنها را کنار گذاشته و لوازم جدید بگیرند. و این فقط برای یکبار یا دوبار نیست بلکه هرگاه چیز جدیدی وارد بازار می شود انسان را وسوسه می کند که آن را تهیه کند درحالی که نیازی به آن ندارد. شخصی می گفت من سالی یکبار همه لوازم خانه را عوض می کنم!

چقدر وسایل سالم مانند یخچال و مبل و امثال ان را با
اینکه سالم هستند کنار می گذارند و جدید انها را تهیه می
کنند!

همچنین درمورد کامپیوتر و ماشین و خود ساختمان و
موبایل و غیره این روند ادامه پیدا می کند.

در اینجا است که زنان مسلمان باید با پیروی از سفارشات
اسلام مبنی بر قناعت و صرفه جویی این تهاجم فرهنگی
را خنثی کنند.

در حالی که در روایت است: امیرالمومنین علی علیه
السلام: الْعَبْدُ حُرٌّ مَا قَنَعَ، الْحُرُّ عَبْدٌ مَا طَمَعَ^{۳۵۲}

غلام اگر قناعت کند، «آزاد» است، و انسان آزاد اگر ❀
طمع داشته باشد «غلام زرخرید» است

غیرالحکم: ج 1، ص 352

اگر عمر سعد قناعت داشت بخاطر بدست آوردن

حکومت ری، امام حسین ع را شهید نمی کرد!

اگر افراد قاچاقچی به زندگی معمولی قناعت می

کردند هرگز دنبال قاچاق نمی رفتند که بعد عاقبت به

شر بشوند!

اگر رباخوارها قانع بودند به این گناه بزرگ الوده می

شدند!

اگر زنهای قانع باشند شوهران خود را در تنگنا قرار نمی

دهند.

اگر فرعون ها و قارون ها و سلاطین و خانهاقناعت

داشتند در مقابل خدا طغیان نمی کردند.

اگر جد ما حضرت ادم ع به آنچه داشت قناعت می کرد

از بهشت اخراج نمی شد و در راحتی و اسایش بود ..

اگر قناعت نباشد انسان مجبور به درخواست از دیگران
می شود. و ام و ضامن و...

آثار قناعت در زندگی

مهم ترین نتایج ارزشمند قناعت، که در زندگی اجتماعی
سایه می گسترد، عبارت است از

1- آسایش، راحتی و رضایتمندی

هنگامی که فرد به آنچه در اختیار دارد، اکتفا می کند و در
زندگی، خود را با در نظر داشتن امکانات موجود، اداره
می کند، سختی بسیاری از امور همچون فعالیت های طاقت
فرسا، نگرانی از کمبودها، اظهار نیاز به دیگران و... را از
خود دور می سازد. از این رو، رسول خدا(ص) قناعت را
عین راحتی دانسته و فرموده اند: «القناعة راحة؛ قناعت
«راحتی است»

کسانی که به آنچه دارند، راضی‌اند و خود را برای به دست آوردن آنچه ندارند، به زحمت نمی‌اندازند، یا در افسوس نداشتن آن به سر نمی‌برند، زندگی را با روحی آرام و به دور از دغدغه و نگرانی می‌گذرانند. در حدیثی از امیر مؤمنان (ع) آمده است: «الرضا ینفی رضایت و قناعت اندوه را از بین می‌برد الحزن»؛

در برخی از روایات، قناعت را گواراترین زندگی به شمار آورده است: «عن علی (ع): القناعة اهنأ العیش؛ گواراترین «زندگی قناعت است»

فرد قانع، از همسر خود راضی، از امکاناتی که در اختیار دارد، راضی و از همه مهم‌تر از خدای خود راضی است. و بر اساس این رضایت، ضمن آنکه از باطنی آرام برخوردار است، اعضا و جوارح خود را نیز برای دسترسی

به آنچه ندارد، به زحمت نمی‌اندازد. آیا حیات طیّبه

چیزی جز این است؟

2- عزّت پیدا کردن

عزّت و نفوذ ناپذیری اثر ارزشمند قناعت است. فردی که به آنچه دارد، قانع نیست، همواره در صدد است که کمبودهای مادی خود را بر طرف سازد و چون تأمین این نیازها در موارد زیادی مستلزم درخواست از دیگران است و از سوی دیگر، این کمبودها بی‌انتهای می‌باشد، نیل به آنچه که فرد در اختیار ندارد، مستلزم ابراز نیاز مداوم به دیگران است. این همان چیزی است که عزّت و نفوذ ناپذیری فرد را به شدّت به خطر می‌اندازد. از این رو، در روایات بسیاری قناعت موجب عزّت دانسته شده است. « هر کس لباس صبر و قناعت بر تن کند، عزیز و با فضیلت می‌شود »

ثروتمندی که قانع نیست اون فقیر واقعی است.

چه بسیار افرادی که با همه سرمایه‌ای که دارند، روحیه
گدایی بر آنها حاکم است حضرت فرمود: «بی‌نیازی به
فراوانی ثروت نیست، بلکه به روحیه بی‌نیازی است
وعلی ع می‌فرماید: حریص بنده هواهای نفسانی است

3- تزکیه نفس

این صفت از مهم‌ترین عوامل خود سازی قلمداد می‌شود.
صفت ناپسند حرص، که سرچشمه بسیاری از رذایل
اخلاقی است، با قناعت درمان می‌شود. ریشه کن کردن
حرص نقطه آغازی برای آراسته شدن به مکارم اخلاق
خواهد بود. بر این اساس، امیر المؤمنین (ع) قناعت را
عامل مقابله با حرص شمرده و فرموده‌اند: «انتقم من
حرصک بالقنوع کما تنقم من عدوِّک بالقصاص؛ از حرص
خود با قناعت انتقام بگیر همان گونه که از دشمن خود با
[44](#). «قصاص انتقام می‌گیری

در جایی دیگر، از قناعت به عنوان بیشترین یاری دهنده فرد در جهت اصلاح نفس یاد کرده‌اند: «اعون شیء علی صلاح النفس القناعة؛ کمک کارترین عامل بر اصلاح نفس [45](#).» قناعت است

مسلم است فردی که توفیق خودسازی پیدا کرده و از نفس صالحی برخوردار گشته است، از توانایی ایجاد آرامش در جامعه و به حداقل رساندن تنش‌ها و ناسازگاری‌ها برخوردار خواهد بود.

راههای بدست آوردن قناعت

-نگاه کردن در مسائل مادی به پایین تر از خود

یکی از عواملی که موجب می‌شود تا انسان‌ها از موقعیت اقتصادی در زندگی خود احساس رضایت کنند و با کمبودهای احتمالی به گونه‌ای مطلوب کنار بیایند، مقایسه موقعیت اقتصادی خود با کسانی است که به لحاظ ویژگی‌های مالی با مشکلاتی به مراتب بیشتر دست و پنجه نرم می‌کنند. این مقایسه، زمینه رضایت از موقعیت

اقتصادی فعلی و اجتناب از بلند پروازی‌ها را فراهم می‌کند. البته معنای این سخن، دست برداشتن از تلاش و کوشش برای تأمین نیازمندی‌ها در زندگی نیست، بلکه جلوگیری از زیاده‌طلبی و تجمل‌گرایی است.

امام صادق ع فرمود: از نظر امکانات به کسی که پایین‌تر از تو است نگاه کن تا باعث شود به روزی مقدر از جانب خدا راضی باشی.

همچنین در روایات به رفت و آمد با فقرا سفارش شده است که باعث می‌شود خدا را بیشتر شکر کنی. ولی سفارش شده با ثروتمندان رفت و آمد نکنید

امام باقر(ع) فرمودند: «لاتجالس الاغنیاء فان العبد یجالسهم و هو یری ان الله علیه نعمه فما یقوم حتی یری ان لیس لله علیه نعمه» با ثروتمندان همنشین مباش، چون هنگامی که بنده‌ای در کنار آنان می‌نشیند، خود را مشمول نعمت خداوند می‌داند. اما از کنار آنان

بر نمی خیزد تا این که می پندارد خداوند هیچ نعمتی به او
«نداده است»

سیره بزرگان

سیره بزرگان ما بر مبنای قناعت بوده است و ما هم برای
رسیدن به قله های موفقیت باید همان راه را برویم و
مخصوصا خانمها در زندگی زنashویی حتما قناعت را شعار
خود قرار دهند تا یاور خوبی برای همسر باشند و از
اسیبه های حرص و طمع ورزی در امان بمانند.

امام علی ع فرموده اند: «ای انسان ها، اگر از دنیا به اندازه
کفایت بخواهید کمترین اندازه شما را کفایت خواهد کرد
و اگر بیش از آن بخواهید، همه آن چه در دنیا است نیز
«شما را کفایت نخواهد کرد».

پس از بازگشت پیامبر اکرم (ص) از جنگ خیبر،
همسران آن حضرت در خواست کردند گنجینه های «آل

ابی الحقیق»، که به عنوان غنیمت به تصرف مسلمانان در آمده بود، تقدیم آنان گردد. رسول خدا(ص) فرمود: بر اساس دستور خدای متعال، این اموال باید میان همه مسلمانان تقسیم گردد. همسران به خاطر این سخن، از آن بزرگوار به خشم آمدند و مطالب ناپسندی را به زبان راندند. در این هنگام خدای متعال آیات 28 و 29 سوره احزاب را نازل فرمود و آنان را مخیر ساخت که یا دنیا و تجمل آن را بر همسری پیامبر ترجیح دهند و از آن حضرت جدا شوند و یا خدا، رسول و زندگی جاوید را بر بهره اندک دنیا برتری دهند و با قناعت و پرهیز از رفاه زندگی، به زندگی ساده خود با رسول خدا(ص) ادامه دهند. «ای پیامبر، به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آن را می‌خواهید بیایید شما را با هدیه‌ای بهره‌مند سازم و شما را به سبک نیکویی رها سازم و اگر شما خدا، پیامبر و سرای آخرت را می‌خواهید خداوند برای نیکوکاران شما پاداش بزرگی آماده ساخته (است)»^{۳۵۳}).

³⁵³ احزاب، 28 و 29

البته این برخورد موجب تنبه و آگاهی آنان شد و ابتدا امّ سلمه و به دنبال او سایر همسران عرضه داشتند: ما خدا و رسول را انتخاب می‌کنیم و با رسول خدا(ص) از در آشتی در آمدند.

در توراه آمده: ای فرزندان هر طور می‌خواهی بکن چون هر نوع عمل می‌کنی بهمان نحو هم پاداش می‌بینی هر کس به روزی کم خداوند راضی باشد خداوند هم عمل او را قبول می‌کند و هر کس به مال حلال کم قانع باشد خداوند رنج او را کم می‌کند و به کسب او برکت می‌دهد و آن شخص را از جزو بندگان فاجر خارج می‌کند.

رابطه معکوس بین اسراف با قناعت

اگر کسی قانع بود اسراف هم نمی‌کند ولی اگر قناعت نداشت به گناه اسراف الوده می‌شود

علی (ع) می فرماید: آنچه بیش از حد کفاف باشد
اسراف است.

رهبر عزیزمان فرمودند: خطاب اول ما به کسانی است که
متمکنند و امکاناتی دارند و می توانند خرج کنند . به آنها
عرض می کنیم که کمتر خرج کنید ملاحظه کنید و
اسراف نکنید

ساده زیستی چیز بسیار باارزشی است . ما اگر بخواهیم
تجمل و اشرافیگری و اسراف و زیاده روی را - که واقعا
بلای بزرگی است - از جامعه مان ریشه کن کنیم با حرف
و گفتن نمی شود ... عمل ما بایستی موید و دلیل و شاهد
بر حرفهای ما باشد.

ما ملت ایران باید این جامه ی ناساز بی اندام زشت را از
تنمان بیرون بیاوریم ما خیلی مصرف زده هستیم باید
این را حلش کنیم . همه باید دست به دست هم بدهند و

این قضیه را حل کنند . البته صدا و سیما هم بلاشک نقش دارد .

ما باید به صرفه جویی عادت کنیم . صرفه جویی یعنی آن چیزی را که قابل استفاده است و می توانیم از آن استفاده کنیم دور نریزیم . نسبت به امکانات با هوس رفتار نکنیم . دائما چیزهای ماندگار را نو کردن و چیزهای ضایع نشدنی را دور ریختن روش درستی نیست . به نظر من باید مسئولان کشور راه صرفه جویی و مقابله با اسراف را به مردم بیاموزند.

مصرف گرایی برای جامعه بلای بزرگی است . اسراف روزبه روز شکاف های طبقاتی و شکاف بین فقیر و غنی را بیشتر و عمیقتر می کند. یکی از چیزیهایی که لازم است مردم برای خود وظیفه بدانند اجتناب از اسراف است . دستگاه های مسئول بخش های مختلف دولتی بخصوص دستگاه های تبلیغاتی و فرهنگی - به ویژه صدا

و سیما - باید وظیفه ی خود بدانند مردم را نه فقط به اسراف و مصرف گرایی و تجمل گرایی سوق ندهند بلکه در جهت عکس مردم را به سمت قناعت اکتفا و به اندازه ی لازم مصرف کردن و اجتناب از زیاده روی و اسراف دعوت کنند و سوق دهند. مصرف گرایی جامعه را از پای در میآورد. جامعه ای که مصرف آن از تولیدش بیشتر باشد در میدان های مختلف شکست خواهد خورد . ما باید عادت کنیم مصرف خود را تعدیل و کم کنیم و از زیادی ها بزنیم

صرفه جویی صحیح - همان که در اسلام به آن قناعت می گویند - به معنای نخوردن نیست . به معنای زیاده روی نکردن مال خدا را حرام نکردن و نعمت الهی را ضایع نکردن است .

موضوع قناعت را جدی بگیرید . منظورم از قناعت این نیست که دست به نعمت های الهی نزنید و از آنها بهره

مند نشوید. مقصود این است که حد و اندازه نگه دارید
زیاده روی و اسراف نکنید نعمت های الهی را ضایع
نمایید.) من آنها را به قناعت به صرفه جویی و به
اسراف نکردن دعوت می کنم

درس بیست و پنجم: نیکوکاری

یکی از ارزش های بسیار مهم انست که ادم در زندگیش
نیکوکار باشد. کارهای خیر بکند. به نیازمندان کمک
کند. به زلزله زده ها، سیل زده ها، جنگ زده ها و امثال
اینها یاری برساند. ادم بی تفاوتی نباشد. ادم خسیسی

نباشد.مخصوصا سیر کردن گرسنه ها و سیراب کردن
تشنه ها.

وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ^{۳۵۴}

نیکی بکنید حقیقتا خداوند نیکوکاران را دوست دارد

خداوند به جبرئیل فرمود اگر تو را بصورت انسانی به

میان انسان ها بفرستم چه کاری انجام می دهی؟

جبرئیل که هزاران سال عمر کرده و زمان همه

پیامبران را درک کرده،در جواب گفت:گرسنگان را سیر

می کنم. تشنگان را سیراب می کنم . به نیازمندان

لباس،لباس می پوشانم.

³⁵⁴ بقره 195

پیامبر خدا و اهل بیت علیهم السلام بخشی از وقت و مال
انها صرف کارهای خیر بود. انقدر کار خیر می کردند که
نمی توان آنها را شمرد.

مثلا رسول خدا لباس خود را به نیازمندی بخشیدند.
بطوری که نتوانستند برای نماز جماعت به مسجد
بروند. هرکسی به پیامبر خدا برای درخواست پول
مراجعه می کرد، دست خالی بر نمی گشت مگر اینکه
پیامبر چیزی نداشتند به او بدهند.

پیامبر خدا مسجد مدینه را با کمک مردم درست
کردند. به کسانی که جا و مکان نداشتند در مسجد جا
دادند و غذای آنها را باندازه حداقلی تامین می کردند.

حضرت زهرای مرضیه نیز مرتب به نیازمندان کمک می
کردند که داستان گردنبند حضرت معروف است. حتی
شب عروسی لباس نو خود را به خانمی نیازمند بخشیدند.

داستان بخشیدن غذای افطاری خود توسط آل کسا
ونزول سوره هل اتی در شان آنها معروف است.

امیرالمومنین هم که همه می دانید چه شبهای زیادی که
کیسه غذا بر دوش به در خانه فقرا می رفتند و به آنها می
دادند. در خانه ایتام و زنان بی سرپرست می رفتند و به
انها کمک می کردند. چه قنات ها و چاهها و باغها که وقف
نکردند. و...

امام حسن مجتبی (ع) هم مهمانخانه ای داشتند برای
پذیرایی از افراد غریب. سه بار امام هرچه داشتند
بخشیدند.

امام حسین ع هم در بخشش بی نظیر بودند. کنیزان
حضرت یک شاخه ریحان به حضرت هدیه داد امام
درمقابل او را در راه خدا ازاد کردند و...

سایر امامان هم این چنین بودند

وقتی امام سجاد(ع) در کوچه حرکت می کرد، اگر
سنگی را سر راه می دید آنرا برمی داشت و کنار راه
قرار می داد. امام گاهی با کاروانهای ناشناس به سفر
حج می رفتند و در طول راه، کارهای خدماتی

مسافرین را انجام می دادند و مسافرین هم که امام را نمی شناختند، کارهای خود مثل تهیه غذا و شستن ظرف و ظروف را بعهده حضرت می گذاشتند. »

درباره امام زمان عج هم هزاران داستان بخشیدن پول به افراد مختلف وجود دارد . در روایت است وقتی امام تشکیل حکومت می دهد انقدر به مردم پول می دهد که سابقه نداشته است

برادرت را مسرور نما تا خدا تو را مسرور نماید.

محمد بن جمهور گوید: نجاشی حاکم اهواز بود یکی از کارمندانش به امام ششم (ع) عرض کرد در دفتر نجاشی خراجی به عهده من است و او مؤمن و مطیع شما است اگر صلاح بدانید برایم به او توصیه ای بنویسید : امام ششم (ع) نوشت:

((بسم الله الرحمن الرحيم ير اخاك يسرک الله))

برادرت را مسرور نما تا خدا تو را مسرور نماید.

پس نامه را بینزد نجاشی آورد در زمانیکه در جلسه عمومی بودند و چون مجلس خلوت شد نامه را به او داد و گفت این نامه امام صادق(ع) است . نجاشی نامه را گرفته و بوسید و روی دیده گذاشت و گفت حاجت چیست. گفت در دفتر شما خراجی بر گردن من است نجاشی گفت چه مقدار ؟ گفت: ده هزار درهم . نجاشی دفتر دارش را خواست و دستور داد از حساب خود او بپردازد و سال آینده نیز همان مقدار برای سال آینده بنویسد.

پس گفت: آیا تو را شاد کردم گفت آری قربانت پس است و کنیز و نوکری به او داد و همچنین یکدست لباس پس گفت فرش این اطاق که روی آن نشیه تودند را نیز به او دادند . مرد فرش و هدایا را برداشته و به خدمت امام ششم مشرف شد و جریان را گفت حضرت از دفتار نجاشی مسرور شد آن مر گفت مثل اینکه بر خورد

نجاشی شما را خوشحال کرد فرمود: آری بخدا خدا و
پیامبرش را هم شاد کرد^{۳۵۵}.

پیامبر (ص) فرمود:

((خيرالناس من ينفع الناس و شر الناس من يضر
الناس))

بهترین مردم کسی است که به مردم نفع برساند و
بدترین مردم کسی است که به مردم ضرر برساند.^{۳۵۶}

در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم
کسی که مؤمنی را اطعام کند تا سیر شود، احدی از خلق
خدا نمی داند چقدر در آخرت پاداش دارد، نه فرشتگان

^{۳۵۵} خوبیها و بدیها

^{۳۵۶} همان

مقرب الهی، و نه پیامبران مرسل، جز خداوند که
پروردگار عالمیان است.^{۳۵۷}

پیامبر اسلام فرمود:

یکی از برترین اعمال نزد خدا خنک کردن جگرهای داغ
، و سیر کردن شکم های گرسنه است.^{۳۵۸}
داستان شخصی که با کمک به حیوانات ثروتمند شد!
. آورده اند که علامه سید محمد باقر شفتی بنیان گذار
مسجد سید اصفهان در زمان تحصیل در نجف بسیار فقیر
بود. روزی مقداری پول بدستش آمده پس داخل بازار
شد و با خود خیال کرد چیز یکه ارزانتر باشد گرفته تا
خود و عیال سد جوع بنمایند لذا از قصاب جگر بند
گوسفندی گرفت و روانه خانه شد در راه به خرابه ای
رسید و نگاه کرد دید که سگی گرگین ضعیف و نحیف و

اصول کافی»، جلد 2، صفحه 201، باب اطعام المؤمن، حدیث 6 (چاپ دار «³⁵⁷
الکتاب الاسلامیه).

بحار الانوار»، جلد 74، صفحه 369³⁵⁸

لاغر خوابیده و بچه های او در دور او جمع و در نهایت
ضعف و در پستان مادر شیر نمانده پس حجه الاسلام را
بر آن حالت رحم آمد و گرسنگی آنها را بر گرسنگی
خود و عیال مقدم داشته و آن جگربند را در نزد آنها
انداخته به یک باره آن حیوانات هجوم آوردند و آن جگر
را خوردند پس از خوردن آن سگ گرگین روی به
آسمان کرده گویا دعا می کرد پس بی فاصله دولت و
دنیا به او اقبال نمود و بطوری شد که هفت پسر داشت
پس هر کدام اندرونی و بیرونی مستقل داشته و مخارج
ایشان جدا بوده و در اصطبل فرزند بزرگش 17 اسب
خوب بسته بود و عیالات او به غیر از پسرانش صد نفر
در شماره آمده بود از خادمان و کنیزان و زنان و در
اصفهان گویا چهار صد کاروانسرا از مال خود داشته و این
شاید نتیجه محبت به حیوانی باشد تا چه رسد به کمک به
مؤمنین و مؤمنات^{۳۵۹}

خداوند مهربان انقدر غذا دادن به گرسنگان را دوست
دارد که سوره هل اتی را برای سه روز غذا دادن به

³⁵⁹ خوبیها و بدیها

مساکین و فقرا و اسرا توسط اهل بیت علیهم السلام، نازل
کرد و فرمود:

و يُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا، إِنَّمَا
نُطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا³⁶⁰

و به [پاس] دوستی [خدا] بینوا و یتیم و اسیر را خوراک
می دهند. "ما برای خشنودی خدا است که به شما
می خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم

﴿إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۲۲﴾

[سوره المطففين، ۲۲]

مسلمانان نیکان در انواع نعمت اند

امام باقر (ع) می فرماید: خود را به کار نیک عادت دهید و
از اهل خیر باشید تا به همین نشانه و علامت شناخته

³⁶⁰ انسان ، آیه ۹ - ۸.

شوید. من فرزندان و شیعیانم را به این برنامه فرمان

می‌دهم.^{۳۶۱}

قال الامام الكاظم - عليه السلام - : إِنَّ خَوَاتِمَ أَعْمَالِكُمْ
قَضَاءُ حَوَائِجِ إِخْوَانِكُمْ وَالْإِحْسَانِ إِلَيْهِمْ مَا قَدَرْتُمْ وَالْأَلَمَ
يُقْبَلُ مِنْكُمْ عَمَلٌ^{۳۶۲}

امام کاظم - عليه السلام - فرمود: همانا مهر قبول اعمال
شما، بر آوردن نیازهای برادرانتان و نیکی کردن به آنان
در حد توانتان است و الا (اگر چنین نکنید)، هیچ عملی از
شما پذیرفته نمی‌شود

قال الامام الصادق - عليه السلام - : مَنْ كَانَ فِي حَاجَةٍ
أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ الْمُسْلِمِ كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ مَا كَانَ فِي حَاجَةٍ
أَخِيهِ^{۳۶۳}

³⁶¹ بحارالانوار ج 46 ص 243 به نقل از خرائج راوندی

³⁶² «بحار الانوار، ج 75، ص 379»

³⁶³ «امالی شیخ طوسی، ص 97، ح 147»

امام صادق - علیه السّلام - فرمود: کسی که در فکر برآوردن نیاز برادر مؤمن مسلمان خود باشد تا زمانی که در فکر نیاز او هست، خداوند نیز در (فکر) نیاز وی باشد. (نیازش را بر طرف می کند)

قال الامام الصادق - علیه السّلام - : أَلْمَاشِي فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَالسَّاعِي بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ^{۳۶۴}

امام صادق - علیه السّلام - فرمود: کسی که در راه برطرف ساختن نیاز برادر خود قدم بردارد، مانند کسی است که سعی میان صفا و مروه به جای آرد

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله - : مَنْ مَشَى فِي عَوْنِ أَخِيهِ وَ مَنَفَعْتِهِ فَلَهُ ثَوَابُ الْمَجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ^{۳۶۵}

پیامبر اکرم - صلى الله عليه و آله - فرمود: کسی که

³⁶⁴ «تحف العقول، ص 303»

³⁶⁵ «ثواب الاعمال، ص 340»

برای کمک به برادر خود و سود رساندن به او اقدام کند،
پاداش مجاهدان در راه خدا به او داده خواهد شد

روزی شخصی نزد امام هادی علیه السلام رفت و اظهار
نمود که بدهی زیادی دارم و درخواست کمک کرد .

امام علیه السلام به او فرمود : من کاری را می خواهم که تو
انجام دهی ، و تو را قسم می دهم که امتناع نکنی !

گفت : امتناع نخواهم کرد .

امام علیه السلام کاغذی نوشتند مبنی بر اینکه این شخص
مبلغی از امام طلبکار است . سپس به او گفتند : وقتی
عده ای از مردم نزد من هستند ، این کاغذ را بیاور و طلب
خودت را از من بخواه !

او این کار را کرد و خلیفه هم بوسیله جاسوسانش
خبردار شد و کیسه ای پول برای امام علیه السلام فرستاد
و امام

علیه السلام هم آن را به او داد^{۳۶۶}

و درسهای دیگری چون:

درس بیست و ششم: دوری از حرام خواری

درس بیست و هفتم: دوری از حسادت

درس بیست و هشتم: اخلاص در عمل

درس بیست و نهم: شجاعت

درس سیم: صبر و استقامت....

ستارگان درخشان: ج 12، ص 35. ³⁶⁶